

UNIVERSAL  
LIBRARY

**OU\_228042**

UNIVERSAL  
LIBRARY

**BROWN  
BOOK ONLY**



OUP—880—5-8-74—10,000

**OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY**

Call No.

ف  
۹۵۷۵۹۶

Accession No.

P 535

Author

ت م

Title

تاریخ یادگار مکھن لال

This book should be returned on or before the date last marked below

---





## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد للرب العالمین و تحیات برگزیدہ مجر الصادقین بعدہ پیچران کہن لعل شاہ جہان پوری  
 بموجب حکم حکم صاحب جلیل المناقب غیب پرورد عدالت گستر عالم باہل کے علم قول و گفتار  
 متادای الحركات است و طبع صفا پیمائش چوں عقل اول مصروف اعتدال قوام  
 امر مزہ خواص و عام تنظیم الدولہ چارس شکلکف صاحب بہادر دام آقبالہ و عم نوالہ احوال  
 بلدہ فرخندہ بنیاد حیدر آباد مشکل برود آزدہ فصل بقید قسم آورد **فصل اول** مشتمل بر  
 کیفیت اولاد و احفاد میر قمر الدین خاں مخاطب باصف جاہ چین قلیج خان جاگم بلدہ ندو  
**فصل دوم** مشعر کیفیت امرای کیفیت ریاست آصفیہ از فرقہ اہل اسلام **فصل سوم**  
 در احوال فرقہ مہنود بلند گروہ ریاست مسطور **فصل چہارم** در کیفیت زمینداران علاقہ  
 فرخندہ بنیاد و شرح نظامت ایچپور و کیفیت منصبداران و آسامی جاگیر داران بقید  
 بقید پتہ آہنا **فصل پنجم** در تفصیل تعلقہ جات **فصل ششم** در کیفیت قلعہ جات **فصل ہفتم**  
 در شرح جاگیر داران ذات و جمعیت **فصل ہشتم** در القاب و خطاب سلیمین و مہنود کہ در عہد  
 غفراناب و رئیس حال لقب شدند **فصل نہم** بشوارہ جمعیت سیاہ و داخل و خارج ملک  
**فصل دہم** در کوائف افتخاران ہمدوی و عرب و غیرہ **فصل یازدہم** در عین مراتب ضروری ط  
**فصل دوازدہم** در خصائل و ردیہ اہل بلدہ مذکور **فصل سزدهم**

حسب ایماے صاحب شکلف من مفصل نوشتہم این اجسال

ہتے صرف کردہ ام ورنہ یک بیک اجتماع بود محال

سال تاریخ برزین سخن شده نازل ز آسمان خیال

مشعل ماه را کبف دارد نسخه یادگار مکن لعل

**فصل اول** در ذکر اولاد آصف جاه مرحوم سلسله خاندان میر قمرالدین خان مغلوب  
 به آصف جاه بدین متول است که جد اورش سعد الله خان وزیر اعظم صاحب قمر آل  
 شاه جهان و جد پدری او میر عابد خان سمرقندی بدله بخاری بن میر اسماعیل ملک العلماء بخاری  
 از اخفا و شیخ شهاب الدین سمرودی که عهد شاه جهان بادشاه دارد شاه جهان آباد شده  
 روانه حج بیت الله شده بعد از آنکه آرائی شاهزاده محمد قمر الدین اورنگ زیب از بیت الله آمده  
 بتدیج بمنصب پنججاری عزت امتیاز یافته بخدمت صدارت کل مامور بود در محاصره قلعه  
 گوکنده در سنه ۱۰۹۸ هجری کبیر از نو دوشست هجری بزخم گوله گوئی جان فشان بود محمد امین خان اعتماد  
 الدوله سپه خواجه بهاد الدین قاضی که برادرزاده نواب عابد خان میشود مشا را اله مذکور مع قمر الدین خان  
 در سلطنت بادشاه موهوب دارد گردیده بجایگرم جمعیت مقرر بوده در عهد محمد فرخ سیر شخصی  
 گری دوم باستقلال داشت و آخر به پایه وزارت قدم نهاد الا بعد خلعت وزارت اهل فرمت  
 نه داد و رایان نمود و در گذشت خلف عابد خان میر شهاب الدین رفت بمنصب مفت بزاری  
 باضافه فخره فرزندان بعد بر خطاب غاز الدین خان نام داشت که در صوبه داری گجرات و غیره بود و در  
 پدر بجای پدر خود جمعیت علمه داشت برافراشته و در سال ۱۱۰۰ هجری در کابل و در زمان سیر  
 وزیر جهان کوس رحلت فرمود و وقت تولد او میر قمر الدین خان که سال ولادتش نیکبخت بود  
 است بخطاب چین قیسلج خان و منصب پنججاری سمر بلندی و بعد در خطاب خان دوران د  
 صوبه داری او ده عرا امتیاز یافت در اول سال جلوس محمد فرخ سیر بادشاه بخطاب  
 نظام الملک و حکومت سبتهل مراد آباد مامور شده بعد از آن بصوبه داری مالوه سمر برافراخت  
 مید حسین علیخان وزیر از اختلاف مذاهب تغیری نظام الملک و طلب او بجهنور تجویز داشت  
 نظام الملک قصد تخیر کن پیش نهادیمت کرده ۱۳۲۰ هجری کبیر از او بکهدوسی و دو هجری

از مالوه متوجه دکن شد و بلده برپانپور از اوزرخان و قلعه اسپیر از طالب خان بصلح و موافقت  
 تدارک بدست آورد و ششم شوال همین سال با سید عالم علیخان برادرزاده حسین علیخان  
 مرحوم وزیر که به بصوبه داری اوزنگ آباد مامور بود محاربه افتاد و بعد که متشنان عالم علیخان  
 بر قلعه دولت آباد بصوبه اوزنگ آباد قاپلقن و متصرف گردید نظام الملک در ۱۱۳۳ هجری کبیر  
 و یکصد و سی و چهار هجری از دکن بشا جهان آباد رسید و بخدمت جمادای الاول بخلعت وزارت و  
 خطاب اصغیاه مخرج گردید و ضمیر وزارت و ایالت دکن بصوبه داری گجرات و مالوه علم ماموری بر  
 افزاخت حادثان عم خود را نایب نظامت گجرات کرده به مالوه مشرف و دینابت مالوه به  
 عظیم الله خان پسر عابدخان تفویض نمود همان سال بشا جهان آباد رسیده بجلد و حین کار وانی  
 مامورالطاف خسروانی شده بکن مراجعت کرد در ۱۱۶۶ هجری کبیر از دکن بصد و شصت و شش  
 هجری بصفه بصوبه داری بصوبه اکبر آباد و مالوه تفویض یافت نهم ذیحجه ۱۱۵۲ هجری کبیر از دکن بصد  
 و بیجا و دو هجری نادر شاه وارد شاه جهان آباد گشت و هفدهم ذیحجه ۱۱۵۳ هجری کبیر از دکن بصد  
 پنجماه و سه هجری غازی الدنخیاں پسر کلان خود را بعبده کلیل مطلق و بخشی گوی کل فوج  
 و نظامت خود در حضور محمد شاه گذاشت و خود بکن آمد میر احمد خان ناصر جنگ پسر  
 و بی که بنیابت پدید دکن بود اشرف در زید در ۱۱۵۴ هجری در سواد غرب رویه اوزنگ آباد  
 جنگ و آغوشه زنده دستگیر شد چند روز بزرگ لباس نمود و هفدهم ذیحجه بمقتضای ترحم  
 پسر پیش خود بطلبیده هر روز در بار بار داده آئین تربیت و آگاهی امور ریاست منظور  
 میداشت و در ۱۱۵۵ هجری در سواد بران پور اصغیاه و دیعت حیات سپرد و قبل از دو ساعت میر  
 احمد خان ناصر جنگ را در برونش آینه هفت و فصیح ارشاد و نمود اول بر شس دکن لازم است  
 که هرگاه سلامتی نفس ذاتی از جنگ و جدل و افزایش و تبادلی ملک خود خواسته باشد  
 باید که بامر شاه که زمین دار این ملک انداختنی دار و تا مقدور سر رشته آشتی را بر بریم نزنند و در  
 صورت لاجاری ناچار است دوم در انهدام بنی آدم که بنیاد ساخته رب العالمین است مامل بکار  
 بردوشل نوشته گندم و جو از میت که بر سال از کشکار روید مگر قوم را بقاصنی که تحمل او را خریطه

است توفیق نماید که او موافق شرع شریف هر چه حکم کند بجا آورد از حکم خود قتل نکند مومن  
 زندگانی خود و امور ممالک را منحصر سفر و اندوخت منزل نو در آب نو در سایه خمیر را در بر تیغ  
 حال از دست نهد که حق تعالی در کلام مجید فرموده است فی سبیل اللّٰه انما امرت انفسا  
 و بسا انتظام ریاست در جهان گردی است مگر وقت بقدر ایام حیا و فی ضرورت که جمیع  
 جانوران و انسان را در این ایام تکلیف میشود تعیین قی سپاه هم با و طان آنها منظور باشد  
 که قطع مثل نشود چهارم کارهای جمیع خلائق را محض از افعال الهی متعلق بخود است باید  
 که بعد ادای فرض و واجب اوقات عزیز خود را بمنظیم امور متعلقه تقسیم نماید و خود را بکار  
 نداشته محاسبه شبانه روز خود از امور دنیا و دین میگردد که باشند که عاقبت بخیر گردد  
 پنجم بشناسد که بنای دولت با همیاسن انفاس بزرگانست چنانچه در ابتدای تعلق  
 پادشاهی صدرت باین خاندان تعلق داشت و سن تا این وقت که زمان رحلت است توقیر  
 و تعظیم فرقه دعا گو که بدو آن لشکر غایبگانی آید از همه امور و جنوی مقدم بر سایر امور  
 ریاست دانسته است و اهمیت از فقر و غنا که باب الله اند میگردم و سبقت  
 در سلام که سنت محمد است بجا می آردم باید که همین شیوه بر خود مرعی داشته باشد  
 ششم زمین و آسمان از قدیم است و خلق الله هم قدیم پس در نیصورت زمین فقط حصه خود  
 ندانسته اطلاق حق کسی نمکند و آئین مورث ملحوظ داشته باشند مفهم و کن که عبارت  
 سلطنت از شش صوبه است این معنی از مطالعه تواریخ و وضع میشود که پیش ازین در هر  
 صوبه پادشاهی بود ذوی الاحشام مستقل لگو کجا از فرقه سپاه پرورش می نمودند الحال پنجم  
 زمین از عهد حضرت خلد در مکان بیک کس تعلق گرفته رفته رفته حضرت حق سبحانه تعالی محض بکرم  
 خود چندی من عاصی را عطف فرموده بر سر خلائق رئیس ساخته تا این وقت آنچه که پاسبانی خلائق  
 و کم و بیش قدر دانی مخلوق بود پرودا خستم سزاوار آنست که خبر گیری خاندان و ما مور بودن مردم  
 بکارها بر سر کار خود نوبت بنوبت چه از فرقه اسلام و همنود تبدیل سال بسال نهایت دو سال  
 از جمله واجبات دانسته می نموده باشند که دیگران محروم نمانند و سر رشته این کار چه از خود چه از پیش  
 روان خود پیوسته جاری دارند تا که درین مدت عمر این همه مردم را که هر واحد با اتفاق

بخواهر تازه ایست بی بها بلطف و عنایات جمع کرده ایم دور بیع حال قدریست از دست نداده است  
 و دست اینها برداشت نموده بیکار نذارید بکار لایقه مامور سازند هشتم برادران صغیر خود را بجای  
 فرزندان خود دانسته پرورش نپذیرد به تربیت آنها کوشش بیغ فرماید و از افزودنی قدر و منزلت  
 آنها خاطر سبذول دارد که غم خوار اند و از دل بدانند که این همه با قوت بازو تقویت ناموس اند هر گاه  
 مرفع حال خواهند بود هرگز زوال دولت نخواهند خواست و قیقت که اگر سنده و مظلسی باشد سلطنت  
 آصفیه را بجای لغت مخالفان جهت قطع زمین خواهند فروخت و بدایت محی الدین خانرا از جلد فرزندان  
 خود تصور نموده بشفقت و عنایات ازال خود گرداند و در صد شکست او نباشد گوش بر سخن  
 غمازان نهند و عوام اندل را در خلوت مجلس خود بارندهند که هیبت سلطنت را زیان دارد و  
 از غر و بارگاری بی حضور خلق خدا را برای تمام خواهند داد بیسم ادنی را بکار عمده و عمده را بکار ادنی  
 مامور سازند که نارسائی ادبی اعتنائی این کار را ضائع می سازد چه تقریر دیوانی به پورنچند که محض  
 آدمی بے رتبه بود از برائے اینکه امرای حضور قدر کار دیوانی بیادند داشته در هر امر تکالیف  
 شاقه میکردند نظریه نفس شکنجی و تادیب آنها و او را بر این کار مامور ساختم کافر ماوراست باشد که کفن  
 هر که باشد پورنچند آدم خوب و محصل زیر قیای سیرک از آئین بسین بعضی وصول می آرد اگر دو سه  
 سال بکار مامورده بحال باشد می شاید باز مختار اند و در همه حال یقین دانند که ریاست دکن موقوف  
 بر عالم بندگی و نوکریست بنیذ که آداب خل سبجائی را در بیج حال از خود فوت نکنند که از امر او  
 شکنجی عند الله ماخوذ و عند الناس مطعون خواهند بود چنانچه نادر شاه قهرمان ایران و قیقت که  
 در دلی رسید روزی بغرط عنایات ما را بعطای سلطنت خطاب کردنی الفوتتین  
 عرض کردم که مردم از قدیم اباعن همد نوکری پیشه ایم از نیعی ملک حرامی مشهور خواهیم شد  
 و حضرت را بدعوی و بدقومی شهرت خواهند داد از اینجا که ذات شریف سخن سنج بود محفوظ  
 شده آفرین گفت باز هم تا مقدر از خود در جنگ اقدام نکنند هر چند که جمعیت  
 طرفشانی قلیل و کمتر باشد غیرت الهی دلیری را نمی پسندد و ناممکن باید که برنج کوشد و چون  
 دانند که طرفشانی مباردت می نماید ناگزیر حق طرف خود قائم کرده بجزو التجاج اسمداد حق  
 سجانز تعالی خواسته بر مکان خود ثابت قدم و راسخ باشد و تا مقدر و وزیر سار

و بقصد جنگ نخواستند چرا که فتح بید اختیار اوست - دو اردو هم از باسیکه از فصل  
 لایزال و ذوالحجسال آنچه موجود ادم اگر قدم بقدم من گذاشته صرف نماید یعنی که طبقه  
 بطبقه و فاخواید کرد و الا زیاده از دوسه سال کفاف نه خواهد کرد - سیزدهم اینهمه خزانه که در کاب  
 موجود است از برای دلمجمعی سپاه بسیار لشکر مخصوص از بودن خزانه ساهوکار پیوسته آباد  
 می باشند و از آبادی اینها مخالف و لشکر خود بخود پریشان و متلاشی می شود الحمد للهِ از ابتدای  
 انتظام این دولت هنگام رحلت حق سپاه از سه ماه زیاده بر خود باقی نذارم - اما با وجود این از سپاه  
 خود آنقدر بر می رسم که از سپاه مخالفه نمی ترسم باید که در همه حال آنها را از خود بیدل نذارند که  
 بهر حال ریشق و باعلت انتظام دولت و ناموس اند - چهاردهم مقتضای بشریت امر تا  
 بایستی درین پیری از من سرزده حالاکه محل نوقراریانست از اینجا که مقدمه ناموس است  
 پس آن در همه حال قابل لحاظ که انگشت اعراض بلند نشود پانزدهم هم زار داران  
 و کتی همه قابل کشتنی و گردن زدنی اند و خصوص سرگروه این قوم دو کانوند یکی می مور و دیگر  
 راملاس که بر هم زن کاشانه صدساله اند و رقله محمد مکر قید کرده ام و رقیه داشتند آنها انتظام  
 دولت خود دادند هرگز از قید خلاص نه سازد و لفظ نیندخت خانه که در عالم شهر است عبارت  
 از قید کردن این مردم است - شانزدهم از مردمان برهانورا حتر از باید کرد که درین مدت  
 مکرر تجربه رسیده که مردم برهانورا و بیجا پور مثل مردم کشمیر اند از صحبت اینها تا مقدر  
 کساره کشتند مقتضای الحال بر دید مردم کارخانه را بر کارخانهجات مامور کشید و هر یک  
 را بتا کید و تقید تمام قائم سازند که مهلت از دوسه ساعت زیافه نمی شود شمارا بنجادی کریم  
 سپردیم هدایت نصیب باد و در همه حال نصیر مومنین شما باشد و سایه حق سبحانه افضال  
 خود را از سر شما بازگیرد و والسلام علیکم - قطع

برخیز که وقت افتراق است امروز با محنت و درو اتفاق است امروز  
 ای دیده رخ وصال دیدی بچند خون بار که نوبت فساق است امروز  
 محمد شاه بادشاه و قمرالدین خان وزیر اعظم پدر حسین الملک عرف میرمنور صوبیدار لاهور  
 و اصف جاه در بیست سال از جهان فانی در گذشتند موت شاه وزیر اصف جاه

انوارالدینخان گویا ماموی جددالاجاه حاکم چینا پٹن که از جانب آصف جاه قبل از یک سال مهم  
 کرنانگ مامور بود احوال شورش و فساد هدایت محی الدینخان دخترزاده آصفجاه از بطن محمد سلیم  
 که مشوب از متوسل خان بود که بانتظام صوبه بیجا پور متعین بود با اتفاق حسین دوست خان اهل  
 نوایت حاکم ارکاٹ که نمک حرامی و مفسدی در قوم نوایت مخمر است باموسی بهوسی قوم فرانسس  
 موافقت نموده برای دخل ریاست وکن باعانت موسی مذکور مرتکب حرکات ناپسندیده گردید  
 ناصر جنگ که قائم مقام آصفجاه بود در ۱۱۶۲ هـ دفع فساد کرنانگ اعانت انورالدین خان با فوجی  
 کرنا پهننت کرده خان مذکور را دستگیر نمود انورالدینخان در جنگ موسی مذکور حسین دوست خان  
 در ۱۱۶۳ هـ کشته شده ناصر جنگ تقریب رفاقت همت خان وغیره افغانه کرنول و کرپاک در  
 باطن از هدایت محی الدینخان موافق بودند بنا بران ناصر جنگ امیری لشکر جمعیت خود ملاحظه نموده  
 اراده رفتن نزد افغانه مذکور نمود نذر چند فیلبان گفت حال نمک حرامی آنها در مانعت در ترفیع  
 بردن ظاهر نمود لیکن از عدم تجربه فائده نه بخشید آخر وجه میان در ۱۱۶۴ هـ ناصر جنگ را بر خرم گولی  
 شهید کردند و هدایت محی الدین خان بجای ناصر جنگ قرار گرفت چون همت خان ایالتی  
 دیدیح ویکر افغانه سرسواری مقابل نمود هدایت محی الدینخان و همت خان هر دو کشته شدند  
 سید محمد خان صلابت جنگ پسر موسی آصف جاه بر مسند ریاست نشست راؤ  
 پنڈت بردحان عرصه خالی دیده مملک بر بانپور و بیجا پور متصرف گشت صلابت جنگ  
 مطلع شده در ۱۱۶۵ هـ مقابله نمود و پنڈت بردحان برهنه سرفراز شده جان بسلامت  
 بروخیام و احوال بسیار مردم موسی بهوسی که شیخون زده بودند بدست و آمد درین سال  
 غازی الدین خان فیروز جنگ برائے خصاص برادر عینی خود از افغانان در اورنگ آباد رسیده  
 والده صلابت جنگ بصنیافت او بزهر پرداخت همان شب غازی الدین خان شهید شد  
 در این اثنایر نظام علیخان پسر چهارم آصف جاه از صوبه براڑ باورنگ آباد رسیده حیدر جنگ  
 را که قتی خواهر عبداللہ خان وکیل موسی بهوسی مذکور بود نامبرده را بحمیمه خود طلبیده از جان کشت  
 سبب این بود که بسبب محیط شدن حیدر جنگ در امور ریاست وکن اراده این داشت که نظام علیخان  
 را که شراره آتشش می نماید قید کند الغرض در ۱۱۶۵ هـ نظام علیخان با ستمدا و فرط تدابیر سبب آنست

پسر نجیب حضرت آب که در این آردان بظاہر نام خدمت دیوانی داشت جمعیت فراهم ساخته به  
 بر با نیور رفته زیب النساء بیگم دختر قایم علیخان را در نکاح آورده سه لک روپیہ از ساہوان آنجا  
 قرض گرفته نوعی درستی پیاہ خود ساخته بود روانہ شدن موسی بہوسی یہ پھول چرمی وغالی شدن  
 میدان حسب الطلب بسالت جنگ مذکور باز آمدہ صلابت جنگ را برای نام بحال داشتہ  
 ہمہ سر رشتہ کار با اختیار خود آورد بسالت جنگ قبل از رسیدن نظام علیخان و سبب ہنگامہ سپاہ  
 و تقاضای طلب تنخواہ بہ دوینی را بچو کہ جاگیر او بود رفته بود نظام علیخان در سال ۱۰۵۰ صلابت جنگ  
 را بسبب نظر نمودن از مرہٹہ در قلعہ محمد آباد بیدر قید کردہ طلب فرمان شاہ عالم بادشاہ خطاب  
 آصفیہ بنام خود بر ریاست سلطنت صلابت جنگ را بہ قلعہ محمد نگر محمد جو خوشنرا ہمراہ نمودہ  
 مقید نمودہ در آنوقت فتح مند خان قلعہ دار آنجا بود حسب الحکم میر نظام علیخان محمد جیون خان مرہٹو  
 در سال ۱۰۵۰ صلابت جنگ را کشت در جلد ہی ہمان کار از قلعہ داری محمد نگر سرفرازی یافت  
 چنانچہ بعد از آن پسرش محمد عبدالرحیم خان قلعہ دار آنجا کردہ و بعد فوت آن کبیر خان است نبرہ  
 فرزندان حضرت منفرت آب بی بی بیگم صاحبہ کہ صبیہ نجیب اللہ خان والا شاہی بود در رسم نکاح  
 و شادی ایشان در او رنگ آباد شدہ خان مغزالیہ از اقربائی حمید الملک سعد اللہ خان وزیر  
 شاہ جہاں بادشاہ بودند ایشان لا ولد فوت شدند و از بطن سید النساء بیگم کہ از نسل سادات است  
 و نکاح ہم کردیدہ غازی الدین خان فیروز جنگ فرزند اول و میر احمد خان ناصر جنگ بہادر درویدی  
 و بادشاہ بیگم از بابا خان مخاطب بہ منصور جنگ فرزند بادشاہ بخارہ منسوب شد و محمد بیگم بہ  
 متوسل خان پدر ہدایت الدین خان و فیروز جنگ منسوب بہ زیب النساء بیگم صبیہ نواب تہر الدینخان  
 وزیر الممالک و بمشارالہیہ بود کشتہ شدن خان دور آنخان در جنگ بادشاہی مخاطب امیر الامرای  
 و وکیل مطلق و بخشی گرمی فوج سرفرازی داشت و ناصر جنگ منسوب بہ نواب بیگم صبیہ طرہ بازخان  
 یعنی روشن الدولہ و از بطن حضرت قدسیہ مخاطب عمدہ بیگم صاحبہ نواب غفران آب میر نظام علیخان  
 مرحوم و از بطن کر مرہ بانو بیگم صلابت جنگ بہادر و از بطن کھاسب بی بی بسالت جنگ و از بطن  
 تجستہ بانو مغل علیخان بہاند کہ از خواص ہاندز ہرہ بیگم میرا شنی و دیگر اسم دیگر بودند کہ اولاد  
 از بطن آنہا نیست و رسم شادی غازی الدین خان فیروز جنگ بطور پسر نخستین آصفیہ ہ

صلابت جنگ  
 یک سال و ہمسہ ماہ محمد جیون خان مرہٹو

سفرت مآب از زیب النسا بیگم صبیبه قمرالدین خان مغفور خلف نواب محمد امین خان بهادر است  
 که قمرالدین خان از شکم شوله پورگی بیگم پنج اولاد بودند سه پسر و دو دختر پسر اولین میر بدرالدین خان  
 و دیگری نواب نظام الدین خان خانانان که چندمی وزیر احمد شاه بادشاه گردید سومی نواب معین الملک  
 رستم هند عرف میر منو نام دختر آن زیب النسا بیگم و بدر النسا بیگم از بطن زیب النسا بیگم موصوفه  
 غازی الدین خان عماد الملک اندکه رسم شادی ایشان از عمده النسا بیگم صبیبه معین الملک بهادر  
 پسر قمرالدین خان مذکور عمل آمده است از بطن عمده النسا بیگم دو پسر متعلق جاه بهادر و قطب الملک  
 و نصیر الدوله بهادر از بطن گونا بیگم که بیگم مذکور از بطن سرس روپ طواف ساکن لکهنو و از بطن  
 بهو بیگم طواف از بچکانیهائے نور بائی حمید الدوله بهادر و از بطن قمر النسا بیگم خاتم که سیدانی  
 ذبی خاندان غلام محی الدین خان و خواجه محمد بخش خان و از بطن امینا خاتم غلام علی خان  
 و از شکم بیگما جو که همبرین قیاس است و از بطن مکتور گابین حسین بخش خان و معلی جاه و از بطن  
 خاتم خود و روانه خاتم نامی چهار دختر و یک فرزند دارند نام دختران گوهر النسا بیگم و ظهیر النسا بیگم  
 و امیر النسا بیگم و وزیر النسا بیگم ظهیر النسا بیگم منسوب از امجد علیخان فرزند سید امجد علیخان  
 و نام فرزند معظم الدین خان و از نواص پنج فرزند دیگر یکی میر ابوسعید و تیم میر امیر الدین تیم  
 میر برهان الدین چهارم میر فیض الدین و قطب الملک و یک دختر بنو بیگم و از بطن واصله خواشم  
 مخاطب عرف اچھی نامی دو فرزند فرزند گلان میر کرم الدین علی خان و خود میر نصیر الدین خان  
 و سه دختر آن در فشان بیگم و حرمت النسا بیگم و فاطمه بیگم و فاطمه بیگم و سطلی مسوره منسوب از  
 سید غرت علیخان پسر دومی میر امجد علیخان مذکور است و حرمت النسا بیگم سیدی نام زردکیوان جاه  
 بهادر شده بود بعد از آن به میر معظم الدین خان مذکور پسر معلی جاه و در افشان بیگم منسوب  
 به خواجه غلام نقش بند خان پسر خود بهادر الدوله بعد انتقال راحت النسا بیگم زوجه یعنی صبیبه  
 فرید و بجاه و انتقال عماد الملک مذکور در ۱۲۵۵ بر در کابل باه و ربیع الثانی شده است و فیض النسا بیگم  
 نامی صبیبه نواب قمرالدین خان منسوب بمیر قطبی صاحب و از بطن مومی ایها بیگم بیگم خواجه  
 قطب الدین خان در ۱۲۳۵ در گذشتند و ایشان منسوب به حاجی بیگم صبیبه عماد الملک  
 همیشه حمید الدوله مذکور و از همیشه حمید الدوله دو دختر یکی حسین بیگم منسوب از خواجہ نعمت اللہ خان

دویچی بند و بیگم که حمید الدوله بمیرزا محمد مثل منوب نموده بودند لا ولد فوت شدند و از شکم دیگر خواصان  
 خواجہ قطب الدین خان را دو فرزند و چهار دختر هستند و حمید الدوله را یک پسر بمیر غلام عبدالقادر  
 و یک دختر و نجی الدوله را سه پسر هستند و میر اعظم علیخان و میر اکبر علی خان و میر صدر الدین خان و امجد  
 علیخان دو برادر یکی خان معز و دویچی میر نظر علیخان که در مرشد آباد بمسجد خانسانا مافی منی بیگم  
 صاحب سرفراز بود در ۱۲۳۶ در مرشد آباد و دیت حیات سپرد و بیولا را با اذات میر امجد علی خان  
 مذکور هموائے دیہات جاگیر و وارزده ہزار روپیہ سال مبلغ ہشتصد روپیہ اصل و اضافہ است  
 در ماہیہ دو فرزند ان بچہ صدر روپیہ ماہوار مقرر ذکر اولاد و معفرت مآب آصفیہ مرحوم  
 میر احمد خان ناصر جنگ را سہ صبیہ بودند یکی با سہ حاجی بیگم منصور جنگ ولد خواجہ باباخوان  
 منسوب شدہ بودند و از بطن حاجی بیگم مسطورہ دو صبیہ یکے بنام وزیر النساء بیگم کہ بظامت خویش  
 برادر خانان بلخ منسوب شدہ بود یک پسر و یک دختر بیگم پادشاہ از بطن وزیر النساء بیگم زندہ است  
 و بیگم مذکورہ فوت کرد نظامت جنگ خویش منصور جنگ مرحوم و منصور جنگ خویش ناصر جنگ  
 شہید خلف مغرت مآب بودند و ناصر جنگ را سہ صبیہ یکی حاجی بیگم مسطورہ دوم بنام امانی بیگم کہ  
 بفرزند مثل علیخان مرحوم نام آور جنگ منسوب شدہ بود لا ولد فوت نمود و صبیہ سیوم بنام فرحت بیگم  
 منسوب بمعبد الہادی خان قصور جنگ ولد عوض خان خرد خویش مغرت مآب بودند و صبیہ  
 عوض خان کلان کہ پہ پیہ یعنی شوہر عمہ مغرت مآب صوبہ دار لاہور و برابر بودند و ناصر جنگ مرحوم  
 پسر نہ بود و ناصر جنگ مرحوم در ۱۲۳۶ از سو جا میان افغانہ موافق اشارہ ہمت خان و غنیرہ  
 افغانہ کر نول و کڑیا کہ بظاہر در ہر اہی ناصر جنگ و در باطن از ہدایت محی الدین خان موافقت  
 میداشت بزخم گولی شہید گردیدند و سعد اللہ خان ملقب بہ ہدایت محی الدین خان مظفر جنگ  
 ولد متوسل خان ہمیشہ زادہ نواب ناصر جنگ مرحوم بود و متوسل خان مذکور دو پسر داشت طاب  
 محی الدین خان و ہدایت محی الدین خان منسوب بسید شاہ بیگم لا ولد بود پسر کسی سید گرفتہ تہنی  
 نمودہ بود بنام حضرت اللہ خان ہدایت محی الدین خان مذکور بہ اعتقاد افغانہ بجائی ناصر جنگ مرحوم  
 بیایات قراریانت و بقاصد دو ماہ در جنگ ہمت خان دخان مذکور ہر دو کشتہ شدند منصور جنگ  
 و اما ناصر جنگ بود سیف جنگ بخشی گری رسالہ سایر و تعلقہ نگنڈ و دیور کندہ در عہد غفران مآب سرفرازی

یافته بودند جایگوشان نندگان و غیره ویهات بودید محمد خان صلابت جنگ پسر سوی آصفجاه  
 تجزیه سوی بهوسی برسد ریاست نسبت رسم شادی صلابت جنگ از عالی بیگم صبیبه میرسید محمد منصبدا  
 شده بود از شکم شان اولاد به عارضه عنین بهادر مغز بود و وزن حامله که با شکم آمده بودند بنا بر مصلحت  
 داخل محل کرده بودند و پسر و قیقه تولد شدند یا سه اولاد صلابت جنگ در مردم استنبار وادند هر دو  
 زنده اند یکی بنام قمرالدین خان محاطب به جنگی شانه زاده دودویی سرسراج الدین خان سرسراج الدوله از  
 میر قمر الدین مذکور عن بطن خواص دو فرزند یکی پسر دودویی دختر و از سرسراج الدین عن بطن خواص با  
 سه فرزند دو پسر و یک دختر پسر چهارمی آصفجاه میر شریف خان بهادر بسالت جنگ مرحوم شاد و  
 بعمل نیامده مگر خواصان که رسم این خاندان است از گوری بیگم نامی طواف بود از بطن آن اولاد  
 نشده بسالت جنگ مرحوم را از خواص با نه پسر و چهار دختر متولد شدند نام پسر کلان  
 مهات جنگ بهادر لقب بداراجاه غفرانآب منسوب به نقشبندی بیگم نموده در رسم جنگ  
 میر عظیم الدین خان بهادر غفرانآب منسوب بسلیمه بیگم در رسم یار جنگ بهادر بجهان آرا بیگم  
 صبیبه غفران منزل منسوب نمود و میر حمید الدین خان بهادر لا ولد فوت شدند و غیرت یاب جنگ بهادر  
 منسوب از ساجده بیگم صبیبه غفرانآب و از مرت النسا بیگم صبیبه منصور جنگ منسوب شد از ایشان  
 میر قوچ علی و قمر النسا بیگم و بدر النسا بیگم و بدیع النسا بیگم متولد شد و از سردار جنگ بهادر و از آسیا  
 جنگ و اسفندیار جنگ بهادر و شیر جنگ بهادر سپه سالار جنگ بهادر و صبیبه با مرتب النسا بیگم  
 و عزت النسا بیگم و بدر النسا بیگم و رشید النسا بیگم و بدر النسا بیگم و افریاب جنگ زنانه وضع در  
 محل خواص با داشتند پسران با اسم میر عزیز الله و میر فضل الله و میر بهادر علی و میر تهور علی و میر  
 بهروز علی با اسم وزیر النسا بیگم و شیر جنگ بهادر بتاریخ ۶ ربیع الاول ۱۲۳۳ هجری وفات یافت  
 بهادر مذکور از خواص با پسر با اسم میر بشارت علی و صبیبه با اسم قمر النسا بیگم و سعید النسا بیگم اند و در  
 ۱۲۲۶ هجری نقشبندی بیگم بسبب رویه بد با اشاره رئیس حال یعنی سکنه رجاه بهادر بقتل رسید  
 منجمه پسران پنج اسم غایت ۱۲۳۵ هجری بقید حیات اند و چهار پسران فوت شدند نام دختران  
 بسالت جنگ مرحوم رحمت النسا بیگم عرف بنحما و بیگم از محمدا لامر بهادر منسوب اند لا ولد صاحب  
 محاطب به بهو بیگم از عالیجاه خلف غفرانآب کتخدا شدند ولایتی بیگم از پسر سعادت النسا بیگم

مسمی خواهد حیات اللہ خان خیراتی صاحب بقدرت النساء بیگم صبیہ خواهد فیروز جنگ است منسوب  
 شده لا ولد فوت شد پیشی بیگم از نظام صاحب فرزند ممتاز الامرا بهادر شادی شده لا ولد غلام حسین خان  
 فرزند دارا جاه مرحوم عن ذات از بطن خواص و از بطن نقشبندی بیگم مسطورہ صبیہ باسم منور النساء بیگم  
 است و خیر النساء بیگم که بعد اللہ خان منغل برادر خان شیر از منسوب است و رستم یار جنگ  
 که بصبیہ غفر انما ب مسماة جهان آرا بیگم منسوب اول ۲۹ ربیع الاول بیگم مسطور و ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۲  
 معزوفات یافت پسر پنجی مغر تآب ہمایون جاہ عرف منغل علی خان بہادر کہ رسم شادی  
 با دلدین بیگم نامی ہمیشہ نظامت جنگ ولد خانان بلخ خویش منصور جنگ قطب الامرا بہادر است  
 بمیل آمدہ از بطن اولاد نیت از بطن خواص با ۱۲ پسر و ۱ دختر نام پسران نام آور جنگ بہادر  
 و شرف یار جنگ بہادر و میر نظام الدین خان و میر بہا و الدین خان و میر جمال الدین و خیراتی  
 و میر نور الدین خان کسم دختران اختر النساء بیگم و قمر النساء بیگم و ماہ بیگم و مجیدہ النساء بیگم و دولت النساء  
 بیگم و کبیرہ النساء بیگم و خورم بیگم از نام آور جنگ مذکور و اما فی بیگم صبیہ منصور جنگ از منغلی جاہ  
 منسوب شد لا ولد تضا کر عن خواص ہادر محل پسران میر ناصر علی و میر پرورش علی و میر  
 امام الدین علی از فیروز یاب جنگ بہادر مذکور عن خواص پسر باسم سراج الدین صبیہ ہا وزیر بیگم  
 عن نصرت یاب جنگ بہادر عن خواص ہا یک صبیہ باسم دلدار النساء بیگم و حیات النساء بیگم از  
 فیضاب جنگ بہادر مذکور عن خواص ہا پسر بنام میر بہادر علی و میر بہار الدین علی و غیرہ چہا پسر  
 و صبیہ باسم رحمت النساء بیگم از شرف یار جنگ بہادر مذکور عن خواص ہا صبیہ باسم لطف النساء بیگم  
 از میر فیاض الدین مسطور معظم النساء بیگم صبیہ منصور جنگ بہادر قطب الامرا بامالی جاہ منسوب شد  
 از ایشان دو صبیہ تولد شد پسران از خواصان عن خواص ہا بر ہانپوری بیگم و از مخرباب جنگ  
 بہادر مذکور کہ رسم شادی با امیرہ النساء بیگم صاحبزادی حضرت غفران تآب بمیل آمدہ فرزند  
 باسم نور الدین علی است از صبیہ ہا منغل علیخان مرحوم رسم شادی اختر النساء بیگم با خواہ ہا  
 خان پسر تقیہ بیگم بمیل آمدہ و قمر النساء بیگم از بندہ علی خان پسر خواہ باقیہ خان و ماہ بیگم  
 منسوب از خواہ نصیر خان پسر ماہ بیگم میر تہور علی خان متولد است رسم شادی کبیرہ النساء بیگم  
 از خواہ غلام حسین خان رسم شادی خورم بیگم از عبد الصمد خان ہمیشہ زادہ نواب منصور جنگ

تقرالدوله قمرالملک قطب الامراعالی جاه منسوب شد با اسم خواجہ شمس الدین متولد است پسر چهارم  
 مغفرت مآب میر نظام علیخان غفران مآب که در سنه یک هزار و یکصد و هفتاد و پنج هجری  
 بر ریاست تسلط شدند و در سنه یک هزار و دو صد و هجده هجری بتاریخ ۳۲ رجب الثانی کوس  
 رحلت از این جهان فانی فرد کوفت دو بیت در تاریخ سال تمیز غفران مآب و تهنیت جلوس  
 آصفیاه ثانی از سید محمد تخلص ایمان است **بیت**

هزار حیف ز عالم گذشت آصفیاه      هزار شکر که فرزند نامدار بماند  
 بگفت پیر فلک گرچه از نیستان رفت      در یتیم ازو بجز یادگار بماند  
 سواری خاص و خانم پاکه داشتند از زیب النساء بیگم نامی عرف بر بان پوری بیگم صبیہ خواحم  
 قلیخان مخاطب بمحترم الدوله که از منصبداران برادر پیکر بیگم خان بود رسم نکاح بعمل  
 آمده بر بان پوری بیگم مذکور بتاریخ ششم رجب الاول ۱۲۳۵ هجری وفات یافت در مملکت جنوبی  
 صاحب مقصل تمکیم بودے صاحب بموجب وصیت دفن کردند وزینت النساء بیگم صاحبہ در ۱۲۳۵  
 وفات یافت در کعبه مسجد دفن شد و جانی بیگم و سلطانی بیگم و غیره ازواج بسیار بودند۔  
 سلطان بیگم در ۱۲۳۵ هجری وفات یافت و عنایت النساء بیگم والدہ فرود بد و سخاوت مرحوم ہفتم  
 شوال ۱۲۳۵ هجری وفات یافت و بخشی بیگم صاحبہ مغفورہ زوجہ کلان را عرض جاگیر است کہ پسر د  
 راجہ گویند بخش بہادر است در سال تمام در صورت ہنگام پنج ہزار روپیہ در صورت غیر ہنگام  
 چہل ہزار روپیہ بوصول میر رسیدی و کینہزار و چہار صد روپیہ نقد و جواہر کہ راجہ چند و عمل بہا  
 در حین حیات تواضع کردہ بودند بندگان خالی حال کہ از وقت انتقال بیگم موصوفہ قبل از چہا ہج  
 سال جواہر قریب پانزدہ ہزار روپیہ کہ از نزد راجہ چند و عمل بہادر دہانیدہ بودند ہمیں قدر بہد  
 انتقال بر آمد باقی ہمہ جواہر عنایتی غفران مآب و نقد و غیرہ بمساکین و مشائخ و غیرہ بار ہا  
 تقسیم نمودند و ہمہ ہشتاد سالہ رسیدہ در ۱۲۳۹ ہجری انتقال نمودند و سکندر جاہ بہادر در فرزند می  
 شان بودند وقت انتقال ملاقات از بندگان خالی حال نشد مگر از قبل پنج و شش روز کہ ملاقات  
 شدہ حضرت خود و دلدار بہا نمودہ و از دست خاص نوشتند و کمن و پلنگ و غیرہ رو بہ روی  
 خود از پیشتر تیار داشتہ وصیت کردہ بودند کہ در مکان کعبہ مسجد پائیں غفران مآب دفن نمایند

و شاه میانه سفید بجز چو تره کج و دیگر ایچ لازم تکلف بنا شد چنانچه همین بمل آمد و غفران ماب  
 میر احمد خان عالی جاه مرحوم تولد مرحوم مذکور در سنه یک هزار و یکصد و شصت و شش هجری  
 بمل آمده است رسم شادی از صبیبه صلح بیگم صبیبه بسالت جنگ مرحوم مخاطب با اسم بهو بیگم  
 در سنه یک هزار و یکصد و هشتاد و شش بمل آمده و انتقال مرحوم مذکور در سنه یک هزار و دو صد  
 و ده هجری گردیده بیگم مذکور نیز فوت شد صبیبه با اسم عالم آرا بیگم منسوب بنا مدار جنگ  
 پسر مغل علیخان مشاّر الیه فوت کرد و ظهور النساء بیگم منسوب از خواجه نجم الدین خان مرحوم فرزند  
 خواجه شهید خان نبیره عیوض خان مرحوم صبیبه ظهور النساء بیگم مسطوره با اسم گوهر النساء بیگم  
 منسوب از خواجه داود علی خان پسر خواجه قلندر خان مرحوم مشاّر الیه فوت شد لا ولد پسر  
 دومی حضرت غفران ماب میر سبحان علی خان فرید و بجاه بهادر وقت انتقال عمر تخمیناً چهل  
 سال بود و رسم شادی بمل نیامده از خواصان فرزندان با اسم جهاندار جنگ که هفتم  
 رمضان ۱۲۳۲ هجری فوت شد و شجاعت جنگ از بطن جمیل النساء بیگم منصور جنگ از بطن  
 امتیاز النساء بیگم و میر حسن علی از بطن و لنواز بانو و صبیبه با اسم دلاور النساء بیگم منسوب بعلی اللہ خان  
 فرزند سعید اللہ خان مرحوم مذکور عموئے شکوه جنگ مقتول است و محمد بیگم به ظمیر جنگ  
 پسر جمشید جاه منسوب و سعید النساء بیگم بقیام الدین خان نبیره حیدر جنگ منسوب و  
 دار النساء بیگم منسوب بمظفر علی خان بهادر فرزند فخر النساء بیگم است و راحت النساء بیگم منسوب  
 بخواجه غلام فوجدار خان بهادر و چین آرا بیگم و دیدار النساء بیگم و دیده النساء بیگم از بطن حبیب النساء  
 بیگم از عبدالحق خان منسوب شده است مظفر النساء بیگم صبیبه کلاں از بطن امتیاز النساء بیگم  
 که فوت کرد از خواجه محمد یوسف خان بهادر پسر بهادر الدوله بهادر مرحوم منسوب و راحت این بیگم  
 از بطن کریم بانو بخواجه نقشبند خان منسوب و چین آرا بیگم از بطن روشن بیگم هنوز ناکتند  
 و محمد بیگم مذکور از بطن امتیاز النساء بیگم و سعید النساء بیگم از بطن امیر بیگم و داود النساء بیگم و  
 دلاور النساء بیگم از بطن جمیل النساء بیگم فرزندان مذکور هفت هزار و پیه ماهوار و نقد یا بند  
 پسر سیومی غفران کتاب ذوالفقار علی خان بهادر جهاندار جاه رسم شادی بهادر مغز عمل  
 نیامده در محل خواص با دارند عمر تخمیناً چهل و چهار سال از جهاندار جاه بهادر یک صبیبه متولدند

باسم تلج النسابکیم منسوب بحمین یاوردلوه پسر مختار الامرا بهادر و دیگر از جهاندار جاه بهادر  
 اطفال نیتند شمش هزار روپیه ماهوار مقرر است پسر چهارمی حضرت غفرانآب میر نظام علی  
 بهادر جمشید جاه مرحوم در سنه یک هزار و نود و هفت هجری متولد شدند و در سنه یک هزار و دو صد  
 و پانزده هجری انتقال کردند رسم شادی بعمل نیامده بود از خواص با فرزندان باسم ظهیر جنگ سبزه  
 و دار جنگ بهادر و سپه دار جنگ بهادر و ظهیر جنگ از بطن جمشید بانو و سپه دار جنگ  
 از بطن مهرخ بانو پسر پنجمین حضرت غفران آب و برادر حقیقی حضرت بندگانالی میر طمبور علیخان  
 بهادر اکبر جاه بهادر عمر تخمیناً چهل و دو سال رسم شادی بعمل نیامده در محل خواص با دارند  
 فرزند باسم میر بهرام الدین خان صبیہ بنام بلند اختر بیگم و جهان افروز بیگم شش هزار روپیه  
 ماهوار نقدی می یابند و فرزند دویم میر سعادت علیخان بسبب چپک از چشم محذور است  
 و بلند اختر بیگم بمر بست ساله از مصمام الدوله فرزند دویمی بندگانالی حال نامزده است  
 هنوز رسم شادی بعمل نیامده و جهان افروز بیگم هنوز ناکنداً فرزند ششم حضرت غفران آب  
 میر جهانگیر علیخان بهادر سلیمان جاه عمر تخمیناً سی و نه سال رسم شادی بعمل نیامده در محل  
 خواص با دارند والده حیات النسابکیم و دو فرزند یکی بخشو صاحب و دویمی بهادر و صاحب  
 و بهادر مومشش هزار روپیه ماهوار نقدی می یابند مگر حیات النسابکیم بقید حیات و از میر  
 تفضل علی پسر بندگانالی حال از بطن جهان پرورد بیگم صاحبه زوجه شادی پسر هفتم  
 حضرت غفران آب میر جهاندار علیخان بهادر کیوان جاه عمر تخمیناً بست و دو سال نسبت  
 شادی از صبیہ قطب الملک بهادر خلفه عماد الملک مرحوم مقرر شده بود هنوز شادی بعمل  
 نیامده چرا که اسطو جاه مرحوم بموجب حکم غفران آب بهادر سوزنا مبتنی خود نموده بود و رسم  
 شادی در التوامی ماند و در محل خواص بهادر اند فرزندان که تولد میشوند می میرند یک صبیہ بمر  
 یکسال دارند فقط مبلغ پنجاه روپیه ماهوار نقدی می یابند و در سنه ۱۲۳۰ هجری دو فرزند از خواص  
 متولد شدند پنج شش شش ماهه هستند فرزند دویم حضرت غفران آب بندگانالی  
 حال دام دولت و امیر اکبر علیخان بهادر سکنده جاه عمر تخمیناً پنجاه و دو سال از بطن تهنیت انتقام  
 صبیہ خواه محمد صلاح منصب دار عرف بنی فی صاحبه و بنی فی صاحبه موصوفه با کلام دختر نیت

رسم شادی بندگان عالی از حاج بیگم عرف جهان پروردگار صاحب عبیدیه مالی میان مخاطب بر سیف الملک پسر  
 ارسطو جاه مرحوم از بطن فرزند بیگم صاحب همیشه غیر الملک بهادری که رسم نکاح و غیره در مقام بیدر عمل آمد  
 و بعد آمدن ارسطو جاه از قید بونه شادی کرد و صاحبزاده با اسم میر تقیعلی علی ایلیخ تولد است و ششم شعبان  
 ۱۱۹۹ هـ است از میر تقیعلی علی مذکور بتاریخ غزه حبیب ۱۲۳۶ هـ از بطن عائشہ بی و صبیبه یک فرزند از بیگم  
 و بی بی صبیبه با و شرف الدوله پسر میر تقیعلی علیخان را دو همیشه با اسم غفور الشارک بیگم صاحب منگوره به موجب رسم  
 خاندان عالی صبیبه منصفه ارند از انبانی نقات و واقف کار به تحقیق رسیده که رسم نکاح بعمل نیامده  
 صبیبه بی بدل جنگ بهادری بهادری مذکور منصب دار قدیم نزد در اجاه بهادر برجیت دوسه هزار  
 متع برادر لازم بودند بعد وفات بهادر مذکور گل بانو ناز بیگم صاحبه موصوفه امش بخشی میگن صاحب  
 نوکر بود بدان سبب غمخواران باب بندگان عالی حال را علیحدہ فرمودند اول بهم صاحب موصوفه  
 را در خواستگی دادند پس آن از بطن فقیدت الشارک بیگم صاحب عرف چاندنی بیگم با اسم میر فرزند  
 علیخان بهادری ناصر الدوله کلان عمر بنیامی ساله که در ششده هجری بتاریخ هجدهم رمضان در قلعه  
 بیدر متولد گشتند بهادر مذکور را دو فرزند از خواصان تولد شد بودند فوت کردند رسم  
 شادی هنوز بعمل نیامده دو هزار سی صد روپیه مع اصل و اضافہ ماہوار نقدی مقرراست - فرزند بیگم  
 بندگان عالی حال میر بشیر الدین علیخان مصصام الدوله بهادر بعمر بست و هشت سال یک فرزند  
 یک دختر از خواصان دارند - تولد فرزند هفت دم رب ششده هجری فوت شد تولد صبیبت  
 و عقم رب سنہ الیه با اسم شہزادی بیگم از بطن سرو ناز بیو بعمر نوزده ساله و گیسٹا بیگم از بطن سنجاور بیگم  
 معمر دوسالہ مبلغ دو ہزار و سہ صد روپیه ماہوار نقدی مقرراست و فرزند آن با اسم سرو علی معمر یک  
 و نیم سالہ دیر قادر علی از بطن مسجری بیگم بعمر یکسالہ فرزند سوم میر گوہر علیخان مبارز الدوله بہادر  
 بعمر بست و شش سالہ مبلغ دو ہزار و سی صد روپیه ماہوار نقدی مقرراست یک فرزند و دو دختر از  
 خواصان متولد شدہ است تاریخ تولد ہم رب سنہ الیه دومی فضل الشارک تولد یافتند ہم رمضان سنہ  
 دو ہجری فرزند بیستم رمضان سنہ ۱۲۳۱ ہ در قلعه کوکندہ متولد شد فوت شد فرزند شصتین کہ بر در جنگ  
 متولد بنام میر شہزاد علی در سنہ ۱۲۳۳ ہ فرزند دویکم کہ در قلعه متولد شدہ بعمر دوسالہ موجودہ صبیبه ہائے  
 فقیدت الشارک بیگم صاحب موصوفہ با اسم جمال الشارک بیگم بیوہ تاج الدین خان مرحوم را منسوب بود

صلہ  
 معر بست شش سالہ و نادر الشارک بیگم معر بست سالہ  
 ناخداوند و فقیدت الشارک بیگم

و غیر از این

و کمال النصاریکم زوجة امتیاز الدوله بهادری از بطن بیگم مسطوره اولاد متولد نه شده و از بطن زلفت النسا  
 بیگم صاحبه که بی بی صاحبه ممدوحه بندگان عالی را داده و فرزند غریبی بوده اند میر محمد و یانچ اولادت  
 در ششم رجب سال ۱۲۲۰ هجری بمصیبه با هم سخت افزون بیگم لوب چهارده ساله تا گنجد اولاد از میر فیروز علی خلیف  
 عبرت یاب جنگ بن رسالت جنگ هم ذیحجه سال ۱۲۳۶ هجری متکوح شد از بطن یوبولدشاد کینز خضر النسا  
 بهم ۱۹ ساله تا گنجد اولاد از بطن یوبو چینی کینز میر منور علی یانچ تولد ۶ ربیع الاول ۱۲۲۱ هجری از شکم یوبود  
 میر فیاض علی تاریخ ۱۹ رمضان المبارک ۱۲۳۱ هجری از بطن زهره خانم میر دلاد علی یانچ تولد ۱۹ ار  
 جمادی الثانی ۱۲۳۲ هجری است از بطن مهتاب خانم فرزند تولد شده بود و بعد یکماه فوت شد  
 میر فتح علی از بطن نجیب النسا بیگم فقط - سه پسر حضرت عفرانآب کلان کی فخر الملت از بطن  
 فتحیاب الدوله مرحوم منسوب بود فتح یاب الدوله و ظفر یاب الدوله هر دو برادر و شقی پسران مرحمت خان  
 اولاد عومض خان مرحوم بودند فرزند با هم خواجه نظیر علیخان از اولاد النسا بیگم مصیبه میر سبحان علیخان  
 فرزندون جاه مرحوم منسوب و دیگر فرزند خواجه شجاع علی خان و خواجه دلاور علیخان و مصیبه  
 فخر النسا بیگم صاحبه موصوفه با هم عزت النسا بیگم از منور جنگ پسر که تا ز جنگ منسوب پوتی با  
 سلیمان بیگم نواسه یعنی پسران عشرت النسا بیگم دلدار علی و نامدار علی و کامگار علی مصیبه دویم حضرت  
 عفرانآب جهان آرا بیگم صاحبه از ششم یار جنگ بهادری فرزند رسالت جنگ مرحوم رسم شادی  
 پس عمل آمده هر دو فوت شدند - مصیبه سوم ساجده بیگم صاحبه نامی از غیرت یار جنگ بهادری  
 پسر رسالت جنگ مرحوم شادی و متکوح شد از بطن بیگم صاحبه موصوفه پسر با هم میر فیروز علی و مصیبه  
 با هم نسیب النسا بیگم منسوب پسر نظامت جنگ مرحوم مصیبه چهارم حضرت عفرانآب امیرالنسا بیگم  
 از فخر یاب جنگ بهادری فرزند منغل علیخان مرحوم رسم شادی بعمل آمده از بطن بیگم موصوفه پسر با هم  
 نورالدین علی صاحب مصیبه پنجم حضرت عفرانآب سیده بیگم صاحبه از ششم جنگ بهادری فرزند رسالت جنگ  
 مرحوم شادی گردید از بطن بیگم موصوفه یک دختر بنام دلارا بیگم متولد شد و مرد مصیبه ششم حضرت عفران  
 آبنی النسا بیگم از ششم لاهر بهادری شادی گردید بهادری فرزند کور فرزند بیگم صاحبه از ششم جنگ مرحوم که حیثت پانگاه  
 سوار و با جمله خشک هزار و در عوض تنخواه جاگدا از محاللات قریب بست و هشتت لک روپیه  
 فرزندان از بطن بیگم موصوفه فرید الدین خاں و رفیع الدین خاں و محسن الدین علی خاں و

در عشرت النسا بیگم

میرزا علی و صبیحہ با اسم بلقین مال بیگم و سراج النساء بیگم و سیدہ النساء بیگم صبیحہ مفتی حضرت غفران  
 ریاض النساء بیگم مرحومہ از خان شیراز شادی شد از لطن بیگم مرحومہ پسر نام میر عباس علی صبیحہ  
 با اسم بادشاہ بیگم و منور النساء بیگم صبیحہ ہشتم حضرت غفران مآب کہ از ہر مکان و اول بود شہنشاہ  
 صاحبہ مرحومہ کہ از جہابت جنگ مرحوم پسر سالت جنگ مغفور متعقد بود و شادی گردید از لطن بیگم  
 مرحومہ صبیحہ بنام خیر النساء بیگم کہ بیگم مسطور از عبد اللہ خان برادر خان شیراز منوب شدہ و خان  
 مسطور سہ برادر کلان خان شیراز محمد علیخان نام دادند برادر وسط حسین علیخان برادر کوچک محمد علیخان  
 پسر علی مردان خان مرحوم و از قضا سس خان مرحوم نبی عم کریم خان بوکیل از سلسلہ زیدیہ خان  
 ایران محمد علیخان مذکور از ولایت آمدہ ملازمت حضرت غفران مآب حاصل نمود و چند سے  
 ریاض النساء بیگم ہمیشہ فریدوں جاہ مرحوم منوب شدہ بدر ماہمہ دو ہزار روپیہ ہر فرزی یافتند  
 و برادر کوچک ایشان عبداللہ خان ماہوان نواب العین وغیرہ لو اتقی قریب دو ہزار روپیہ می یابند  
 و بسبب منوبی این دو برادر این شد کہ چون جہاں پرور بیگم بسکندر جاہ بہاد منوب گردیدند  
 حضرت موصوف در خانہ خود ذکر کردند کہ دختر شہیدہ سنی را گرفتن مناسب است از استماع این خبر  
 اسطو جاہ بہاد را این ہر دو برادر این ہر دو برادر سنی مقرر نمود و خان شیراز لقب دادہ خود رضامن  
 شدہ قسم کلام اللہ انہا از روئے اہمیلان سہ کار خورائیدہ بر ترکیب منوب کنانیدہ صبیحہ ہفتم حضرت  
 غفران مآب قمر النساء بیگم مرحومہ عرف کو بیگم کہ از خواجہ ہاشم خان منوب بود و خواجہ ہاشم  
 خان مذکور از لطن را بچہ بیگم صبیحہ نواب قمر الدین خان فرزند کہ از او شان سہ پسر تولد شد سلطان  
 خواجہ یوسف خان و دویم خواجہ ہاشم خان و سومی خواجہ جعفر خان اولاد خواجہ ہاشم خان مذکور  
 از لطن قمر النساء بیگم مسطور با اسم خواجہ عظیم الدین خان عرف خواجہ بادشاہ عمر تخینا سی سالہ  
 و از ند صبیحہ ہفتم حضرت غفران مآب کا بیلی بیگم از خواجہ بدیع اللہ خان ناطم جنگ منوب بود  
 خواجہ بدیع اللہ مذکور از انجا فراری شدہ در برہنہ پورا انتقال کردند بیگم مذکور بعد چند سے در بارہ  
 لا ولد انتقال کرد و یک صبیحہ ہائے غفران مآب کہ انتقال کردند مثل بدری بیگم کس طور دیگر نیز چہار  
 اسم خوانند بود۔ ذکر دختران آصفیہ چین قلیچ خان مغفرت مآب از لطن بیگم بادشاہ بیگم و محسنہ بیگم  
 از لطن سیدہ النساء بیگم بدر النساء بیگم ماہ بانو بیگم محبتہ بانو بیگم عرف خان بہادر کریمہ بانو بیگم عرف

کالی بیگم است شادی محسنه بیگم از متوسل خان شده فرزند با اسم هدایت محی الدین خان منظر جنگ  
 و طالب الدین خان و تاج النساء بیگم در پیورشش هدایت محی الدین خان شرمک بودند شادی  
 کریم بیگم عرف کالی بیگم از میرکلاں خاں لعل آمده فرزند مختار الامرا بهادر که به بختا و بیگم صبیبه بابت  
 جنگ مرحوم منسوب بود بهادر معز در حین حیات عفران نائب خطی به بیگم سلطان نوشته بودند  
 و قیتکه بیگم سلطان کشته شد خط مذکور از قلمردان او پیش صاحب عالیشان خشت جنگ بهادر  
 مغفور رسید مرحوم مذکور در حضور استفسار نمودند که مختار الامرا بهادر با اجازت حضور نوشتند  
 باشد خود بدولت بمقتضای وقت انکار فرمودند و غیر از اخراج مختار الامرا چاره نشد از آنوقت  
 بهادر معز در کلیانی قیام دارند و مختار الامرا بهادر بهفت پسر دارند از خواص یکم امتیاز الدوله بهادر  
 خویش بندگان عالی حال منسوب از کمال النساء بیگم صاحب اودی حضور که در نیولا از حرکات خود داخل  
 قلعه گوکنده بند بودند و بی حسی یا اور الدوله از صبیبه جهاندار جاه با اسم تاج النساء بیگم که فوت  
 شد منسوب بود میرکلاں نظام صاحب است از موقی بیگم صبیبه بابت جنگ مرحوم منسوب است  
 و باقی چهار پسران بهادر معز را شادی نشده است و ما در امتیاز الدوله بهادر بختا و بیگم نیت بهادر  
 معز متولد از خواصی است عمر امتیاز الدوله بهادر کلاں تخمیناً شصت و هفت ساله شده است تیاج  
 و هم جادی الاولیاء در قلعه کلیانی و ولایت حیات پسر خواجہ عبداللہ خان ترستانی قریب  
 فصد بار در گاه حضرت امام است یکی از اولاد مجاوران در گاه موصوف که در بند صورت بودند  
 سو و اگری می نمودند و قیتکه در حیدرآباد رسید عند الملاقات نواب مغفرت آب نامبرده را ذی خرد  
 صاحب استعداد کار کنی ریاست یافته مقرب خود ساخته از راه قدر وانی بخدمت دیوانی سفر فرزند  
 فرمودند مشا را لیرا هشت پسر و سه و دو صبیبه فرزند از زوجه اول یکم خواجہ عبداللہ خان دومی  
 خواجہ هدایت اللہ خان سومی خواجہ عنایت اللہ خان و از زوجه شکره دیگر که سه فرزند و دو دختر  
 فرزند کلاں خواجہ نعمت اللہ خان که منسوب همیشه میرکلاں خاں بود و صاحب جمعیت و عرصه فرزند  
 ششمین مغفرت آب روشناس دومی خواجہ سعید اللہ خان که چند ان بو شناس نبود بلکه درین  
 سرکار شکوه جنگ بهادر غیره خواجہ عبداللہ خان هم کاب نواب مغفرت آب از شاه جهان بود  
 بود و از نواب مغفرت آب هم قرابت نداشت از خواجہ معز شش فرزند کلاں خواجہ نعمت اللہ

شکوه جنگ و ماد کالی بیگم عرف کرمه بانو بیگم ہمشہ حضرت غفران آب از بطن صبیذہ بیگم مسطور  
 و سر فرزند کلاں خواجہ خلیل اللہ خان شکوہ جنگ کہ کشائیں راکشہ مقتول شدند و دویم خواجہ  
 خلیل اللہ خان کہ بقید حیات اند سونی حمید اللہ خان فرزند دویم خواجہ عبد اللہ خان مسطور  
 باسم سید اللہ خان از ایشان فرزند بنام علی اللہ خان بقید حیات اند سوم خواجہ عباد اللہ خان فوت  
 کردند چہارم خواجہ بدایت اللہ خان فوت کردند پنجم خواجہ نور اللہ خان فوت کردند ششم  
 خواجہ فیض اللہ خان فوت کردند شادی بادشاہ بیگم صبیذہ و مغفرت ماب بہ سید بادا خان  
 جد منصور جنگ مرحوم شادی نخبہ بانو بیگم عرف خان بہادر از سید نخل ولایتی کہ بعد شادی  
 روانہ ولایت شد جمعیت در پیرہ بندی رکاب حضور بر نورنگا عالی حال است بموجب  
 تفصیل ذیل -

مادر علی بیگ خان بار قادر علی خان بخش اللہ خان بار محمد جنگ بار سید رسول رسول خان بار

۲۰۰۰ نفر	۲۰۰ نفر	۴۰۰۰ نفر	۲۰۰ نفر
جو آناں بار موسی رہمو - آلا نواز جنگ بہادر سوار و بار - جعفر بار جنگ و غیرہ در علاقہ	۱۰۰۰ نفر	۳۰۰ نفر	۵۰۰ نفر
راجہ چند لعل سوار و بار و غیرہ - اکبر بار جنگ - شہر بار جنگ بہادر سوار و بار - حاجی ملیا کر و بار	۵۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰ نفر
نقشبندی خان سوار و بار - بندہ علی خان - ضیاء الدولہ سوار - حال جدید وزیر علی خان	۵۰ نفر	۵۰ نفر	۵۰۰ نفر
سکندر علی خان بار گیر عبد اللہ خان سررشتہ دار راجہ نذر ام سواران پائیگا - تعداد	۱۵۰ نفر		

جمعیت نیز الملک بہادر شمس الامرا بہادر و غیر کم و بیش ازین کم نیست -

فصل دوم مشخرفیت امرائے ریاست آصفیاء از فرقہ اہل اسلام و کیفیت نواب

میرالکملک بهادر ولد غیور جنگ بهادر بن شیر جنگ مسطور شیخ حیدر نام از قوم نوآئینزاده  
 ملازم آصف جاه بهمه خدمتگاری در کمن بود چون در آمد آمد نادر شاه حضرت آصفجاه ملازم  
 دلی شد ندر کر نال بعد فوت خاندور انخان پیش نادر شاه برو کرد رویه صلح نموده روز دیگر  
 ملاقات محمد شاه باوشاه و نادر شاه کردند امیر الامرو وکیل مطلق بغیر و جنگ خلف آصف شد  
 بنا بر علیه برهان الملک آتش افروزی ساخته اول آصفجاه و محمد شاه قمرالدین خاں را مقید  
 کنانیده دلی را غارت کنانید و آن قید این شیخ حیدر مذکور در گاه قلی هر دو خدمتکار در رفاقت  
 بودند و روز قتل دلی آصفجاه که در خانه برهان الملک بودند از انجا رفته بر نادر شاه استمالت نموده  
 موقوفی قتل کنانیده در الوقت هم این هر دو رفاقت دادند نظریں هر دو را خطاب خانی دهنده  
 شیخ حیدر را حیدر یار خاں و در گاهی زادگاه قلیخاں و عطای سوار و یک یک صد رویه  
 ماهوار مقرر فرموده مقرب داشتند بعد از آن در عهد میر سید محمود خاں صلابت جنگ خدمت  
 دار و علی فیلیخانه داشتند بعد به صوبه داری اورنگ آباد در عهد غفران ماب سرفرازی یافتند  
 رسم شادی غیور جنگ ولد میرالکملک بهادر از بچگی صبیبه در گاه قلیخاں محل آمده از بطن بیگم  
 مسطور چهار پسر و دو دختر متولد شدند نام پسران محمد تقی خاں اکرام الملک بهادر و بهادر و معز را  
 اشجع الملک بهادر و امین الملک بهادر و دو دختران مذکور یک نفر زنده با بیگم سکنه حجت  
 بنیاد سسی میر سید و صاحب منکوح بود و وی فاطمه بیگم عالی میاں سیف الملک پسر اسطوخارم  
 منسوب بود هر دو فوت کردند و در عهد غفران ماب بخدمت دیوانی بادشاهی سرفرازی یافته بودند  
 چنانچه حال بر بهادر معز بحال است مدت انتقال غیور جنگ مرحوم سی و یک سال شده و شیر جنگ  
 مرحوم بجز چهل و شش سال در گزشت و رسم شادی میرالکملک بهادر از صبیبه با بیگم میر عالم  
 مغفوریه محل آمده بهادر و معز چهار پسر از هر دو وجود دارند از زوج حسین صبیبه میر عالم مغفور بنام  
 عبداللہ صاحب که در فرزند زوجه مغفوره مذکوره دادند ازین سبب میرالکملک بهادر بر مال  
 و اموال و اکنه و تالاب و واکا کین بنا کرده میر عالم مغفور قابض و متصرف اند و از بطن شادی  
 دویم صبیبه مغفور بنام محمد عالم علی و غیره اند و از بطن خواص مقدر صاحب از هم فرزندان کلان  
 تراست منجه چهار فرزندان غیور جنگ مرحوم اکرام الملک و اشجع الملک از قید حیات رزگرتند

جمعیت غیر الملک بہادر چہار صد سوار و دو صد با جمعیت امین الملک بہادر سیصد سوار جاگیر و  
 یکصد سوار نگہداشت و ذروغلی یکصد زنجیر فیل و سی و بیج چہار شتر از حضور شاہ گانعالی دارند  
 و تنخواہ از حصہ کہ سپرد تاجارام نائب بہادر مغز است بابت خرچ و خوراک فیلمان و شتران  
 از انجمنی یا بند و ابدالاباد کہ در جاگیر سواران است وصول آل قریب سہ لک روپیہ ظاہر  
 سواران ندارند و جاگیر مغز مند سوائے آل یکصد سوار نگہداشت مذکور را جاگیر اورانوز  
 قوال و دیگر گنہ جنوارہ است و کیفیت سواران مذکور این است کہ گاہی در نوکری سرکار فرستند  
 سوائے آل جاگیر ذات وغیرہ دارند و عنبر پیٹھ و اوہل ہر دو موضع جاگیر جہاں پرور بکم حصہ  
 بہادر مغز تفویض است و امین بہادر و فرزند داشتند و یک صبیہ کی حسن یا والدہ لک گناہ  
 اطلاق و جاگیر و از حضور پر نور نویا بند بودہ اند بتاریخ نسبت و چہارم ربیع الاول ۱۲۳۶ ہجری  
 شراب مرد و دومی پسر بہادر مغز در گاہ قلیخان کہ بعلت مشایخ مشہور اند موجود - صبیہ بہادر مغز  
 با قلیخان بہادر پسر طالبا لدولہ مرحوم منسوب و نواب غیر الملک بہادر جاگیر و جمعیت خود  
 یہ گنہ کو دیکل دارند و دیگر جاگیر ذات بہادر مغز متفرق دیہات ہستند و سوائے امین را  
 چند وعل بہادر بابت تحریر شش لک روپیہ میدہند - کیفیت شہر یار الملک بہادر - بہادر  
 برادر زادہ مظفر الملک بہادر ولد حسین علیخان ہر دو برادر حقیقی یا لیکر بیکین ملی در وقت غلام  
 خاں آمدہ ملازم حضور پر نور شدند و بہ جمعیت و ملک کردہ پسر فرامی یافتند در آل ایام سبب  
 شہر یار الملک بہادر را از آمنہ السلام بیگم صبیہ خلف غلام سید خاں مرحوم کہ از زوجہ نخستین  
 بودہ باشد و بہادر مغز سہ برادر حقیقی اند تصور الدولہ و احمد علیخان و بہادر مغز و ہمیشہ کلان  
 صبیحۃ اللہ خاں قلندار را بتکلیف منسوب و ہمیشہ خود بہ محکم جنگ برادر اشرف الدولہ منسوب است و  
 جمعیت بہادر مغز چہار صد و شصت سوار و یکصد و ہفتاد نفر بار و در جاگیر جمعیت و ذات قریب  
 پنجاہ ہزار روپیہ و تخمہ نگہداشت بہادر مغز الیورمانڈور سوائے حصہ بیکین ملی سہ لک پنجاہ ہزار  
 روپیہ تخمیناً وصول مقرر است سوائے امین بیج خدمت از سرکار فرست و مظفر الملک بہادر را  
 در بیکین ملی حصہ جاگیر بود و در ملی مذکور حصہ شہر یار الملک بہادر و منصور الدولہ نیز بہت تقسیم  
 آن در خانگی کردند لہذا تفصیل آن معلوم نہ شد و قبیکہ تعلق کردہ بہ از مرحوم متوقف شد

جمعیت هم موقوف شد بعد انتقال غلام سید خاں مرحوم دو صد سوار و باور ماهه ذات  
 بودند مرحوم فرزوار میر ابوالقاسم بی ادای آنها که نمودند پس از فوتی جمعیت و در ماهه ذات  
 شده روانه بیگن بی شد پادشاه یار الملک بهادر او فرزند دوسه دختر فرزند گلخان بی نام  
 رونق علیخان که سنده جاگیرات و جمعیت از سرکار بنام اوست و دویم عباس علیخان و از دختران  
 مذکوره دو دختر بدو فرزند برادر خود غلام علیخان و منصور الدوله سنوب و یکی بفرزند احمد علیخان  
 ستوقی نامزده است - کیفیت غلام سید خاں مرحوم مخاطب بار سلطوحاه ولد فرزند خان بن  
 دیوان حسن محمد خان قوم مندل گیانی از نسل نوخیز و ان عادل متوطن قصبه سمانه منصف  
 چنگه سرهند و دیوان مذکور دو برادر بود یکی دیوان حسن محمد خان و دیگری محمد قاسم خاں که از  
 اولادش خان نوالا امیر اباد راست پدر غلام سید خاں مرحوم بیجا ره رویه شایسته اربابان بود  
 مولد ارسلوحاه مذکور را پنجپور راست و نیز تولد غلام مرتضی خاں سیف الملک عرف معالی میان  
 فرزند ارسلوحاه مذکور را پنجپور شده هر گاسیکه در دیوانی رکن الدوله غلام سید خاں سلطوحاه  
 اوست و پاکر ده بودند و از بلده بهتر تقریب برمی آمدند لهذا رکن الدوله میر موسی خاں مرحوم ارسلوحاه  
 را صوبه داری اورنگ آباد داده از حضور باشی موقوف نمودند آنوقت متعلقان ارسلوحاه  
 از پنجپور در اورنگ آباد آمدند بعد چهار سال از صوبه داری اورنگ آباد موقوف نموده  
 حکم حضور شد که در قلع او سه باشند و به حضور حاضر نشوند بموجب حکم در قلع او سه متعلقان  
 سکونت نمودند بعد انتقال رکن الدوله خان مرحوم سلسله جنیان از وقار الدوله که وکیل ظفر الدوله  
 ابراهیم بیگ مخاطب بفاضل بیگ خاں بود شده آمدند وقار الدوله که تنگ مزاج بود و از ظور  
 ایشان آگاه شده اخراج کرد بعد اخراج خاں مرحوم زلفظ الدوله ریش و دیوانی کرده پیام  
 و کالت نمود که بطور و کالت خود را در حضور بر نور مامور سازند ظفر الدوله نیز از اطوار خان مرحوم  
 واقف بود انکارات کرد و لیکن دولت رائے نانی مقصدی خاں ظفر الدوله را چینه توضیح  
 کرده و کالت و روانگی خود در حضور بر نور قرار داده عرضی ظفر الدوله در حضور بر نور گنایند که  
 غلام سید خاں را بطور و کالت خود مامور میسازم که از حضور بر نور جواب ارشاد شد که  
 این محسن کش است شما جز این را باین عهد مامور سازند بران هم باز عرضی عذری

فرخ خان خاں سلطوحاه بقصداری او سه فرزندان و دو پسر از او در این غلام سید خاں مرحوم

از نظر الدوله نویسیانیده که این قابل حضور باشی است در آن هنگام وقار الدوله خود گشته استقال  
 نموده بود بر اچه رائے رایان و زانایندت و شمس الامراء مرحوم بر سر عرصه بودند حضور پر نور عرضی  
 نظر الدوله به شمس الامراء مرحوم عنایت کرده استفسار فرمودند که این طور در حق غلام سیدخان  
 نظر الدوله می نویسد شتایه صلاح عرضی میسازند مرحوم مذکور عرض کردند که غلام از حضور علاقه دار  
 کسی آید یا نیاید خود را بیج سر و کار نیست هر چند که رائے رایان به مرحوم اظهار کردند که طبع آمدن  
 خان مرحوم نشوند لیکن موثر نشد و موافق عرضی شمس الامراء بهب در طلب خان مرحوم شد و از  
 حیل و کالت که آمدند تسلط شد نزد یوانی با ایشان قرار یافت چنانچه از هن ترد و ایشان در  
 ۱۲۱۵ هجری یک لک روپیه سالیانه از سرکار عظمت دارم قرار یافته بود و در قلعه اوسه قریب  
 هفت سال مانده بودند از نیموج قلعه اوسه را با شمع جنگ عرف و لایمیان که برادر حقیقی  
 خان مرحوم بود سپرد شد و از لایمیان چند پسر بقید حیات اند و شادی غلام سید خان مرحوم از نواب  
 بیگم دختر بهوی میان پدر گھاسی میان بهمل آمده است دیک پسر بنام معالی میان متولد شد  
 شادی بهشیره زاده نواب بیگم مسطوره از منظم الدوله بهمل آمده دو پسر دارن دیک رضاعلی دوم  
 محمد قی بنور رسم شادی هر دو نشده عمر منظم الدوله تخمیناً ۵۵ سال بهادر مذکور ولد گھاسی میان  
 ابن بهوی میان که پیشتر قلعه دار قلعه دولت آباد و خدمت داغ رساله معالی میان غلام سید  
 خان مرحوم توفیق نموده بودند بعد موقوفی صرف بقلعه داری دولت آباد از حضور غفران مآب  
 سرفرازی داشتند و شادی معالی میان مذکور از بهشیره نواب میر الملک بهادر نجاب  
 بفرزند بیگم بهمل آمده بود فاضلی بیگم نجاب بجهان پرور بیگم صاحبه محل شادی بندگانی  
 حال از بطن فرزند بیگم مسطوره است آمنه اسلام بیگم از بطن خواص معالی میان است شادی  
 بیگم مسطوره از شهباز الملک شده است غلام سید خان مرحوم یک طوائف مشهور با اسم سرور افرا  
 بیگم نیز داشتند چنانچه سرورنگر بنامش آباد کرده بودند — — بعد استقال از مسطوره  
 مرحوم بعد چند سال بیگم مذکور نیز فوت کرد و هر گاه که معالی میان فوت کرد و غفران مآب  
 وار مسطوره را بسیار بیقرار و متوهمش کیوان چاه را بفرزند بیگم سید خان مرحوم دادند و خان  
 مرحوم نسبت کیوان چاه بهادر از رحمت النساء بیگم صبیبه قطب الملک بهادر خلف عماد الملک بهادر

مرحوم به عین حیات خود نموده بودند چونکه خان مرحوم انتقال کرد رسم درالتوا تدا و اولاد دار  
جاه مرحوم هیچ نیست گمرا آل دارد -

### کیفیت وقارالدوله مرحوم

وقارالدوله نصیب یار خان چندان در خصوصه نمود مگر وقارالدوله اول در مصاحبین رکن الدوله  
بصوبه داری بلده فرخنده بنیاد و نیز سرفرازی یا قته بود بعد انتقال رکن الدوله در مزاج غفران  
آب دحل یافته اکثر امورات مدارالمهای اش از ناندین غلام سیدخان مرحوم اجرای می نمودند  
در ۲۹۶ هجری خود را انتقال کردند - کیفیت ضیاالملک بهادر ولد منتظم الدوله منتظم جنگ  
ابن ابوالفتح خان که برادر گلان احسن الدوله کینا ز جنگ که در عهد حضرت غفرانکاب چندی  
دیوانی عالیجاه مرحوم نموده بودند و در عهد صلابت جنگ تاشکشاہ وقتیکه شاه نواز خان  
خان نشین شدند ابوالفتح خان مسطور سرانجام دیوانی دادند و منتظم الدوله بهادر پد رضیاالملک  
از جاگیر پنجم اروپیه سرفرازی داشتند نام زوج منتظم الدوله بهادر فرحت النساء بیگم چهارم  
شهبان ۲۳۱ هجری انتقال کردند رسم شادی ضیاالملک بهادر از نصیب احسن الدوله کینا  
جنگ شده در اولاد بهادر مغرب اسم ضیاالملک بهادر بیعت ساله یک فرزند داشت  
ضیاالملک بهادر رسم شادی از نصیب طالب جنگ ولد حق الدوله شده یک پسر بهر مقتده ساله  
و اند رضیاالملک بهادر از سرکار پنجاه سوار اند در وقتیکه غلام سیدخان مرحوم به پونا رفتند و بعد  
آن مختار الامر بهادر چندی در مصاحبت حضور نور ماندند با استصواب بهادر مغرب  
حسام الدوله ولد به نظیر جنگ بهادر بخدمت عرض نیکی سرفرازند چنانچه تا حال همان علاقه  
سرفرازند در ۲۳۱ هجری که ضیاالملک بهادر برای شادی دختران خود به چینا پلین رفتند با  
فرزندان عظیم الدوله شادی کردند و گانعلی ناخوش شد علاقه عرض نیکی موقوف کردند ۱۳۳۱  
جمادی الاول ۲۳۲ هجری ضیاالملک بهادر رحلت کردند کیفیت شیخ ابوالخیر خان  
متوطن شکوه آباد که در هندوستان واقع است از سفر بر با پیور همراه مغفرت آب رقیق  
شدند غرت و اعتبار بسیار بود در اولاد او شان فرزند گلان ابوالبرکات خان فرزند خود  
ابوالفتح خان بعد انتقال والد خود ابوالفتح خان از خطاب ابوالخیر خان بهادر در تیغ جنگ شمس

شمس الملک مخاطب شدند همیشه امجد الملک بهادر منسوب شد و از بطنش فتح قهر الدین تولد  
شدند و از عنایت حضور به خطاب شمس الامرا شمس الملک بهادر سر فرزی یافت حادی  
ایشان از دختر غفران مآب بشیر النساء بیگم همشیره فریدون جاه بهادر گردید در اولاد شیخ قهر الدین  
خان چار فرزند کلان فرید الدین خان دوم بدرالدخان فواص زاده سیوم رکن الدین خان چهارم  
امیر الدین خان عمر شمس الامرا بهادر تخمیناً سی و نه سال جمعیت یا نگاه سوار و بار جمله شش هزار  
و در عوض جا نداد تخواه از محالات قریب است و بهشت لک روپیه مقرر است و بر گناست  
جا نداد نار کن کتله و گلگیر که ان گنجی و بهجاکلی و غیره دارند و در صوبه بجای پور و صوبه اورنگ  
نیز جا نداد متفرق است کیفیت امجد الملک بهادر شیخ رحیم الدین بخطاب محمد امجد خان  
سر بلند جنگ امجد الملک رفیق و اقربایان تیغ جنگ اند بعد انتقال شمس الامرا بهادر از کارزاری  
شمس الامرا حال سر فرزند عنایات بندگان عالی غفران مآب بر احوال امجد الملک از باعت  
حاضر باشی که روز و شب بر دژ پوری حاضر میبودند زیاد بود و انتقال نمودند فرزندش سیف ملک  
و امام الدین خان و سردار علی موجود و تمامی احوالات جاگیر و غیره سرکار شمس الامرا بهادر  
متعلق دارند عمر امجد الملک مرحوم و قسماً انتقال تخمیناً هفتاد و چهار سال سیف جنگ بهادر  
یسرا امجد الملک بهادر جاگیر پنجاه هزار روپیه از سرکار بندگان عالی و شریک جاگیرات شمس الامرا  
اندر کیفیت میر عالم مغفور - میر رضی نشو شتری در عهد حضرت غفران مآب از رنگ  
خود در بلده فرخنده بنیاد داخل شدند و تمام ایرانیان مثل رکن الدوله مرحوم در  
حضور سبزه معروض ساختند که میر رضی شخصی از ایران آمده است قابل و در علم عربی بسیار  
مهارت دارند از راه پرورش جاگیر سه هزار روپیه در پرگنه پلن چرو سر فرزی یا بنده حضرت  
بندگان عالی پاس خاطر رکن الدوله بهادر از جاگیر مذکور سر فرزند فرمودند میر مذکور راد و فرزند  
یکه میر ابوالقاسم عرف میر عالم بهادر و دیگری میر زین العابدین که در سرنگ پلن در سرکار شیو  
سلطان ملازم بود میر عالم برادر میر دوران آخر عمر خود از وکالت پبایه دیوانی و مدار الهبانی  
رسیده انتقال نمودند الحال بعد از آن صاحب فرزند غیر الملک بهادر در فرزند می صاحب  
مغفور اند فرزند میر زین العابدین میر امام خان حاضر اند میر عالم مغفور پیشتر بمده وکالت

سرکار دولت مدار سر فرزند بعد انتقال از سطوح جاه مرحوم بعد مدار المهای امتیاز یافته اند و  
 دختر داشتند هر دو به غیر الملک بهادر منسوب شدند هر گاه دختر نخستین انتقال نمود دختر دو  
 یکی قرار یافت چنانچه در ذکر ایشان پیشتر گزشت کیفیت اعتراف الملک به مادر  
 میر کاظم با شده مجتبه بنیاد بود و حساب قلعه خام دولت آباد داشت در عهد عفرانان به حسب  
 رکن الدوله بر عهده فتنی گری حضور پر نور سر فرزنی یافتند خدمت فتنی گری از عرصه سی و نه سال  
 و بی کیفیت اعتراف الملک بهادر شهاب جنگ میر رضا علی شهاب جنگ برادر اعتراف الملک  
 فتنی در رفاقت نواب صلایت جنگ از قلعهداری دولت آباد سر فرزند میر حیدر خان  
 که نام اصلی فتنی مسطور است در حضور بند کافعی ملازم گردید و سر انجام امور فتنی گری با انتقال  
 فی نمود حضرت بندگان عالی به خطاب اعتراف الملک بهادر سر فرزند فرمودند غلام سید خان  
 بعد آمدن پونا کار فتنی گری حضور از اسماعیل یار جنگ میگرفتند بعد انتقال غلام سید خان  
 مرحوم میر عالم مغفور امور فتنی گری حضور از اعتراف الملک بهادر گرفتند الحال از باعث منفی  
 بهادر مغز استیفا داده رشید واله فرزند کلان خود را در حضور باشی مقرر نمودند و از اعتراف  
 الملک بهادر پنج فرزند اند کلان رشید الدوله بهادر که بر کار فتنی گری و قلعهداری دولت  
 مهور و شادی بهادر نگور از دختر سر فرزند الملک بهادر رشید دو فرزند از ندیجی میر حسین  
 و ویجی میر صادق علی پسر وی اعتراف الملک وحید الدوله قلعهداری قلعه پرنیاد سر فرزند  
 و از دختر غلام حسین خان شادی گردید یک فرزند موسوم به میر غلام حسین دادند موسی عباس علیخان بهادر  
 شادی بهادر مغز از دختر اتقار الملک بهادر گردید یک فرزند بنام میر احمد علی دارند چهارمی میر ابهریم  
 علیخان از قلعهداری قلعه بهاتره ممتاز از دختر سلطان فواخان منسوب پنجمی دلاور علیخان انتقال  
 نمودند شادی مرحوم نیکو از دختر میر ابوتراب گردید و فرزند کلان میر محمد صالح و فرزند خود  
 میر الف علی از قلعهداری قلعه بیبال باری سر فرزند اعتراف الملک شازده میثقال ۱۳۳۶ هجری  
 قضا کردند رشید الدوله اجزای کار فتنی گری و عباس علیخان بخدمت عرض بیگی ما موراند -  
 کیفیت رکن الدوله مرحوم سید محمد از سادات موسوی باشند شهر بنجار از نواب غازالتر  
 بهادر شاه جهان آباد آمده ملازم شد نواب موصوف بوزت و حرمت تمام نزد خود داشتند و

برای تربیت علم ترکی متعین نواب معفرت مآب نمودند نقل است معفرت مآب در عمرانی  
خود بخطاب میر ترکی خاں سرفراز فرمودند و همیشه مقرب میداشتند در اولاد سید موصوف  
میر موسی خان تولد شدند از مسطور چار فرزند گلان میر محمد احتشام جنگ پیشتر در حضور معفرت  
مآب بعهد داروغگی هر کاره با سرفراز بودند من بعد در سنه یکتر او را یکصد و بیست و هفت  
هجری بخطاب رکن و خلعت دیوانی امتیاز یافت ابراهیم خان غیره سرداران جمعیت بارنبار  
طلب تخواه خود بر طپور می سرکار سنگامه و دنگه نمودند توپها بر دروازه نصب کردند بیچکس اندر  
دیوانخانه رفیق ندادند در ولایت محمد خان داروغه دیوانخانه که برای فهایش آنها آمده بود اور  
ایالتی توپ نشاندند رکن الدوله از جاگیر داران و اهل کاران بخواه لکبه روپیه باقر آرسجانی  
جاگیر است کار و خدمات اخذ نموده از ساهاون بعنوان قرض گرفته فیصله حساب طلبت خود  
سیاه لغایت برطینی ساخته آنها را شهر بدک بخواه لکبه روپیه از زمینداران ملک سرکار بطور اجناس  
چهار تایی برقم معمولی نویسیانده گرفت و قرار کرد که عهد دیوانی خود بد قوی نخواهد شد چنانچه رشید  
از راستی قول رکن الدوله مسطور نوی با بادی ملک سرگرم شدند که تحصیل از ملک مضاعف رسید  
و بیچکس از اطاعت سرفراز چید تاریخ انتقال رکن الدوله مرحوم بست و ششم صفر سنه یکتر او را یکصد  
هشتاد و نه هجری که لغایت سنه ۱۲۳۴ هجری و نه سال میشود بعد انتقال رکن الدوله حضرت ختم  
مآب بنفس نفیس خود انتظام مهام میدادند راجه را سه رایان و نمانا پندت هر دو برادر اجراء کار  
مینمودند وقار الدوله و صمصام الدوله هر دو با اتفاق شریک مشوه کلیات حضرت معفرت مآب  
نا آمدن غلام سید خان مرحوم بودند و قتیکه در سنه یکتر او را و پنج هجری غلام سید خان حرمی  
آمدند آنرا سی و شش سال تا حال منقضی شده خود اجرائی کار سرکار مینمودند پس از آمدن غلام  
سید خان مرحوم وقار الدوله مذکور خود را از دست خود خنجر بگوشید و از قید حیات نجات یافت  
و در اولاد رکن الدوله مرحوم یک دختر متولد شده بود که از حاکم جنگ شادی نمودند و در سنه یکتر  
سال انتقال نمود و یک منگوحه با اسم همتاب طوائف همیشه چند بابائی مخاطب بجاه نقاتا  
حال بقید حیات است فرزند دویم میر موسی خاں مرحوم پدر رکن الدوله مرحوم احوال میر محمد  
خال تهور جنگ شرف الدوله شرف ملا مراد شرف الملک بهادر ابتدا در علاقه روزگار در سنه

منصبداران داشت و در عهد صلابت جنگ بمنصب خطاب خانی سر فرزند دریا بای که مدار  
المهامی رکن الدوله گردید بهادر مذکور بمنصب شش هزاری و چهار سوار سوار و خطاب و عطای علم  
و نقاره و پانکی جماله دار و از پانزده لک روپیه تعلقه بیطرفی آباد عرف و دهار و ر و تعلقه نامری  
و غیره محالات که وصول آن قریب بست لک روپیه بود و جمعیت قریب پنجاه سوار و دو هزار  
بار و عرب و روسیله در نوکری سرکار حاضر می بودند سر فرزند اشرف الملک بهادر سه پسر  
فرزند کمال بنام ضولت جنگ در قلعه زمل از گوله ضرب توپ بکار بر سر کار نقد جان باخت  
دو بیگی داد الملک بهادر که در سنه یک هزار و دو صد و پنجاه هجری انتقال کرد سه پسر میداشتند  
یکی میر حسین علیخان اشرف جنگ اشرف الدوله بهادر که در سنه ۱۲۲۲ در گذشتند از ایشان یکی  
فرزند نامش میر موسی خان است اشرف الدوله بهادر جاگیر جمعیت پنجاه سوار و پنجاه بارگیر و  
پنجاه راس است بعلاقه تحویل فرزند دویم داور الملک مرحوم میر علی حسن خان محکم جنگ ایشان  
یک فرزند نامش میر احمد یار خان فرزند سوم میر علی حید خان تهور جنگ در علاقه جاگیر صد سوار  
و جاگیر سی و شش هزار و پانصد و نو روپیه نقدی دارند از ایشان یک دختر فرزند سوم میر احمد  
یار خان اشرف الملک مسطور بنام یاور الدوله بهادر که در سنه ۱۲۳۱ هجری در گذشتند جاگیر  
ذات سر فرزند جمعیت ندارند از ایشان سه فرزند میر واجد علیخان و میر رضا علیخان و میر حسین علیخان  
فرزند سوم میر موسی خان مذکور پدر رکن الدوله مسمی میر ایردیار خان حشمت جنگ از ایشان فرزند  
تمبینه فرزند چهارم میر حامد یار خان ارسلان جنگ اولاد میداشتند کیفیت رفعت الملک  
بهادر هرگاه که در عهد محمد شاه بادشاه حضرت معفرت مآب از شاه جهان آباد آرا ده دکن فرمودند  
سید لشکر خان نامی جد عمومی بهادر مفر را که در منصب داران بادشاهی بود همراه آورده در نواح بڑا  
رو حخته بنیاد و غیره از جاگیر ذات بست و پنجاه سوار سر فرزند فرمودند خان مذکور از مقر بان  
هنور ماندند بعد چندی میر ظریف خان برادر خان مذکور مع نور آ در جنگ نامی پدر رفت الملک  
بهادر و میر حلقه عم بهادر مفر از هندوستان نزد سید لشکر خان آوردند و میر ظریف خان باوردگی سید  
لشکر خان از جاگیر سی هزار روپیه در صوبه حخته بنیاد و غیره سر فرزند یا فتنه چندی در طوطی است  
ناصر جنگ شهید لشکر خان صوبه داری حخته بنیاد و در عهد صلابت جنگ پنجمت دیوانی هم مامور

بودند و بر وسع میر ظریف خان جبر رفعت الملک سید شکر خان انتقال فرمودند و میر حلیه بسبب  
 قربت حامدی و بیجهت سید شکر خاں شدند و نیز بکار نظامت محنته بنیاد در عهد حضرت خضر اناب  
 سرفراز دماور بودند و زور آ و در جنگ بهادر پد در رفعت الملک بهادر از رساله مغلیه باد محالات نمودند  
 و غیره سرفراز شدند تا حال رفعت الملک بهادر بدست خود پدر خود عرض نه یک روپیه از محالات نماندند  
 و غیره در جا باد جمعیت هفت صد سوار و هشت صد پیاده جوان بار سرفراز بودند و در سیه کبیر  
 و دو صدوسی و پنج همری بسبب چند جوہات رعایای ناندیرو غیره عرض نمانش بحضور رسیدن  
 ایجاگزرا نیندند و از بنجا در باب تدارک و داد دی ایجا رفت راجه چند عمل بهادر قریب بست یک  
 روپیه بطور تاوان گرفتند و بحضور طلب کردند فقر بیان را بسیار چشم نمائی نمودند از آن وقت از  
 علاقه ناندیرو مغرول و در جمعیت هم اقتصار کردند خانه نشین می باشند و در سیه کبیر رفت الملک  
 بهادر از حبیب میر عثمان خان عمومی ضیاء الملک بهادر بسبب آمده نام سپهران رفعت الملک بهادر  
 میر نظیر علیخان و میر اکبر علیخان و میر نجف علیخان و میر دلاور علیخان و میر فتح علیخان و میر غلام  
 دستگیر خان است بمجلس سپهران بهادر مذکور سپه خود بهادر مسطور در سال ۱۲۳۲ هجری فوت  
 کرد و شاد می میر نظیر علیخان از دفتر تصدق میر خان نامی از اقر با بیان بهادر مغر و میر اکبر علیخان  
 بخانه مقرب خان قلعه دار بالکنده و شاد می میر نجف علیخان از دفتر عظمت خان نامی جاگیر دار  
 بسبب آمده است و شاد می دو سپه و دو صبیبه دریافت طلب و زور آ و در جنگ بهادر پد رفت  
 الملک دو برادر بودند یکی بهادر مغر و دیگری عظیم الملک بهادر بسبب بقایای سرکار عالی در  
 اعلی اورنگ آباد و نا اتفاقی از سطو جاہ بعد سفر بالکل گریخته چندی در ملک مرطی اقامت یافتند  
 بوقت راجه چند عمل بهادر در بلده آمده از سرکار بجاکیر بست هزار روپیه سرفراز شده  
 در حقیقه پر یعنی ماندند - کیفیت نورالاهرا مرحوم محمد قاسم خان منڈل از سنل نوشیروان عالی  
 کیانی جد نورالاهرا بهادر را نواب شجاع الدوله وزیر الملک مساعده فرستاده از حقیقه ساما  
 مضاف چکله سر بند صوبه داران خلافت شاه جهان آباد طلبیداشند رساله کبیر از سوار عنایت  
 فرموده ملازم داشتند بعد انتقال قاسم خان مسطور و غلام کمال خان پد نورالاهرا بهادر پد  
 در سرکار وزیر الملک مدوح ماندند بعد انتقال کمال مرحوم نورالاهرا بهادر در حلقه پد خود می

شدند و با عتاد قدامت در وقت نواب آصف الدوله مرحوم مع رساله فات خود یک پلطن و  
چهار ضرب توپ نورالامرا بسیار و بنا بر حفاظت از ملک سرحدی چهار ده لک کناره دریای  
کنگ از سر دور تا نجیب آباد و پھر گده دارانگر با ضافه در ماه پانچم از رویه سر فرزی یافته  
چونکه ارسلو جاه از حیدرآباد مساعده یک لک و پنجاه هزار روپیه فرستاده اند در انوقت نواب  
آصف الدوله اجازت رخصت ندادند و انتقال نواب موصوف در ماه ذیحجه ۱۲۱۲ هـ داخل  
اورنگ آباد شدند بعد در بلده فرخنده بنیاد رسیده از حضور عفران مآب بسر فرزی شش  
مترجم و چهار و جاگیر نیم لک و هفت هزار روپیه و علاقه چوکی و دیوڑھی غزاتیاز یافت و چها لک روپیه  
ارسلو جاه بهادر بنابر طلبیدن متعلقان بهادر معز دادند بعد رسیدن متعلقان ده لک روپیه  
را جاگیر و سه هزار روپیه ماهوار سوار و پیاده مع جا نداد جمعیت شانزده لک و هفتاد هزار روپیه  
مقرر شدند بعد انتقال ارسلو جاه مرحوم نورالامرا بهادر از کنگش پاست میر عالم مغفور اخرج در  
اورنگ آباد یافته بودند چونکه تیری رسل صاحب بهادر از یونہ برز ریڈنی حیدرآباد مامور شد در  
۱۲۲۶ هـ بحری همراه آورده شش لک روپیه را جاگیر و رنگل و بنمکنڈه و غیره مقرر کنایند و او  
و بهادر معز بم پنجاه و ہشت سال رسید ششم ۱۲۳۶ هـ بحری داعی حق را بیک اجابت گفتند  
چهار فرزند دارند نہ فرزند شادی شده است و یک فرزند تا حال ناگتخدا صاحب ہر چہا ہر  
فرزند ان کسے نیست فرزندان کلان علی یا و الدولہ بہادر عمر سی و چہا رسالہ و دوی کامیاب  
الدولہ بہادر عمر سی و یکسالہ سومی یا و الدولہ بہادر عمر سبت و شش سالہ فرزند چہارم خورد ہر  
سبت و یکسالہ مسمی دلاور علیخان بہادر رسم شادی علی یا و الدولہ در قوم برادری خود با دختر عمہ  
خود و اورنگ آباد بعمل آمدہ و شادی کامیاب الدولہ بہادر با بصیرت نواب وجبہ الدین خان  
میدل کہ در سامانہ مختار کاروبار دیہات و سواران است از وطن طلبیدہ بودند عرصہ ده  
سال شد کہ رسم شادی بمعمل آمدہ و بعد فوت شادی یا و الدولہ با دختر نواب سکندر الدولہ بہادر  
۱۲۲۹ ہجری در حیدرآباد شدہ و نسبت دلاور علیخان بہادر و سیر چہارمی نورالامرا مرحوم  
دختر قلندر بخش خان منڈل بمعمل آمدہ ہنوز رسم شادی بمعمل نیامدہ و قلعہ امام گدہ کہ اندرون  
قلعہ سامانہ واقع است بنا کردہ محمد قاسم خان جد نورالامرا مرحوم است تا ہنوز داخل و تصرف

در قلعه مسطور معین موضع سامانه و آمدنی فصول سائر بطرف نورالامرا مروج است و قلعه مرغی پور  
 مت شهر پناه از سامانه فاصله است پنج کرده بطرف مشرق داد و بنا کرده بعد نورالامرا مروج  
 و قتیکه جدا در مغز نزد اب شجاع الدوله مروج آمدند و قلعه مذکور تصرف سکبان  
 گردید و محمد عظیم خان بهادر مندل از بزرگان مروج مذکور را اینجا بسیار به شروت مانده چنانچه  
 پنج هزار سوار پایگاه و کتیزار و هفت صد موضع را زمینداری میداشت و قلعه عظیم گنده و  
 کسری پتیا له و شهر پناه قصبه سامانه در قصبه بهوان پرگنه مواضعات قصبه مذکور یکصد و پنجاه  
 یکصد و پنجاه گره صی خام بنا کرده محمد عظیم خان بهادر است و بهادر مغز و اولاد خود یک دختر  
 میداشت که منسوب بهلام کمال خان پدر مروج مذکور بود و از بطن او نورالامرا مروج متولد شدند  
 محمد عاق خان مندل را دو فرزند یکی مسی بدیوان حسن محمد خان بهادر سلطو جا به مروج و دومی محمد قاکم  
 خان بهادر نورالامرا مروج کیفیت حسب و نسب سرور نواز جنگ اینک بهادر مغز فرزند محمد حنیف خان  
 و خان مسطور برادر حقیقی محمد عظیم خان ناما حقیقی نورالامرا مروج و والده سرور نواز جنگ مذکور  
 تا حال در اینجا زنده اند امرا مروج دو دختر بنام عمده بیگم و حبیب النساء بیگم داشتند  
 شادی عمده بیگم مسطور همیشه حقیقی کامیاب الدوله از سرور نواز جنگ و شادی حبیب  
 النساء بیگم در ۱۲۳۳ هـ از غلام محی الدین خان پسر قلند بخش خان بمبل آمده در ۱۲۳۳ هـ  
 حبیب النساء بیگم مسطور فوت کرد و نورالامرا مروج دو محل ذی اولاد داشتند سه فرزند  
 و یک دختر از محل شادی و محل دویم یک کنجی از موضع بریلی همراه آمده بود نزار بطش  
 دلاور علیخان بهادر النساء بیگم مغز و چنانچه والده کامیاب الدوله و غیره رحلت  
 کرد و والده دلاور علی خان بقید حیات است و بالفعل معاش سابق نورالامرا مروج  
 همه مغز و قریب یک لک روپیه جا نداد در کنجی راجه چند و محل بهادر  
 بر اے فرزند نورالامرا مروج کرده داده اند و پچھتیه مذکور در قرض کوشی یا لر صاحب  
 محقر گشته و آمدنی اش در کوشی میر سردار بیفیت افتار الدوله افتخار جنگ اینک در  
 اللہ خان نامی دیوان خالصه و دیوان تن و خان سامانی بادشاه عالمگیر اورنگ زیب و حبیب  
 داشتند یکی به مبارز خان بهادر در عا د الملک مروج منسوب بود و صبیبه دوم به سید دلاور خان

منسوب بود آن صبیبه دلاور خان مرحوم شهبامت جنگ کلان مبارز خان خان مرحوم  
 جداقتار الملک منسوب بود و صبیبه دویم بفرزند برادر حقیقی شهبامت خان که خطاب  
 مبارز خان سرفراز بودند منسوب بود دلاور خان بسیار در در عهد صلالت جنگ مرحوم تغلقه  
 سرفرازی داشت و بعد آن تحت دیده از دیهات بگر که قلعداری در عهد غفراناب  
 تفویض یافت و دیهات در کی در جاگیر بود خدمت بخشی گری بادشاهی نیز در عهد غفراناب  
 تفویض یافت بعد انتقال بسیار در غفرانقارالدوله حال خدمت بخشی گری بادشاهی مامور  
 بخشی گری بادشاهی عمارت از اینست هر که از خطاب و منصب سرفراز میشود از دفتر  
 مفرا فرد منصب و خطاب بدستخط خاص جاری میشوند و تسلیات خطاب حضور پر نور است  
 بسیار در مفر میگردد و اینک بخشی بادشاهی وقت باریابی هر که خطاب یا منصب شود براه  
 آن بادگاه استاده شده با و از بلند عرض بسیار زندگ فلانی باین قدر منصب باین خطاب  
 سرفرازی یافت و هر شخص را که خطاب و منصب میشود بطور واضح و تحریک سلوک میکند  
 جمعیت بداند و نیز بر چو در مهر پهاش چو در هری سبزی مندی و میوه مندی تا آنکه  
 چو در هری نیلچیم بند باو گل فرزندشها و غیره همین قسم اهل فرقه انجمن جوع شده ندران جمال  
 چو در هرات میدهند و حصول کند میسازند و برسانند حضور پر نور که بعنوان جاگیر  
 میشود مهر بادشاهی دیوانی هم میگردد و آن سند را دو مهری میگویند چهاره کامل صوبجات  
 سرفرد مقصد یان دفتر دیوانی باشند عمر افتخارالدوله بهادر تخمیناً پنجاه و نه سال شادی  
 از دخترا غلام حسین خان منصب دار لعل آمده بسیار سفر یک پسر دارند - کیفیت  
 قطب الامر اینست که خواجه بابا خان باشند بخارا شریف فرزند بادشاه بخارا  
 و دلی شدند آن پنجاه خبر در و ایشان یافته به تقیبه ملاقات رفتند همراه آوردند و آرزوی  
 تمام نزد خود داشتند تا چهار ماه اسلوب مزاج و کیفیت خاندان در یافته بادشاه بیگم  
 دختر خود را شادی نموده دادند از بطن بادشاه بیگم خواجه میر عبدالباقان تولد شدند  
 شادی ایشان از دخترا نواب مرحمت خان گردید از او خان میر محمد خان منصوص  
 جنگ قطب الامر بسیار در متولد شدند شادی بسیار در گذر از حاجی بیگم دخترا

ناصر جنگ شهید گردید از بن بیگم مذکور دو دختر تولد شدند یکی امانی بیگم و دیگری وزیر النساء بیگم امانی بیگم مذکوره از نام آور جنگ فرزند میر مغل سلطان ابن آصف خان منسوب شد در سیم شادی از دو دختر دیگر گل بادشاه نظامت جنگ گردید و فرزند آن قطب الامرا بهادر که از ازوج نکاح بقیده حیات اند بموجب ذیل میر حامد سلطان و میر سید منظم علی خان فرزند اول میر سید محمد جان و میر حسن الله خان از نسری میر نصر الله خان فرزند ثانی جنگ شادی شد - کیفیت نادار خان مخاطب به بر قنداز خان و رازدار خان مخاطب بقبر اول ملن برادر کلان نامدار خان مذکور هر دو در کاب حاضر بودند در وقت میر عالم مغفور بارشاد حضور پر نور بندگانی حال بر قنداز خان یکصد و پنجاه سوار بقراول خان پنجاه سوار و در ماه ذات چهار صد و پستیزار یافت در سال یک هزار و دو صد و سی جبری بر قنداز خان مذکور بسبب شوره پستی و دنگه و فساد از نسبت راجه چند وصل بهادر در باب طلب بقایا کے نخواه به حکم حضور پر نور از نوکری سکر موقوف و اخراج بلده گردید نامبرده تا حال در مشیر آباد که متصل حسین ساگر است از ناپرساینها قیام میدارد و قراول خان در سنه مذکور یک بیک در مکان مسکن خود که آن طرف شمال رویه بیگم بازاری پیشه که بنام خود یعنی رازدار خان پهنه کرده بود برگ مفاجات مرد - کیفیت سلطان میان از قوم پیرزاده همدوی باشند که کهنه بدلیه موضع هندوستان در عهد غفران مآبانه بصیغه سوداگری در بلده فرخنده بنیاد اقامت میداشت غلام سید خان مرحوم مخاطب بار سطر جاه پیشه زادی نواب بیگم رازدار نکاح داد میان پسر کلان ششار الیه آورده دو صد سوار و در عوض آن پرگنه انکل کور و غیره دادند بعد آن در وقت هجرت رام سه صد سوار اصناف شده جمله بانفد سوار از انجمله چهار صد سوار در لشکر فرخیزی متعینه راجه گو بند بخش بهادر و رتبه در کاب و جمعیت بار هجرت صد نفر مرا کے حفاظت تعلقه کنگ گیری که در اینجا مفسده بسیار میانشد بششار الیه سه پسر یکی داد میان دویم محمد خان سوم بهکو میان سه صبیبه یکی به طیل صاحب پسر سعید الدوله و دویم به لطف علی خان پسر عظیم خان سوم به برادر نیاز بهادر خان داده اند - کیفیت

عزت یارخان این است در عهد صلابت تنگ مرحوم حضرت غفران مآب بصوبه داری  
 صوبه برادر مشغول بودند عبد القادر تائی طالب علم حید عموی عزت یارخان مذکور از  
 بندرسورت در اورنگ آباد آمده در تکیه شاه محمود اقامت در زیر عهد چند  
 از محمد غوث خان بختی سائر ملاقات کرده باستصواب خان تذکود بر گزار رسیده ملازمت  
 حضرت غفران مآب حاصل نمودن خدمت قنایا است لشکر سمرقرا شدند هر گاه غفران مآب  
 بر یوانی صلابت جنگ مرحوم قائم شدند عبد القادر را بخطاب حکیم قادر یارخان سمرقرا کتایب  
 من بعد حضرت غفران مآب در عهد ریاست خود بخدمت صدارت و احتساب بلخ حکیم  
 سمرقرا فرمودند بعد چند ماه جعفر والد عزت یارخان مسطور نزد قادر یارخان برادر  
 خود آمده ملازمت حضور غفران مآب حاصل نمود قادر یارخان در ایام بیاری خود در  
 حضور پرنور سفارش نمودند بخطاب حکیم جعفر خان سمرقرا کتایب اشتغال نمود  
 بعد اشتغال خان مذکور صدارت و احتساب ب حکم جعفر خان تفویض کردند بخطاب محی الدوله  
 سمرقرا شد عزت یارخان دو برادر یکی خان مذکور دومی قادر یارخان هر دو ذی اولاد  
 فرزندگان قادر یارخان در مناقشه افغانه همراه حافظ عبدالکریم صاحب کاشاگردشید  
 حافظ بود بزخم گوی مرد و فرزند گلان عزت یارخان از صبیبه سید حکیم صاحب مدنی فرزند  
 پیر یا دتاه صاحب مدنی منسوب است دیگر چهار فرزند ان قادر یارخان موجود - کیفیت  
 مستقیم الدوله مرحوم حاجی محمد زمان معن شوستری دلبده حید آباد روزگار پارچه فروشی  
 می نمود بقدر حال سرمایه میداشت یک مستوره از قبیل غزاقوم تیج با شنده موضع ملک  
 که در بده فرخنده بنیاد مسافت یک کرده دارد شوهر آن فوت شده بود حاجی مذکور به  
 نکاح خود در آورده از ان مستوره فرزند تولد شد بنام عبدالغنی که آئینه مستقیم الدوله شد  
 میر عالم مغفور نظر بیاس هم وطنی ولیاقت عبدالغنی مذکور دریافت همیشه خود که از وطن  
 کنیزک بود بنام سکینه بیگم وقتیکه در سفر نادانی بودند از آنجا نوشته فرستادند که قبل از ان  
 شدن لشکر ظفر پیکر شادی سکینه بیگم از عبدالغنی کرده دهند در اینجا همان طوطی عمل آمد از مستقیم  
 الدوله بهسار در دو دفتر و یک فرزند دختر گلان به میرزا محمد حسین پسر میرزا محمد علی شوستری

از اقرباست میر عالم مقفور منگوج و دختر دویم بفرزند بهرام الدوله مرحوم مشهور در سمرقند  
 فرزند مسی بمرزا محمد علی در ماه جمادی الثانی ۱۲۳۵ هجری از دختر حسن یا وارند ولی پسر امین  
 الملک مرحوم لعل آمده و مستقیم الدوله مرحوم با عدت حکایت خود در وقت خدمت جنگ  
 مقفور از بلده اخراج شده در جاگیر خود قیام میداشت و نظریه حقوق پرستی مبلغ دوازده  
 هزار روپیه بیالیان سسر کار عظمت مدار میر مرحوم مسطور میرید میقتدم هم رجب ۱۲۳۵ هجری  
 بمرض فلج اینچنان فانی را پدید و دیگر در حال جاگیر و غیره دیهات مرحوم بعد گزر ایندن مبلغ  
 بست هزار روپیه نذرانه به میرزا محمد علی مذکور قرار یافته است کیفیت گو که با در وقت حضرت  
 غفر انخاب وقت تولد حضرت بندگانهائی گردید میر مهدی نامی شخصی پدید که با ملازم  
 شده اطمینه میر مذکور با اسم سعوری بیگم خدمت آناگری مامور شد نام اصلی جعفر یار جنگ با اسم  
 میر جعفر و نام اصلی اسد نواز جنگ با اسم میر حسین و قبیله بندگانهائی حال مند نشین بند  
 هر دو برادر که در عالم صاحبزادگی باریاب می بودند همان طور بعد جلوس ریاست و منشی  
 نیز باریاب ماندند جعفر یار جنگ از حضور پر نور پنجاه سوار و پنجاه بارگیر و از غیر الملک بهادر  
 پنجاه بارگیر و از راجه چند و صل بهادر و دو صد سوار و پنجاه بارگیر و دو صد جوان لیلن و یکصد جوان  
 در پیله داشت در ۱۲۳۵ هجری انتقال کرد و اسد نواز جنگ گو که خود را از حضور پر نور پنجاه  
 نفر بارگیر و از راجه چند و صل بهادر بست و پنج سوار و پنجاه بارگیر معسر است  
 کیفیت سکندر یار جنگ نام اصلی سکندر یار جنگ بهادر غیر الدین خان ولد معین الاسلام  
 که در وقت غلام سید خان مرحوم مخاطب بار سلطه جابه خدمت تقصاته بلده فرخنده بنیاد سر  
 فرازی یافته بود و قبیله حضرت بندگانهائی حال به شوله پور راه فرمودند از باعث صحبت یام  
 متونی که از غیر الدین خان اتحاد داشت همراه تعییناتی کنایده بملازمت بندگانهائی مشرف  
 گردید تا این وقت از همان سابقه باریاب اند و در عهد مند نشینی دو هزار جوانان بار که حضرت  
 بندگانهائی در چوکی پیره خاص ملازم فرمودند به بخشی گری آن سسر فراز شدند تا حال  
 خدمت مذکور بحال است و نیز از خدمت پگهری عدالت سسر فراز فرمودند عمر تخمیناً  
 پنجاه و چهار سال کیفیت محمد صلابت خان بهادر محمد صلابت خان بهادر ولد محمد

اسمعیل خان ابن سلطان حسین خان بهار در مغربا دو د و صد سوار در فرمانبرداری بود  
 دکن همیشه مصدر ترددات قضائیه بوده بمقابلہ و مجادلہ مرہبہ ہاکوش شہادا شدت و نیز  
 ہجو بہ داری الیچچور از حضور غفرانآب و جمعیت پانصد سوار سرفرازی یافتہ بود وقتیکہ  
 رکن الدولہ در سوا لجواب محاسبہ تعلقات صوبہ براڑ درخواست نمودند و گفتند کہ با تہنوں  
 ظفر الدولہ خود انتقال سازند تنہی خان مسطور در اداسے محاسبہ نکرده نوبت بہ جنگ  
 رسانیدہ چنانچہ از جمعیت سرکار بہ جنگ کشتہ شد محمد صلابت خان بہادر محمد بہول بہار  
 پسر خان مرحوم را حضرت عثمان قاب پرورش بیفایت فرمودند بعد چندی بمغرب  
 الیچچور و جمعیت پانصد سوار سرفراز فرمودند وقتیکہ غلام سید خان مرحوم بسرکردگی سرکار  
 بطرف براڑ براسے مقابلہ سندھ و سجوسلہ دیو لکر شہراکت سرکردہای سرکار عظمت  
 یقین نمود و جمعیت رام را نیز مع پٹالن با ہمراہ دادند و قہنیاتی محمد صلابت خان بہادر  
 نیز گردید و بہمان سفر اضافہ جمعیت سابق و حال کترے کہ چار ہزار و یک ہزار  
 نپصد سوار دو ہزار بار و سوا سے جمعیت مشروطی لیکہ از جوان بار براسے گرد آوری  
 تعلقات ملازم ذات بہادر مغربانندہ و محلات ہرشت تک رو پیہ کہ وصول آن چارہ  
 تک رو پیہ بود بہار در مغرب سرفراز گردید چنانچہ تا ۱۲۳۲ ہجری بحال ماندہ و در ۱۲۳۳  
 پٹالن و غیرہ سوار آن کہ اضافہ جمعیت شدہ بود موقوفہ گردید صرف جمعیت سابق بحال  
 ماندہ را چہ چند و عمل بہادر محلات جاگدا و جمعیت حال بودند برآوردہ گرفتہ کل  
 نیز محلات قریب ہفت تک رو پیہ در جاگدا و جمعیت سابق بحال است و توج  
 جنگ خان بہ حضور طلب شدہ از محمد صلابت خان بہادر علی و گردید عمر بہار در  
 مغربا فی ۱۲۳۶ ہجری ہنقاد و چہار سال است و بہادر مغربا دو پسر بودند کلان  
 اسمعیل خان کہ از دختر فتح جنگ خان شادی شدہ بود فوت کرد از ان یک پسر  
 بنام ابراہیم خان است بمربت و پنج سالہ و پسر دوم بہار در مغربا در خان این  
 را نیز از دختر فتح جنگ خان شادی گردید و نام زوجہ محمد صلابت خان انوبی بی  
 دختر نامہار خان افغان است در ۱۲۳۶ ہجری بہ بہادر مغربا خواہی پسر بنام محمد صلابت

خان متولد شد - کیفیت فتح جنگ خان بهادر مرحوم قوم افغان و از عمر دوازده ساله فرقی  
 محمد صلابت خان بهادر اند و سررشته قرابت با پسران و دختران مابین بعمل آمده  
 و سواست محمد فتح جنگ خان مسطور را کار پر داری بهادر مقرر نمود و فرزند دارند  
 کلان غلام حسن خان بهادر عمرش قریب سی و هفت سال رسم شادی از حبیبیه و همسر  
 خان بهادر بلبل آمده و پسر دوم غلام عباس خان بهادر عمر سبت و پنج ساله که محمد صلابت  
 خان بهادر و فرزند می خود گرفته اند و راه ذیحجه ۱۲۲۴ هجری رسم شادی پسر مذکور  
 از دختر کدام افغان که سابق نامزد بود بعمل آمده در ۱۳۵ هجری که موقوفی جمعیت افغان  
 صلابت خان بهادر گردید و کار پرداز سرکار بهادر مقرر فتح جنگ خان بود و راجه چند وصل  
 بهادر خان مسطور از محمد صلابت خان بهادر جدا کرده در ضلع اوندنگ آباد جاگیر بخواه  
 نررار روپیه داده بودند چنانچه خان مسطور از تاسف در بنجار رسیده انتقال کرد - کیفیت  
 نیاز بهادر خان ولد بهادر خان ابن نیاز بیگ قالی که در سرکار بنف خان مرحوم رسا  
 یکتر از سوار داشت با شده هندوستان نیاز بهادر خان با داده روزگار دار دلبده  
 شده اول در رساله فور الامرا بهادر بر یک راس اسب ملازم گردید و بعد از آن نزد  
 راجه دیبی داس که دیوان عاشور بیگ خان بود بعد انتقال مشارالیه بسبب مغفرن  
 پسر مرحوم مذکور راجه زبور خود قابض شده بود و از دو سوار ملازم گردید و در همان  
 ایام از ابلهیه هاست عاشور بیگ مرحوم موافقت کرده نسبت خود با حبیبیه خان مرحوم مقرر کرد  
 و قیتمه خویش خان مسطور شد و اطوار راجه دیبی داس ناپسندیده بود و بعد کشمشه هاست  
 بسیار و قصه هاست طول و طویل اخراج راجه مذکور گردید پسر عاشور بیگ خان مرحوم منجاب  
 اعتبار الدوله حیدر بیگ خان بهادر مستقل جنگ که وارث رساله مذکور بود مدعی شد  
 چنانچه راجه چند وصل بهادر دست آویز از نیاز بهادر خان مذکور باین مضمون که بعد  
 شش سال که پسر مرحوم مذکور بن شعور خواهد رسید رساله پدرش حواله پسر مذکور خواهم  
 کرد نویسیا ینده داد و نیاز بهادر بر رساله یکتر از سوار رسد و بخواه جوانان علی غول که  
 بعاشور بیگ خان مقرر بود با رادوا عانت راجه چند وصل بهادر قابض گردید در ۱۳۵ هجری

موقوفی سه صد سوار از رساله مشا اریه شد و جا نداد آن راجه صاحب بر آورده گرفتند  
 الحاح بتاریخ سوم محرم ۱۰۳۵ هجری که بلوه مسلمانان بلده بر افغانه مهدوی که مشهور فر  
 مهدی اند بسبب کشته شدن حافظ عبد الکریم مجاهد اهل اسلام گردید نیاز بهادر خان بکانت  
 جرات و جلالت دو اسم از مجتهدان و چهار اسم افغانه بجهان کشته خود هم شربت شهادت  
 چشمید مرحوم مذکور ذی اولاد نیست و مبلغ پنج کاک و شش هزار و بمقصد ولایت رویه  
 دوازده آنه در جا نداد سپاه محال مفصله الحاح مرزا امان علی بیگ طفلکه مغل عورانش  
 مبتنی کرده بجایش قرار داده اند -

دو محال سواران رگاب  
 سواران تعیناتی لشکر فیروزی سوا سندی صادر  
 مع ۱۰۶  
 مع ۶  
 مع ۶  
 مع ۶

حویلی کولیکنده پرگنه مغل گنده  
 پرینده بی بی وغیره کوند وغیره در دکه رساوه  
 مع محال یک محال دو محال  
 پرینده مامل سروده قصه سلطان وغیره  
 بورگلون وغیره با بن سرکوبن وغیره  
 یک محال مع محال  
 جامع مع سیورم  
 دو محال یک محال

کیفیت اکبر یار جنگ نام اصلی اکبر یار جنگ بهادر میر قمر الدین ولد معین الدین نقشه نویس حویلی با  
 بلده فرزند بنیاد بود مگر قمر الدین ولد معین الدین از سعی خود تحصیل علم عربی و فارسی نمود و وقت  
 پیدا کرد حضرت عفران غاب بادستان حضرت نیکانغالی حال مامور فرمودند از همان شاکر  
 حضور پر نور باریاب اندونیز خدمت بخشی گری شاگرد پیشه و جاگیر چهار هزار روپیه سیرتواری  
 دارند تا حال سجال است و اولاد اکبر یار جنگ موجود اند بمحل آن فرزند کلان امام الدین خان  
 حضور رس است بتاریخ نهم صفر ۱۰۳۵ هجری بوقت شام در نماز سجده دویم جان سلیم کرد

کیفیت محمد سبحان خان بهر دو برادر حقیقی ولد سلطان خان باشد نه هندیست و روشن  
 خان برادر کلان محمد سبحان خان در وقت غلام سید خان مرحوم از جمعیت پانصد سوار آمده ملازمت  
 حنفی و غیره آفتاب حاصل نمود و ملازم سیرکارگر دید غلام سید خان مرحوم در حضور پیر نورعوض  
 کرده محال است پنج لک روپی بر کسی و غیره صوبه دارد در جاگیر جمعیت و اند بعد انتقال محمد  
 روشن خان محمد سبحان خان بهادر بجای برادر سرفرازی یافتند جمعیت بهادر و غیره  
 الحال کینزار و یکصد سوار و سیصد جوانان بار و در و بست از جاگیر بحال بود مگر رگنه به کانون  
 که برائے تخواه یا سکا علاقہ میارام و جتن محل بود و عوض گاه و دانه که بهادر در مفر  
 در آن تندهی نمیکردند و موقوف شد عمر بهادر در مفر قریب پنجاه سال شده بست و دوم حب  
 ۱۲۳۲ هجری انتقال نمود رسم شادی بهادر در مفر از دختر نامدار خان افغان بمحل آمده دو  
 بیسربهادر در مفر بودند یک فیاض علیخان که در ۱۲۳۳ هجری بمرض و با مرد دوم قطب علیخان عمر  
 سی ساله بسبب قرضداری قرض خواهان و بلوه طلب تخواه سپاه راجه صاحب جاگیر و غیره  
 به طور خود مبلغ یک لک نقد سالیانه به قطب علیخان میدهند و رساله بر رسم شده  
 مگر جزوے مردم بر فاقه خان مستور هستند و محمد سبحان خان بهادر را یک دختر تم بود که  
 رسم شادی اش از همیشه زاده بهادر در مفر بمحل آمده - کیفیت شریعت پناه متوطن تخبان  
 پور - طالب علی شریعت پناه مغفور از نشا پنهان پور آرام پور - هرگاه مولانا عبدعلیم  
 از زاپور در بنگاله آمدند شریعت پناه مغفور نیز همراه بودند بعد آن نواب مظفر جنگ مرحوم نواب  
 بنگاله خدمت قضای پور نیاد و نیاج پور در ۱۲۳۳ هجری سپرد نمودند من بعد خدمت  
 دار و علی عدالت باقر گنج از سرکار نواب موصوف در ۱۲۳۳ هجری تقریر یافت و تا وقت ترفی  
 نظامت از سرکار نواب مدوح این خدمت بحال ماند من بعد تا حین حیات نواب مدوح  
 رفیق بودند بعد انتقال نواب مرحوم سیواری بهادر براس ملاقات مولانا مدوح در ۱۲۳۳ هجری  
 اتفاق رسیدن چینی پین گروید بسر رشته خانسانانی نواب عبدللو باب خان برادر دلا  
 جاه مرحوم نوکر شدند تخمیناً تا مدت دو سال درین خدمت بوده در ۱۲۳۵ هجری از چینی پین  
 در بلده فرخنده بنیاد آمدند و در ۱۲۳۹ هجری خدمت تدیس اول و افغانی اول از سرکار

غفرانآب تقریر یافت و در ۲۳ هجری خدمت قضا و قرا باقت چهار فرزند دارند از سادات  
 وطن محمد ذوالفقار خان که بعلم و لیاقت بهره وافق دارند و بسین چهل و هشت سال رسیده اند  
 فرزند دوم از شادوی بنگاله موسوم عبدالحی بن بست و شش سال فرزند سوم از نکاح بی بی  
 حیدرآباد لکھی عبدالمجید بسین هجده سال چهارم عبدالعزیز بسین هشت سال شریعت پناه  
 کلان را مرصن ضیق فرمن بود چنانچه در ۲۳ هجری قریب هشتاد سال رسیده و در عیت حیات  
 سپر مند الحال پسر کلان محمد ذوالفقار خان بر خدمت قضا مامور اند - کیفیت کوقوال شهر  
 صفت شکن خان بدطالب الدوله مرحوم منصبدار بادشاهی از طرف بادشاه بر قلع داری  
 و مهار در سر فرازی داشتند بعد آن مغفرت آب بنجان سامانی خود سر فراز فرمودند محمد تقی  
 خان ولد طالب الدوله مرحوم در رفاقت غفران آب بسر بردند رضا علیخان عمومی طالب  
 الدوله مرحوم در عهد غفرانآب بعد تقدی حکم بادشاه به بنگاله عالیجاه بخدمت کوقوالی بلد  
 مامور شدند در سابق همده دار و علی کما بیان و اصطلح حضور مامور بودند چنانچه  
 تا حال هر دو عمده بنام حسن علیخان پسر کلان طالب الدوله بحال است و قریب پنجاه شش  
 سال که عمومی مرحوم مذکور فوت کرد در ۱۲۳۶ هجری بمبار خاست شهر شعبان محمد تقی خان طالب  
 الدوله و در عیت حیات سپرد و حسن علیخان مذکور بر اعانتت را چنانچه و عمل به باد در همده  
 کوقوالی قائم شد و طالب الدوله مرحوم پنج بسر و دوخته گزاشت کلان پسر حسن علیخان بهادر  
 کوقوال وال از صبیبه غالب الدوله عمومی حقیقی مشارالیه گودار و غده هر کاره با بودند شادی  
 بسین آمده پسر دوم باقر علیخان بهادر رسم شادی از صبیبه حسین یاورد الدوله پسر امین الملک بهادر  
 بسین آمده بود پسر سوم جمال علیخان بهادر از صبیبه رحمان بلدخان همیشه سر فرزند خان منسوب  
 بود صبیبه مذکور فوت کرد پسر چهارم فرزند علیخان از صبیبه بنت یار جنگ نسبت تقریر شده  
 پسر پنجم ذوالفقار علیخان بنوز منسوب شده و دو دختر یکی بادشاه بیگم منسوب  
 به علی رضاخان برادر زاده طالب الدوله مرحوم دویم پیاری بیگم منسوب به محمد نصیر باقی پسر  
 علی بیگ خان - کیفیت - امیر الدوله مرحوم - امیر الدوله مرحوم عرف محمد طاهر خان کوه  
 غفران آب چندت وار و علی چهار خان و فیلیانند سر فرزند و در عهد غفرانآب -

انتقال کرد و شاهی اسد محمد خان امیر الدوله شهابت جنگ حال بخانه محمود خان نامی قتلگه بید  
 بعمل آمده نام اهلیمه امیر الدوله منور بیگم و مشارالیه چهار برادر خلف کلان مرحوم مذکور امیر الدوله  
 حال که بعد از خانسامانی و داروغلی جوهر و فیلیانه سرفراز اند و وی محمد یار جنگ که بر در پوز می  
 بی حاضر می باشند سوچی کمال الدین خان در سوال و جواب کبر جاهد بهادر زور راجه چند وصل  
 بهادر آمد و رفت چهار تنی محمد سهراب خان بتاریخ بست و ستم ذیلچو <sup>۱۳۳۶</sup> هجری امیر الدوله  
 اسد محمد خان شهابت جنگ وفات یافت بدرد علیخان نامی پسر مرحوم مذکور بتاریخ شازدهم  
 محرم <sup>۱۳۳۴</sup> هجری خلعت خانسامانی یافت - کیفیت میر و احد علیخان مخاطب به مقام جنگ در  
 عهد مغفرت آّب از دهللی ملازم شده همراه آمده بودند بعد انتقال مغفرت آّب در عهد صلاحیت  
 جنگ مرحوم تقیناتی غفرانآّب که به صوبه برادر روانه شدند از آنروز در خدمت غفران آّب  
 حاضر باشی میگرد و چنانچه در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود یکفرزند دارند نام اصلی میر موسی  
 بعد چند بجواب اکبر علیخان سرفراز شدند بعد از خطاب اصغر یار جنگ - کیفیت شهبور جنگ  
 شهبور جنگ بنام آصف نواز جنگ مشهور بودند در معبدانان سرشت داشته باشند در  
 عهد حضرت غفرانآّب بسبب ذی هوشی و سلیمه خود چندی اکثر شریک مشهور می بودند بعد  
 چندی بسبب بعضی حرکات اخراج بلده شد و باز آمد الحال هم نهمه با سه دی بجایگرات  
 ممتاز اند - کیفیت زبردست خان - خان در ملازمان متعارف مغفرت آّب و نیز در عهد  
 صلاحیت جنگ مرحوم در تقیناتی غفرانآّب در سفر برآرد بر دروغلی فراشخانه مامور  
 بوده در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود خان جهانخان پسر کلان خان متوفی از عهد غفرانآّب  
 تا حال برادر و غلی فراشخانه مامور است پسر خان مسطور با اسم نظر بهادر خان و بدر و میان  
 و یسین خان متعارف اند - کیفیت لطیف الدوله از عهد غفرانآّب بهادر و غلی تو شینخانه  
 سرفراز اند کیفیت این است که محمد یار بیگم خان جد لطیف الدوله بهادر باشنده ولایت  
 کاشغر سه چهار اقربائے خود دارد و بنده و ستان گردید در رفاهت مغفرت آّب بموجب  
 سه صدر و بهیمه ماهوار بر منصب سرفرازی یافت و همراه کآّب مغفرت آّب در بران  
 پور رسیده بمنگمت پرداخت بعد چندی یک فرزند تولد شد لطیف بیگ نام

چون نامبرده بسن شعور رسید خطاب منصب و نوکری بموجب یکصد پنجاه روپیه و نوکری  
 خود بقضای الہی فوت شد چون آصفیاء بمنفرت حق پیوستند لطیف بیگ خان در رفاقت  
 نواب نامر جنگ شہید آمدت شہادت ماندند و بعد شہادت در رفاقت صلاحیت جنگ  
 مانده باضافہ بموجب منصب سرفراز شد چون صلاحیت جنگ از نیما در گزشتند در رفاقت  
 شجاع الملک بہادر آمدہ بخدمت توشیخانہ و جاگیر نہ ہزار روپیہ کہ در ضلع اورنگ آباد  
 واقع است سرفرازی یافتند و ایشانرا یک فرزند غالب بیگ خان نام مخاطب خطاب  
 لطیف الدولہ کہ حالا بقید حیات است در سن ہجیرہ سالکی ہمراہ ہتہاب جنگ خلف المصدق  
 نواب شجاع الملک موصوف مقید شدہ پیش ہو کر رفتند بعد سہ ماہ از قید غلغلی یافتہ اورنگ آباد  
 رسیدند درینو لا لطیف بیگ خان مذکور رفیق و غفر نامآب شدہ فرزند خود را بموجب  
 یکصد و بہت و پنچروپیہ در منصب نوکر نامیندہ و خود بخدمت توشیخانہ و بخشی گری  
 مردمان قائم خانی نہ یکہزار سواری و ہزار پیادہ بودند سرفرازی یافتند و ہموار در سہ سفر  
 و حضرت رفیق جان شاعر غفران مآب بودند و غفران مآب نیز ایشانرا مثل فرزند ان ہر دو  
 میفرمودند چون لطیف بیگ خان در حیدرآباد فوت شد غالب بیگ خان فرزند  
 ایشان بخدمت توشیخانہ و خطاب معظم جنگ و جیفہ و سرہنج سرفرازی یافت  
 و جاگیر پیر نیز بنام ایشان تقرر پذیرفت و ماہوار موقوف شد و بعد چندے در عمر اسطو جا  
 بخطاب لطیف الدولہ و کتھی مرادید سرفرازی یافت ایشان را دو فرزند یکی واحد بیگ خان  
 نام کہ مبلغ یکصد روپیہ ماہوار در منصب داران نوکر است و دیگر اب تہنیت النساء بیگ صاحبہ  
 یعنی بی بی صاحبہ منسوب ایشان را نیز سہ فرزند بموجب پنجاہ پنجاہ روپیہ اند سفارش  
 بی بی صاحبہ نوکر اند و سومی کوچک دوازده سالہ است و فرزند دومی لطف الدولہ پیش  
 از سہ سال در اورنگ آباد رفتہ در رفاقت راجہ گونبد بخش بہادر نوکر شدہ بود بنام  
 سلطیف بیگ خان - کیفیت خاندان نواب اف خان بہادر و منصور خان بہادر کہ در کونول  
 والہ - نواب محمد خضر خان و نواب محمد رن مست خان قوم امان پنی ہر دو برادر حقیقی  
 در شاہ جہان آباد منصبدار بادشاہی بودند از نواب محمد خضر خان سہ پسر کلان نواب

داود خان دویچی محمد ابراهیم خان سومی محمد سلیمان خان نواب داود خان در بادشاهی عالمگیر  
 وزارت اسدخان ذوالفقار خان از حضور بادشاهی سر فرزند بدکن آمدند و نواب  
 موصوف لاولد بودند محمد ابراهیم خان دوفزند داشتند نواب محمد الف خان و نواب  
 زنده خان نواب محمد الف خان مسطور دوفزند داشتند نواب همت خان دویچی نواب  
 رسمت خان و نواب زنده خان برادر نواب محمد الف خان مسطور یک فرزند داشتند  
 که نام زنده خان بود و نواب رسمت خان پسر نواب محمد الف خان ذی اولاد بودند و  
 پسر میباشند و کلان محمد ابراهیم خان عرف محمد اعظم خان که انتقال کردند دویچی محمد حسین  
 خان انتقال کردند سومی نواب محمد الف خان که در سال هجری انتقال کردند چهارمی  
 نواب محمد انور خان پنجمی محمد قادر خان ششم محمد عزیز خان که انتقال کردند هفتم محمد  
 یحیی خان هشتم محمد یعقوب خان نهم محمد علیخان دهم محمد رستم خان که انتقال کردند نواب  
 محمد الف خان که در سال هجری انتقال کردند دوازدهم پسر دارندگان نواب منوچان  
 متولد در سال هجری از محل نکاح حبیبه افغان دویچی محمد داود خان از بطن خواص سی محمد  
 منظر خان تولد در سال هجری از محل شادی بی بی زاده همتند چهارمی محمد رسمت خان  
 از بطن خواص پنجمی ابر خان از بطن خواص ششم عمر خان از بطن خواص هفتم یوسف خان از  
 بطن خواص هشتم غلام محی الدین خان از بطن خواص نهم قادر خان از بطن خواص دهم  
 غلام عوث خان از بطن خواص یازدهم احمد خان از بطن خواص دوازدهم غلام رسول  
 خان از بطن طاقون طوائف و محمد ابراهیم خان عرف اعظم خان برادر  
 کلان نواب محمد الف خان مرحوم دوفزند داشتند یکی محمد داود خان دویچی با اسم  
 محمد جعفر خان چنانچه داود خان مسطور مع فرزندان در نوکری سرکار عالی در بلده فرخنده  
 بنیاد حاضر بیباشند از ابتدای احکام کرنول محمد الف خان و غیره در سرکار عالی مبلغ  
 یک لک روبی بسبب پیشکش رسانیده آمده اند از وقت علوه شدن ملک عوض نخواه  
 جمعیت سرکار عظمت مدار که کرنول و غیره متعلق بمملکت کپنی گردید با فعل جمعیت مشروطی  
 در سرکار نواب موصوف کلیه کیزار بار است سوائه جهت گرداوری و تحصیل تعلقات

کرنول جمعیت سندی علوہ دور وقت ضرورت البتہ جملہ افاغنے کرنول وکٹر یہ کہ ہجوم و  
 برادر اند جمعیت قریب بیخ شش ہزار مردم ممکن است۔ کیفیت محاللات کہ در وقت  
 نواب محمد رنمت خان بہادر در تصرف حید علیخان ناٹک و نیز در سرکار کپنی آمدہ انجیکم  
 باقیماندہ تاحیات رنمت خان بہادر در قبض و تصرف بود بعد انتقال نواب محمد الف  
 خان پسر مرحوم مذکور قائم مقام گردیدہ بر محاللات مسطور تا قبض و متصرف گردیدہ تا حال  
 جاریت - صکت کال ناب بے محال محمد رنمت خان - محال محمد ابراہیم خان

۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱  
 ۱۰

از صوبہ دارالظفر بجایور  
 از صوبہ و مخندہ بنیاد حیدر آباد دکن

بک  
لو  
 ۱۱  
 در تصرف پٹیو سلطان - برف پٹیو سلطان - در تصرف پٹیو سلطان - بسرکار غلط  
 بار بموجب ہتنامہ در رگزار آندہ پرگنہ کئی کل محال بار بموجب ہتنامہ بسرکار و تندر  
 پرگنہ موگانو وغیرہ - محمد ابراہیم خان آمدہ پرگنہ عولانی کیم - بک  
لو  
 ۱۱۵

پرگنہ موگانو میان بیگن پٹی  
لو  
 ۱۲

۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 پرگنہ مذکور  
 پرگنہ کورکال  
 ۱۶

پرگنه بین کوه  
عیلیه

پرگنه کارم سوری  
ناو کاهلیه

پرگنه چکنده

له لوانا له عه  
سه کک

له لوانا له عه تا حال جاریت

نہا مال  
پرگنه خفراز صوبه نیاز دہ باریک  
سر کار مکتور بجا بیک  
رہنما

در سفر کتبه بقلت خراج محمد ابرہیم  
مجال مذکور را نزد تو بنده بخش کرد  
دائمه ارسطو جاہ بوقت آمدن  
از پونا گزاشت کرده آورد فقط

کیفیت نظام یار جنگ ولد میر کاظم علی قوم سادات در سر کار پیدو سلطان ملازم بود از انجا روزگار  
گزارشته در بلده حید آباد آمد و شادی میر کاظم علی مسطور از همشیره میر عالم مغفور کردیدار پیش  
یک فرزند بنام عباس علیخان تولد شد در ترقی میر عالم مغفور میر عباس علیخان سبطاً نظام یار  
حسام الملکے جاگیر ذات سرفراز شد و راجہ صاحب چند زمین بیاد از جاگیر دو صد سہ را  
تعلقہ بردہ پور سرفراز فرمودند و شادی نظام یار جنگ از دختر کل عتصام الملک کردیدہ  
یک فرزند بنام غلام حسین بن نظام یار جنگ بیاد موجود است دیہا در مکتور روبروس  
مردمان قرابت خود از شاہ نواز خان اظہار میدارند - کیفیت سعید الدولہ بیاد -  
سعید الدولہ بیاد و بادی الدولہ بیاد و برادران در سر کار دارا جاہ شجاع الملک بیاد  
نور بودند در وقت ترقی میر عالم مغفور از انجا برآمده در سر کار بنید گانہای بسر رشته  
منصبداران مسلک شدند و مدار المہابی میر عالم مغفور از نیابت صوبہ داری حید آباد

سر فرزند شده سر انجام میدادند در سال ۳۳۳ هجری فوت شد و با دای الدوله بهادر از توجه  
 راجه گو بنده بخش بهادر از نیابت صوبه داری اورنگ آباد سر فرزند شده بود او هم بهما نجا  
 انتقال نمود از سعید الدوله مرحوم دو فرزند بود اندکی خلیل صاحب از دختر سلطان میان  
 شادی گردید یک فرزند تولد شده است دومی میر محمد علی از دختر سید احمد علیخان منسوب  
 شده است کیفیت محمد عظیم خان بهادر اعظم الملک کیفیت اینکه ببلایه بخشی گری و عار المانی در  
 سر کار تیغ جنگ مرحوم مامور بودند و فهمیده آماده کار از ایشان سه بیسویکی بنده علی خان  
 به خطاب علی یار جنگ سر فرزند در وقت خروج علیجاه در کار رازجویی و دادم دانگی دادند  
 در بلده محمد عظیم خان قید و بنده علیخان بدریافت این معنی خود را پیش از سطوجه در پونا رکن  
 بدر رسیدن از سطوجه در بلده از حضور غفرانآب عفو حرام محمد عظیم خان نموده بخدمت خانسانی  
 سرکار مامور و بنده علیخان تیغ علاقه نداشت از آن وقت مشارالیه بیکار دویم باقر علیخان  
 سوم قربا علیخان سوم لطف علیخان دریافت طلب عرصه بست و بخیال شد که اعظم الملک  
 انتقال کردند و عبده خانسانی بامیر الدوله قرار یافت - کیفیت بی نظیر جنگ بهادر محمد  
 معین از ولایت برائے تجارت در بلده آمده بودند در اینجا جناس دیگری بفرود رفت رسانید  
 باز واپس روانه ولایت خود شدند و قشکه دهنه دیگر آمدند جعفر علیخان فرزند خود را همراه آور  
 دند جعفر علیخان مسطور از قسمت خود در حضور بنده گانسانی مغفرت مآب ملازمت کرده  
 بسر فرزند خالات بعنوان منصب پنجزاری و از خطاب حسام الدوله بهادر معین الملک  
 سر فرزند شد ندوا الحسن خان فرزند معین الملک مسطور از اندوخته پدر خود با رام بسیر برادر  
 خان تذکره سپهر بنام جعفر خان توکد شد جعفر خان مسطور در حضور بنده گانسانی عفرانآب  
 عزت و اعتبار هم رسانیده ببلایه عرض بیگی گری بخطاب معین الملک حسام الدوله غریز  
 یافته تیغ فرزند بهادر مقرر حاضر بود ندکلان بی نظیر جنگ بهادر فرغام الدوله شادی از پیشتر  
 مرشد علیخان ولد رستم علیخان همشیره زاده شاه یار الملک بهادر است دویم شوکت جنگ بهادر  
 از دختر یکی منصب دار شادی گردیده سیوی شهباز جنگ بهادر که در سال ۳۳۵ هجری بروی  
 اش و آنکه افتاد بهادر مغربیک سال پیشتر انتقال کرده بودند چونکه از راجه چند وصل بهیاست

مقید بر اے دریافت ڈانکہ بکو قال شہر شد نشان آن در خانہ بی نیر جنگ بہادر دریافت شد  
 معلوم شد کہ بہادر مغز بطبع جہاں پرال برادر خود گرفتند شادی شہباز جنگ بہادر از دست  
 رشید الدولہ بہادر بھمن آمدہ بود چہارمی جمال صاحب بی بی پسر از محل دوم بنام محمد علیخان کہ در  
 فرزند می شرف النساء بیگم دادہ اند و بیگم مسطور شادی او از ہمشیرہ نادمی خود نمودہ اند  
 کیفیت عاقل الدولہ بہادر عاقل الدولہ ہا شندہ شورتر ہمشیرہ نادہ سید رضی صاحب  
 بعد آمدن از ولایت خود در خانہ میر نصیر طوٹان مدببے نیر جنگ بہادر شادی گردیدہ دختر  
 خود را بنام شرف النساء بیگم بفرزند نام میر محمد قاسم خان کہ رفیق مبارز خان حاکم جانشین  
 صوبہ حیدرآباد بودند شادی کردند از میرزا قاسم خان سز فرزند گلان مہدی یار خان دومی  
 اسد اللہ خان سومی میر خور و دختر میر مہدی یار خان از بھمن شرف النساء بیگم بنام خیر النساء  
 و شرف النساء بیگم ندوہ رسم عقد دختر خود سہامہ خیر النساء بیگم برضا مندی خود از حشمت جنگ  
 بہادر کردہ دادند از خیر النساء بیگم یک فرزند دیک دختر و ولایت رفته اند بیاس خاطر  
 حشمت جنگ بہادر اسطو جاہ عاقل الدولہ را بخطاب و جائزہ سرفراز نمودند تا حال جائزہ  
 بنام شرف النساء بیگم از سرکار دولت مار جا رست - کیفیت ظفر الدولہ بہادر ابراہیم  
 بیگ خان مخاطب بغاضل بیگ خان مانی جمعیدار چند سوار و بہادر از ملک خود کہ ترکمان مردم  
 بیادو ند نوکر راجہ سیکا کول والہ گردید ابراہیم بیگ خان مسطور در حیدرآباد آمدہ تماشہ نوکری  
 نمودہ لیکن کسی ہا اتفاق روزگار شد ہمدان معاودت نمودہ بچیناپٹن در سرکار والا جاہ  
 بہادر از دو صد سوار پانصد پیادہ ملازم شد و قتیکہ جنگ ترچیا ملی گردید رکن الدولہ کار آ  
 شجاعت و جرات ابراہیم بیگ خان دیدہ ہمہ فیصلہ جنگ از والا جاہ سوال نمود ابراہیم  
 بیگ خان کہ در سرکار نوکر است اورا حوالہ مایان سازند والا جاہ لاجارے دست  
 ابراہیم بیگ در دست رکن الدولہ دادند رکن الدولہ شجاعت و مردانگی ابراہیم بیگ بہ چشم  
 خود دیدہ بودند از محاللات فرمل و بیلکندل و بالکنڈہ و رنگل و لعلتہ راجہ شہار اوزیندار  
 محض نگہداشت جمعیت چنانچہ کار بانے شجاعت فرزا ابراہیم بیگ احتشام جنگ  
 ظفر الدولہ مبارز الملک مشہور عالم است چہاں فرزند نام ابراہیم بیگ خان بودند گلان فرخ

مرزا بختاب والد خود سرفراز گردید از حضور بندگانی پاندان رخصت گرفته نوکری  
 گرفته رفته بود در اثنا سے راه از دست مردم سرکاری کار آه چهار فرزند می داشت کلا  
 یوسف علی مرزا دویم حسین علی مرزا سوم ابراهیم مرزا چهارم سردار علی مرزا فرزند دویم  
 مرزا ابراهیم بیگ مرحوم یعقوب مرزا سوکمی ابوتراب مرزا مهیو جنگ چهارمی در وقت  
 طلب - کیفیت منشی اسمعیل یار جنگ نامبرده باشند اندر بود و الغامدار اسخا بود  
 و در دارالانشاء در وقت منشی گری شمشیر و نت در نیابت بودند و در جنگ که شتره وقت  
 روانگی مشیر الملک بهادر در پیونته هم رکاب بهادر مفر حاضر بودند و قیتکه اسطو جاه بهادر  
 از پیونته بحیدرآباد آمدند از منشی گری دیوانی سرفراز نمودند بعد انتقال اسطو جاه در حضور  
 بندگانی حال تا چند ایام سرگرم ماندند و میر عالم بهادر از اسمعیل یار جنگ نوی عدوت  
 میداشتند در حضور عرض نموده روانه جاگیر نمودند چند ایام مانده در اسخا یازدهم جماد الاول  
 ۱۳۲۳ هجری انتقال کرد سیرش عظیم الدیخان در بلده حاضر از عنایات پیر دخت  
 راجه چند و ملل بهادر از جاگیر والد خود سرفراز - کیفیت سیف جنگ محمد غوث خان نامی  
 از ناز نول باراده روزگار در عهد صلالت جنگ مرحوم در بلده فرخنده بنیاد وارد شد  
 نواب غفرانآب راصلالت جنگ مرحوم صوبه داری برار داده رخصت نمودند محمد غوث  
 خان در رفاقت غفرانآب حاضر هم رکاب روانه ایلمو شد و قیتکه غفرانآب در بهنگامه  
 حید بیگ بودند شرط رفاقت و هانفتانی از خان مسطور چنانکه باید بظهور رسید چون  
 غفرانآب قائم مقام ریاست شدند محمد غوث خان مذکور بختاب سیف الدوله و بخشی گری  
 تمام جمعیت و از محالات ننگنده و دیورکنده و غیره سرفراز شدند خان مذکور و پیرادر خود از  
 ناز نول مع عیال و اطفال طلبید از خطاب سیف جنگ و برادرش دیگر علاء الدوله  
 که دیده بود بعد چیت ایام محمد غوث خان از عارضه بیماری انتقال نمود و سیف جنگ  
 از اتفاق ابوالخیر خان شمس الامرا بعلاقه بخشی گری از حضور سرفراز شدند و ناموری  
 از بر طرف خود زیاده پیدا نمود الحال یک فرزند از سیف جنگ مسمی بچیکن میان سیف الدوله  
 و یک فرزند علاء الدوله بنام غالب جنگ حاضر است - کیفیت سید عاقل خان

خانمستور از سادات بار سبهدار و علی هر کاره در عهد مغفرت آّب سرفراز بودند چندی  
 به صوبه ذاری ایلیجورد در وقت غفرا تا آب سرفراز بودند و از خطاب بر بان الدوله بر بان  
 الملک اتیاز یا قند فرزندش سید حاجی بخطاب بهرام جنگ بهرام الملک و از جایگزین یکصد سوار  
 و دو صد پیاده بار در وقت میر عالم مغفور سرفراز شد و از همیشه میر عالم مغفور رسم  
 شادی سید حاجی بهرام الملک بعمل آمده از بطن همیشه مغفور مذکور سه پسر گلان غلام حسین  
 خان بهرام جنگ که ستم ربیع الثانی ۱۲۳۵ هجری وفات یافت شادی از دختر شهباز جنگ  
 شده بود و بیعی عاقل خان از دختر مستقیم الدوله بهادر گردیده سویمی سید غیرت خان  
 شادی از دختر میر زین العابدین متوفی برادر میر عالم مغفور شده است و دو پسر از خواص  
 یکی بنام قمر طلیحان و دومی سید محمد طلیحان - کیفیت وفادار خان شمشیر جنگ - از جمله های  
 سرکار آصفیه است و از تقاضا و کروڑ گیری سرفراز بود و حضرت غفران آب بسیار غنایات  
 بر وفادار خان میداشتند الحال در اولادش یک فرزند و یک فرزند و یک حبیبه است  
 سببیت عبدالرحیم خان قلعدار گوکنده - از خانزادان قدیم غفرا تا آب پدرش حیون خان نامی  
 مثل امیر جنگ متوفی در جرگه حبیبیل بودند و از او اخذ عهد غفرا تا آب بمهد قلعداری قائم است  
 جمعیت قلعدار مذکور یکصد و دو صد جوان عرب و قیناتی مردم پشاور و علی بیگ خان و  
 نفس الامرا بهادر و موسی رحمون است - کیفیت حافظ یار جنگ و قینک غلام سید خان موم  
 در پونا بودند و باز در بلده آمدند از آن وقت بر عهد عرض بیگی گری ناز است موم مذکور  
 بحال بود بعد رحلت مرحوم مذکور جایگزین هزار روپیه حاصل نموده پنجاه سوار از سابق بحال اند  
 و سپرد چندی کار جو بنیه و قلمقه پیر نموده بود و هم چند اسپان پاینگاه سپرد خانمستور قیناتی  
 مرشد زاده با در قلعه گوکنده به جمعیت سی صد و پنجاه سوار و بار منجلا آن چند سوار و بار را  
 چند و صل بهادر و چند سوار غیر الملک بهادر و شمشیر الامرا بهادر و رعد جنگ بهادر و فرزندان  
 حافظ یار جنگ مذکور و نوکری سرکار و در بار داری حاضر - کیفیت مصمصام الملک بهادر  
 میر کمال الدین به حسب آب و خوراز بنده و شان نوکری بادشاهی غوا قیاز یا قند بود پسرش  
 ایرک حسین خان در عهد جنت مکان عالمگیر بادشاه بدر ما به دو منصب سرفراز بودند و

میرک معین الدین در عهد شاه جهان باو شاه از صوبه کابل و طمان سرفراز بودند بعد از آن  
 شاه عالم بر صوبه داری ملتان تقریباً فتنه میرک معین الدین خان بصوبه داری اورنگ آباد  
 سرفراز گردید سپهرش میر حسین علی از قدر دانی مغفرت آید به منصب و خطاب یافت بود تقابل  
 آصف جاه نواب نام جنگ مرحوم دیوانی سرکار خود بخطاب شاه نوز خان سرفراز فرمودند  
 و در عمل صلوات جنگ مرحوم موسی جوسی از کشته شدن سید جنگ وکیل خود شاه نوز خان  
 مصمصام الدوله را از مغرب کنده بند و ق از جان کشت فرزند کلان میر عبدالجلی خان را چندی  
 در قلعه گوگنده داشته بود از آن نظام علیخان بهادر که بر مسند ریاست جلوس فرمودند میر مطرب  
 از قلعه بر آورده بمنصب شش هزاری و پنجاه سوار و بخطاب مصمصام الدوله مصمصام جنگ  
 سرفراز گردید بعد آن بمنصب هفت هزاری و هفت هزار سوار و علم و تقاره و باپی مراتب  
 و پانکی چهار دار و خطاب مصمصام الملک و تعلقه دیوانی صوبه جات دکن سرفراز نمودند حضرت  
 بندگانی خواستند که مدارا الهامی خود و فخر امورات سرکار خود نمایند بهادر موصوف قبول نمودند  
 لیکن در جمیع امور کلیات سوائے صلح و مشوره مصمصام الملک هیچ امر نیک گانغانی عفر نام آبی  
 ساختند برادرشان میر علی سلام خان و دلاور جنگ توام الدوله بودند الحال در اولادشان جلال  
 الدوله بستند - کیفیت اعتماد نواز خان محمد یعقوب خدمتگار مصمصام الدوله بهادر بود و بعد انتقال  
 مصمصام الدوله مرحوم لباس خود مبدل نموده لباس چو بداری اختیار نموده در زمره چو بدان حضور  
 ملازم شد در تعییناتی وقت عاجز اوگی بندگانی حال ماسو بود و چنانکه بندگانی حال قائم مقام  
 ریاست شدند بخطاب اعتماد نواز خان و بسرکردگی چو بداران سرفراز گردید - کیفیت  
 اسمعیل خان - اسمعیل خان اولاد تلنگه برگ تبول فروش از بلده حیدرآباد بر آمدند در آگاه  
 زنته پیله شده نو مسلم گردید در آگاه هوشیاری او دیده امورات خانگی از او میگردند و چنانکه  
 جنگ پیشو سلطان از آرا جاه گردید کارهای دست بسته از اسمعیل خان بهمن آمد و اعتبار  
 زیاده پیدا کرد و بعد انتقال در آگاه اسمعیل خان از آن خبر آمده مع لین باستصواب  
 را چند ملازم سرکار گردید در سرکار راجه راجندر محنت بسیار مینمود بعد آنکه میر عالم مغفور  
 مدارا الهام شدند مع لین مذکور در سرکار میر عالم مغفور حاضر شده بار و نعلی عمارت مامور گردید

و این جم قائم ماند و در قریه مکانات بسیار جا نشانی با میکرد که اکثر مغفول منظور و تفریف میکرد  
یکبار لرین و تعلقه ناراپیچ در تنخواه اند سرکار معین است یک فرزند میدارد و کیفیت مرده  
محمد بلشتم باشند هندوستان در ریاست ناهر جنگ شهید از چوکی چو بداران سر فزاشد پس  
گلان ظاهر علی خان بعد انتقال والد از سرکار چوکی سر فزاشده در ریاست غفران ماب  
بسیار عزت و اعتبار یافته الحال هم بکار مامور و سر فزاست اولاد نمیدارد دیگر دو طفل متبنی  
کیفیت ذوالفقار علی خان بن احمد علیخان انصاف ابن احمد علیخان تجاد و در ساله شمس الامراء  
مرحوم نوکر بودند و در عروج میر عالم مغفور که رعایت احوال منظور بود بدستخط مرحوم دینعلیخان  
مدد خرج ملازم شدند و سپس ایشان که بودند یکی بنام حسن علیخان از دست پسر حیدر ناز جنگ  
مرحوم وکیل شمس الامراء بهادر در دیوانخانه راجه چند و عمل بهادر گشته شد و دیگر برکات علی  
نانی که معروف به پستی صاحب است حد رفاقت شهبیاد الملک وجده و والد آنهها ظاهر  
ذی شخصیت دبا شده مجملی بنبراند چنانچه الحال هم از سرکار عظمت مدار به سلسله قدامت  
جده و والد آنهها تنخواه هر دو برادر مقرر است جده قمرآرزو اوتخان نواب مبارک اللوله  
حاکم سابق مجملی بنده که مشا هر نقدی مع اوتخان از سرکار ممدوح می یا بند کیفیت سیدی  
عبد اللہ خان و سیدی منتقال خان و نادر علی بیگ خان سیدی ناهر و سیدی عبداللہ هر دو خانه  
زاد تیغ بیگ خان ناظم صورت سیدی غنبر علیخان خانه زاد سیدی ناصر از انتقال سیدی  
ناصر سیدی غنبر علیخان و سیدی عبداللہ خان با هم با اتفاق تمام بودند و قتیکه تیغ بیگ خان  
رحلت نمود هر دو آواره شده در اطراف با جمعیت روز میگردند بحسب آب و فود در نواح  
اورنگ آباد وارد شدند در آن ایام غفران ماب روزیکه حیدر جنگ را گشته تا چند  
از معتمدان خود میرفتند سیدی غنبر علیخان و سیدی عبداللہ خان به جمعیت دو صد پیاده  
و عرب و حبش و سورتی و گجراتی و هندوستانی ملازمت نمودند نیک گانانی ملحق شدن این  
جمعیت منتقم از کاشته انهار ارفیق خود کرده گردنید از اعتماد ایشان بهره بندی کردند  
و قتیکه غفران ماب قائم مقام ریاست شدند از جمعیت یک هزار سوار و دو صد بار مرامر  
مواجب بست هزار چندی کلاه پوشان و سیصد و پنجاه سوار بسر اسری چهل رو پیچ

سرفراز گردند و سیدی عمر علیخان در حضور می بودند و سیدی عبداللہ خان با جمعیت بنو کبری  
 می رفتند و هر گاه سیدی عمر علیخان انتقال کرد خلعت با سیدی عبداللہ خان مرحمت  
 شدند بعد بخطاب داد و اور الملک سرفراز گردید و قتیکه عالیجاہ مفروز شدند بنندگان عالی  
 داد و اور الملک را با جمعیت روانه کردند چنانچه در جنگ متصل بید شربت شہادت چشیدند  
 بعد سیدی محمد خان پسر بہادر مذکور سرفراز گردید او ہم بعد چند انتقال کرد آنوقت سیدی  
 اسد اللہ خان مخا طبر بعد جنگ برادرش کہ حقدار بود لیکن صغیر بن با برتر شدن کار خانہ  
 سیدی صیب خان مستعد جنگ را کہ از بلطن رقاصہ بود مصلحتاً مقرر کردند تا مہرہ نالایق خراب  
 خور و مردم آزار بود و در ہمان اوقات از بدستی خون ہم کرد لہذا از سرکار اخراج کردند  
 بعد از آن بعد جنگ را کہ از روس شرع ہم استحقاق سرفراز فرمودند تا علی بیگ خان  
 را داد و اور الملک آدم کارہ و ذبیحوش دیدہ نو کرد داشته بود ہر گاہ کہ غفران کاب بنابر  
 بند و بست ارادہ کرد بہ بندگان عالی حال حکم کردند سیدی متقال خان و نادر علی بیگ خان  
 را در آنجا مقین کردند لہذا علی بیگ خان را بہ جمعیت دو ہزار سرفراز کردند - کیفیت انوار الدین خان متوطن گویا موضع ہندوستان  
 در عہد عالمگیر بادشاہ بمنصب و خطاب سرفراز بودند بعد از آن بدیوانی دکن مامور و موہولم  
 بادشاہی و از حال دکن و کیفیت داشت آصفجاہ ہنگام ورود خود خان مشاڑ ایبہ را  
 بدکن ہمراہ آوردند و مشاڑ ایبہ بر فاقہ آصفجاہ مصدر تردد است شایستہ و بسر کردگی  
 ہزار سوار و یار بصوبہ داری حیدرآباد و سید کا کول و راج ہندی و حجابات فوج مرہستین  
 و در سنہ یک ہزار یکصد و شازدہ ہمراہی بخدمت نظامت ارکاٹ و ہمہ کراٹک مامور شد  
 ہمان سال آصفجاہ رحلت نمود حسین دولت خان ف چند صاحب سر بد اہل نوایت  
 کہ حکومت ارکاٹ میداشت بہ ترغیب بدایت محی الدین خان دختر زادہ آصفجاہ مرحوم از  
 ارسال پیشکش معمولی دست کشیدہ طرقی انحراف اختیار کردہ جمعیت فراسیس را از بندر  
 سجو لہری بکنک خود طلبید بانور الدین خان مجادلہ و منازعت آغاز نمود تا ہر جنگ  
 خلف الصدق آصفجاہ مرحوم کہ بر مسند ریاست دکن متمکن بود با استماع نشو و رش

شورس و فساد کرنا تک از اورنگ آباد با عانت انورالدین خان متوجه شد خان مسطور قبل  
از رسیدن نامر جنگ در مقابل فراسیسیان و چند صاحب ششاز دهم شعبان سنه یکم در  
و شصت و سه بھری در سن نو دو چار سالگی کشته شد محمد علیخان خلف انورالدین خان دوم  
از ترچنا پللی مع عیال بہ تقرر چینا چین رسید با استصواب از باب حکومت نماند کہ در ایالت  
انگریز عرض داشت فرستاده بنام خود سند طلبیدہ بمعاضدت سرکار عظمت مدار باستیصال  
فرایس و غیرہ پرداخت چند صاحب در محاربه کشته شد ملک کرنا تک از کنار دریاے شور  
تا سرحد دریاے کشا بقبض و تصرف خود آورد محمد علیخان بخطاب والا جاہ پایۃ اعتبار بزرگوار  
دو سنہ کینار و دو صد و دو بھری ازین مہاں فانی انتقال کرد - عمدۃ الامرا پسر مین والا  
جاہ شش سال قائم مقام حکومت آن ملک بودہ در سنہ یکم از دو صد و پانزده بھری  
دو بیت حیات پسر و عظیم الدولہ پسر امیر الامرا برادر خود عمدۃ الدولہ فرد تحصیل ملک بمبلغ بیست و  
تک روپیہ داخل دفاتر سرکار کینیا شدہ بود در نیولا از باعث آبادی ملک آنچه از ادارہ  
روس حساب می برآید خرابہ عظیم الدولہ فرامخت میشد و ہزار ہون ماہوار میرسد تاریخ  
نہم شوال ۱۲۳۳ بمعارضہ و با انتقال کردند عظیم جاہ خلف مرحوم تہا بیخ نہم ربیع الثانی ۱۲۳۳  
بہ اعانت صاحبان منہ نشین شدند - کیفیت جمال خان و ہانی خان مسطور با شدہ بجا  
قوم افغان برائے روزگار مع پسر و برادر نادرہ خود در طردہ آمدند در عمل غلام سید خان  
مرحوم از یک صد سوار نقدی بد راہ ذات سرفراز شدہ و ہمیکہ جنگ پیشو سلطان در پیش شد  
وار مسطور جاہ بذات خود متوجہ گردیدند محمد علیخان بہ سار و شاکر خان بہادر و جان خان بہادر  
بذات خود کار ہائے مردانگی و شجاعت بسیار نمودند مع معاونت فتح پیشو سلطان از مسطور جاہ  
از جاگیر ذات و جمعیت چار صد سوار سرفراز نمودند بعدہ از اعانت راجہ چند و سل بہادر از  
تعلقات قریب پانزودہ لک روپیہ و از جاگیر قریب سہ لک روپیہ در عرض نگہداشت  
جمعیت ذات سرفراز بودند چونکہ در ادائی مال واجب سرکار قدرے ایتادگی کردند  
دبر رعایا ظلم و تعدی روا داشتند و عاریض نالش اکثر از رعایا بجنوب صاحب نزدیکی  
انجا رسید و راجہ چند و سل بہادر بالکل تعلقات مسترد کردہ بقدر معاش ذات بہادران

باقی داشته اند تبایخ هفتم شعبان ۱۲۳۰ هجری جمالی خان لوبانی انتقال کردند محمد علیخان هفتاد  
 خان بر جاگیرات و رساله مختار اند - کیفیت نامدار خان عرض بیگی راجه چند وصل بهادرد و نامناست  
 از اقرابت و وصی خان است از عرصه پانزده سال از سفر کله پیه که راجه چند وصل از قلعہ نزار  
 بودند از سفارش راجه کیول کشن نزد راجه صاحب ملازم شد و راجه صاحب بعد سفر قزاقی  
 کار پردازی خود بیکصد سوار سفر قزاق فرمودند نامدار خان برادر خان مسطور از جاگیر در صوبه بهار  
 از عمل رکن الدوله بسفارش و وصی خان سفر قزاق است و نامدار خان را یک پسر بتلم نوزاد شد  
 خان است که بصمیمه دلاور خان مسطور متوب است و از سر کار راجه صاحب پنجاه سوار  
 بنام نامدار خان مقرر است و نوزاد شد خان نیز درین سوار شریک است مگر از عرصه رساله  
 راجه صاحب نوزاد شد خان را براسه سرانجام امور صاحبان که در عمل سرکار عالی آمد  
 و شد دارند اکثر میفرسند خصوصاً بسبب میند بار یابی جناب زریڈن حال نام اقبال  
 راجه صاحب نامدار خان بصوبه اورنگ آباد به معزونی توابع کاظم علیخان بهادر سپه نواب  
 زمین العابدین خان مرحوم بنده ستانی که بسفارش زریڈن بهادر سابق نامور کرده  
 بودند سفر قزاق نموده اند در کله پیه و غیره که راجه گو بنده بخش بهادر بابت قرض خواہ توابع سبحان  
 خان مرحوم کرده داشته بودند و از برادر خود راجه اتزع نموده تفویض نوزاد شد خان کرده  
 اند عرض که در حال پاجا بسیار هم رسانیده دلاور خان عرض بیگی را دو پسر اند -  
 کیفیت نامدار علیخان - خان مسطور متصدار در سرکار عالی ملازم بود از پنج فرزند دو انتقال  
 کردند سه فرزند حاضر - کیفیت افسر الدوله رفیق شمس الامرا از جاگیر در صوبه بزار سفر قزاق  
 بعد از آن شمس الامرا بهادر نامواقت کردند میر عالم متفق و ولیات ایشان گرفته شریک  
 باره دری خود نمودند و در عرض گرفتن مکانات ایشان را اضافه جاگیر و برادران افسر الدوله  
 را در ماه مقرر کرده در رساله خاص راجه چند وصل بهادر داخل کرده اند نام هر دو برادران  
 افسر الدوله مسطور غلام صدیقی خان و حسین علیخان این هر دو کسان در ۱۲۵۳ هجری بسبب  
 شوره نشینی و بدادای کسبت اغزه بلده بموجب حکم راجه چند وصل بهادر از بلده اخراج یافتند  
 اند مگر افسر الدوله بذات خود فهمیده است شمس الامرا بهادر سرگردی جمعیت از طرف خود

مقرر نمود و تعییناتی هببت رام وقت جنگ نه صید و بجهت فرستاده بود - کیفیت محمد منصور خان  
 بهادر مغز رفیق غلام سید خان مرحوم باشد. نوح الجیو همیشه در حاضر انجی متاز بودند غلام  
 سید خان مرحوم وقتیکه در پوز رفته بودند موصوف در رفاقت حاضر بودند بلذین نواز سلطو جامعیت  
 و در ماه ذات پرگنه ساتوبی از پرگنه خود ببنوان جاگیر سرفراز کردند و بعد رحلت بر جایگزین خود  
 قابض و نیز در اجده چند و محل آمد و شد داشته اکثر بر تعلقات بجو تهمید ما مویب دند تبارخ سوم  
 محرم ۱۲۳۵ هجری در بلده افاغنه غیر مهدی باختلاف مشارب کبمال جرات و جاننازی همه  
 چار اسم افاغنه را بقبل رسانیدن همیشه زاده خود کشته شدند - کیفیت علی بیگان خان منسطور  
 سوو اگر پیشه و از میر عالم مغفور هوا تحت داشته جنس و اجناس مبلغ خیطر میر عالم مغفور گرفته  
 کار سازی نموده مبالغ آن بمیر صاحب میداد میر عالم بهادر بوقت روانگی کلمته از دریا به  
 یکصد و صوبی از دست غلام سید خان مرحوم سرفراز گنا گیند و قیتکه مدار المهابی بمیر عالم بها  
 شد از دو دوصد سواران نعلیه و از دار و نعلی جنسی سرفراز نمودند و بعضی اوقات در شاوره  
 بود اگر آن هم شریک بودند در ۱۲۳۲ هجری رحلت کرد سه پسر بنام محمد بغیر و غیره و دو صبیبه  
 گزاشت - کیفیت جهانگیر یار جنگ حسام الله خان ولد سردار الملک بهادر قلعه او دیگر  
 منصبدار بادشاهی از عمل بادشاهان قدیم سرفرازند خان منسطور و بهادر مذکور هر دو انتقال  
 کردند جهانگیر یار جنگ فرزند کلان و خور و نما مهدی خان سردار الملک حضرت غفر آقا ب  
 از جایگزین سواران هم سرفراز فرمودند الحال از حضور قلعه ای قلوه او دیگر بنام جهانگیر یار جنگ  
 مع احتشام و جایگزینات مقررات - کیفیت عبدالکریم خان خان منسطور اقامت از سرکار  
 بندگانهایی و از زمین قریب یک هزار بار سرفراز بود انتقال نموده پسرش قادر علیخان ضعیف  
 داشت بخش الله خان برادر زاده از زمین سرفراز شد الحال پسر عبدالکریم خان از موقوفی  
 بخش الله خان سرفراز گردیده است که کیفیت محمد صاحب عرب و منسطور از دوصد سوار  
 و دوصد بارز و بسالت جنگ که حاکم ادمونی و غیره حالات بودند لازم شد بعد انتقال  
 عرب مذکور فرزندش محمد امین خان عرب از جمعیت مذکور سرفراز شد و قیتکه بسالت جنگ  
 بهادر انتقال نمودند اراجاه بهادر فرزند او شان قایم مقام گردید فیما بین محمد امین خان

و دارا جاه صحبت برار نشد و بسطور از اینجا خوش شده در حضور غفرانما جنگ شد و جمعیت  
 دو صد بار و پرگنه ابو و پرگنه چندول در جاگیر سرفراز فرمودند در سالی دو انائی عرب و کور  
 پند مزاج حضور پر نور بود در مقابله تیسو سلطان از صلح مذکور کار میفرمودند بعد انتقال  
 محمد امین عرب عدو سخنان فرزند و از جمعیت بعنوان جایگزین سرکار مقرر است از محمد عدو رس  
 خان فرزند و از جمعیت مذکور سرفراز شد و پرگنه میطرم و پرگنه جهون در نگه داشت جمعیت بعنوان  
 جایگزین سرکار مقرر است از محمد عدو سخنان بهادر سه فرزند کلان محمد صاحب دومی این صاحب  
 سونی از محل ویم بنام محمد برهان سابق راجه ناکنا تبه را و مشهور ناکن کرط را را جنگ کرده و شکر  
 آورده بودند تا بهره مرد بشرش و نبرگانش بر مکانات خود قابض است و نالپو و غیره  
 مکانات بطور تمهید در علاقه محمد امین صاحب تعلق دارد و کیفیت نودی خان مرحوم خان مرحوم  
 در ساله ساکن با چهار صد سوار طازم و رفیق میر موسی خان مرحوم مخدب به رکن الدوله بود  
 مرحوم مسطور نظر بر فاقه از جایگزین یا قصد سوار سرفراز فرمودند بعد انتقال بود خانی فرزند  
 بودند چهار سیر انتقال کردند گدائی خان فرزند کلان که از خطاب الدخود سرفراز اند حاضر  
 و جایگزین قصد سوار از سرکار مقرر است و فرزند میدارند بنام محبوب خان پسر دل خان  
 عمر گدائی خان تخمیناً پنجاه و هفت سال منصبدار بادشااهی نیستند باشند الطیوب و کیفیت  
 کوئی بیگ نماند خا مسطور باشند هندوستان محمد ارپیشه همراه عاشق بیگ خان در عمل  
 دیوانی الم چند طازم سرکار گردید بعد موقوفی راجه چند و عمل بهادر هم موافق دستور  
 سابق مع یکصد سوار طازم داشتند چندان اعتبار در حضور یا نزد راجه چند و عمل بهادر بزرگ  
 کیفیت سکندر الدوله بهادر باشند سامانه اقربانک غلام سید خان مرحوم در عمل دیوانی  
 مرحوم مذکور در اینجا آمده از خطاب و جایگزین سرفراز شدند و پنجاه سواران را جایگزین علی خان  
 برادر او شان هم همراه آمدند سه فرزند از سکندر اله حاضر کلان سرفراز علی خان و دو فرزند  
 خرد و کیفیت میر احمد خان بهادر قوت جنگ بهادر بهادر مقرر دار و غه جنسی سرکار نواب  
 غفرانما بودند از بهادر مرفسه فرزند کلان میر احسان خان به خطاب قوت جنگ بعد  
 انتقال و الیجا گیرات اله خود سرفراز شدند و فرزند دومی عثمان یار خان زند سوم سرفراز

از ضیاء الملک بهادر هم قرابت میدارند کیفیت میرکلب علیخان از ولایت درغل دیوانی  
 غلام سیدخان مرحوم آمده ملازمت خاص نمودند مرحوم موصوف رساله یکصد سوار متغیر بکار  
 اخلاقی رساله سیف الملک بهادر مرحوم فرزند خود داده از حضور بن خطاب نورالدوله سرفراز  
 کنا نیندند و بعد آنکه غلام سیدخان مرحوم در پیونه رفتند سواران و غیره موقوف شد  
 وقتیکه غلام سیدخان مرحوم از پیونه آمدند از ناخوشی مزاج روبرو آمدن هم ندانند میر عالم بهادر  
 وقت دیوانی خود از و اخلاقی جمعیت سواران و داروغلی سرکاره رساله سلیمان جاه بهادر  
 سرفراز نمودند - کیفیت سرفراز الدوله بهادر لشکر جنگ نام دانا کمرنگ امور تعلقات  
 بهوشیاری کمال میدارند و در قرابت شمس الامراء بهادر اند - کیفیت معظم علیخان بهادر  
 قیصر جنگ خویش مقبول الدوله بهادر مرحوم که سابق بر عهد عرض بیگی گری غفر آتاب بود  
 قیصر جنگ از حضور غفر آتاب تینانی بندگانهائی حال بود در وقت مرشد زادگی بندگانهائی  
 حال بر عهد عرض بیگی گری سرفرازی داشت الحال بداروغلی بنجاه زبیر قیل ضبطی بهادر  
 سرفرازی دارو و بندگانهائی از خطاب کرم علیخان بهادر قیصر جنگ سرفراز فرموده اند -  
 کیفیت گهاسی میان نهراف شمس الامراء بهادر نظر بقربت بهادر موصوف از خطاب طراد الدوله  
 سردار الملک و به جمعیت سرفراز حضرت مخفران مآب بسیار عنایت میفرمودند گهاسی میان  
 مذکور را در خانه بنی طوائف در ایام محرم پنج ششش اققانان همدوی از جان کشتند چهار نفر  
 موجود است پتھر و میان خطاب سردار الدوله که از بطن همشیره امجد الملک بهادر بود  
 انتقال کرد از طوائف منگوه حسینی میان اعظم جنگ و قطبی میان و فرید میان کیفیت  
 علی محمد خان برکار پیروازی تعلقات ابنالال دیوانی و بخشی گری سپاه درغل رکن الدوله میر موسی  
 خان مرحوم در سرکار نواب شرف الدوله بود ند چنانچه غلام سیدخان مرحوم در وقت ملازمت  
 خود جایرات نواب موصوف و ضبطی سرکار آوردند و تعلقات مذکور سپرد علی محمد خان  
 نموده از خطاب علی یار جنگ سرفراز کنا نیندند پسران او شان الحال بدر حس  
 فقیری رسیده اند - کیفیت ماما پدن دختر صقه بود در ایام سابق نزد کس خواص  
 ملازم شده بر طرف گردید و از باعث ذیهوشی بحضور نور ملازم گردیده بدر ماهه دزده در پیوه

مقرر یا قت و نسبت خدمتگاری و حاضر باشی زمین بطن پیغمبر عنایت گردید چهل روپیه بهار  
 و پانکی سرفراز گردید قریب چهل و هشت سال است که در محل آمده تجدیدت زمینت لسانیکم  
 صاحب و والده جاندار جاه بهادر میگذرد در ۱۳۲۳ هجری فوت شد قائم مقام او کنیزش جیسی  
 حاصل بطن پیغمبر قریب دو هزار روپیه کیفیت ماما چنیا کنیزک خریدی ماما حاصل سرکار  
 از باعث زیهوشی نامبرده حضور پر نور اکثر کار میفرمودند از دوازده روپیه ماهواره بشا هر  
 چهل روپیه و پانکی سرفراز در چنیا پیغمبر عنایت گردید قریب چهل و پنج سال است  
 که در محل آمده نکاح از فوجدار خان خود غفران آف کسانیده دادند نام پدر خان مسطور  
 و نام جدش میرصادق نامی منصبدار و میرادانی فوجدار صلابت جنگ مرحوم بود فوجدار خان  
 در خوشی میرادان فیلبان اندازان روز درین فن قدم نهاد و در وقت غفران آف  
 به فوجداری حضور سرفرازی یافت حاصل چنیا پیغمبر قریب یک هزار و پانصد روپیه از عهد  
 غفران آف یکصد و پنجاه گاژون در رکاب حضرت بندگانی مامور است و یکصد پنجاه  
 گاژون که در عهد حضرت غفران آف حواله ماما منابود بعد انتقال ماما مذکور پنجاه در سرانجام میداد  
 و در عهد حضرت بندگانی حال که بنما و فوت از گاژونهای مذکور پنجاه گاژون حاصل  
 خدمتگار یکصد گاژون حواله اتهام نواز خان مرد ما کردند چنانچه تا حال بحال اند و جمعیت  
 ماما بطن و ماما دیگر هیچ نیست و ماما چنیا در ۱۳۳۳ هجری فوت کرد کیفیت شرف الدین خان  
 در او اهل شمس الدین حسین خان برادر کوچک فخر الدین حسین منشی جزئی پالم صاحب متوفی  
 از بیلس پونه بدر ماهه قیاس ملازم و متوسلانه در راجه و فعل بهادر آمد رفت میداد  
 در وقت شد نام صاحب بهادر بواسطه مولوی میران علی منشی و میران بنی ڈاک و الم  
 کار و کاست راجه مدوح بزمه خود گرفت و برادر کوچک خود را بمصاحبت راجه کوچک بند بخش  
 بهادر که سردار جمعیت متعلقه صوبه برار و غیره بجای مهربت رام بودند متعلق نمودند اتفاق  
 دوستان خود باز از اخذ و جبرگرم ساخت و اقتدار پیدا کرد از خیمه صدق مصرع زنتد جائه  
 ناپاک گاژان بر سنگ بچهد متوفی میران علی منشی برده این راستی از روی کار افتاد  
 و از خان بلده گردید در دیهات جاگیر خود زفته سکونت کرد و آخر بعد شش سال

تعارض نمودند انصاف اظهار احوال خود که در ویرانه اطباء نیستند ناقص ضایع بشوم بصورت صاحب رزیمینس که آخر وقت بنری رسل صاحب بهادر بود فرستاد بهادر معز را رحم آمد و ایما بر اجد چید و ملل بهادر کردند از انوقت که باز آمدند در سرکار راجه موصوف پیش شدند و علاقه عدالت مستغنیان بلده و فیصله آنها بنجان مسطور قرار گرفت الحال هم در ارتش و شرح حال غراب مقصود ندارد - فصل سوم و احوال فرقه بنود بلند کرده آصف جاه مرحوم و کیفیت راجه راورنجها - راجه معز از قدیم منصبدار بادشاهی و بجایگرات و سواران و عهد حضرت مغفرت آاب سرفراز داشتند اندام والد راجه مسطور اندام و نام جد جانوچی راؤ خاککر و نامبرده از عهد عالمگیر منصب سه هزاری و سه هزار سوار از آباد اجداد بهر نواز پنجاه جانوچی راؤ خاککر مسطور جد راجه مذکور عین حیات آصفیاه در محاربات مطبوعه ترد و در جاب کرده اعتبار پیدا ساخت حضرت مغفرت آاب توقیر ایشان بسیار میفرمودند عمر راجه مسطور قریب هفتاد و چهار سال در رسم شادی مفر بهادر از محقوم خود که قوم مرسته اند بهم آمده به بهادر مفر و پنج فرزند از زوجه شادی بنام کهنده راؤ و اند راؤ و سه پسر از بطن طوف بمخلمه آن پسر کلان امام الدینخان نامی فوت شد دو پسر زنده اند جمعیت راجه مسطور شش صد سوار و جایگزین یک روپیه مع ذات و سوار در عهد احمد شاه بادشاه وقتیکه حضرت مغفرت آاب بصوبه و کن مامور شدند از ان پیشتر از جایگزین در وقت چهار خان هم پیر راجه مفر متناز بود و بزرگان ایشان معلوم نیست که از عهد کدام کلام بادشاه بمنصبدارای سرفرازی داشتند از عرصه پنجاه سال که راجه معز از افغانان بهدی قرض گرفتن اختیار کرد و قریب سیصد گنجه مقرر شد و در جایگزین کهنده راؤ پسر راجه مذکور که مسلط بود بسبب فضولچی و مفرنی پدر خود دست از فرستان زر جایگزین کشیده بلوه قرضدار بهانوبت بکشت و خون سینه راجه چند و ملل بهادر فیصله قرضدار بهادر کرده ذمه خود گرفت و جایگزین در قبضه خود درآوردند الحال بقدر مایحتاج میدهند و جمعیت هم چند ان ندارد قریب دو صد سوار خواهد بود و کیفیت نانایندت و راسته رایان بهادر نام اصلی و چونند و پندت راجه راسته رایان است هر دو برادر و ولد مانابی شکر قوم زنادار بهنده پٹواری اگر موضع لاب گا لون پیر گنه

پانگل صوبہ نچتہ بنیاد بودند در عهد حضرت فخرآب بالکشن نامی پنڈت کہ محرر مقرر بودند  
 نزدش ہر دو برادر بدر ماہہ ہفت ہفت ملازم شدہ در جرگہ مقصدیان مہراہ پنڈت مسطور  
 نزد رکن الدولہ مرحوم آمد وقت داشتند بعد از انتقال بالکشن پنڈت مذکور از دیہوی  
 ہر دو برادران را رکن الدولہ برد فر پشیکاری صوبہ برار نچتہ بنیاد و صوبہ جہا پور  
 ہر قدر کہ در سرکار عالی است از حضور غفران آاب سرفراز کناہند بعد از انتقال رکن الدولہ  
 ہر دو برادر از رسائی خود اجرائی امورات سرکار چہ در وقت وقار الدولہ و بعد انتقال قالہ  
 باستغانت شمس الامرا بہا در مرحوم سرانجام کار سرکاری نمودند و قتی کہ غلام  
 سید خان مرحوم آمدند چندی ہر دو برادر ز زندہ ماندہ ادل راجہ رائے رایان تخمیناً عرصہ  
 چہل و پنج سال بدر شد کہ انتقال کرد بعد نانا پنڈت در سن ۱۲۰۰ ہجری درگز نشست  
 از اولاد راجہ رائے رایان راجہ شیشام راج بہا در یک پسر موجود بود سفر کمرہ بسبب  
 بر آمدن دست آویز ہائے فتور و خطوط مہری ایشان بنام بیٹو سلطان از بلدہ اخراج  
 شدہ در جہاد آباد بدر جاگیر خود بموجب حکم حضور مامور است و سیر و دیگر فور بود انتقال کرد  
 مانا پنڈت لا ولد بود برد فر داری صوبہ ہائے مذکور بتاریخ نسبت و حکم شیخان ۱۲۲۰ ہجری  
 راجہ شیشام راج در جاگیر خود انتقال کرد و راجہ جینا باقبال نذرانہ مبلغ دو لک روپیہ ہم  
 قائم مقام پدر خود شد ترک پنڈت از طرف راجہ مفر اجرائے کار میکرد۔

### کیفیت راجہ راجندر

پہرہ بیت راؤ نزار وار مادھو چاری راجہ مذکور در خانہ رائے رایان آمد وقت داشت  
 و ملازم رائے رایان شدند بعد انتقال راجہ رائے رایان و مفر راجہ شیشام راج فصل نامتہ  
 از طرف راجہ مذکور بر سوال جواب و کالت پوزہ مقرر یافت در وقتیکہ غلام سید خان  
 مرحوم در پونہ بودند در اینجا راجہ شکر بطور و کالت رفتہ در خلصی غلام سید خان  
 مرحوم نزد سندیہ و غیرہ اہلکاران انجاسمی ہا مینمودند بعد غلام سید خان مرحوم خوشا را  
 متوق کردند در وقتیکہ در بلدہ خواہم رفت بر عمدہ پیشکاری از حضور پرنور سرفراز  
 خواہم کناہند چنانچہ بعد آمدن در بلدہ غلام سید خان مرحوم ایفائے قرار نمودند و کپڑہ وغیرہ

جاگیرات از سرکار دولت مدار و دهنرار روپیه در ماه از سرکار عظمت مار ۱۲۱۵ هجری  
 مقرر شد بعد انتقال غلام سید خان مرحوم پنج شش ماه برین عهده ماند و وقت  
 مدار الهامی میر عالم مغفور بصلاح صاحب عالی شان حشمت جنگ متوفی براجہ مذکور حکم  
 خانہ نشینی گردید عمر راجہ مذکور شصت و پنج سال شده بتاریخ بتم ذیحجه ۱۲۳۶ هجری در سن  
 دو برادر زاده متبنه دار و جنام یکی سند معاملات جاگیر کهنه و غیره نذرانه رسانید بکین  
 حیات خود حاصل کرده بود - کیفیت سکوراؤ و ولد رودراجی ساکن مرج گاونون عهده  
 پتواری گری موضع بھینہ میداشت نام پسرش کیشوراؤ که عمر پانزده ساله دار و  
 سابق سکوراؤ در مذکور در پونہ نزد پسر ام بہاؤ بسالیانہ پانصد روپیه ملازم در پونہ  
 از راجہ در خوردہ بہمان سابقہ ہمراہ آمدہ تعلقہ بیٹرو بر نیڈ ایافت چون ناچر بہ کابو  
 انصاف تعلقہ پنجوی نشد از انجا موقوف گردیدہ ہمراہ فوج سرکار علی بشمول ہیت رام  
 در وقت جنگ سندہ و بھوسلہ با ستعانت راجہ راجہ رفتہ بود از ان باز خانہ  
 نشین ماند در ۱۲۳۲ ہجری در گذشت - کیفیت ہیت رام متوفی ولد امرت رام قوم  
 کھتری گجراتی اول نامبرده نزد مقبول علیخان کہ عرض بیگی غفر اتاب بود ملازم شد بعد  
 انتقال خان مذکور نزد موسی رحمون بر عہدہ و کالت مقرر شدہ در سفر کھترہ کہ غلام خیل  
 مرحوم را خاطر موسی رحمون بسبب ہم زیادہ بود بر اس سوال جواب اکثر ہیت رام نزد  
 غلام سید خان مرحوم آمد و رفت داشت در ہما نوقت رشد پیدا کرد بعد سفر کھترہ کہ  
 غلام سید خان مرحوم بہ پونہ رفتہ در بلدہ آمدند نزد بندگان علی حال بہم خانہ سامانی  
 از حضور غفر اتاب سرفراز گنایند چنانچہ در سفر شور پور ہیت رام را ہمراہ بندگان غافل  
 کردہ دادند درین ضمن در فرج حضور پور ہم دخل یافتہ در وقتیکہ ہمسم بر سندہ  
 و بھوسلہ در پیش شد سرشتہ داری لین موسی رحمون کہ نامزد متوفی مذکور بود  
 غلام سید خان مرحوم در راجہ راجہ راجہ مقرر کردہ در پیشدستی سکوراؤ در فرستادند  
 معاملہ سکوراؤ در از ناگرد کاری اور ہم خود ہیت رام بر تعلقات براؤ وغیرہ  
 وقت غلام سید خان مرحوم مامور شد و از موقوفی نظام نواز جنگ رسالہ داری

صالح محمد خان و زور آوران غیره شده بود بعد موقوفی هیت رام نیز راجه چند و صل بهادر  
 تعلقه بیڑ و غیره مع سواران بجال داشته بودند و قتیکه تعلقه بیڑ و پر بند او غیره در ولسنت  
 ویران نموده مبلغ خیزر کار باقی داشت میر عالم مغفوق موقوف کردند حسب الطلح طاهر  
 شده در مزاج حضور پر نور که از سابق داخل داشت در آمد میر عالم مغفوق اطوار حسدی  
 هیت رام مذکور معائنہ کرده بصلاح صاحب مالیشان ستم صاحب بیسار در  
 ازین جا حضرت پراڑه لمینند و از بعضی اطوارات از تعلقات مذکور موقوف کرده  
 حسب الحکم در قلعه شاه پور آمده چندی اقامت کرده و در اینجا بر تعلقه شوراپور و غیره  
 دست اندازی آغاز کرده جمعیت پنج شش هزار سوار باز فرام کرده در صد و مردم  
 از اریها شد لهذا از اینجا جمعیت سرکار عانی بصلاح ریزیدین بهادر مامور شد از انجا  
 جنگیده و در جنگ کارون صاحب را گرفته برد و بقتل رسانیده لهذا مکر جمعیت سرکار  
 عظمت دار برای تنبیه مامور شد تا رسیدن جمعیت از انجا هم چیز حرکت کرد و بقا  
 موکر جمعیت خود فرستاده بقتل رسانیده عمرش تخمیناً چهل و پنج سال شده درگزشت  
 الحال قبائل و فرزندان هیت رام متوفی در بنارس سکونت دارند و بقدر دو صد  
 روپیہ مامور برای محتاج متعلقان متوفی مذکور از سرکار عظمت دار معین است  
 و از خزانه بنارس ماه بماه می یا بند - کیفیت راجه چند و صل بهادر و راجه گوهند بخش بهادر  
 بره و برادر حقیقی ولد نرائن داس بن رائے پطی رام ابن رائے موکیند قوم کھتری -  
 رائے موکیند ملازم بادشاهی بودند در عهد محمد شاه و قتیکه حضرت مغفرت آاب بهادر  
 کروڑگیری بلده فرخنده بنیاد سر فرازی یافتند بعد انتقال رائے موصوف رائے  
 پطی رام برهن تعلقه در وقت دیوانی رکن الدوله و عهد غفراناب سر فرازی یافتند بعد  
 انتقال رائے مغربیر کلان رائے نانک رام عموی راجه مغربیرهن خدمت مامور شدند  
 رائے پطی رام جدا محمد راجه چند و صل بهادر راجه فرزند پسر کلان رائے "نک رام  
 که از ایشان راجه لکھپٹ رائے تولد شد بعد وفات رائے موصوف رام که راجه  
 چند و صل بهادر بر تعلقات کرطیه و غیره از حضور غفراناب سر فرازی یافته روان شدند

یکسال چندایام بر عهد کرطو گری بکبیت راسه سرفراز یافته به مرض تپ دق فوت شد دویم  
 پسر زاین داس بعمره سال راجه چند ولس بهادرو بهر هفت سال راجه گو بند بخش بهباد  
 گزارشته انتقال کرد هر دو برادران نزد والد خود پرورش و تربیت از راسه نانک رام  
 عدی کلان شده اول در صیفرن چند محال بمحلہ محالات ساگر و چندی دیهات جاگیر و غیره  
 نواب منصور جناب تفویض راجه فرزند مدت مدید در ملازمت نواب منصور جناب فرمانده  
 بعد آن در وقت دیوانی ارسطو جاه بهاد در راسور المزاجی از راسه موصوف و بهادر مضر  
 بهیمان آمد غل تعلقه کرطو گری گری دید راسه موصوف چند خانه نشین مانده انتقال  
 کردید بعد راجه چند ولس بهادر از سفر کپڑه و بید باست صواب ناظم جنگ ملازمت  
 حضرت غفران مآب و ارسطو جاه حاصل نمودند بناظم جنگ که محالات او پنجه و پر مل از حضور  
 غفران مآب تفویض نمودند یافته روانه تعلقات شدند معامله سفر کپڑه که بطور دیگر شد حضرت  
 غفران مآب در بلده تشریف آوردند - ناظم جنگ همراه عالیجاه رفتند بجزو استماع این  
 جزو تعلقات او پنجه و غیره در بلده آمد باست صواب مشیر الملک ملازمت حضرت  
 غفران مآب حاصل نموده بعد کرطو گری بلده مامور شدند ارسطو جاه بهاد که در پوند  
 بودند از استماع انتظام تعلقه مذکور سندا مانی محالات مکھن و غیره چار محس - دیور کنه  
 و کوٹل و وزیر آباد و کویل کپڑه و غیره نوشته فرستادند که بطور امانی سپرد راجه  
 چند ولس شده سرگاہ ارسطو جاه در بلده آمد بعد دو سال پیام اضافه تعلقه کرطو گری  
 نمودند لهذا محال مذکور گزارشته حواله راجه بکبیت راسه پسر راسه نانک رام نموده  
 شد و محالات مکھن و غیره مثل سابق بطور امانی بحال ماندند بعد آن ارسطو جاه  
 پیام کرطیه و کپڑه و کوی مار سری و بلهاری و کویل بهادر نبده و کنگ گیری و غیره  
 محالات آن طرف دریائے کشا نمودند چنانچه موافق استمرانج بهادر مفر راجه مذکور  
 سرفراز شده روانه کرطیه شدند محالات مکھن و غیره حواله راجه گو بند بخش بهادر نموده  
 از حضور غفران مآب و ارسطو جاه ملازمت گنایند در بلده داشتند و قیام راجه  
 بکبیت راسه فوت شد و چنانچه تعلقه کرطو گری بر راجه اند رحبت و کاظم علی خان از کار

تفویض شد انتظام محال کرد و رگری از آنها بخوبی نشد راجه گو بند بخش بهادر را اسطو  
 جا بهادر تعلقه کرد و رگری بطور امانی از حضور غفرانآب سرفراز کتایند چنانچه  
 تا حالت تحریر راجه مفر محال مذکور بحال است و قینکه راجه چند و عمل بهادر از محالات  
 کرطه و غیره در بلده آمدند ملازمت حضرت غفرانآب نموده معاون کار راجه گو بند  
 بخش بهادر ماندند بعد انتقال اسطو جا به که میر عالم بهادر بر عهدہ دیوانی حضرت بندگانی  
 سرفراز شد ند بعد دو سال میر عالم مغفور از حضور پر نور بصلح صاحب عالی شان سید صاحب  
 بهادر بهمه کار پردازی سرکار دولت مدار سرفراز کتایند چنانچه تا حال راجه مفسر  
 سرفراز و ماوراند عمر راجه مفر لغایت ۱۲۳۶ هجری پنجاه و نهشت سال و شادای را به  
 در برمان پور سجانہ و مفضل رائے که همراه دولت راؤ سند بهیه بود بمیل آمده معا و ضه  
 بنیت متوفی بطور دیگر گردید از تعمیر متوفی مذکور صوبہ بڑار و صوبہ نجست بنیا و بهمه  
 راجه گو بند بخش بهادر از حضور پر نور تفویض یافت و جمعیت سرکار عالی که متعین صوبہ  
 برار و حجتہ بنیاد بدستور سابق بود بطور حکم بر داری راجه گو بند بخش بهادر گردید عمر راجه  
 مفر تخمیناً پنجاه و پنجم سال و شادای اول راجه مفر در جالند گردید شادای و دیم در خانه گو بند  
 رام که ملازم بیٹو سلطان بودند و از انجا دار و حید آباد گردیدند بمیل آمد و نام سپهر  
 دیگر رائے بھی رام جدر راجه چند و عمل بهادر یکے رائے رطفا تھ داس و دی رائے  
 بھو اینداس سومی رائے موہن اصل چند ایام پس و پیش انتقال نمودند سپهر رطفا تھ داس  
 رائے سیتل داس پسر رائے بھوانی داس رائے بالکشن که الحال علاقه کرد و رگری از طرف  
 راجه مفر ملق برائے بالکشن دار و در رائے سیتل داس را علاقه محالات گو نار او و غیره  
 زمینداران بود در ۱۲۳۴ هجری رائے سیتل داس وفات یافت و رائے موہن مل  
 لا ولد بود و سه پسر از راجه چند و عمل بهادر کلان از بطن زوجه شادای راجه بالا پر شاد  
 و دی بھی نانک رام که از بطن خواص است و در ۱۲۳۴ هجری یک پسر دیگر از خواص مذکور  
 پیدا شد و یک صبیبه که برائے دپ چند منسوب است از محالات کرد و رگری بمجله چکیات  
 صد و پنج دیہات جاگیر بی بی صاحبہ و بیگم صاحبہ مرحومہ و پنٹیکاری جوانان بار آورده

جو کین وغیرہ بعمدہ رائے دیب چند است و شادی راجہ بالا پرشاد و راجہ راجت شاد  
 گردیده و از راجہ گو بند بخش بہادر نسہ فرزند دو پسر رام بخش شادی رام بخش در اورنگ آباد  
 شد و در ۱۲۳۶ ہجری شادی گور بخش در اتر بائے جگت سنگہ بمسل آمد و یک  
 دختر رائے سکہہ اصل خسرو پورہ راجہ گو بند بخش بہادر است و ہمراہ راجہ معرور برابر  
 حاضر در ۱۲۳۲ ہجری والدہ راجہ چند و اصل بہادر و راجہ گو بند بخش بہادر فوت کردہ  
 کیفیت راجہ سورج دنت والدہ اصل در محران ملازم رائے ساگر مل عبد راجہ خوشحال چند  
 بود و وقت رائے ساگر مل بہا انتقال لاکے مذکور کہ راجہ بھوانی داس پدرا را حسہ  
 کیوں کش و راجہ درگا داس پدرا راجہ خوش حال چند کہ ہر دو برادر حقیقی بودند بہان خدمت  
 مامور شدند بعد انتقال راجہ درگا داس اکثر راجہ بھوانی داس بخدمت مامور یعنی سردفتری  
 صوبہ فرخندہ بنیاد و محمد آباد بید رہہم رسید راجہ سورج دنت اجرائی کار و دفتر مینمود و  
 بعد انتقال رائے مسطور راجہ کیوں کش و راجہ خوشحال چند بخدمت سردفتری مامور شدند  
 در راجہ سورج دنت اجرائی کار و دفتر مینمودند و فیتکہ راجہ راجہ ہمراہ غلام سید خان  
 از پونہ آمدہ مامور کار سرکار گردید چند سے اخراج سورج دنت نمود پیش از دو سہ  
 سال انتقال غلام سید خان مرحوم باز بسفارش محلات وغیرہ طلب شدہ درین ایام راجہ  
 خوشحال چند اجرائی امور سردفتری مینمودند بعد انتقال غلام سید خان مرحوم تا یکہ اینہم  
 سال در وقت میر عالم مغفور نیز راجہ سورج دنت اجرائی دفتر داری مینمود قریب  
 چہارده سال است کہ انتقال راجہ مذکور گردید برہمن عہدہ راجہ خوش حال چند مامورند  
 راجہ سورج دنت متوفی لا ولد بود مگر یک پسر زنا را دار کہ ہم کون نام دارد متبنی کردہ  
 کیفیت راجہ روپ اصل اولد ہیر اصل قوم کا یہتد بہادر زادہ راجہ سہما چند کہ در  
 صاحبزادگی حضرت بندگا فغانی حال غلام سید خان مرحوم راجہ سہما چند را برای سولہوا  
 مقرر کردہ بودند راجہ مفر حساب خانگی حضور بندگا فغانی حال سید خان مرحوم راجہ  
 روپ اصل را از طرف خود باخبار نویسی مامور کردہ بودند بعد انتقال راجہ سہما چند  
 راجہ روپ اصل را نوشتہ و خواند مشرفی خزانہ خانگی قویض یافت چنانچہ راجہ مسطور

تا حال بر همان عهده بودند از عرصه پنج سال راجه چند وصل بهادر و محمد مذکور بطور خودگرد  
 بر قدمت معاش جاریت اولاد نیند اردو رستم علیخان نامی پسر خوانده ماجه روپ وصل  
 است عمر راجه مذکور تخمیناً شصت و پنج سال - کیفیت راجه میارام ولد راجه سبها چند  
 در اے جتن وصل برادر حقیقی راجه سبها چند که سابق وقت صاحبزادگی ستمین بندگانی علی  
 بودند و در تعییناتی از خطاب سرفراز شدند راجه سبها چند از مندن نشینی بندگان نامی در  
 عرصه قریب انتقال کرد و راجه میام پسر راجه مسطور متوفی بر مشرقی دیو اسخانه حضور بعد  
 انتقال پدر خود سرفرازی یافت تا حال بحال است و سر رشته داری بمحبت ناد علی بیگ خان  
 و جعفر یار جنگ و عیزه تعلق راجه مسطور دارد و در اے جتن وصل بر پیشکاری قریب صد  
 راس اسپ پایه گاه و بار گیران و مشرقی دیو طبعی زنانه مامور و سرفراز بودند چسار دهم  
 و پنج<sup>۳۳</sup> بگری انتقال کرد اولاد نمی دارند - کیفیت راجه سبھوانی پر شاد ولد در اے پسا  
 چند ولد سبھوانی پر شاد را امور مشرقی خانسانانی حضور مقرر بود بعد انتقال ر اے مذکور  
 تلجا پر شاد و فرزند کلان بر عهده مذکور قائم شد در چند ایام تلجا پر شاد هم انتقال کرد بعد  
 بعد آن راجه سبھوانی پر شاد بر عهده مذکور مامور گردید و از رسائی و دوانانی خود از مشرقی  
 دیو طبعی زنانه حضور عفران مآب و موافقت فرزند بی بی صاحبه بسیار پیدا نمود  
 و تقسیم ماهوار محلات و سر رشته داری چند سوار تعلق راجه مسطور داد - کیفیت  
 راجه خوشحال چند ر اے کیمم راجه همراه مغفرت مآب از شاه جهان آباد آمده بلاقه  
 متعلق بی مال صوبه حیدر آباد سرفراز شد و بر ر اے مذکور بسیار اعتماد حضرت  
 مغفران مآب مینمودند پسر داشتند ر اے ساگر مل بعد انتقال ر اے سعیم بلج ساگر  
 مل بر عهده پدر خود سرفرازی یافت و از ر اے مسطور دو پسر کلان سبھوانی داس و طالب  
 راجه دهم دنت از راجه مسطور چهار فرزند کلان راجه کیول کشن که یک فرزند بنام  
 ر اے خوب چند دارند و بیجی ر اے و بیک ر اے که از ایشان دو پسر اند  
 کنهیا وصل و منو وصل سوئی ر اے چاتر وصل که یک فرزند و از پنج ر اے طوطارام  
 که یک فرزند و از دو پسر و بیجی ر اے ساگر مل راجه در گناداس که از راجه مسطور یک فرزند

بنام راجه خوش حال چند دوازده راجه مذکور دو فرزند یکی را ساجاگر چند و دیگری رام پرشاد قمر  
 صوبه فرخنده بنیاد و تعلق دارد - کیفیت راجه کیول رام دیا رام و دوله را ساجاگر چند و در پیش  
 و مینی رام چهار برادر بود دیا رام و دوله را ساجاگر چند بر امور خزانة سرکار مشرفی  
 و یوزمی زمانه نامور بودند حضرت عفران مآب عزت و اعظام بسیار بخشیده بودند  
 و خطاب راجگی و جاگیر ذات از باعث سفارشات معاملات سرفراز فرموده بودند و در اولاد  
 دیا رام و دوله را ساجاگر چند کسی نیست از مینی رام یک پسر بنام کیول رام فخری  
 بدیا بهادر از جاگیر سرفراز و کواغذ خزانة گولکنده تعلق نامبرده داشت و مهر با ساجاگر  
 دیا بهادر بر خزانة ثبت میشد در سال ۱۲۳۱ هجری تفاوت در شمار خزانة بوقوع آمد این  
 باعث علاقه خزانة از راجه مسطور موقوف شد - کیفیت راجه شیو پرشاد دوله  
 راجه روشن را ساجاگر قوم روستائی اگر داله راجه روشن را ساجاگر ملازم سیف جنگ  
 مرحوم بود از رسائی خود اکثر سواران جوانان محلات ننگنده و دیورکنده سواران سایر  
 که به سیف جنگ مرحوم بود میکرد در وقتیکه غلام سید خان مرحوم آمدند اکثر از طرف  
 سیف جنگ مرحوم بر ساجاگر سواران جوانان ننگنده و دیورکنده آمد و رفت میداشت  
 بعد از ترمیمی کار و تیسری تعلقات سیف جنگ در پیشدستی راجه پطو صل که راجه مذکور به  
 پیشکاری دوسه هزار سوار مامور بود و مقرر شد و پیشتر از آمدن راجه را چند بعضی سواران  
 جواب علاقه پطو صل مینمود و مابین ایام سیف جنگ و غلام سید خان مرحوم ملازم امیر  
 بیگ خان نیز شده بود و بعد انتقال راجه پطو صل بر پیشکاری سواران مزبور در مشرفی خزانة  
 از طرف غلام سید خان مرحوم مامور بود و در مهم سری انگ پلن همراه سواران مذکور  
 با طرف بارفته بود بعمر شصت پنج سال رسیده و در عینت حیات پسر داتا حال  
 پیشترش راجه شیو پرشاد بر پیشکاری سواران و مشرفی خزانة بحال است از  
 راجه شیو پرشاد یک پسر شیو پرشاد بعمر بست ساله هست - کیفیت راجه پر جهان  
 مستوفی در نیابت راجه روشن را ساجاگر بدر ماهه بسلج بست و پسر و پیه ملازم بود و وقتیکه  
 از عنایت حضور پرنور راجه را اجمند ربر کار پرداز میامور شد فیما بین راجه را اجمند

و راجه روشن را که نفاق بود پیر جهان در پناه راجه را جعند زفته از نیک آمد امیر کار  
 اطلع نموده موافقت کرده بر امور سپاه رکنس الملک سلیمان جاه بهادر مختار گردید خطاب  
 راجه از دست یگیری راجه را چند سرفراز شد چه طومر صل برادر خود در راجه مذکور همراه  
 جمعیت سلیمان جاه بهادر که در لشکر فیروزی باورنگ آباد و آنظر فها تمین است آنجا میبند  
 و تعلقه بسمت در تنخواه سواران سرشته خود گرفته است در ۲۳۶ هجری راجه پیر بهادر گشت  
 برادرش چه طومر صل بعد دادن نذرانه بر راجه چند وصل بر اموال عیال و مالک برادر خود فالین  
 و متصرف گشت - کیفیت به راجی بندت - مقصدی خانسامانی غلام سید خان مرحوم از قدیم  
 ملازم خان مرحوم و در دولتخواهی سرکار خود نهایت محنتا که بعضی وفات اگر حکم از سلطو جاه  
 بر اے دادن کسی جنس میشد جواب صاف میداد و غلام سید خان مرحوم دولت خواجه نیز  
 بسیار بدل خوش میشد و وقتیکه از سلطو جاه روانه بونه شدند سمرکانت و بعد آمدن از بونه  
 بخطاب راجه نیمونت و سرفرازی جاگیر در سرشته سواران سرفراز نمودند یک سپه بنام  
 گو بنده را و از راجه مسطور راست - کیفیت راجه حکمیون داس اے صل چند متوطن  
 مؤمنش آباد که در ضلع هندوستان میان و داب واقع است بر فاقه اوزالیه خان  
 گو پاموی در دکن آدر پسرش را که پتمبر داس نام در وفات و وکالت والا جاه  
 بسر رده در سنه یک هزار و یکصد و نود و سه هجری فوت شد را که حکمیون داس لیدر تراس  
 بعد انتقال پدر خود بمده وکالت از طرف عمده الامراء بهادر در حیدر آباد مامور حالاً ملازم  
 عظیم الدوله بهادر اند - کیفیت راجه شیره را و - را و مسطور باشند که هم در عمل کرد رگری را هم  
 چند وصل بهادر ملازم گردید راجه موصوف هوشیاری راجه مسطور دیده بذات خود تربت  
 نمودند و وقتیکه راجه موصوف بکار پردازی سرفراز شد ندرتی را و مذکور هم گردید از دفتر  
 مال خانگی راجه صاحب در سرشته داری جمعیت رساله خاص سرفراز که کیفیت را بهی طومر  
 ولد مناعل قوم کایتجه ملازم سرکار بود و از اعانت راجه پیر جهان سرفراز حاضر باش تا بود  
 در ۳۱۶ هجری که جمعیت سرکار عالی مشمول فواج قاهره سرکار عظمت بدو از توجه پیر جهان  
 باشد از طرف راجه مسطور سر انجام کاری و تقسیم تنخواه رساله سلیمان جاه بهادر تمین عمر بهی طومر

کیفیت تاجا هزاری و مطرو هزاری - اول تاجا هزاری قوم زار دار سرزمین باشند هندستان  
 نخل جو پور در موضع مدره در بلده آمده بسر کار نواب غفران تاج کار هزاری گری پور  
 مامور گردید و اعتبار تمام پیدا کرده از جاگیر و پالکی سرفرازی یافت بعد انتقال غفران تاج در  
 تاجا هزاری سووا پیدا شد در همان حالت در ۱۲۳۱ هجری رحلت کرد در اولاد خود یک پسر  
 در هندوستان و استقامت او هم انتقال کرد پسرش یعنی پسر تاجا هزاری در هندوستان  
 موضع مدره استقامت دارد و هزاری متوفی یک دختر بنام سحر لچری داشت که از  
 نژاد منسوب بود چنانچه شوهرش در ۱۲۳۳ هجری و دختر مذکور در ۱۲۳۴ هجری در راه  
 برکوه شریف بمصر و با درگذشت همه مطرو هزاری که هنرف تاجا هزاری متوفی بود در همین  
 و ثبات عقل متوفی مذکور از موضع مدره آمده در سر کار همدون کر شد مطرو پانڈی که  
 پانڈی که بنباری گری پور صحری مردان مامور بود و بر نواب غفران تاج بعد در شکار گاه بر  
 اسپ سوار شده بعرض پیشتر آهون شکار کرد مورد عنایت حضرت غفران تاج گردید بخطاب  
 سرفراز سنگبه و سواری پاکلی و هزار یگری پور صحری بخش بیگ صاحب مامور گردید در اولادش  
 یک دختر بنام سونا در هندوستان زنده است و از بسروپ پانڈی منسوب است و از  
 بطون او پسر و یک دختر در هندوستان موجود اند سرفراز سنگبه در ۱۲۳۴ هجری انتقال  
 کرد الحال برادر حقیقی متوفی مذکور بنام رام بخش بر عهده اش در بلده حاضر است و رام بخش  
 در هندوستان یک پسر دارد و بنام رابدین - کیفیت مردان سنگه متوفی اینست که غلام  
 سیدخان مرحوم در پونہ مطرو منگلن را به جمعیت هفت هزار بار ملازم داشته بودند بعد  
 از آن همه جمعیت بر هم خورد مگر چند هزار جوان ماندند از سرکردگی مطرو رانٹ صاحب  
 بهجری میر ابو القاسم خان مرحوم بسری رنگ پٹن رفتند بعد آن وقتیکه معاودت نمودند  
 از آن وقت یک هزار بست و شش نفر در کربه متعینه راجه چند و صل بهادرنشدند حال بسرکردگی  
 مردن سنگبه مذکور حاضر اند بخدمت آن دو صد جوان بر آس گرد راجه گو بندش بسیار  
 سه صد جوان در گرد و پهره بندی راجه صاحب تتمه در تعیناتی تعلقات علاقه کرد و گری و  
 بدعت و غیره مامور اند در ۱۲۳۶ هجری بسبب نزاع و کشمکش برادران خود را خود گذشت

**فصل سوم** در کیفیت زمینداران علاقه بله فرخند بنیاد و تشریح نظامت ایچپور  
 و اسانی جاگیرداران نقدی بقیه نام و پتہ آسنا کیفیت شود پور چھپ ناگ نامی از طرف سلاطین  
 بیجا پور بر عہدہ رسوم کا دلکاری و سر دیسانی بطرف شود پور مقرر یافت تا سہ ہمارشت  
 در متابعت بادشاہان بیجا پور مانده دھڑ اول کہ بادشاہ عالمگیر در عالم شائہ را دگی بنا بر تہنیر  
 بیجا پور بموجب حکم شاہ جہان بادشاہ صاحب قرآن ثانی متوجہ دکن شد ند پام ناگک اول چھپ  
 ناگک بود از سلاطین بیجا پور زخرف شدہ متوقع سرفرازی با ملازمت بادشاہ عالمگیر حاصل نمودہ  
 در تہنیر بیجا پور جانفشانی ہا کردہ بخطاب بحری ناگک و بیخبر جمعیت سرفرازی یافت باز مکرر  
 بر سبب رسیدن سد غلہ بخطاب راجگی و منصب علم و تقارہ ممتاز گردید از سند سراسر  
 تعلقات مانی کوڑ و تعلقہ چنیا پور و غیرہ سرفراز شدہ وقتیکہ مراجعت بادشاہ عالمگیر بطور صلح  
 از سلاطین بیجا پور بطرف دہلی گردید پام ناگک در دکن ہمہ کا و بی غیرہ مانده تیساری  
 و اکن گڈھ ہنس آورده از سلاطین بیجا پور بغاوت اختیار نمود و از طرف سلاطین بیجا پور  
 مکرر جمعیت برائے تہنیر مشا را ایہ مقرر یافت آخر بطور اطاعت قبول نمود اسناد کا و بی  
 از سلاطین بیجا پور ہم قاصد نمود تا قید حیات خود ہمیں طور میگذرانید بعد انتقال پام ناگک  
 مذکور سپہ کلان با سہ پد ناگک بر تعلقات پدر خود مسلط شدہ نگہ داشت جمعیت زیادہ کرد و وقتیکہ  
 عالمگیر بادشاہ و فدہ ثانی برای تہنیر بیجا پور و قلعہ کوکٹنڈہ متوجہ دکن شد ند پد ناگک از خلد  
 مکان نیز اخترف در زیدہ با عانت سلاطین بیجا پور و کوکٹنڈہ پرداخت بند تہنیر قلعہ  
 بیجا پور و کوکٹنڈہ سبب اخترف و بغاوت پد ناگک مسطور رایات شای بی تہنیر قلعہ و اکن  
 گڈھ متوجہ شد و قلعہ و اکن گڈھ نیز مفتوح گردید بعد رحلت حضرت خلد مکان کہ شیرازہ  
 جمعیت افواج بادشاہی متعینہ دکن در ہم بر ہم شد پد ناگک کہ فزادی شدہ باز جمعیت فراہم  
 نمودہ در قلعہ و اکن گڈھ دھن نمود و تا صحن حیات ہمیں طور میگذرانید بعد انتقال او سپہ  
 پام ناگک ملقب بنام پدر خود شدہ چند سہمان عہدہ بسر برد و بعد انتقال دس پد ناگک  
 سپہ کلان بر عہدہ پدر خود تا مگر گشت پد ناگک را د و سپہ بود ند کلان کشا ناگک سپہ  
 خرد و منا ناگک با ہم پدر و برادران چند سہ مناقشہ ماند آخر مناقشہ کشا ناگک

فراری شد و مناناگ خود مسلط شد پام تا همین حیات خود بر همان عهد بسر برده انتقال  
 کرد و آنکیا ناگک پسر پام ناگک قائم مقام پیغمبر گشت و آنکیا ناگک را اولاد نبود و پسر  
 حبیبیه بد انتقال آنکیا ناگک کسی قائم مقام نبود لهذا الهیه ناگک متوفی گشت پسر برادر انسانی  
 متوفی را که سابق بید فعل شده فرار کرده بود از املاد و سه دن گویال را قائم مقام  
 نمود تا همین حیات خود دن گویال بسر برد و بعد وی پد ناگک پسر دن گویال متوفی قائم  
 مقام گردید تا حال بحال است محاصل تعلقه نه یک روپیه در سر کار عالی داخل میسر نمودند  
 چهار لک روپیه سالیانه تعداد جمعیت شش هزار پیاوه بیدار که زمین در انعام داده است  
 کار آنها که بی میگردند جمعیت ملازم نقدی دو هزار نفری - کیفیت سرحدات شوراپور  
 تبسیل ذیل طرف اول ملحق تعلقه الجور و مدکل طرف دوم ملحق مانی کور - طرف  
 سوم ملحق بسرحدات گلبرگه اینطرف دریائے کشا است طرف چهارم ملحق بطرف  
 یادگیر اینطرف دریائے کشا طرف پنجم ملحق تعلقه کھتل و کرنجور اینطرف دریائی کشا  
 سوم بیدری شوراپور که بر سرکات ماؤنیدت پردھان است - پنجاه روپیه خورد  
 صدوسی روپیه بهشت آن رقم سالیانه که از شوراپور در سرکار ازارا و موصوف دادگان  
 است بهشتاد و دو هزار و بهشت همدیازده روپیه بادست - تبسیل طبعیات شوراپور -  
 قلعه شوراپور چندان محکم نیست قلعه واکن گدسه بر کرکه کوه است قلعه کیانگ گدسه قلعه ارگه  
 قلعه دیو درک قلعه سکوراز شوراپور علاقه ندارد در علاقه راجرام کشتارا و است کیفیت  
 گدوال والد - بهوم سھو پال برائے رسوم مارکوٹی بموجب استناد سلاطین پیشین بطرف  
 تعلقه راجپور و غیره مقرر بود روزی بطرف صحارفت بود از قیمت خود مبلغ خیرتیند  
 بدست آمد لهذا گدھی گدوال تیار نموده و جمعیت نگهداشت کرده ملک کرنول نیز تصرف  
 خود آورد بعد شیر ملک دکن در عهد عالمگیر بادشاه جمعیت بادشاهی تبسیل بهوم سھو پال  
 مقرر یافت بهوم سھو پال در خود تاب مقاومت ندیده جو ع آورده پیشکش تعلقات مقرر  
 نمود و خطاب راجگی سر فراری یافت و بعد چندسے انتقال کرد تا سیزده ساله بود در این دست  
 ناده سال با نظام تعلقات کردال پرداخت و وقت انتقال خود بکار پیردازان خود

وصیت کرده که همیشه زاده خود را که نرمل را و نام دارد و بیفرزندى خود نام نهاده تسلط سازند  
 چنانچه بمحل آمده را و مذکور قریب چهار پنج سال مسلط ماند و از بد اطاری دسے کا پسر  
 دازان آزرده شده رام را و نامانی برادر خورد نرمل را و رامسلط گردانیدند رام را و  
 قریب بست و پنج سال بند و بست تعلقات نموده انتقال گردانامبرده لا ولد بود و بنده  
 هجوم سبوی پال سپر کلان نرمل را و در فرزندى رام را و مقرر کرده مسلط کردند هجوم سبوی پال  
 قریب چهل سال با نظام تعلقات پرده داشت و در عهد هجوم سبوی پال تعلقه گردن منو خان گرفت  
 بعد انتقال هجوم سبوی پال رام سبوی پال سپر کلان مسلط شد رام سبوی پال قریب دوازده سال  
 مسلط ماند نامبرده پسر داشت یک صبیبه وقت انتقال گزاشت صبیبه مذکور را از پسر و  
 دسے شادی مقرر نموده بکار بردان وصیت کرد که قائم مقام سازند چنانچه تا حال ستی رام  
 که قریب دوازده سال شده بر کار کدوال مامور است تفصیل گدھی راسے کدوال  
 مفصله گدھی کدوال گدھی پورلی گدھی در در گدھی راجولی گدھی نظام کنده جمعیت  
 یک هزار و پانصد نفر رام میباشد بجز آن پانصد و شش صد کس پیاده نقدی باقی یاد  
 که زمین درخواه نهجا بگیرات است وقت کار حاضر میباشد حاصل تعلقه چهار تنگ روپیه از سرکار  
 یک لک دسے تیرار روپیه سرکار سایا نمیدهند تفصیل سرحدات گدوال و طرف اول متصل  
 بسوارالپور و کرونل طرف دوم ملحق بسوار را پجور طرف سوم این طرف دریائے  
 گشتنا ملحق به پرگنه امر چنته طرف چهارم این طرف دریائے کت نا ملحق سمیت  
 سکور - کیفیت ایضا - گدوال با اسم گمار ریڈی دختر بود از نداد ریڈی شادی نموده  
 داد چنانچه از شکم گمار ریڈی یک فرزند تولد شده نام اوسوینا نهاده وقت انتقال یکا خود  
 قائم مقام نموده زوج سوم نام لا ولد بود زوج چهارم دسے نرمل را و برادر فرزندے گرفته  
 بجای سومنا جانشین ساختند بعد از نرمل را و سوم سبوی پال تولد شده وقت انتقال  
 نرمل و سوم سبوی پال قائم مقام شد از سوم سبوی پال رام سبوی پال جانشین شده نامبرده لا ولد  
 بود وقت انتقال سومنا برادر زاده خود را بخطاب هجوم سبوی پال از سرکار غفر ناماب سر فرزند  
 کنایه ستی رام نامی بکار تو منگی بر رام سبوی پال مامور بود و از نامبرده قرابت قریب

داشت فتور نموده پنج اسم کار پروازان را از جان گشته و جمعیت های قلعه را با خود متفق نموده  
 قائم مقام شد سابق محفل طبرای پور بود در نیوا چنگاک روپیه نذرانه داده از خطاب ستمیام  
 سحر جابل و سنده گنگانی سرفرازی یافت از گدوال سالیانه بر او نذرت پردهان در زمان  
 باضی پیشتر از سی سال قریب بخت هزار روپیه میر رسید - کیفیت اشعار او و پانویچه فاله بزرگان  
 اسوار را را اهتمام چند موضع که برای مصارف دیوهره بهدر اچل که از وقت عمل راجه های  
 منو معین بود متعلق اشوار او که صاحب قیمت پیدا شد مواضع اطراف در قبضه خود آورده  
 و بنگ داشت جمعیت کرده گدھی پانویچه تیار کرد در وقت عالمگیر باد شاه  
 از من خدمت خود اسناد جاگیر و منصب و خطاب را بجای حاصل کرد از انوقت با نشین پانویچه و سید  
 بنام اشوار او ملقب میشوند چونکه پانویچه سید اچل کو بهستان را مقرر خود مقرر کرده چند سال  
 حید آباد را مال گزاری نمیکردند آخر کار رکن الدوله مدار المہام غفران ماب عاجز شده  
 پانویچه و غیره در جا نداد سپاه فاضل بیگخان ملقب و از جان گذار سپاه پانویچه را سر کرد  
 و مال و متاع از طلا و سیم تا بحدیکه در خانه راجه اشوار او با دن و دست کلان کربنابر  
 صاف کردن برج بکاری آید از نقره و طلا داشت و خزانه غیر جمع کرده بود بدست  
 ظفر الدوله آمد و برادر خرد اشوار او زنده دستگیر شد و به حیدر آباد فرستاد و از دہان  
 توپ پراینده شد بده راجه اشوار او در مالگذاری ظفر الدوله رجوع شد و همیشه غیر حاضر  
 ماند در وقت میر عالم مغفور که اشوار او بود اولاد نداشت بنا بر آن و نکست رام خسر پوره خود را  
 بفرزندی خود جاداده که بدانتقال قائم مقام خود ساخت انکیا نامی که بر توشک خانہ اشش  
 مامود بود فرصت یافته خود قابض گردید و متبتی اشوار او سابق فراری شده در خانه چچهار او  
 و غیره زمینداران پوشیده شد مسٹر پالم صاحب نامبرده را از آنجا آورده با عانت  
 صاحب زمینش بپاد در در ماه از سر کار غلیبه پانصد روپیه مقرر گنایند تا عرصه  
 سه سال نامبرده در بلده ماند درین عرصه انکیا اشوار او و دیویت حیات سپرد مگر زنگه  
 و غیره و احقان در پانویچه ماندند خسر پوره اشوار او سابق که اخراج یافته در بلده بدر ماه  
 پانصد روپیه قیام داشت قریب یک لک روپیه از و نکست کشنار او زمیندار کمپنی قرص

گرفته و نذرانه داده بعلاوه پانچ ماور شد و در انجار فقه باوصف تمیناتی جمعیت سرکار و  
نگهداشت خود در انجا داخل نیافت راجه چند وعلل بهادر رائف صاحب دانیابرا هانت  
و نگه رام اشواراؤ حشر پوره اشواراؤ متونی در ۳۳۳ هجری فرستاد و در پانچ فرورد  
نبرد و بست شد راجه صاحب بصلاح رائف صاحب مسطور و پانچ و غیره تعلقات بند و بست  
خود کرده گرفتند و نگه رام اشواراؤ حال در پانچ به جمعیت قلیل سکونت دار و چیز  
در مابقی نیا برد و بابت قرمن نذرانه و نگه کشنار او مستغانی است -  
زمیندار و یا پور متعلقه برار از وقت عالمگیر بادشاه سرفراز حالا متعلقه اش در جاگیر  
عبداللہ صاحب پسر نیر الملک بهادر به حاصل لک روپیه مقرر است - راجه رام چند  
ولد راجه چند رسین متونی عمده منصفدار بادشاهی که سجاگیر پنجاه لک روپیه و جمعیت دوازده  
پنجاه سوار سرفراز بود مغفرت مآب چند رسین را برادر میخوانند حالا از اولادش کسی نماند  
راجه رام چند در ۱۱۸۳ هجری در سفر کپڑه به تجویز رکن الدوله قید شده در قلعه گوکنگ  
نوت شد مظنون ارکان این بود که در محرم کرناٹک راجه مسطور با صاحبان کمپنی موافقت پنجا  
کرد و ششجون طلبید بود میر نظام علیخان آنها در تو پنجانہ و اسباب گزاشته در آن هم جان  
بسلامت برده به حیدرآباد رسیدند - آجہاد راجه من موہن راؤ بنگلیہ سنتاچی پانڈر به  
جاگیر دار تعلقه لکھی متعلقه صوبہ محمد آباد بیدر - سبجان راؤ که جاگیر دار تعلقه دیاس پونجیب  
بادشاهی بودند در وقت میر نظام علیخان بیاد رجاگیر ات قدیم ضبط شده بقدر  
معاش اولاد آنها پرورش می یابند - انار ریڈی زمیندار یا تو اڑہ برادر سردار ریڈی  
زمیندار ہر سب متونی تعلقہ ارمیدک از جمال خان لوہان معضدی کرده خارج از تعلقہ  
گردید قدرت معاش دارد - راجہ ونگٹ نرائن ریڈی کہ زمیندار تعلقہ راجکندہ و سجاگیر  
بود - راجہ راینیا پسر نامبرده قریب چہار لک روپیہ را تعلقہ مذکور نمید کرده است  
راجہ مل ریڈی زمیندار تعلقہ گر شگال تعلقہ مذکور سہ لک چند ہزار  
روپیہ کرده است راجہ ونگٹ راؤ مبتنی لہجائی زمیندارنی تعلقہ لوکاچی پہ بلع نہ  
لک روپیہ اجارہ دارد - راجہ رام کشنار ریڈی زمیندار تعلقہ شکور تہرہ یک لک

شصت هزار روپيه دارد - کوناراؤ جگپت راؤ ز فهداران ایگنڈل سابق پنج کله روسه  
 داشتند بعد جگپت راؤ رجوع وگونا راؤ چندی معندی داشت در سالگرمشت کوناراؤ  
 معرفت رائف صاحب رجوع شد لیکن تعلقه اش سپه دراجیسر راؤ دیپانڈیه مانانڈ ورواله  
 بطور تحقیق بداری کردند - کیفیت نظامت الیچو از ابتدا ۱۱۸۴ فصلی محمد اسمعیل خان مرحوم  
 بر نیابت صوبه مذکور بود و بعد مرحوم مذکور بر بان الدوله در ۱۱۸۵ فصلی مامور شد و در  
 محمد صلابت خان بهادر در ۱۱۹۳ فصلی و بعد از ان نظام نواز جنگ در ۱۱۹۹ فصلی محمد علی  
 خان در ۱۲۰۱ فصلی و بعد آن گنگا رام تران در ۱۲۱۱ فصلی بعد آن بهیت رام متونی در ۱۲۱۴ فصلی  
 شد و از ۱۲۱۶ فصلی براج گو بند بخش بهادر نیابت صوبه مذکور شد چنانچه شخصه انظر  
 راجه فرما ۱۲۳۲ فصلی در اینجا مامور بود - کیفیت منصبداران و آسانی جاگیر داران تقدیمی بقید  
 پته آنها - کیفیت منصب خواجه اسد اللہ خان بهادر سپه خواجه بدایت اللہ خان مرحوم که چند  
 قلعہ داری بگزرگه نموده بودند این خواجه عبدالرحمن خان بهادر لشکر جنگ اعتقاد لدو پیش  
 از چهل و پنج سال از حضرت مغفرت مآب بهمه منصب سرفراز سید نور الحسن خان ولد میر  
 سعادت علی خان بهادر رسید یار جنگ ابن میر بابا متینی جبارت الدوله پیش از چهل سال  
 بمنصب سرفراز راجه اشواراؤ زمیندار پالو سنج منصب از حصو عالمیگر بادشاه داشت -  
 دزر بطریق پیشکش داخل میگرد راجه ونکٹ تران ریڈی زمیندار بھونیکر زمینداری خطاب  
 از سرکار آصفیانه میداشت سکندر گلخان خانہ زاد سرکار در وقت تمام خدمتگاران خاداران  
 بھونیکس که قریب یکصد پنجاه جشی اند و جو نشان مذکور متعین ایگنڈل اند و سوا سے  
 آن در نگہداشت حال یکصد بارگیر از حصو عنایت شده حکیم بنده گلخان با شده بنده  
 از سفارش جعفر یار جنگ بھونیکر پر نور ملازم اند در نیو لایکصد بارگیر در نگہداشت ۱۲۳۰  
 عنایت فرموده اند شا کر بیگ و واحد بیگ هم فرموده زاده اسد نواز جنگ و جعفر یار جنگ  
 از حصو پر نور بدار و علی گنا بمانه سرفراز اند وزیر علی انچه نفر هر کاره برائے اخبار  
 امرایان و منصبداران و مقصدیان اہل دربار مامور است و روز و شب اخبار در بار  
 راجه چند و صل بهادر و تمام بلده در حصو میگرد اند و سابق از طرف سکندر یار جنگ بدار علی

هر کار با نامور بود در نیولا از نگهداشت ۱۲۳۰ هجری یکصد بار غایت شد بودند بنا بر  
 محرم ۱۲۳۸ هجری چونکه وزیر علی مهدوی بود و محمد روشن برادرش مجتهد مهدویان از دست  
 نیاز بهادر خان گشته شد عبدالباقی خان جمعه در تمامی خدمتگاران داروغه عمارت حضرت پور  
 محمد حسین برادر تو تنگانی از وقت مرشد زادگی بندگانی حال نامور است کریم بیگ خان از سلخ خانه  
 و داروغگی خدمتگاران سر فرزند عطا بیگ خان از مور آیدار خانه سرکار عالی اعتبار تمام  
 دار دو بهادر علیخان داروغه عمارت از وقت مرشد زادگی حاضر میباشند قاسم بیگ خان  
 شهریار جنگ از داروغگی قیغانه داز یکصد بار گیر سر فرزند میر عبدالمؤمن خان داروغه باوچیک  
 سید جعفر حسین خان فرزند شش امورات سرکار سر انجام مید بد سید نفرت خان داروغه  
 هر کار با حاکم جنگ همیشه زاده میر موسی خان مرحوم قوت جنگ پسر احمد میر خان مرحوم  
 همیشه زاده احسن الدوله قلندر خان مرحوم مخاطب به قطب الدوله حیدر ولد معین الدوله  
 حیدر جنگ مرحوم محمد لودی خان پسر محمد لودی خان علامه خان پسر شیخ حضرت ثابت خان  
 خان ولد بهادر علی خان نبیره ظفر الدوله جدا افتار الملک میر عنیاء الدین کیتقاد جنگ همیشه  
 رفعت الملک بهادر مرحوم نصیب یار جنگ پسر ظفر الدوله بهت جنگ ولد نواج عبد الرشید  
 خان مرحوم ابن عیوض مرحوم سلطان نواز خان مخاطب به قاهر جنگ وانی خراسان نبیره سید  
 داؤد نشتم الدوله اقر بائے غلام سید خان مرحوم نامور جنگ برادر بستی نغمه ناراهر بهادر  
 سر فرزند الدوله بهادر ولد محمد حیات خان مرحوم همیشه زاده ابوالفتح خان مرحوم ملک بنه جنگ  
 اقر بائے غلام سید خان مرحوم بهت یار جنگ نبیره معتمد الملک بهت یار خان مرحوم  
 امام الملک برادر بستی ابوالفتح خان مرحوم نبی خمس الامراء مرحوم بنده علی خان  
 اعظم الملک مرحوم راجه بالکنده مقصدی میر ابوالقاسم خان مرحوم سنو جنگ پسر احسن الدوله  
 راجه اندر راؤ سینا پتی مقصدی راجه راجعندهر بهادر الدوله شجاع الملک بست و دووم و سمبر  
 ۱۸۱۵ هجری انتقال نمودید عبد الرحیم پسر سید نجیب الله خان سنوره سیل سنگه پسر راجه  
 جوده سنگه قند بار والفتح علیخان پسر موسوی خان بنشی منفرت مآب امرت راؤ  
 چهتر پت پسر لونت راؤ چهتریت جاگیر دار قدیم بھیل داس لدر پرتاب دنت نبیره

بهصل سند ز مدار المہام غفر آتاب کہ در جنگ راکس بھون کشتہ شد راجہ جلد یوزاؤ پسر اجم  
 کیان راؤ افر بائے دولت راؤ سند بیہ میر حید خان پسر ضرب جنگ اقر با رفتت الملک بہا  
 رضا علیخان بہادر برادر زادہ اعظم الملک بہادر رفیق جنگ آورده غلام سید خان  
 مرحوم راجہ ماننگہ راؤ صاحبکے جاگیر دار۔ قدیم برادر اربنا پور والہ رکھیت راؤ پسر صاحب اور اجم  
 برادر زادہ کیشوہ او وکیل سہوسلہ محمد عالم خان جاگیر دار قدیم برادر علی اکبر مخاطب صاحب جنگ  
 بہادر پسر مقام جنگ حوم کہ در کشتن جید جنگ شریک بود امیر الدین علی خان برادر  
 اصغر علیخان عبدالمصطفی جاگیر دار قدیم دکھنی میر محمد صالح خان نیرہ اعترمام الملک  
 قشور جنگ از مرایان عہد غفر آتاب میر عبدالقادر خان بانندہ جنتہ بنیاد از قربانک  
 عبدالحی خان صمصام الملک در وقت صلابت جنگ مرحوم از خطاب سرفراز شدہ  
 بود مرد قابل و دیرینہ ولیاقت و سنجیدہ گی دارندہ الدفرخ علیخان منتظم الدولہ معروف  
 نجر و صاحب و نواب بیگم البیہ غلام سید خان مرحوم ہر دو قربت برادری میداشتند  
 چنانچہ احوال در کیفیت غلام سید خان مرحوم در صدر رگزشت الحال در سرکار مقور است  
 میرانی بخش خان مرتضی یا رجب اول بزمہ بارگی پیش سد ایشوریٹی نوکر شدہ  
 بعد از ان با چند سوار اعتبار پیدا کرد و قیتکہ سد ایشوریٹی امیر شد فوج متفرق گردید  
 میر مسطور سواران بہ پونہ رفتہ در سرکار غلام سید خان مرحوم نوکر شد بعد رسیدن  
 خان مرحوم بہ حضور نا مبردہ بہ خطاب و منصب و جاگیر امتیاز یافت الحال در سملری  
 راجہ گو بند بخش بہادر پسر کردگی جمعیت سواران بودہ در متابعت صاحبان انگیز  
 بہادر حاضر است تبار جنگ پسر کلان مقبول علیخان مرحوم کہ در وقت غفران آتاب  
 عرض بیگی داشت میر ضیاء الدین کیقباد جنگ خویش زور آور جنگ مرحوم  
 پسر رفت الملک بہادر در بلدہ بہ حوالی بہادر مفر سکونت دارند میر فجا عبت  
 خان مخاطب بہ منور جنگ چہرے قربت از حضور دارند مرحوم مسطور حسن پورہ  
 ضیاء الملک بہادر عرض بیگی و صبیہ جمعی بیگم دختر غفران آتاب بہ شاکر الیہ مذکور  
 و مرحوم مسطور سہ برادر یکے بہادر علیخان و دویم یکی تازہ جنگ بہادر قلعہ اربیدر

سوئی منو جنگ مسطور خلف یکد تاز جنگ مرحوم حسینی میان عرض بیگی میر عالم مغفور  
 خطاب حسین یاد جنگ دارد و با جعفر یار جنگ قرابت و بسبب عرض خواهران اناگفته  
 روپوش شده در نوع قلعه برینڈا بود حالاً بسفارش جعفر یار جنگ باز به حیدر آباد رسیده  
 مخفی سکونت دارد و غلام حسین خان والد فخر الامرا بهادر مرحوم هر دو یک مادری بودند  
 از غلام حسین خان غلام امام خان اعتراف جنگ امام الملک تولد شدند فخر الامرا  
 در فرزندی خود گرفتند میر عبد الله خان بهادر نصیب یار جنگ مقصد ار قدم و فرزند  
 منظر الدوله و برادر افتخار الملک بهادر تختی بادشاهی اند منظر الدوله عموی افتخار الملک  
 بودند میابن حیات الله خان و فخر الامرا مرحوم قرابت برادریت و از حیات الله  
 خان سرفراز الدوله تولد شدند و از سرفراز الدوله سه فرزند و سه فرزند دیگر از حرم  
 خواجه میان و بیجو میان غلام حسین خان بهادر بدر الدوله در سرکار بابت جنگ مرحوم  
 ملائم بودند در حضور نندگان فانی معرفت محمد امین خان عرب ملازم نمودند از جایگرات  
 در اولاد یک دختر دارند که از عابد یار جنگ شادی شده است بهر الدوله اقر بانست  
 غلام سید خان مرحوم دو وقت دیوانی از خطاب و جایگرات سرفراز شده اند باشند و بیجو  
 دو فرزند بهر الدوله حاضر اند نامود جنگ فرزند میر سادات داماد کلان خان المحال  
 اولاد و غیره بیچ نیست شادی نامور جنگ از مبارز بیگم صبیبه کانی بیگم شده بود میر رضا  
 علی خان برادر زاده نجم الملک بهادر فرزند علاء الدوله مرحوم اند سه فرزند افغان  
 حاضر رضا علی خان در اورنگ آباد - کیفیت جایگرات داران نقصدی عبدالصمدان  
 پسرمیت جنگ اقر بانست حضور از جایگرات سرفراز اند - دولت خان در عهد  
 سلطه جاه از جایگرات سرفراز شد بمس محمد خان خدمت کار از سلطه جاه بهادر  
 در مدار الهیاتی سرفراز جایگرات سرفراز شده بقول محمد خان در عمل صلابت جنگ  
 مرحوم وار و عه باور چینه بود اولادش از سر رشته قدیم جایگرات منورند نظر بهادر  
 فرزند خان بهان خان دار و نه فرزند حضور پرور از جایگرات سرفراز است  
 محمد عثمان فرزند حضور خان غلام زاد حضور از جایگرات سرفراز است بهر ولاد در جنگ بهادر

از جاگیر سر فزاد است محمد عظمت خان اقربائے لودھی خان در عمل لدوله از جاگیر سر فزاد  
 گردید نظام سنو خان دکھی از قدیم جاگیر دار است عبد اللہ خان وغیرہ فرزند فیض اللہ  
 خان خانہ زاد حضور مبارک النساء خانم داشت معالی میان فرزند ارسطو جواد مرحوم از جاگیر  
 سر فزاد است نامدار خان پسر سر مست خان اقربائے لودھی خان از جاگیر سر فزاد  
 است محمد صوفی مرزا خان برادر زاده دواماد نواز ش علی خان که مسرہ مبارز خان بود  
 بودند - مستی خان - مستی خان محمد دار پیشہ از عمل رکن الدولہ از جاگیر افتخار حاصل  
 کرده عبدالحسین و منو خان دکھی جاگیر دار قدیم میر مظفر علی خان پسر کمال الدین  
 حسین خان برادر صدر نواز جنگ از جاگیر سر فزاد - خواجه عبداللہ خان وغیرہ پسر  
 خواجه حکیم باقر خان از جاگیر سر فزاد - شیخ منو خان وغیرہ فرزند ان دے منو خان  
 دکھی جاگیر دار قدیم شیخ نعمت اللہ خان برادر زاده فتح مست خان مرحوم قلعہ دار قلہ گوگندہ  
 رومی خان در عمل تہالت جنگ مرحوم از جاگیر سر فزاد شدہ بعد انتقال اوستان  
 فرزندانش بہ خطاب و جاگیر سر فزاد گردیدند اوشان انتقال کردند عن سلام عباس  
 خان فرزند بہ جاگیر سر فزاد حاضر است مرزا سعادت علی استربائے سلار جنگ  
 مرحوم نام والدش شیر بیگ خان مرحوم بشرکت ظفر یار بیگ خان غمخوارش جاگیر  
 میخورد حرات جنگ ماموی رفت الملک میر کلان میر حیدر خان پسر اوشان بہ خطاب  
 مذکور و جاگیر سر فزاد است اسد اللہ وغیرہ پسران انور جنگ مرحوم ولد مختار جنگ  
 مرحوم دار و عنہ باور بیخانہ حضور بہ جاگیر ذات پدری سر فزاد غلام نجی خان از قدیم  
 جاگیر میخورد محمد فایق خان وغیرہ فرزند ان آصف نواز خان مرحوم اقربائے شہ پلو  
 خان و قادر نواز خان استربائے عزت یار خان حکیم فرزند ان سید حسن خان  
 جاگیر دار قدیم اند و موضع کیسراور جاگیر مقرر است صادق علی خان حکیم  
 برادر حکیم محمد خان از دو خانہ حضور از قدیم مسمور داؤد خان پسر حاجی خان سابق  
 صاحب دار بودند و تنخواہ خود در سرکار تذرانہ دادہ جاگیر گرفتند بعد انتقال  
 حاجی خان بنام داؤد خان جاگیر از سرکار بحال شد فقیر اللہ بیگ خان وغیرہ

پسران فتح‌الدبیک خان و غیره از قدیم به جاگیر سرفراز اند جعفر علی خان پسر غیاث  
 الدوله کو قوال بلده اقرباکے میر ابو القاسم از باعث قرابت میر صاحب  
 از چند دیهات بعنوان بھد سرفراز جاگیر قدیم میدارند میر کاظم علیخان اقرباکے  
 بجنتی الملک از جاگیر سرفراز مراد یاب خان فرزند لشکر جنگ بہادر از قلعہ داری  
 قلعہ رام گیر سرفراز اند فضل علی خان پسر مختار جنگ جاگیر دار قدیم از داروغسگی  
 بانداران حضور علاقه شمس الامراء بہادر سرفراز اند مظفر علی خان برادر امیر الدولہ  
 خانسان حضور پرنور از جاگیر سرفراز اند ولی چند جنس پورہ راجہ چند و عمل بہادر  
 درینولا از جاگیر سرفراز شدہ میر غلام حنیخان از دختر شمشیر جنگ شادای خند بود از  
 جاگیر سرفراز میر واحد علی یا والدولہ از جاگیر سرفراز شدہ علی منصور خان  
 پسر مقرب خان دکنی جاگیر دار قدیم مرزا ہدیخان برادر جاگیر یار جنگ پسر  
 سزاوار الملک بہادر شہزادہ بیگم دختر بہادر مرحوم است از جاگیر سرفراز و شادای بیگم  
 مسطورہ از فرزند اشرف الدولہ شدہ است محمد منصور خان از قدیم دہ صد سوار  
 نقدی نمازم بودند و قتیگہ غلام سید خان مرحوم در پونہ رفتند سہراہ بودند بعد معاودت  
 پونہ مرحوم مسطور عوض نگہداشت سواران و جاگیر ذات تعلقہ سرفراز گننیدہ چند  
 علی پسر محمد رضا خان اقرباکے غنی یار خان از جاگیر سرفراز نواز شہ علی خان فرزند  
 نصیب یار خان و قوال الدولہ از در ماہہ سرفراز اند صاحبہ اہلیہ سزاوار الملک  
 بہادر و سزاوار خان برادر زادہ سزاوار الملک بہادر از جاگیر سرفراز شہ  
 مرشد علیخان قلعہ اریادگیر بنیر د شہر یار جنگ مرحوم منصبدار بادشاہی غلام من  
 خان جاگیر دار قدیم علاء دل خان بہادر تہدار پیشہ در عسار مسطور جاہ از جاگیر سرفراز  
 بودہ اند بہادر مذکور انتقال کردند محمد براہیم خان فرزند اوشان حاضر اند مسیہ  
 نعمان خان جاگیر دار قدیم بہادر مذکور انتقال کردند میر اسد اللہ خان فرزند اوشان  
 حاضر قرابت از ضیاء الملک و رفعت الملک سیدارند محمد اعظم خان و عظیم الدین  
 خان فرزندان اسمعیل یار جنگ منشی از جاگیر سرفراز - میر کریم علی

پسر حاکم جنگ اقبائے میر موسیٰ خان رکن الدوله مرحوم از جاگیر سرفراز انداز عرصه چند روز  
 منصوب الدوله جاگیر اینها بزبردستی در قبضه خود آورده بخورد حیات علیخان پسر نرسه  
 ترین از سرفراز بیگ منگوه اسطو جاه مرحوم قرابت میدارند بسبب قرابت از جاگیر سرفراز  
 رضا بیگ خان فرزند بهادر بیگ جاگیر دار قدیم بعد افعال کامل علیخان از خاستگانی بله  
 و داروغگی عمارت هم سرفراز سلطان یار خان داروغه به کاره حضور بر لوز بودند فک مذکور  
 انتقال کرد سلطان نواز و غیره متعلقان از جاگیر سرفراز اسعد علیخان ولد شیر علیخان اقبائے  
 بی نظیر جنگ از قدیم جاگیر دار اند محمد شجاعت الله خان بنیره محمد طاهر خان از جاگیر سرفراز  
 رستم علی خان پسر نظیر علی خان برادر سلطان علی خان مرحوم که سابق داروغه فرانشانه حضور  
 بود الحال اولاد شان از جاگیر سرفراز میر عبدالحی خان و غیره فرزندان محمد علی خان مرحوم  
 مخاطب بهمن جنگ برادر قوام الدوله اقبائے صمصام الملک مرحوم از جاگیر سرفراز  
 میر دوست علی خان پسر بخشی الملک از جاگیر سرفراز ولایت علیخان اقبائے بی نظیر جنگ  
 از جاگیر سرفراز میر مفران خان برادر یک ناز جنگ اقبائے ضیاء الملک بهادر از جاگیر  
 سرفراز - سید حیدر درویش از جاگیر سرفراز میر اسد علیخان و بهادر علی خان اقبائے  
 سزوار الملک از قدیم جاگیر میدارند میر حسام الدین پسر عباد الله خان ساکن ناندن  
 رفیق شمس الامراء مرحوم از جاگیر سرفراز محمد حیات الله پسر حبیب الله خان در زفاقت  
 شمس الامراء جاگیر میدارند ظهیر الدین خان پسر خواجه دایم خان علاقه کرد دولتخانه حضور  
 جاگیر دار قدیم میر بدایت علی و میر فدای اقبائے جاگیر یار جنگ از جاگیر سرفراز  
 سلس پسر میر علی کبیر شترینی شاعر سندی از جاگیر سرفراز میر ادای اقبائے سزوار الملک  
 بهادر جاگیر دار قدیم - قادر بیگ ابله بنجف علیخان مرحوم از جاگیر شوهر خود سرفراز بنیان  
 انعام میر حسام الدین علی و غیره پسران صفدر علی خان اقبائے جاگیر یار جنگ  
 بهادر از جاگیر سرفراز شاه امیر الله فرزند رضا صاحب پیرزاده از جاگیر سرفراز -  
 نجیب النساء بیگم ابله سلیمان علی از جاگیر شوهر خود سرفراز محمد احسن الله خان اقبائے  
 سزوار الملک از جاگیر سرفراز میر اولاد علی خان پسر جمعیت طالب خان اقبائے

سمصام الملک بہادر مرحوم از جاگیر سرفراز خواجہ محمد جاگیر دار قدیم از اراثت والد خود جاگیر  
 سرفراز - عبدالرحیم اقرباے محمد عظیم خان مرحوم از جاگیر سرفراز غلام سجاد پسر زادہ جاگیر  
 بعنوان انعام از سرکار مقرر - حبیب اللہ خان در عمل غنم الامراء از جاگیر سرفراز شدہ  
 خواجہ محمد خان پسر خواجہ ابوالبرکات خان جاگیر دار قدیم سید عبدالرحیم پسر سید نجف خان  
 جاگیر دار قدیم در برابر اقرباے افسر الدولہ بہادر راجہ جتی اعلیٰ برادر راجہ ہنومل متونی  
 مخاطب بہ راجہ اندروت کہ سابق در رفاقت غلام سید خان مرحوم تفسیل داری تعلقات  
 اجزا بود راجہ روشن رائے گماشتہ متونی بود بیاس راجہ اندروت متونی راجہ جتی مسل سماش  
 دار و میر سرفراز علی وغیرہ فرزندان شکت الدولہ جاگیر دار صوبہ اورنگ آباد در  
 عمل راجہ چند مسل بہادر سرفراز شدہ میر عالم علیخان وغیرہ در برابر جاگیر دار قدیم راجہ  
 بالکنڈ مقصدی خانگی میر الوفاق اسم خان مرحوم - الحال پیشکار خانسانانی نیز الملک بہادر  
 آدم متدین بالجیر کہ در فرد جاگیرات بجائیرات ہفت ہزار ہنصد بود و وہ سہ سرفراز تفسیل  
 تعلقہ گدوال و شوراپور امور رائے بالجند برادر زادہ راجہ بالکنڈ علیہ است ہمین  
 دو اسم رائے بالجند متہر - فضل پنجم در تفسیل تعلقہ جات -

تعلقہ بنگلور پسر خوشی رام علاقہ راجہ شہو پر شاد

تعلقہ پنچر و سپر دھن علیخان بہادر پسر

طالب الدولہ مرحوم -

تعلقہ نزل پسر راجہ بھو چرمل -  
 تعلقہ اندور بوڈن پسر درکار نواز خان

تعلقہ ناندر پسر کرار نواز خان بہادر  
 تعلقہ ویگلور و ساربار پسر گوری شکر  
 اقرباے راجہ شہو پر شاد

تعلقہ بانسواڑہ پسر دسر دھرا و اقرباے  
 راجہ رکھو تم را و متونی  
 تعلقہ میدک پسر دمرار را و

تعلقہ توپران پسر دانگ چندر

تعلقہ بمگل پسر میر موسیٰ خان پسر  
 اشرف الدولہ مرحوم -

تعلقہ بیدر سپرد عیسیٰ اللہ خان

تعلقہ مرک سپرد حسام الملک بہادر

تعلقہ دہنا سری سپرد خان محمد چوہدر علاقہ -  
مردہ طاہر علیخان -

تعلقہ نینکھ سپرد ہنگی صاحب سپرد قادر صاحب  
دکنی مرحوم -

تعلقہ کوسیر سپرد موہن محل وابستہ راجہ بھو اہر شاہ -

تعلقہ چھوٹی سپرد راجہ سکھو راؤ -

تعلقہ ایکنندل وغیرہ محلات علاقہ کونا راؤ -

تعلقہ ورنگل سپرد غلام محمد خان وابستہ

زمیندار سپرد راجہ سیر راؤ دیسا پٹیہ مانا -  
کنڈ وروالہ بطور تحصیلداری -

محمد عدروس خان بہادر عرب تعلقہ پاکٹور

تعلقہ کاکرنی عرف گڑھ کمال سپرد

تعلقہ امر خیت سپرد راجہ بالچند برادر صاحب

بالچند لد موپور -

بلجھن داس قوم کھتری -

تعلقہ انگور سپرد زمینداران تعلقہ مسطور -

تعلقہ کاکار پٹی سپرد احمد یار خان سپرد محکم جنگ

تعلقہ اونچ سپرد رائے بالچند -

تعلقہ سکور و شکور سپرد سوامی رام کشن راؤ

تعلقہ ننگندہ د دیور کنڈہ سپرد حیدر خان -  
علاقہ منصور خان مرحوم -

زمیندار

تعلقہ نرائن پور سپرد راجہ نیا پٹی لکھن رائے متونی

تعلقہ راجپور سپرد محمد عدروس خان بہادر عرب

تعلقہ کیم مٹھ سپرد ناہار خان بادر دلاور خان -  
عرض بیگی سرکار راجہ بہار چند محل بہادر -

تعلقہ دھار وروند رنگ گرا نوار خان

تعلقہ کچھل سپرد راجہ اومار پٹی تحصیلدار -

تعلقہ دھار وروند رنگ گرا نوار خان

بنام راجہ رگھوناتھ داس چوہدری جنسی حضور -

تعلقہ ککڑی سپرد گرا نوار خان

تعلقہ ککڑی سپرد گرا نوار خان

خالصہ باغایت بلدہ فرخندہ بنیاد حیدر آباد

مع باغات اندرون قلعہ محمد نگر سپرد

رائے امرت رائے -

تعلقہ ٹیکمال سپرد اسمعیل خان بخش رسالدار -

پرگنہ بیلواو جوکل سپرد راجہ مادھو راؤ

جو انان باہ علاقہ غیر الملک بہادر

قراچی راجہ رکھوتم راؤ متونی

تعلقہ کویکنڈہ وغیرہ محلات سپرد ناز بہا خان مرحوم

تعلقہ کلپاک ذہی کنڈہ سپرد سید غرت خان

پسر پیرام الدوله مرحوم -

علاء بعد انتقال مرحوم مسطور بنام مرزا -

امان الله خان فرزند نیاز بهادر خان که

در حیات خود غفلت گد ام مغل را در فرزند ی -

گرفته پرورشش کرده بدستور سجال -

تعلقه درهول پسر دراجه بگت سنگه سندی

تعلقه بهمت و پسر و غیره حالات پسر دراکے -

راجه چند و عمل بهادر

چو هم عمل برادر راجه پیر جهان -

صوبه حجهت بنیاد و برادر راجه گو بند بخش بهادر

تعلقه لاکو اسرا چون پسر میر عاشق حسین -

تعلقه اران در صوبجات مذکور از طرف

راجه صاحب مذکور تعلق دارد -

کمیلت جائیرات در تنخواه جمعیت از صوبه فرخنده بنیاد و حجهت بنیاد و صوبه بیجا پور -

لو تک

المالوت

۱۳

از صوبه فرخنده بنیاد حیدرآباد -

و ع

ص ل ر ص

زیر گنه نار این کتبه و غیره علاقه پای کنگاه خاص

فیر الملک بهادر

در تعلقه شمس الامراء بهادر

ملو صا الوی

سار عی

پیرام سنگه از پیر گنه حویلی کولاس

میر منصور خان بهادر پرنده ساتوبی

ملو عی

ملو عی

داد در جنگ از پیر گنه خند بار عالی بنام اشرف بگ

کنوز طبعین سنگه

ع

محمد خان لوبانی پرگنہ کولاس -

لما ع

اشرف جنگ از پرگنہ کوبل

اع صاعص

محمد سلطان لوبانی از پرگنہ کولاس -

صا صاعص

شاه یار الملک بہادر از پرگنہ مانڈور چتیا پور

عے تک  
عے عے

راجہ امانت دنت بہادر از پرگنہ حویلی کولاس

عے صا عے

میر دلاور پسر سلطان میان از پرگنہ کندل

عے صا عے

ناگر کرنول پرگنہ اونچہ و چنہ و درخواہ جمعیت نوزال اور

عے تک

از صوبہ محمد آباد سیدر -

لوعے لوب  
عے صا و عے

رئیس الملک سیلخان خان بہادر از پرگنہ اندون

پرگنہ ٹیلور وغیرہ جاگیر خاص -

عے صا عے

اکبر جاہ بہادر از پرگنہ دھانور و مکھڑ وغیرہ -

عے صا عے

جاندار جاہ بہادر دوبارہ وغیرہ معالہ پرگنہ  
از سرکار ایضاً لگان

لوعے صا عے

سید دلاور علیخان بہادر از پرگنہ حویلی فیروزنگر

لوعے صا عے

عے صا عے

شہباز الملک بہادر از پرگنہ چنگوہ وغیرہ -

عے صا عے

نورالملک بهادر از پرگنه امر خفته و کمتقل و غیره - راجه امانت دنت از پرگنه کوه پنج سرکار میر مظفر بیگ

سرالکھان

علاءالدین

کھانڈے راؤ پھمن از پرگنه کوه سرکار نانڈیر - اشرف جنگ بهادر از پرگنه مک سرکار ایضاً

لوموئی

موملانی

محمد سمان خان بهادر چنگوٹ و غیره سرکار نانڈیر - حافظ یار جنگ بهادر از پرگنه کوه سرکار ایضاً

سرالکھان

سرماروئی

کوننت راجه تیگه از پرگنه کوه گاون سرکار نانڈیر - راجه امجد بهادر از پرگنه کوه سرکار نانڈیر

صم

علاءالدین

در جاگیر بایکاه قلعه شمس الامراء بهادر از پرگنه - بساکی و من آباد و غیره -

سرالکھان

از صوبہ جمنہ بنیاد و رنگ آباد

غازی الملک بهادر از پرگنه عویلی و صهار طوط

ریس الملک سلیمان جاہ بهادر از پرگنه

مولی

علاءالدین

سکنہ راندولہ بهادر از پرگنه موندی سرکار دو آباد - رفیق یاد جنگ از پرگنه سرسپور سرکار ایضاً

سرالکھان

سرماروئی

دینہ یاد جنگ از پرگنه

میرالمی بخش خان بہادر از سرکار دولت آباد راجہ راؤ رنجہا بہادر از پرگنہ برجنڈا

راجہ راؤ رنجہا بہادر  
للو عیسو  
۱۵

راجہ راؤ رنجہا بہادر  
للو عیسو  
۱۵

محمد عظیم خان بہادر از پرگنہ بند روپ کار موپور

محمد عظیم خان بہادر  
للو عیسو

محمد عظیم خان بہادر  
للو عیسو

نانز این راؤ بھونت راؤ از پرگنہ کا پٹی سرکار پٹنڈا

جہانگیر یار جنگ بہادر پسر نراوار الملک بہادر  
از پروناپور سرکار دھار

جہانگیر یار جنگ بہادر  
للو عیسو

راجہ جنارون راؤ از سرکار دھار و در پرگنہ  
روپ پند و چنگای دہری -

راجہ جنارون راؤ  
للو عیسو

راجہ جگدیو راؤ پسر گلکان راؤ

راجہ جگدیو راؤ  
للو عیسو

سجیان راؤ قبضہ رہا پور سرکار دھار و

سجیان راؤ  
للو عیسو

محمد عظیم خان از پرگنہ کا پٹی سرکار برجنڈا

محمد عظیم خان  
للو عیسو

محمد سجان خان بہادر سوار پرگنہ ولپور سرکار  
در سرکار احمد نگر -

محمد سجان خان  
للو عیسو  
۱۵

داور علیخان از سرکار دولت آباد -

داور علیخان  
للو عیسو

راجہ امانت ونٹ بہادر از سرکار دولت مدار

راجہ امانت ونٹ  
للو عیسو

رفعت الملک بہادر از پرگنہ سینوڈہ سرکار ایضا

رفعت الملک بہادر  
للو عیسو

وز صوبہ دارا لطف علی جاپور

للع  
للع  
للع

پرگنہ الپورہ در جاگیر شہباز الدولہ بہادر

را پگھر وغیرہ مرشدزادہ

للع

کوئل و بہادر بندہ در جمعیت سید اللہ خان بہادر کنگ یثیری وغیرہ در جمعیت ہم عمری یثیری در جنگ بہادر

للع

جہاندار جاہ بہادر -

للع  
للع  
للع

پرگنہ الیہ و کچولی اور

للع  
للع  
للع

فصل ششم در کیفیت تلجانات علاقہ ریاست آصفیہ

قلعہ کوکنڈہ سپہ در حکیم خان قلعدار - قلعہ اوڈگیر سپہ و جہانگیر یار جنگ

حصار بیرون کہ واقع است در آن شہ تادو چہار برج ہر برج کلان و دوزب و سہ ضرب برج

برج کوچک یک ضرب و نیز مشنت دروازہ منصوب مشرق رویہ فتح دروازہ و مسوقی دروازہ

شمال رویہ جمال الدین دروازہ و بنجاری دروازہ غیب رویہ پٹن چرو دروازہ کچی دروازہ

جنوب رویہ بدویل دروازہ و بمبئی دروازہ منگلہ این شش دروازہ مسدود و دروازہ

کچی مشرق رویہ دو بمبئی شمال رویہ جانب درگاہ حسین شاہ ولی براکے آمد و رفت کشادہ

بیرون حصار یک خندق اندرون قلعہ خندق دیگر نیت و سمت تالاب منفرت آب سوا

فصیل قدیم دیگر معبرج کلان تیار کتا بندہ اندکہ بسبب کل کہ رو بروی فصیل قدیم

تباحت معلوم میشد و در میان فصیل قدیم و جدید باغ نیز تیار ساختہ اند و بالا حصا کہ شہت برج

بدست آورد و ضرب بر پنج کلان و بر پنج خرد یک ضرب منفرت تاب یک فیصل و دیگر بفصله تیراب  
تیر بر بهوانی بر و ج مقصل باغ مذکور بر لب خندق تیار کرده اند و عقب بالا حصان نیز یک فیصل  
بفصله دو تیر تاب تیر بر لب خندق تیار گنایند و سواکے خندق معمولی خندق دیگر اگر گشته  
برج سنگ نمندی تا ور وازه بدوئل واقع است -

قلعه بلیگر سپرد قلندر حسین خان سپسر بر بان الدین - قلعه بھوگیر سپرد امیر اسمعیل سپر شیدالدوله به  
قلندر خان که از قدم الایام بموجب اسناد - منشی حضور پر نور  
بادشاهی سرفراز اند -

سما عظمیٰ عمار و عظمیٰ

قلعه بر بند اسپر و حید الدوله بهادر اعظام - قلعه دولت آباد سپر در شیدالدوله بهادر منشی جان  
منشی حضور -

قلعه دبار و سپر دکر از نواز خان عرف دوله خان  
قلعه نزل سپر در راجه بھوچر مل

قلعه بہترہ سپر در ابراہیم علیخان سپر اعظام الملک  
قلعه دیور گڑھ سپر در سپر کلان بہادر الدولہ دوم  
منشی مرحوم -

سما صلحہ

قلعه آرام گیر سپر و حسام الملک بہادر  
قلعه ایکنندل سپر در بردست خان بہادر سپر  
خان جهان خان مرحوم داروغہ فرانسہ شیخانہ  
قلعه قرخ نگر سپر و علاوہ دالان راجه بالا پرد  
فرزند راجه چند و وصل بہادر -

قلعه سال باری سپر در الف خان نیرہ اعظام الملک  
مرحوم سپر دلاور علیخان مرحوم -  
رستم علیخان گمشدہ قلیخان ہشت سیرہ زادہ -  
شہزاد الملک بہادر نیرہ شہر یار جنگ اند -  
قلعه جلیتیاں سپر در حسن علیخان بہادر سپر الدولہ  
قلعه ورنگل سپر در عباس یار جنگ قلعه مذکور

در میدان و فضیل و بس سنگین از کار چونه  
 مستحکم بیکن ویرانی بدرجه اتم و خندق از قدیم  
 عمیق بود و بعضی جا پر گردیده و بعضی جا عمیق  
 و فضیل موت طلب و از ضرب که بر بروج  
 تعبیه کرده اند ناکاره و تحتها شکسته افتاد و اند  
 و برای خرج احتیاج دو موضع چهار هزار  
 روپیہ وصول خام مقرر است بافضل پنجاه  
 جوان قلعه دار برای احتیاط میدارد -

قلعه کولاس سپردکنورین سنگه سپه راجه پیم  
 قلعه گجرگه سپردحسام الملک بهادر -

قلعه بهم سپردضغام الدوله بنظیر جنگ بهادر  
 قلعه تندبار سپردگل باب سنگه سپه راجه  
 بی سنگه متوفی -  
 قلعه بیدر سپردخلیل الله خان بهادر

قلعه بانگل سپردنظیر بهادر خان سپه راجه پنجم  
 مرحوم فاروقه فرانشانہ حضور -

قلعه کویل بهادر بنده سپردعدو بن خان بهادر  
 قلعه سنگ گیری سپردمحمد صاحب سپه سلطان میران  
 قلعه ننگه و کویکنده بنا بر کفایت سه بندی  
 تقوین غاملان قلعه دار متوقف و غاملان -  
 در میان قلعه سکونت دارند -

قلعه رایچور سپردعدروس خان بهادر  
 قلعه کلیانی سپردامیناز الدوله بهادر سپه راجه پنجم  
 قلعه ایچیو بطور گدای شش سونج و دو  
 دروازه کے سنگه و دو می رت دلاور  
 و بروج از گل و حشمت کار چونه و سنگه بانگل  
 نیست و دیوار با جایبانگت و خندق هم دلاور  
 و تعلق را ایچیور در قلعه مذکور میماند بافضل

سپه و صلابت خان - یک کروڑ

سپه راجه پنجم

فصل مرقم در شرح جاگیر داران دات و جمعیت

یک کروڑ یک

نواب میرالملك بهادر - نگان

شس الامراء بهادر

مصفا  
۱۱۱

صهار و لغوی  
۱۱۰

ذات نگان

ذات نگان

جمعیت

ذات

جمعیت

لوعاموسه  
۱۱۵

بلو صاموسه  
۱۱۱

لوعاموسه  
۱۱۵

لوعاموسه  
۱۱۵

سیف جنگ عن ذات

این الملك بهادر - نگان

رحم اللولہ  
۱۱۵

ذات

رحم اللولہ  
۱۱۵

جمعیت نگان

مختار الامراء بهادر عن ذات نگان

والا جاه مرعوم عن ذات

عمرت  
۱۱۵

مولوسا  
۱۱۵

راجہ شیام راج بہادر

راجندر عن ذات

موریک للسر

رحم اللولہ  
۱۱۵

ذات

جمعیت

بلو صاموسه  
۱۱۵

بلو صاموسه  
۱۱۵

راجہ راو رجنفا

حمام الملك بهادر - نگان

بلو صاموسه  
۱۱۵

بلو صاموسه  
۱۱۵

ذات

جمعیت

بلو صاموسه  
۱۱۵

بلو صاموسه  
۱۱۵

ذات  
لوعاموسه  
۱۱۵

بلو صاموسه  
۱۱۵

جمعیت

بهرام الملک بهادر

لوه باله لوه  
۱۱۶

افتخار الملک بهادر عن ذات

ابا لوه  
۱۱۶

ذات

جمعیت  
لوه  
۱۱۳

رشتید الدوله عن ذات -

رفت الملک بهادر

لوه  
۱۱۳

اسما و ع  
۱۱۳

ذات  
لوه  
۱۱۳

جمعیت نکان  
لوه  
۱۱۳

سکنه الدوله بهادر

لوه  
۱۱۳

افسر الدوله بهادر

لوه  
۱۱۳

ذات  
جمعیت  
لوه  
۱۱۳

ذات  
جمعیت  
لوه  
۱۱۳

محمد صلابت خان بهادر

لوه  
۱۱۳

فتح جنگ خان بهادر عن ذات

عم

ذات  
جمعیت  
لوه  
۱۱۳



شیخ منور خان وغیره پسران ولی منور خان بہادر علی خان پسریدہ ناز جنگ -

سما <sup>۱۳</sup> سما

ثابت دل خان وغیره پسران متعلقان در علیخان -

تہور جنگ <sup>۱۲</sup> تہور جنگ

ذات <sup>۱۲</sup> ذات

جمعیت

سما

سما

خواجہ محمد خان ولد خواجہ ابو البرکات خان

ال <sup>۱۲</sup> ال

میر اولاد علیخان -

ال <sup>۱۲</sup> ال

افتخار الدولہ بہادر -

الل <sup>۱۲</sup> الل

میر کرم علی پسر حاکم علی

حافظہ یار جنگ بہادر

ع <sup>۱۱</sup> ع

جمعیت

ذات

سما

سما

توت جنگ وغیره

ص <sup>۱۲</sup> ص

حکیم محمد ماہ خان

سما <sup>۱۲</sup> سما

قادر یار خان وقادر نواز خان -

س <sup>۱۲</sup> س

پسران سید من مرزا خان وغیره -

ل <sup>۱۲</sup> ل

جان باز جنگ وغیره -

ع <sup>۱۲</sup> ع

راسہ پین رامہ

ال <sup>۱۲</sup> ال

جمال خان لوبانی -

م <sup>۱۲</sup> م

مولانا لوبانی

جیات علی خان عن ذات

ص <sup>۱۲</sup> ص

حسن علیخان بہادر پسر طالب الدولہ

مع سما <sup>۱۲</sup> مع سما

صادق علی خان -

الکافی

رأسه چا تر لعل

الکافی

میر فیض اللہ خان

بہار صفا

نیر و اور علی پسر سلطان میان -

لہ علی شمس

ذات جمعیت

الکافی لعل بیگ خان

رضا بیگ خان

الکافی

داؤد خان پسر حاج خان مرحوم -

صفا موی

محمد سعید

الکافی

رأسه سیتل داس

الکافی

سید نفرت -

صفا موی

محمد شجاعت اللہ خان -

الکافی

میر ضیاء الدین خان بہادر کیقاہ جنگ

صفا موی

محمد حنیف الدین خان

لہ

حید علی پسر رضا خان

انصاف صفا

دولت خان

الکافی

رأسه دیک راک

لعل موی

رحمان نواز خان وغیرہ پسران حمان باقر خان بہادر

انصاف صفا

فتح اللہ وغیرہ پسران فخر اللہ بیگ

انصاف صفا

سیدی اسد اللہ خان رعہ جنگ

ع

رأسه کھیم کرن

انصاف موی

محمد شرف الدین خان -

لعل موی

ستم علی پسر نظر علی خان -

انصاف موی

خواجہ عبد القادر خان وغیرہ حکیم باقر خان

صفا موی

خواجہ ظہیر الدین خان بہادر

۱۱۱

نواز شمس علی خان

۱۱۲

عبدالعزیز خان پسر مت جنگ

۱۱۳

منصور الدولہ بہادر

۱۱۴

سید عبداللہ خان پسر سلطان نواز خان موم

۱۱۵

علی احمد خان غیر پسران غالب الدولہ

۱۱۶

نحی الدولہ عزت یار خان بہادر

۱۱۷

علی بیگ وغیرہ

۱۱۸

۱۱۹

میر عبدالرحیم خان -

۱۲۰

مستقیم الدولہ بہادر

۱۲۱

میر غلام نبی خان

۱۲۲

جعفر علی خان بہادر

۱۲۳

عبدالرحیم خان پسر بیون خان مرحوم

۱۲۴

غلام عباس خان پسر روشن خان

۱۲۵

میر عبدالحی خان وغیرہ پسران محمد علی خان موم

۱۲۶

راجہ سید اکرم بہادر

۱۲۷

ذات جمعیت

۱۲۸

میرزا علی

۱۲۹

جلال الدولہ بہادر

۱۳۰

اخراجات درگاہ کوه نوریہ

۱۳۱

۱۳۲

سل محمد خان

۱۳۳

لطیف الدولہ بہادر

۱۳۴

۱۳۵

میر کاظم علی خان

راجہ خوشحال چند وغیرہ

محمد لودھی خان بہادر -

ذات

بقول محمد خان -

صہب لکھنوی

منتظم الدولہ بہادر

میر دوست علی -

ایٹا پسر و کلت نرائن راؤ

میر مظفر علی خان پسر کمال الدین حینخان

میر موسیٰ خان -

سر ایٹا پسر

ولایت علی خان

اعصام الملک بہادر وغیرہ

میر محمد

مراد یاب خان

راجہ گویند بخش بہادر

فضل علی خان بہادر

یکہ تاز جنگ

الحکیم صالحی خان

شیخ نعمت اللہ

صہب لکھنوی

محمد میر پسر نامور جنگ

سر فرزانہ الدولہ

نظر بہادر

ملک ہمزہ جنگ

نظام منور خان

الاعصاب

محمد صوفی مرزا خان

میرزا محمد

نادر الدوله بہادر

ملوک علی

یاسین خان

سید محمد

عبدالحسین منور خان

ملوک علی

روپ سنگھ

نسیب علی

راجہ پر بھان

سید محمد

میر معز اللہ خان

اشرف

حسن علی بیگ پسر نادر علی خان

اسحاق علی

در محلات

سید محمد

ملوک کتاب ساز

الکامل علی

است اسلام بیگم

الکامل علی

پسر انبیا داس صوفی

سید محمد

سید محمد

سید محمد

سید محمد

یعقوب خان

ملوک علی

محمد حمید خان پسر سمرت یا جنگ

ملوک علی

ضیاء الملک بہادر

میرزا محمد

بالکشن

ملوک علی

مظفر علی خان

سید محمد

علامہ سجاد

میرزا محمد

دوبلے چند

سید محمد

سیدی محمد وغیرہ پسران سیدی منقل خان

الکامل علی

جہت اخراج آدرگاہ حضرت امام موسیٰ صادق سرگاہ

الکامل علی

اشرف بخش

سید محمد

اعظم دستا خانم

اعظم علی

فیض بی بی عوف اوان خانم

سید محمد

سید محمد

سید محمد

سید محمد

راجہ بالا ارشاد - بالکتن نپڈت -

دے تاروے

ہا مے

پریم خاستری - منل گائین

ہا مے

سید محمد باقر الحینی

لعم للوے

جنت اخراجات درگاہ شاہ عین برہنہ

سما عے

اخراجات درگاہ سید حاجی ستار

ہا مے

راجہ دیب چند

سما مے

رگمنا تہ بھٹا پسرانیک کش

الصاصے

رام خاستری -

ہا مے

راجہ رگمنا تہ داس چو دہری -

لعم للوے

رائے اجاگر چند وغیرہ

سما مے

سوم پاکئی

ہا مے

رائے فتح سنگھ وغیرہ پسران رگجہ سنگھ

ال مالوے

پرسوتم داس ولد کنہیا داس

ال مالوے

راجہ نانک بخش

سما مے

حبیب النساءیکم

سما مے

رائے خوب چند

ہا مے

متعلقان میر موسی خان

سما مے

رائے انور رائے

سما مے

راجہ ناز مرد تراش

ہا مے

شاہ محی الدین وغیرہ

ہا مے

شیو داس سوم ماتی

سما مے

سید شاہ کلیم اللہ وغیرہ

سما مے

ستیا رام زنار دار

سما

غلام حسینی درویش -

الکلبی

فرزند ان رضا صاحب

صمصا

صیغ النساء بیگم

سما

قاسم علی

صمصا

نظم بهت و غیره

الکلبی

متعلقان عبدالمسحاق

الکلبی

راک منیر پیرا و نکث راک

الکلبی

احمد علیخان بهادر

صمصا

قمر النساء بیگم -

صمصا

شهنشخصو برشا و پیرا چه شیو برشا

صمصا

خرن بی بی - سما

فرخ محرم در امام باطه

سما

سجن سنگ

الکلبی

صالح بی بی و غیره

سما

اخراجات عاشور خانه بادشاهی -

صمصا

قربان علی خان پسر طالب الدوله

صمصا

بهیج منی و غیره مصو

الکلبی

مبارک النساء خانم

سما

بیرامن

صمصا

نجیب النساء بیگم

صمصا

بال چند

صمصا

شرف النساء بیگم

صمصا

سید حفیظ - الکاظمی

امام الملك بهادر -

مولانا محمد

میرزا اسد علیخان و بہادر علی خان

الکافی

محمد حسن احمد -

الملا

راکے بلونت راؤ متینی بہادر سنگھ

سما

راجہ بال چند -

سہا

خواجہ محمد میسر

مالو

نہا مہدی خان -

صہ

محمد حیات احمد وغیرہ

الم

محمد جمال علی خان بہادر

سہا

محمد حسین علی

ملو

رانا بابی زوجہ ہیت رام

ناعہ

محمد عبد اللہ خان

صا

فرزا اسد علی واقع نگار کلیانی

السایہ

فرزا اسد علی ہمشیرہ زادہ سزاوار الملک

سارہ

بلونت راؤ پسر زراؤں راؤ

اعلیٰ

بندہ علی خان بہادر وغیرہ

مولانا

بھگونت راؤ

کا

میر حسام الدین وغیرہ

اعلیٰ

جہانگیر یار جنگ وغیرہ

للعلم

ویب چند

سما

میر خیر اللہ خان وغیرہ

سما

حسب اللہ خان وغیرہ

مالیہ

راجہ سہا رام وغیرہ

اعلیٰ

غلام محی الدین -

سہ

میر ظہور اللہ خان -

اعمالیہ

عبدالرحیم -

اعمالیہ

محمد عظمت اللہ خان بہادر

دیب چند

اعمالیہ

گوبند راؤ وٹھل -

سامیہ

گنپت راؤ پسر لہاراؤ -

امالیہ

مدن مس وغیرہ -

میر بادری -

اعمالیہ

رائے نیل کنت راؤ -

اعمالیہ

منور جنگ -

اعمالیہ

میر غلام حسین

میر علی محمد

شیخ غلام محی الدین

ظہیر الدین خان

الاعمالیہ

غلام ضامن وغیرہ

الاعمالیہ

میر بہایت علی میر ذرا علی

الاعمالیہ

محمد قاسم

صیہ

یحییٰ اللہ خان وغیرہ پسران فیض اللہ خان

للمعاملیہ

کتور موتی سنگہ -

الاعمالیہ

میر فیض اللہ خان وغیرہ پسران فتح الدولہ

اعمالیہ

رائے نرائن راؤ

سمیہ

مرشد علی خان

اعمالیہ

سردار خان -

الاعمالیہ

گنونت رائے

سارہ

واحد علیہ

للمعاملیہ

علی منورخان پسر مقرب خان

صاحب

میر حسام الدین علی وغیره پسران صفد علی خان

صاحب

شیخ بهاء الدین وزین العابدین

صاحب

محمد بابا ولد شاه علی

صاحب

کسان را و کبیت پر محان

صاحب

بهو جیو بی بی

صاحب

روشن خان بافرزندان

صاحب

اخراجات بیگم صاحبه خانم جی منظور

صاحب

سید محمد درویش

صاحب

ذوالفضل قاضی -

صاحب

راما نند گشاین

صاحب

مستقلان رحمان یار فاکرموم - صاحب

صاحب شترزاده بیگم

صاحب

بدیه گیر جوشی

صاحب

برو بگرم و کبیت زنا ردار

صاحب

شاه بندگی

صاحب

ترک بخت

صاحب

برهان الله شاه

صاحب

روح الله سجاده نشین

صاحب

اخراجات درگاه ننگر راجه شتر سوار

صاحب

رام را و پسر کبیت را و بنگلیه

صاحب

اسد الدین قاضی -

صاحب

مستقلان سید محمد درویش

صاحب

رام چندرناستری راکه صاحب

اخراجات در نگاه قبول الله و محمد حسینی قدس

بنام شاه روحیه سید

سیارام الشونت

للمومنین

سید معین الدین عرف سید حسین

للمومنین

شرف الدین

امامیه

عبد الواحد ولد عبد القادر

للمومنین

عاقبت محمود درویش

صالحه

کامیسر جهاوقی شکر و نازی

مولیه

پسران لجهند اس گشاین

امامیه

مدار شاه درویش

للمومنین

گنگا دیکھت

للمومنین

شیخ محمد قاضی

امامیه

سید معین الدین - امامیه

سید امین الدین وغیره

صالحه

متعلقان میر حسن الدین علی

امامیه

اخراجات عوس سرد عالم صلعم

سالمه

اخراجات در نگاه شاه خداوند خستی

الاسامیه

عبد الواحد

سالمه

قادره

الاسامیه

زوجه گوپال زاو امتونی نمانته راجه صیونت

اعلیه

اخراجات در نگاه سید محمد بنده نوار گد سپه

صالحه

اخراجات بقبره میر کلان خان مرحوم

صالحه

عبد الله پسر شاه قادری

للمومنین

سید محمد

صالحه

اخراجات بقبره میر خاں مرحوم - سالمه

بطول النساء بیگ  
مار ع

امیر الدین علیخان برادر اصغر علیخان

ع

خج مقبره حضرت بنده نواز قدس سره

مالو ع

رائے جے کشن داس

الہ ع

بجیم سین پسر اولیٰ نرائن

سامو ع

میر خلیل اللہ خان پسران سعید الدولہ

اندکا ع

زبردست خان پسر خانبھان خان بہادر

مونا ع

سید عبد الحمید خان وغیرہ پسران بادی الدولہ

صہ مارو ع

ایمن خان پسران علیخان

انہ مارو ع

امرت راو وغیرہ

للع

حفیظ الدین خان

نما ع

پیر حسین خان وغیرہ پسران اکبر خان

للع مارو ع

ابراہیم بیگ وغیرہ

الہ ع

محمد امیر اللہ خان پسران اللہ بیگ

الہ ع

اخراجات روضہ حضرت النساء

سمک ع

ایرپا حنا ع

تھالہ ع

بدر الدولہ بہادر

للع ع

مقلقان دیارام

صہ ع

شیر علی بیگ وغیرہ پسران احسن علی

الو ع

راجہ دیا بہادر عرف کیول رام

مونا ع

سید احمد علیخان پسران مغل الدین خان

سہ مارو ع

اشونت رام و رام چند وکیل

للع ع

خواجہ حسن خان بہادر

صہ ع

نہاج غلام سید انان

سمہ ع

رکھت راؤ پسر مادھو راؤ و رام چند

ملہ علی علیہ

خواجہ محمد سعید وغیرہ پسر محمد طاہر علیخان

ملہ علی علیہ

میر سرفراز علی -

الہ علی علیہ

شہاب الدین خان -

الہ علی علیہ

عبدالرحیم خان

الہ علی علیہ

میر علی وغیرہ پسران علی اکبر

الہ علی علیہ

میر عبدالعزیز خان وغیرہ

الہ علی علیہ

سید عامل

سید علی علیہ

علاؤ الدین مہر

صم علی علیہ

خواجہ عبدالرحمن

الہ علی علیہ

خواجہ فضل الدین خان وغیرہ

صم علی علیہ

سید فتح ملہ علی علیہ

غلام رسول وغیرہ

ملہ علی علیہ

سرے رنگ راؤ

الہ علی علیہ

میر رعایت علی -

الہ علی علیہ

خواجہ سراج الدین منور خان وغیرہ -

صم علی علیہ

خواجہ شمس الدین وغیرہ

الہ علی علیہ

خواجہ طہو الدین خان

الہ علی علیہ

خواجہ عبدالرحمن خان

الہ علی علیہ

محمد عاجم خان

صم علی علیہ

عارف بیگ

الہ علی علیہ

میر علی اکبر وغیرہ

ملہ علی علیہ

میر عالم علیخان وغیرہ

صم علی علیہ

راجہ گونڈرائن

سید عبدالرحیم پیر سنجب خان

لعل علی

خواجہ کمال الدین خان و غیرہ

عصا و عصا

خواجہ کرم علی پیر خواجہ عبدالستار خان

سم

پیر مظہر علی خان

عم

میر بہتور علی پیرہ مقام جنگ

لعل علی

نزان سنگہ پیر کنور سنگہ

الاری علی

سید نثار علی پیر مصام علی

نما

وگت راؤ پیر نزان راؤ

الکاد لعل علی

انباراؤ پیر سہوانی بٹت

لعل علی

اندر راؤ کیشو

الاعلیٰ

پر کھچت شکر

سم

میر خالق ویزو

ما علی

محمد قادر الدین منور و غیرہ

الصابر علی

گویند راؤ پیر راجہ تہنونت

صم

حکم جنگ

عصاب علی

خواجہ محمد می خان

معین علی

نامار خان و غیرہ پیران رست خان

سہا علی

سید نصیر الدین خان

عصا علی

خواجہ نصر احمد خان پیر خواجہ پلا پیر خان

اعلیٰ

سید ولایت علی

نما

میر امام الدین پیر غلام می الدین

ما علی

احسن احمد خان برادر منصور الدولہ مرحوم

سم

رائے بشیر داس پیر سہوج لرج بٹت

سہا علی

کنور دین سنگہ پیر راجہ جوہ سنگہ

موس

سکھارام نپت پسران سیدری نپت

سدائینو نائک پسر نیکو نائک

المکرمه

مرزا سعادت علی

المکرمه

سید عبداللہ خان

المکرمه

کفایتی راؤ پسر نند راؤ

المکرمه

سید منور سید بہادر

المکرمه

مادہو راؤ وغیرہ پسران ستاجی راؤ

المکرمه

ابنہ و صاحبہ اخصاص خان

المکرمه

متعلقان راجا بیہ سنگھ

المکرمه

شاسراج الدین صاحب

المکرمه

محمد شیراز

المکرمه

متعلقان عبداللہ

کالہ

میر محمد صالح خان

المکرمه

میر شمس الدین

المکرمه

ظفر یار بیگ پسر شہر یار بیگ

المکرمه

فتح علی خان

المکرمه

ظہور الدین خان

المکرمه

سید مخدوم

المکرمه

کرن سنگھ پسر نند ہر سنگھ

المکرمه

ہری ہراؤ پسر راجہ ہری ناتھ

المکرمه

اشرف النساء بیگم

المکرمه

محمد جلو پسر محمد نور

المکرمه

شنگرد تارکی

المکرمه

شاہ فی اللہ قادری

المکرمه

درگاه حضرت شاه عبدالرحمن

سید ابوالیوسف

متعلقان و صبیه های عوض خان مرحوم

للمصنف

گویند بجهت و سببیت

اسما ابوالیوسف

گویند مصر

امام

قائم راء و غیره برادران دولت را

ما ابوالیوسف

پسران حاجی یوسف صاحب

ابوالیوسف

ادورام زمیندار

مصنف

مور و نیت ولد سری دهر نیت

امام ابوالیوسف

فرزندان و غیره شائور

اعلی

عبد الواحد پسر سید ابراهیم

ملا د عصف

قاضی امر کلپتر

امام د عصف

پیر محبوب و غیره توانان

سید

شاه عبدالرحیم

الهادی

متعلقان سید فخرالدین و غیره

ابوالیوسف

محرران قانون کو صوبه برار

اصحابو لعنه

متعلقان محمد غوث نقیر صاحب

اعمالو لعنه

شاه معصوم صاحب درویش

للعنه

سماة ساجی صاحب

صاحب

ابن اداس مصر

امام و عصف

شاه عبدالقادر

امام

متعلقان سید شاه عالم درویش

ابوالیوسف

سری کانتھ و غیره

امام ابوالیوسف

نیت راؤ پسر جوهانی سنگه

اعمالو لعنه

گر ساؤ و لکاجی

امام

امام

امام

مقلعان محمد رحيم وغيره

الاسماعيليه

سماء زينت بلبي وغيره مقلعان داود خان

صمصام موصيه

مقلعان وغيره مولوي عتيق الله خان

اعنه

بشبي خان ولد مستي خان مرحوم

اعنه

شاه محمد ولد ميان جان مرحوم

محمد سلطان خان

اسماء

دانه دختر وغيره داود علي خان

اعنه

شيخ الاسلام قاضي نجمه تيمار

للمصطفى

ايسا جى راو

الاسماعيليه

بمسم راو وغيره پسران كشن راو ديوانجى اخبار نويس

شكر بندهات بردها - للمصطفى

راجہ گلديو راو پسر راجہ كليان راو

المصطفى

خارون گوشا كين وغيره ارباب شالو - اعنه

سيد حميد الدوله ولد سيد عطاء الله

الاسماعيليه

گويند جغت بنجوى

الاسماعيليه

شيام راو بشونا پته

الاسماعيليه

محمد عباس درو كيش

ميمه

مقلعان سيد محبوب عالم

اسماء

شاه حسين عرف نور الله دروئيش

اعنه

خير النساء بيگم صبيده درگاه تلى خان

للمصطفى

امرت راو چهرت وغيره

عالميه

فانجى راو پسران دصوئند و ناناك

الاسماعيليه

بمصل داس پسر رتاب و نت

وعنه

مير حيدر خان پسر حرات جنگ مرحوم

صمصاميه

حسين على خان

اسماعيليه

جنارون راؤ وغیرہ  
المالک  
رضاعلی خان بہادر وغیرہ  
صالح  
رفیق جنگ

شکر راؤ  
اعلیٰ  
ستم علی خان  
لعلہ ماہی  
رضاعلی خان وغیرہ پسران مغز خان

عالم  
نہر داس پسران لکھنؤ  
الماہی  
شیام راؤ پسر گوند راؤ بھگونت  
الخالص

شیام راؤ وغیرہ  
لعلہ ماہی  
خواجہ محمد صدیق خان گنیش راؤ پسر شیو راؤ  
سعید

راجمان سنگھ راؤ حال - میر تیم پسر محمد اعظم  
لعلہ ماہی  
مار دہرے

سہارا راؤ پسرہ ہر سنگھ راؤ  
سیمالہ  
شیخ آمان

لعلہ ماہی  
میر اکبر علی وغیرہ

ہمالہ  
آنا بھٹ سجوی  
سیمالہ  
بجیت انشا بیگم

الاعلیٰ  
سید ابراہیم وغیرہ  
مارہیہ

بھیم راؤ وغیرہ بافرندان  
الصالح

خرچ عس وغیرہ بابا مسافر وغیرہ  
لعلہ ماہی

سید محسن احمد نگاری  
ماہی

شیخ بابن پسر حسن محمد  
الماہی

تقی قافی پرگنہ جی تال و فونڈ  
الماہی

نرگھ راؤ ولد بھگونت راؤ  
الماہی

میر محمد حسین وغیره پسران اشرف خان مرحوم  
کا و عیص

حبیب اللہ  
سم مارہ  
سید جمال اللہ خان وغیره

چشمان گوشتائین

الس

البالو

سید غلام حسین

وارثان و فرزندان ملان حسین

الکامی

اسما

غلام قطب احمد

چشمان و کبیت

سما

الناع

وردانہ بیگم

فقیران سید محمد درویش

صما

ص

دیال آچاری با فرزندان

سید علی درویش

سما

سما

متعلقان دیوار و متونی بہہ راجہ را و رہبا بہا

دولہن بیگم اہلیہ بہت جنگ مرحوم

الکامی

الکامی

مسما رحمان

رگھناتہ گوشتائین با فرزندان

مار

التامی

رگھناتہ و راجہ رام پسر شکر گیر

تر کبہ جھٹ ولد ڈھوٹو و جھٹ

سما

الکامی

شکر را و منگل سورت

سہری نواس گوشتائین

الکامی

سما

سیدہ الف بیگم وغیره متعلقان سید حسن

فرزندان سوراجی اودھوٹ

الکامی

صما

متعلقان شاہ نواز خان مرحوم

شکر مرشد مرید سجان جی را و نالکر

سید عبدالعلی ولد محمد باقر درویش

ماله

صلاح آثار حافظ عبدالشکور

ماله

متعلقان سید عبدالرحیم

ماله

شاه قطب الدین احمد بزم امت آب نهر

اصحاب

کریم النساء بیگم -

صاحب

گوتیند راو مسکلیه

کشن راو دیواجی

السهار

سید محی الدین ولد نور محمد خطیب

ماله

متعلقان ملازم درویش

ماله

سید نورالعلی وغیره پسران مولوی قمر الدین

اصحاب

بابا جمع و ولد سبحانی محمد نانک بافرزندان

اصحاب

دارشان و ارباب خان مرحوم - اصحاب

متعلقان میر عبدالقادر خان

سما

وارثان شاه علی درویش جهت موت آب نهر

صاحب

سید ابو بکر ولد سید عدروس

للمکاتیب

کافه سازان

ماله

میر جمال الدین بافرزندان

سما

چری کنور کتن راجه پسر سیم راج متوفی

صاحب

متعلقان محب الله خان مرحوم

ماله

معصوم شاه درویش

اصحاب

جهت راو همل جهرای راجه راو رهنما بهادر

اصحاب

سید نور محمد -

ماله

میر واسع خان وغیره

اصحاب

بجمل جهت راو همل راجه راو رهنما بهادر

اصحاب

روضہ شاہ برمان الدین صاحب وغیرہ

عسکریہ

سجادہ نشین روضہ منورہ شاہ پور

سماویہ

اخراجات روضہ حضرت مغفرت مکان

عسکریہ

اخراجات روضہ ظہیر الدولہ

صالحہ

خادمان روضہ خواجہ حسن ولد شیخ الاسلام

سماویہ

تعمیر مقبرہ درگاہ قلیخان مرحوم

عسکریہ

عس و غیرہ روضہ قاضی قاسم

سماویہ

اخراجات مسجد غلام حسین

کامیہ

معلقان راجہ بھوانی پرکاش

سماویہ

منظر علی وغیرہ

سماویہ

خادمان حضرت شہید اشہد

کامیہ

بذریعہ صاحب پیرزادہ عسکریہ

ہر گویا شاہین

العسکریہ

روضہ مقدسہ قدوۃ العارفین مغفرت جلال الدین

صالحہ

اخراجات روضہ خلد مکان

عسکریہ

اخراجات روضہ نواب شہید

عسکریہ

اخراجات مغفرت منزلت

الاسماویہ

خرچ روشنائی مشغل حضرت خلد مکان

للمسکریہ

اخراجات خانقاہ سید غلام حسین

کامیہ

روشنائی وغیرہ درگاہ شاہ پور

للمسکریہ

اخراجات مقبرہ وغیرہ شاہ تاج الدین

الاسماویہ

سید نظام الدین حسینی

للمسکریہ

اتمام بھٹ

سماویہ

محمد صاحب پیرزادہ

عسکریہ

پرسن ناهتہ جوگی -

۱۱  
اما

حامد پیر صاحب

صالح

سید حسین قادری بنا بر احوالات دوازدهم

حضرت بنی مسلم  
گویند کنش

۱۲  
سید

رام و حکمت ولد دیو و حکمت

۱۳  
کا

سید جلال الدین

۱۴  
الم

ست و صرم سوای

۱۵  
ص

شاه محمد پیر سید شمس الدین مرحوم

۱۶  
ص

سید عبداللہ و غیرہ

۱۷  
ص

سید گیسو دراز صاحب

۱۸  
ص

کشنا چاری

۱۹  
ص

مؤلف صاحب پیرزادہ

۲۰  
ص

پیر سخوی

۱  
الع

سجود انند سوای

۲  
ص

مردب لودھا

۳  
ص

سید حسین صاحب پیرزادہ

۴  
ص

رام نرائن گشائین

۵  
ص

کیستور ہما چاری

۶  
ص

سید محمد ولد سجا پوری

۷  
ص

عبد الرزاق و غیرہ

۸  
ص

اخراجات دوازدهم خاتم ابنی بعلام علی

۹  
ص

قاضی کریم الدین

۱۰  
ص

محمد الدین صاحب پیرزادہ

۱۱  
ص

سید نظام الدین فرزند شاه علی

۱۲  
ص

سید نصیر الدین خلف سید قطب الدین

اعلیٰ

سید ولی اللہ

کمالیہ

میر حسین خویش مقام جنگ

نام

عبدالمجید خان وغیرہ سیران عبدالمصطفیٰ خان

له علامتیہ

اشرف الدولہ بہادر مع متعلقان

لعم سامیہ

راجہ رام پرشا و خلف راجہ گو بند بخش بہادر

علامتیہ

راکے طہمین راؤ

اسمالیہ

فرزند ان عبد الوالی درویش

اعلیٰ

شیخ طیب وغیرہ

نام

فصل ہشتم - در نقاب و خطاب مسلمین و مہنود کہ در عہد غفران تاب و بندگان عالی

ملقب و مخاطب شدہ اند این است

حضرت بندگان عالی حال ہیئتہ بہراری ذات

موسیٰ - دو اسپ و سہ اسپہ علم و تقارہ

ناصر الدولہ میر فرخندہ علیخان بہادر

ناصر جنگ وغیرہ مرشد زادہ -

سید ندیم الدین وغیرہ

نام

عود گل آوار شریف

الملکیہ

سید عبدالحی پسر منو جنگ

سہ لائیہ

محمد علیخان پسر اعتمام الملک بہادر

معتمد مالکیہ

اخراجات درگاہ حضرت بندہ نواز گیسو دراز

سراج الدین صاحب قدس سترکہ

عیالہ

میر غلام شاہ مع متعلقان وغیرہ

نام

فرزند سید عبدالقادر خان

اسمالیہ

فوجدار خان بہادر

اسمالیہ

ماهی مراتب پانکی جھالردار

بہادر موصوف

ہفت ہزاری ذات سم علم و نقارہ ماہی مراتب

پانکی جھالردار

صمصام الدولہ میر بشیر الدین علیخان بہادر

صمصام جنگ - ہفت ہزاری ذات

سم علم و نقارہ ماہی مراتب جھالردار

میر اکرام علیخان بہادر شجاع جنگ

چہار ہزاری

سم علم و نقارہ

میر نصرت علیخان بہادر ظہیر جنگ و بزرگ بزرگ

جمشید جاہ مرحوم -

دسم علم و نقارہ درجہ ہا

مشار الیہ پنہاری ذات - میر دایم علیخان بہادر

صحت دوا سپہ علم و نقارہ دارا جنگ چہار ہزاری

پانکی جھالردار - ذات سم علم و نقارہ

اکبر جاہ عمدہ الملک اتحاد الدولہ سیر

تمور علیخان بہادر خواہ جنگ دوازده ہزاری

ذات - سم - دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب

پانکی جھالردار -

کیونجاہ رئیس سلطان الملک اقبال الدولہ

میر بہادر علیخان بہادر -

سعادت مند طابع بلند دوازده ہزاری ذات

عکس - دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب پانکی

جھالردار

مہار الدولہ میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ ہفت ہزاری

ذات - سم علم و نقارہ و ماہی مراتب

پانکی جھالردار -

فریدون جاہ انتظام الملک انتظام الدولہ

میر سبحان علیخان بہادر مظفر جنگ چہار ہزاری

ذات سم - علم و نقارہ

میر رشید الدین خان بہادر منصور جنگ

چہار ہزاری ذات

سم علم و نقارہ

محمد بدیع الدینخان بہادر سپہ دار جنگ چہار ہزاری

ذات - سم علم و نقارہ

چہاندار جاہ ذوالفقار علیخان بہادر ذوالفقار الملک

لقبیر الدولہ بہر جنگ دوازده ہزاری ذات

عکس - دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب

پانکی جھالردار -

سیلیما سناہ رئیس الملک سلطان الدولہ

جہانگیر علیخان بہادر -

مظفر جنگ فیروز مند دوازده ہزاری ذات

عکس - دوا سپہ علم و نقارہ ماہی مراتب پانکی

جھالردار

قلب الملک نصیر الدوله غازالدین خان بہادر  
فیروز جنگ پسران نواب صلابت جنگ

میر عظیم الدین خان بہادر و ستم جنگ وغیرہ  
پسران بسالت جنگ

مشارک الیہ

مرحوم و مغفور - دوا ستم

بہادر مغفور نہراری ذات  
نغمہ علم و نقارہ ماہی مراتب حسین خان بہادر شہا جنگ

چار نہراری ذات - حمید اللہ خان بہادر - رستم یار جنگ  
سمت علم و نقارہ چار نہراری ذات سمت علم و نقارہ

ماہی مراتب  
میر قدرت اللہ خان بہادر عزیز جنگ - میر فتح اللہ خان بہادر

چار نہراری ذات سمت علم و نقارہ پیر سار جنگ چار نہراری  
ذات سمت علم و نقارہ

پیر شہاب الدین خان بہادر پیر جنگ - میر سیر اللہ خان اڈواریا جنگ  
چہار نہراری ذات سمت علم و نقارہ - چار نہراری ذات سمت علم و نقارہ  
میر فتح اللہ خان بہادر سفند یار جنگ - میر لطیف اللہ خان بہادر پیر جنگ  
سمت علم و نقارہ چار نہراری ذات سمت علم و نقارہ

میر احسن الدین خان بہادر نام آور جنگ وغیرہ  
پسران ہمایون جاہ ناصر الملک مرحوم -

تمتاز الامر قیام الملک قیام الدولہ میر کلان خان  
بہادر ہفت نہراری ذات قلعہ جنگ وغیرہ پسران

مشارک الیہ - میر قمر الدین خان بہادر فخر یار جنگ  
چار نہراری ذات نغمہ علم و نقارہ

معممہ علم و نقارہ ماہی مراتب پالکی جھالدار  
غضنفر الدولہ میر نظام الدین حسین خان بہادر قیام جنگ  
چہار نہراری ذات اعصاب علم و نقارہ

اعتیار الدولہ حسین الدین خان بہادر  
غضنفر جنگ نہراری ذات اعصاب علم و نقارہ

میر حامد خان بہادر نصرت جنگ چہار نہراری ذات  
نغمہ علم و نقارہ  
حسین یار والدہ میر صلاح حسین خان بہادر

میر محمود خان بہادر فیروز یار جنگ چہار نہراری ذات  
نغمہ علم و نقارہ  
تیمور یار والدہ میر علی حسین خان بہادر

حسین یا جنگ سه هزاری ذات -

تیمور جنگ سه هزاری ذات -

اع - علم و تقاره

اع - علم و تقاره

میر حسن ملیحان بهادر فیضی جنگ میر نورالدین خان در

میر نورالدین حسینان بهادر میر بهادر حسین خان در

چهار هزاری ذات للمم - علم و تقاره تشریف الملک -

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات

چهار هزاری ذات للمم

اع - علم و تقاره

علم و تقاره -

میر فضل الدین حسین بهادر میر نور حسینان بهادر

میر نجم الدین حسینان بهادر - میر جمال الدین حسینان در

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات -

دو هزاری ذات اع - دو هزاری ذات اع -

علم و تقاره - اع - علم و تقاره

علم و تقاره - علم و تقاره

یعقوب محمد خان ولد نور جنگ خواجه محمد سعید خان

سید نور حسین خان بهادر و غیره یا نصدی ذات

اسم هشیره زاده - دو اسم -

مشار الیه ولد شیراز جنگ مرحوم - محمد اسد الله خان

یک هزاری ذات -

بهادر خواجه هدایت الله

خان بهادر کبیری ذات

اعزاز الدوله خواجه باقی خان بهادر نهر جنگ

محمدترم الملک فخرالدوله قدرت الله خان بهادر

همسک ناصر الملک مرحوم شش هزاری ذات

ذو الفقار جنگ - ولد خواجه قلیخان مرحوم

للمم - علم و تقاره پاکی مچھالدار

اع - علم و تقاره

رفع الملک رفیع الدوله میر تاج الدین خان بهادر

سید جلال الدین خان بهادر نظامت جنگ خویش

شجاعت جنگ و غیره -

قطب الامر منصور جنگ مرحوم اع - علم و تقاره

مشار الیه قطب الدوله میر نصیر الدین خان

پنجاه هزاری ذات نصیر جنگ سورت والد

سم - علم چهار هزاری ذات اع -

علم و تقاره - علم و تقاره -

سورت والد

شمس لامر شمس الملک شمس الدوله

میر غلام محی الدین خان بہادر میر حیدر الدین خان بہادر ابو الخیر خان بہادر تیغ جنگ ولد ابو الخیر خان مرحوم

میر جنگ سے ہزاری ذات صفحہ جنگ لصفحہ الملک صمم علم و نقارہ پانگلی جھالردار

علم و نقارہ اعے - دو ہزاری ذات

حسب الحکم در سنہ ۱۲۲۳ مشاڑ الیہ اعے علم و نقارہ

بہ چانداز جاہ بہادر عنایت شد

انجمن الملک امجد الدولہ محمد امجد خان بہادر

میر بلند جنگ وغیرہ - دو اسم

مشاڑ الیہ شیخ امین الدین خان بہادر

ہفت ہزاری ذات پسر دو ہزاری ذات پانگلی

صمم علم و نقارہ - جھالردار اعے علم و نقارہ

امام الملک امام الدولہ غلام امام خان بہادر

اعتصام جنگ ہفت ہزاری ذات

للمم علم و نقارہ و پانگلی جھالردار -

شمس لدین علی خان بہادر وقار جنگ وغیرہ

متنبہات میر صالح الدین خان مرحوم - دو اسم

مشاڑ الیہ عزیز الدین خان بہادر دل جنگ

دو ہزاری ذات دو ہزار ذات

اعے علم و نقارہ اعے علم و نقارہ

سر دار الدولہ سعید الدین خان بہادر سعید یار جنگ

وغیرہ پسران شیخ حسام الدین خان مرحوم -

مشاڑ اللہ نغلام الدین خان بہادر غلام جنگ

پنج ہزاری ذات چہار ہزاری ذات

اعے علم و نقارہ اعے علم و نقارہ

محمد قلب الدین خان بہادر کامیاب جنگ

سہ ہزاری ذات اعے علم و نقارہ -

فضل الدین خان بہادر سر فرزند جنگ ولد ذوالفقار خان

مرحوم ہمبری - دو ہزاری ذات

محمد حیات اللہ خان بہادر دلاور دل جنگ

یعنی امام جنگ مرحوم سہ ہزاری ذات

اعے علم و نقارہ

افسر الدولہ غلام غوث خان بہادر افسر جنگ ولد محمد نصیر الدین خان بہادر قوی دل جنگ ہمبری

ناصر علی مرحوم - سہ ہزاری ذات اعے علم و نقارہ سہ ہزاری ذات اعے علم و نقارہ

شمس الدین علیخان بهادر عظیم یار جنگ ولد  
عظیم الدین محمد خان مرحوم برای دونهزاری ذات  
اعـ علم و تقاره -

سید اولاد علیخان بهادر اوز جنگ دونهزاری -  
ذات - اعـ علم و تقاره

میر عالم بهادر عرف ابوالقاسم و غیره پنجبزاری  
ذات - اعـ علم و تقاره و پاکلی جھالردار

حسام الملک نظام یار ولد میر عباس علیخان بهادر  
نظام یار جنگ و غیره اقربا سے دو اسم  
مشار الیہ خانہ زادہ مستقیم الدولہ و عبد الغنی خان  
چهاربزاری ذات مستقیم جنگ ولد محمد بران خان  
اعـ علم و تقاره بهادر چهاربزاری ذات  
اعـ علم و تقاره

میر حیدر علیخان بهادر حیدر نواز جنگ و غیره  
پسران قاسم علیخان مرحوم -

حسین علی بیگ خان بهادر حسین یار و جنگ ولد  
حسینی بیگ خان مرحوم دونهزاری ذات  
اعـ علم و تقاره

مشار الیہ میکمال الدین حسینخان بهادر  
سه بزاری ذات کامیاب جنگ دونهزاری ذات  
اعـ علم و تقاره اصفا علم و تقاره

میر الملک میز الدولہ حیدر خان بهادر عینو جنگ غیره  
سعید الدولہ محمد سعید خان بهادر سعید جنگ غیره  
باستصواب دراجاه

مشار الیہ ولد صفدر خان مرحوم - امین الملک امین الدولہ  
رضایار خان بهادر

میر عابد خان مرحوم  
پنجبزاری ذات حسام جنگ برادر چهاربزاری ذات  
اعـ علم و تقاره و پاکلی اعـ علم و تقاره  
جھالردار -

مشار الیہ ولد محمد سعید خان مرحوم لادی الدولہ  
اقربا سے میر عالم مفتوح چهاربزاری لادی الدولہ  
ذات - اعـ علم و تقاره سه بزاری اعـ علم و تقاره

سید عبداللہ خان بہادر	حسن یار الدولہ علی حسینی خان بہادر	خواجہ رحمت اللہ خان بہادر	خواجہ حمید خان بہادر
ولد سہ نہاری ذات	مرحوم حسن یار جنگ پسران	خدا یار جنگ ولد خواجہ	رسول یار جنگ ولد
اعلیٰ علم و تقارہ	امین الملک سہ نہاری ذات	فتح خان مرحوم بدستور	جمال خان مرحوم بدستور
اعلیٰ علم و تقارہ			

میر مصطفیٰ خان بہادر عزت یار جنگ			
سہ نہاری ذات اعلیٰ علم و تقارہ			
افتخار الملک دلیر الدولہ میریہ دلاور خان بہادر	الامراؤن الملک دلاور الدولہ محمد نوز خان بہادر		
افتخار جنگ وغیرہ	سلیمان یار جنگ ع اسم		

مشائریہ ولد سید مبارک خان	افتخار الد ولد سید	مشائریہ ہفت نہاری ذات	علی یار الدولہ علی احمد خان
شش نہاری ذات	ندیم اللہ خان بہادر	صمد علم و تقارہ	علی یار جنگ پسر چھاری
سمت علم و تقارہ پاکھی جھالوار	نصرت یار جنگ چھاری	سمت علم و تقارہ	

میر عبداللہ خان بہادر نصیر جنگ	تات اعلیٰ علم و تقارہ	کامیاب ولد ولی محمد خان	نادر الدولہ
ولد سید دلاور خان مرحوم	سید قول محمد خان بہادر	بہادر قادر جنگ پیر نواللہ	دلیر علی خان بہادر
سہ نہاری ذات میر عبداللہ خان	فتح یار جنگ ولد	چہار نہاری ذات	یار جنگ بدستور
الاعلیٰ علم و تقارہ	قبول محمد خان مرحوم	سمت علم و تقارہ	آصف یار الدولہ فتح محمد خان بہادر باقر علی خان بہادر
بدستور			

آصف یار جنگ سہ نہاری	بختاور جنگ ولد	ذات اعلیٰ علم و تقارہ	فتح علی خان مرحوم بدستور
ذات اعلیٰ علم و تقارہ			

شاہ دیندار خان بہادر سلطان جنگ بدستور	امام بخش خان بہادر امام نواز جنگ ولد محمد خان مرحوم
جنگ بدستور	
شاہ باز الملک شاہ یار الدولہ مصطفیٰ علی خان بہادر شاہ نواز	غلام سرور خان بہادر سرور نواز جنگ
وغیرہ اقرابائے مہرانی غلام سید خان مرحوم	بدستور

موفق بود خورشید مظفر الملک عم  
بسم الدوله مرشد نواز خان غلام علیخان در اصف نواز جنگ نورالدین علیخان

پنج هزاری ذات - جانفشان جنگ چهار هزاری ولد محمد خان مرحوم علی نواز جنگ غیره  
سمن علم و تقاره ذات اعلم علم و تقاره بدستور - مشاکیه پسر نواز محمد صفدر خان

ذات اعلم بهادر پهلوی  
علم و تقاره بدستور

سکنه الدوله سکندر نواز خان بهادر تنظیم الدوله محمد فرخ علیخان محمد چاند بهادر محمد اسمعیل خان بهادر  
فد جنگ - انتظام جنگ لدر فرخ حسن رفیق جنگ اسمعیل یار جنگ دین نازی

اعلم علم و تقاره چهار هزاری ذات بدستور ذات اعلم علم و تقاره  
اعلم علم و تقاره

قیاص علیخان بهادر سکندر جنگ محمد حفیظ الدین خان بهادر حسینی بیگمان بهادر  
سمن نزاری ذات - حانفا یا جنگ ولد اکرم رحمان نواز جنگ

اعلم علم و تقاره بدستور بدستور  
میر آلی بخش زین بهادر مرتضی یار جنگ

ضیاء الملک ثناب الدوله میر عطا علیخان بهادر - اعتمام الملک اعتمام الدوله میر حسید خان  
سردار جنگ و غیره بهادر اسم بهادر ضیاء الملک - ۴ - اسم

مشاکیه ولد عبدالرحمان خان مرحوم ضیاء الدوله ابوالفتح مشاکیه پسر نزاری ذات رفیع الدوله ولد سید  
پنج هزاری ذات - بهادر شتره جنگ پاکلی جبالدار - محمد علیخان بهادر حیدر جنگ

سمن علم و تقاره چهار هزاری ذات سمن علم و تقاره چهار هزاری ذات  
اعلم علم و تقاره اعلم علم و تقاره

میر اسد علیخان بهادر کیان جنگ میر کتجاعت علیخان بهادر وحید الدوله زین الدین خان بهادر  
ولد مفوض الله خان مرحوم دین نازی مندو جنگ ولد اعتمام الله خان عابدیاری جنگ لدر علیخان مرحوم

ذات - اعلم علم و تقاره مفوض الله خان مرحوم بدستور صفدر یا جنگ پسر بدستور دین نازی ذات اعلم علم و تقاره

میرا حسن خان بہادر قوت جنگ

ولد احمد میر خان مرحوم بدستور -

بہرام الدولہ بہرام الملک سیدین العابدین خان بہادر رفعت الملک مجاہد الدولہ مظفر علیخان بہادر

سقطت جنگ وغیرہ -

ترکناز جنگ وغیرہ

مشارک الیہ پنجہ زاری ذات بہرام جنگ سید غلام حسین خان

سمت علم و نقارہ بہادر پسر سہ ہزاری ذات مشارک الیہ ولد سید میرک میر ضیاء الدین خان بہادر

سمت علم و نقارہ

زورآورد جنگ مرحوم - محمد کیتبا جنگ و ولد

چہار ہزاری ذات استحاق خان مرحوم سہ ہزاری

سمت علم و نقارہ سمت علم و نقارہ

سید حسن علیخان بہادر میر حمید خان بہادر

اعتقاد جنگ نواب زادہ جرات جنگ ولد

سہ ہزاری ذات میرادلیا خان مرحوم دو ہزاری

سمت علم و نقارہ ذات الیہ علم و نقارہ

غظیم الملک عظیم الدولہ میر محمد خان بہادر نصیر جنگ غیرہ - شمشیر الدولہ شجاعت خان بہادر سرور جنگ

ولد شجاعت خان مرحوم - پنجہ زاری ذات

مشارک الیہ ولد سید شکر خان مرحوم میر جمال الدین خان بہادر سمت علم و نقارہ پانکی جہالردار

پنجہ زاری ذات پانکی جہالردار استقامت جنگ پسر

سمت علم و نقارہ سمت ہزاری ذات

سمت علم و نقارہ

سید شکر خان بہادر غظیم جنگ پسر

سہ ہزاری ذات سمت علم و نقارہ

بدرالدولہ سید بدر الدین خان بہادر دلیر جنگ

پنجہ زاری ذات سمت علم و نقارہ

حمید الدولہ خواجہ خیر الدین بہادر منور جنگ

پنجہ زاری ذات للعلمت علم و نقارہ و پانکی جہالردار

خطات شورش جنگ متون شورش

غالب الدوله علی محمد خان بہادر صف شکن جنگ غیرہ امیر الدولہ اسد محمد خان بہادر شہامت جنگ غیرہ

دوا سے  
مشاور الیہ چہار نہاری ذات طالب الدولہ محمد تقی خان بہادر مشار الیہ عرف محمد اسد خان محمد جمال الدین خان بہادر  
اعلم و نقارہ فیضیاب جنگ نہاری ذات چہار نہاری ذات محمد یار جنگ پیر علی صاحب  
اعلم و نقارہ اعلم و نقارہ مرحوم اعلم و نقارہ

محمد افضل خان بہادر امیر جنگ

سہ نہاری ذات اعلم و نقارہ

موتمن الدولہ الم علیان بہادر سالار جنگ اقربا  
یاورد الدولہ میر تقی خان بہادر یاور جنگ ولد

درگاہ قلی خان مرحوم - سے اسم  
شرف الدولہ بہادر مرحوم - چہار نہاری ذات

اعلم و نقارہ

پاکلی جہاں دار اسم علم و نقارہ جلاوت جنگ نہاری ذات

رستم زمان خان بہادر کرم جنگ بنیرہ  
اعلم و نقارہ

مختتم الدولہ یعقوب مرزا خان بہادر مختتم جنگ غیرہ  
لطیف الدولہ غالب بیگ خان بہادر معظم جنگ

اقربا فاضل بیگ خان مرحوم

ولد لطیف بیگ خان مرحوم چہار نہاری ذات

مشار الیہ پسر ابو تراب مرزا خان بہادر فرزند جنگ

اعلم و نقارہ

چہار نہاری ذات سہ نہاری ذات

اعلم و نقارہ اعلم و نقارہ

بختاورد الدولہ میر سخاورد علیخان بہادر

سہ نہاری ذات طالع یار جنگ خویش

اعلم و نقارہ

داورد الدولہ رحمان یار خان بہادر رحمان یار جنگ مبارک الدولہ حسن علیخان بہادر مبارک جنگ غیرہ

ولد رحمان یار خان مرحوم چهار نهاری ذات  
اعلم علم و تقاره

پسران حسن علیخان مرحوم

دو اسم  
مشار الیه در محلی بنده کافم علیخان بهادر در جنگ

چهار نهاری ذات  
دو نهاری ذات

اعلم علم و تقاره  
اعلم علم و تقاره

ضرعام الدوله ابوالحسن خان بهادر بنی نظر جنگ نیرو  
اقربا جعفر علیخان مرحوم - ص اسم

سیف الدوله غلام نبی خان بهادر صهارم جنگ  
اقربا بنجیب الدوله سیف جنگ مرحوم -

سه اسم

مشار الیه چهار نهاری ذات  
پاکلی و جھلدار - دلاور جنگ ولد سیف الدوله

مشار الیه محمد معین الدین خان بهادر  
سه نهاری ذات شوکت جنگ پسر نهاری ذات

اعلم علم و تقاره  
اعلم علم و تقاره

سمسم علم و تقاره  
نیره سه نهاری ذات

معظم الدوله تراب علیخان بهادر

اعلم علم و تقاره

شهاب جنگ پسر معین الدینخان مرحوم

غلام رسول خان بهادر مستحکم جنگ ولد

برادر چهار نهاری ذات

محمد خلیل خویش سه نهاری ذات

اعلم علم و تقاره

اعلم علم و تقاره

معین الدینخان مرحوم برادر دو نهاری ذات

ولد محمد خلیل خویش سه نهاری ذات

چهار نهاری ذات  
اعلم علم و تقاره

اعلم علم و تقاره

اعلم علم و تقاره

اسد علیخان بهادر مع رحیم جنگ ولد شیر علیخان مرحوم

برادر زاده سه نهاری ذات

اعلم علم و تقاره

سمر زالدوله محمد حیات خان بهادر شکر جنگ نیرو

منزل الدوله خواجه عبدالصمد خان بهادر هست جنگ

دو اسم

ولد خواجه عبدالرشید خان مرحوم سه نهاری ذات

مشارک الیہ سہ نہراری ذات محمد فیض اللہ خان ہوا  
اع۔ علم و نقارہ اعتماد جنگ لد فتح محمد

روشن خان مرحوم سہراری  
ذات اع۔ علم و نقارہ

اشرف الدولہ میر حسن علی خان بہادر سہراری جنگ  
وغیرہ اقربا میر غلام حسین خان مرحوم

قوام الدولہ میر عبد الغریز خان بہادر بہت جنگ وغیرہ  
پسران عبد السلام خان مرحوم برادر زادہ  
صمصام الملک محوم - دو اسم

مشارک الیہ سہ نہراری ذات میر حسن خان بہادر  
اع۔ علم و نقارہ - حکم جنگ پسر و نہراری ذات  
ال۔ علم و نقارہ

مشارک الیہ چہار نہراری جلال الدولہ میر جمال الدین  
ذات - اع۔ علم و نقارہ خان بہادر مجاہد جنگ  
اع۔ علم و نقارہ

میر حمید خان بہادر تہو جنگ  
پسر و نہراری ذات  
ال۔ علم و نقارہ

اعتبار الدولہ حمید بیگ خان بہادر سہراری جنگ  
وغیرہ اقربا عاشور بیگ خان مرحوم -

بہادر الدولہ ولد خواجہ بہادر خان بہادر بہادر جنگ  
ولد خواجہ یوسف خان مرحوم - سہ نہراری ذات  
اع۔ علم و نقارہ

مشارک الیہ سہ نہراری ذات پسر میر علی حسن خان بہادر  
اع۔ علم و نقارہ حکم جنگ پسر  
ال۔ علم و نقارہ

میر حمید خان بہادر تہو جنگ پسر  
دو نہراری ذات ال۔ علم و نقارہ

تہو زالدولہ سیدی عبداللہ خان بہادر تہو جنگ  
پسران سیدی عبداللہ خان مرحوم - دو اسم

حکیم الحکامی الدولہ عزت یار خان بہادر ولد حکیم  
جعفر خان مرحوم سہ نہراری ذات - ال۔ علم و نقارہ

مشارا الیه سه هزاری ذات سیدی اسدالله خا بهادر  
اعسه علم و تقاره - رعده جنگ سه هزاری ذات

السه علم و تقاره

سید حمیدالدین خان بهادر نسکوه جنگ ولد  
خواجہ نعمت اللہ خان مرحوم سه هزاری ذات  
اعسه علم و تقاره

سیدہ علیخان بهادر علی یار جنگ و غیرہ پسران

بچہ اعظم خان مرحوم - سه راسم  
مشارا الیه سه هزاری ذات لطف علیخان بهادر  
اعسه علم و تقاره - فتح یار جنگ سه هزاری ذات

قربان علیخان بهادر اعسه علم و تقاره

ظفر یار جنگ سه هزاری ذات

اعسه علم و تقاره -

محمد حمید خان بهادر ہمت یار جنگ و غیرہ اقربا

محمود بیگ خان قاسم یار جنگ و غیرہ پسران

ہمت خان مرحوم - دو راسم

قیام بیگ خان دو راسم

مشارا الیه سه هزاری ذات میر اسد اللہ خان بہادر

مشارا الیه سه هزاری ذات ذوالقادر خان بہادر

اعسه علم و تقاره - اسد یار جنگ سه هزاری ذات

اعسه علم و تقاره - شہر یار جنگ سه هزاری ذات

اعسه علم و تقاره

السه علم و تقاره

عقیدت خان بہا عقیدت جنگ لداکر خان

محبوب علیخان بہادر شارجنگ و غیرہ اقربا

سه هزاری ذات - اعسه علم و تقاره

مقبول الدولہ اعتماد جنگ - سه راسم

مشارا الیه - علی معصوم خان بہادر

اعسه علم و تقاره - بختیار جنگ پسر

اعسه علم و تقاره

سید مکرم علیخان بہادر

دینقر جنگ ولد مکرم علیخان خویش

اعسه علم و تقاره -

سید حیدر دل خان بہادر امتیاز جنگ ولد  
سید صلاہ الدین خان مرحوم سے بہراری ذات  
اعلیٰ علم و تقارہ

سید منور الدین خان بہادر ولد سید ذین الدین خان مرحوم  
مغزور جنگ سے بہراری ذات  
اعلیٰ علم و تقارہ

میر علی ابرخان بہادر اصغر یار جنگ ولد  
سید علی اصغر خان مقام جنگ مرحوم -  
سے بہراری ذات اعلیٰ علم و تقارہ  
شاہ بیگ خان بہادر محمد یار جنگ  
سے بہراری اعلیٰ علم و تقارہ

خواجہ عنایت اللہ خان بہادر عباس یار جنگ  
ولد مختار خان سے بہراری ذات  
اعلیٰ علم و تقارہ

محمد انور اللہ خان بہادر انور جنگ ولد  
مرزا علیخان مرحوم دو بہراری ذات  
اعلیٰ علم و تقارہ

میر جعفر علی خان بہادر جعفر یار جنگ و غیرہ کوکہ  
دوا سم  
مشاکر الیہ دو بہراری ذات میر حسین علیخان بہادر  
اعلیٰ علم و تقارہ اسد انوار جنگ دو بہراری ذات  
اعلیٰ علم و تقارہ

محمد میر الدین خان بہادر سکند یار جنگ  
ولد معین الاسام مرحوم -  
اعلیٰ علم و تقارہ

برہان الدین قلندر بیگ خان بہادر پلنگ جنگ  
ولد فدائیلخان مرحوم دو بہراری ذات  
اعلیٰ علم و تقارہ

میر نعمت اللہ خان بہادر خدایار جنگ و بہراری  
ذات اعلیٰ علم و تقارہ

انور الدین علی خان بہادر انفتیا جنگ و غیرہ  
اقربا و دار خان مرحوم - سے اسم  
مشاکر الیہ دو بہراری ذات - غلام محی الدین خان عمقا جنگ  
اعلیٰ علم و تقارہ - دو بہراری ذات  
غلام حسین خان بہادر نادر جنگ اعلیٰ علم و تقارہ -  
ولد محمد عظیم اقربا دو بہراری ذات اعلیٰ علم و تقارہ -

شیخ فخر اللہ خان بہادر جرات یار جنگ ولد  
شیخ نعمت اللہ دو بہراری ذات اعلیٰ علم و تقارہ

محمد قمر الدین خان بہادر اکبریا جنگ ولد محمد امام الدین دو ہزاری ذات - ال - علم و تقارہ سید دلاور علیخان بہادر سبقت جنگ ولد واقف علیخان مرحوم ال - علم و تقارہ	علی متقی خان بہادر داسم جنگ ولد شیخ الزمان سہ ہزاری ذات اع - علم و تقارہ
--	--

حی القایم -

مرشد زادہ ہائے بلند اجبال - ناصر الدولہ میر احمد علیخان ناصر جنگ ہفت ہزار سم - علم و تقارہ ماہی مراتب پالکی جمہال درار -	صمصام الدولہ میر بشیر الدین علیخان بہادر صمصام جنگ ہفت ہزاری سم - علم و تقارہ ماہی مراتب پالکی جمہال درار
---	---

۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ شہ عالم پنچ ہزاری ذات علم و تقارہ پالکی	۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب مرالدولہ دو ہزاری ذات اع - ماہی مراتب	۹ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب میر بشیر الدین علیخان بہادر صمصام جنگ علم و تقارہ اع - علم و تقارہ	۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ صمصام الدولہ خطاب - علم و تقارہ
---	---	--	--

دوا سپہ یک اسپہ دو اسپہ یک اسپہ دو اسپہ مبارز الدولہ میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ ہفت ہزاری	۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب مرالدولہ دو ہزاری ذات اع - ماہی مراتب	۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ خطاب مرالدولہ دو ہزاری ذات اع - ماہی مراتب	۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ صمصام الدولہ خطاب - علم و تقارہ
---	---	---	--

اقربایان میر سبحان علی خان مرطوم ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ شہ عالم	اسم
--	-----

سیر وفار علیخان بہادر چاندرا جنگ چہار ہزاری ذات  
 سیر اکرام علی خان بہادر شجاع جنگ  
 سب سے علم و تقارہ چہار ہزاری ذات  
 سیر رشید الدین علی خان بہادر مکتوب جنگ  
 چہار ہزاری ذات سب سے علم و تقارہ

منصہ داران  
 سید عبد اللہ خان بہادر اتر بار سیر الملک  
 سہ ہزاری ذات - اے سے علم و تقارہ  
 مبارز دل خان وغیرہ اتر بارے افتخار الملک  
 مشارک الیہ ولد افتخار الدولہ برادر زادہ یکہ زاری ذات  
 دو ہزاری ذات اے سے علم و تقارہ  
 اصل محمد غفر نامہ خطاب بہادر اضافہ یکہ زاری پانصد  
 پانصدی ذات و خطاب خانی ذات الصلہ و خطاب بہادر خانی الصلہ ذات فتح یاو جنگ  
 علم تقارہ ۲۰ دلچیز سب سے علم و تقارہ - ۲۰ دلچیز الصلہ  
 یار علیخان بہادر ولد فتح یاو جنگ یکہ زاری ذات  
 اصل پانصدی ذات و خطاب خانی اضافہ پانصدی ذات  
 و خطاب بہادر ۲۰ دلچیز سب سے

محمد زید الدین خان بہادر وغیرہ اتر بار ہمسای شمس الامرا بہادر  
 مشارک الیہ پسر سہ ہزاری ذات و خطاب ۲۰ دلچیز سب سے  
 و خطاب - اے سے علم و تقارہ  
 اصل یکہ زاری ذات و خطاب خانی بہادر اضافہ  
 یکہ زاری ذات و تقارہ جنگ یکہ زاری و خطاب دل جنگ اے سے علم و تقارہ

فصل علیخان بهادر سرفراز جنگ و سزای ذات  
و خطاب - اصل یکیزی ذات و خطاب خانی  
اصناف یکیزی ذات و خطاب سرفراز جنگ  
۲۰ ذیلچ ۴۰ علم و تقاره

سید اولاد علیخان بهادر لوزجنگ سزای ذات  
و خطاب - اصل یکیزی ذات و خطاب خانی  
اصناف یکیزی ذات و خطاب لوزجنگ سزای ذات  
۲۰ ذیلچ ۴۰ علم و تقاره

شیخ بدرالدین خان بهادر یکیزی ذات و خطاب  
اصل پانصدی ذات و خطاب خانی - اصناف  
پانصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۰  
رحیم علی خان بهادر یکیزی ذات و خطاب سزای ذات

شیخ نصیرالدین خان بهادر یکیزی ذات و خطاب  
اصل پانصدی ذات و خطاب خانی اصناف  
پانصدی ذات و خطاب بهادر ۲۰ ذیلچ ۴۰  
محمد نظام الدینخان بهادر یکیزی ذات و  
خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۰

میر نورالدین علیخان بهادر یکیزی ذات و  
خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۰

محمد حفیظ الدین خان بهادر یکیزی ذات و خطاب

شیخ ضیاء الدینخان بهادر یکیزی ذات و خطاب  
اصل چهارصدی ذات اصناف شش صدی ذات  
و خطاب خانی - خطاب بهادر ۲۰ ذیلچ ۴۰  
محمد علی خان چهارصدی ذات و خطاب خانی  
۲۰ ذیلچ ۴۰

بهادر الدین خان بهادر یکیزی ذات و خطاب  
اصل چهارصدی ذات اصناف شش صدی ذات  
و خطاب خانی - و خطاب بهادر ۲۰ ذیلچ ۴۰  
واعمد علیخان چهارصدی ذات و خطاب خانی  
۲۰ ذیلچ ۴۰

شیخ نظام الدین خان چهارصدی ذات و  
خطاب خانی ۲۰ ذیلچ ۴۰  
شیخ محمد احسان خان چهارصدی ذات و خطاب  
خانی ۲۰ ذیلچ ۴۰  
شیخ سلامت احمد خان چهارصدی و خطاب خانی  
۲۰ ذیلچ ۴۰

شیخ زین الدین خان چهارصدی ذات و خطاب  
خانی - ۲۰ ذیلچ ۴۰  
شیخ غلام جیلانی خان چهارصدی ذات و خطاب  
خانی ۲۰ ذیلچ ۴۰  
شیخ قمر الدین خان چهارصدی ذات و خطاب  
خانی - ۲۰ ذیلچ ۴۰

میر عزیز الدین علیخان چهارصدی ذات و خطاب  
۲۰ ذیلچ ۴۰

سید محمد خان چهارصدی ذات و خطاب ۲۰ ذیلچ ۴۰



سلطان علی خان ولد عبداللہ خان

پانصدی ذات و خطاب خانی

حسین نوزخان پانصدی ذات و خطاب خانی

۴ ذی الحجہ الیہ

ارادت خان بہادر بیکزاری و خطاب

۲۰ ذی الحجہ الیہ

اصل پانصدی ذات و اضافہ پانصدی ذات

خطاب خانی - و خطاب خان بہادر

ہمدی یا ورخان پانصدی ذات و خطاب ۲۰ ذی الحجہ الیہ

۹ ذی الحجہ الیہ

محمد مظفر خان بہادر وغیرہ ہمسایان سلیمان جاہ بہادر

مع اسم

مشار الیہ بیکزاری ذات و خطاب خانی و بہادر

خواجہ حسن خان چہار صدی ذات و خطاب خانی

محمد نامہ دار خان چہار صدی ذات و خطاب خانی

محمد عبدالصمد خان چہار صدی ذات و خطاب خانی

محمد داؤد خان چہار صدی و خطاب خانی

قاسم بگ خان پانصدی ذات و خطاب خانی

تہدی نوزخان عرف میرصوفی چہار صدی ذات و خطاب خانی

میرسعادت علیخان بہادر اقرتبا رضی اللہ عنہم بہادر

لئے اسم

میر عبداللہ خان وغیرہ تیرہ میر عثمان خان بہادر

مشار الیہ تیرہ بیکزار و پانصدی ذات و خطاب

۲۰ ذی الحجہ الیہ سے اسم چہار صدی

اصل بیکزاری ذات اضافہ پانصدی ذات

مشار الیہ پانصدی ذات میر عنایت حسین

و خطاب خانی و بہادر ۹ ذی الحجہ الیہ

ذات و خطاب خانی

میر عنایت حسین خان چہار صدی ذات و خطاب خانی

دو اسم

مظفر علیخان بہادر اقرتبا بیکزاری منصب خطاب

محمد بدر الدین خان وغیرہ اقرتبا بدرالدولہ

مشار الیہ بیکزاری ذات و خطاب -

اصل چهار صدی ذات اصناف شش صدی ذات و اصل پانصدی ذات اصناف پانصدی ذات  
 و خطاب خانی - خطاب بهادر ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ و خطاب خانی و خطاب بہادر ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰  
 شہسوار الدولہ درگاہ قلیخان بہادر جلاوت جنگ سہ ہزاری ذات و خطاب دونہار راس علم و تقارہ  
 اصل سہ ہزاری ذات و خطاب - اصناف کیزاری ذات و خطاب اعتبار الدولہ

ضریغام الدولہ ابوالحسن خان بہادر بے نظیر جنگ لہ اسم  
 مشارک الیہ سہ ہزاری ذات و خطاب ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ عسکری خان شہساز جنگ ہزاری ذات و خطاب  
 اصل سہ ہزاری ذات اصناف خطاب میر عالم الدولہ اصل پانصدی ذات اصناف کیزار و پانصدی  
 و خطاب - و خطاب خانی - و خطاب شہساز جنگ ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰

جمال علیخان چہار صدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ سردر علیخان چہار صدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰  
 رضا علیخان چہار صدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ دلیر علی خان چہار صدی ذات و خطاب خانی

میر ابراہیم علیخان چہار صدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ تراب علی خان چہار صدی ذات و خطاب  
 خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ - خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰  
 ذاکر علیخان چہار صدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ نہ الیہ  
 جمال الدولہ میر جمال علی خان بہادر مجاہد جنگ و عین رہ -

مشارک الیہ سہ ہزاری ذات و خطاب - میر عبدالحی خان ولد تہمتن جنگ پانصدی ذات  
 خطاب خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ الیہ

اصل سہ ہزاری ذات اصناف خطاب جلال الدولہ  
 و خطاب - ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ نہ الیہ  
 میر عبد السلام خان ولد تہمتن جنگ پانصدی ذات  
 و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجہ ۱۰۰۰ الیہ

باقر علی خان بہادر وغیرہ اقربا طالب الدولہ  
 اسم

مشاره الیه و غیره پسران - دو اسم  
 علی احمدخان بهادر و غیره برادرزاده ها - دو اسم  
 مشاره الیه یکیزاری ذات جمال عینیان بهادر یکیزاری  
 مشاره الیه یکیزاری ذات محمد عینیان بهادر یکیزاری  
 و خطاب - ذات و خطاب - ذات و خطاب  
 اصل پانصدی و خطاب - اضافه پانصدی منصب  
 اصل پانصدی منصب  
 و خطاب بهادر - و خطاب بهادر - و خطاب بهادر  
 و خطاب بهادر - و خطاب بهادر - و خطاب بهادر  
 اصل پانصدی ذات - اضافه پانصدی منصب - اصل چهارصدی ذات - اضافه ذات و خطاب  
 و خطاب خانی - و خطاب بهادر ۲۰ دلچچ شکره - و خطاب خانی - بهادر ۲۰ دلچچ شکره

حسن علی خان بهادر ولد بهادر مسطور یکیزاری ذات و خطاب -  
 اصل پانصدی ذات و خطاب خانی - اضافه پانصدی ذات و خطاب بهادر

۲۰ مرد دلچچ شکره الیه

شکره

حکیم الحکما محی الدوله عزت یار خان سه هزاری ذات و خطاب

العلم و نقاره

اصل دو هزار ذات و خطاب بهادر - اضافه یکیزاری ذات و خطاب حکیم الحکما  
 محی الدوله العلم و نقاره

حسن مرزا خان بهادر ولد سلطان مرزا خان مرحوم یکیزاری ذات و خطاب -  
 اصل چهارصدی ذات و خطاب خانی - اضافه شش صدی ذات و خطاب بهادر -

جمعی از نامی

مشاره الیه یکیزاری ذات و خطاب - محمد تقی خان بهادر یکیزاری ذات و خطاب  
 اصل پانصدی ذات - اضافه پانصدی ذات - اصل پانصدی ذات - اضافه پانصدی ذات

و خطاب خانی - و خطاب بهادر ۲۰ دلچچ شکره - و خطاب خانی - و خطاب بهادر ۲۰ دلچچ شکره  
 محمد احسن الله خان بهادر یکیزاری ذات و خطاب خانی

بهادر ۲۰ مرد دلچچ شکره

ذوالفقار خان بهادر شهر یار جنگ و غیره - دو اسم

مشاور الیه دونهزاری ذات و خطاب - قایم بیگ خان یکیزی ذات و خطاب

اصل پانصدی ذات اضافه یکیزی ذات و خطاب اصل پانصدی ذات اضافه پانصدی ذات  
و خطاب خانی - شهریار جنگ جمادی الثانی ۱۰۰۰ و خطاب خانی - و خطاب بهادر جمادی الثانی

میر جعفر علی خان بهادر جعفر یار جنگ

میر حسن علی خان بهادر اسد نواز جنگ دونهزاری  
و خطاب -

مشاور الیه دونهزاری ذات و خطاب

الم علم و نقاره ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

اصل پانصدی ذات خطاب خانی اضافه یکیزی  
و خطاب -

ذات و خطاب خانی  
الم علم و نقاره ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

محمد میر الدین خان بهادر سکنه یار جنگ دونهزاری ذات و خطاب

جمادی الثانی ۱۰۰۰

اصل چهار صدی ذات و خطاب خانی اضافه یکیزی ذات و خطاب

و خطاب سکنه یار جنگ

الم علم و نقاره

محمد قمر الدین خان بهادر اکبر یار جنگ و غیره

غلام الدین علیان ولد اکبر یار جنگ بهادر پانصدی

مشاور الیه دونهزاری ذات

ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

اصل یکیزی ذات و خطاب اضافه یکیزی ذات

جمادی الثانی ۱۰۰۰

و خطاب اکبر یار جنگ

الم علم و نقاره

خانی و بهادر

غلام نقشبندی خان پانصدی ذات و خطاب خانی

غلام الدین علی خان ولد اکبر یار جنگ بهادر

۲۰ ذی الحجه ۱۰۰۰

پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذی الحجه الیه

اکبر نواز خان بهادر یکیزی ذات و خطاب

میر میر الدین خان پانصدی ذات و خطاب خانی

۲۰ ذی الحجه الیه

۲۰ ذی الحجه الیه

اصل پانصدی ذات

اضافه پانصدی ذات

وخطاب خلنی

برق انداز خان پانصدی ذات و خطاب

خان۹ ذیلچہ سہالیہ

فضل علی بیگ خان ولد ناد علی بیگ خان

پانصدی ذات و خطاب خان۲۰ ذیلچہ سہالیہ

غلام علی بیگ خان پانصدی ذات و خطاب

خان۲۰ ذیلچہ سہالیہ

نواد علی خان پانصدی ذات و خطاب خان۲۰

ذیلچہ سہالیہ

محمد وزیر الدین خان پانصدی ذات و خطاب

خان۹ جمادی الثانی سہالیہ

محمد علی خان چارصدی ذات و خطاب خلنی

جمادی الثانی سہالیہ

کریم بیگ خان چارصدی ذات و خطاب خان۱۰

جمادی الثانی سہالیہ

محمد حاجی خان چارصدی ذات و خطاب خان۱۰

۳۰ ذیلچہ سہالیہ

اعتماد نواز خان چارصدی ذات و خطاب

خلنی ۲۰ ذیلچہ سہالیہ

محمد خان اعتماد خان داروغہ طولیہ چارصدی

ذات و خطاب خان۱۰ - ۲۰ ذیلچہ سہالیہ

محمد برهان خان داروغہ طولیہ چارصدی

ترادول خان پانصدی ذات و خطاب خلنی

۹ ذیلچہ سہالیہ

میر غلام مصطفی خان بہادر کپڑا ذات و

خطاب خان۱۰

صداق علی بیگ کپڑا ذات و خطاب

خان۹ جمادی الثانی سہالیہ

علی یار خان پانصدی ذات و خطاب خان۱۰

۲۶

ہدایت اللہ بیگ خان پانصدی ذات و خطاب

خان۹ جمادی الثانی سہالیہ -

محمد سیر خان پانصدی ذات و خطاب خلنی

علی محمد خان چارصدی منصب خطاب خان۱۰

۲۰ ذیلچہ سہالیہ

عبد العزیز خان چارصدی ذات و خطاب خلنی

جمادی الثانی سہالیہ

اعجاز رقم خان پانصدی ذات و خطاب خان۱۰

جمادی الثانی سہالیہ

اعتماد نواز خان عرف ابو محمد خان چارصدی

ذات و خطاب خلنی جمادی الثانی سہالیہ

تغلیاب خان بل جمال یاب خان چارصدی ذات

ذات و خطات خانی ۲۰ ذیلچہ الیہ	و خطاب خلئی ۲۰ ذیلچہ الیہ
	محمد داؤد خان پانصدی ذات و خطاب
	خانی، جمادی الثانی ۴۶۔
میر عطا حسین خان بہادر وغیرہ اقربا و ہمراہی منشی عزیز اللہ - سے اسم	
مشار الیہ سہ ہزاری ذات و خطاب خلئی و بہادر میرا برہیم طمان بہادر دو ہزاری ذات	
۲۰ ذیلچہ ۴۶۔	و خطاب خانی و بہادر ۲۰ ذیلچہ ۴۶۔
اعلم علم و تقارہ	العلم علم و تقارہ
عبدالحمید خان بہادر کینزری ذات و خطاب -	
خلئی و بہادر ۹ ذیلچہ ۴۶۔	

فتح اللہ بیگ خان وغیرہ سپہن فقیر اللہ بیگ خان بہادر

مشار الیہ پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذیلچہ	محمد فضائل بیگ خان پانصدی ذات و
	خطاب خانی ۲۰ ذیلچہ ۴۶۔

علام مرتضیٰ خان بہادر کینزری ذات و خطاب	۲۰ ذیلچہ ۴۶۔
اصل چہار صدی ذات و خطاب خانی	اضافہ شش صدی ذات و خطاب بہادر

محمد فاضل بیگ خان بہادر	محمد جمال بیگ خان بہادر کینزری ذات و خطاب
مشار الیہ کینزری ذات و خطاب	اصل پانصدی ذات
اضافہ پانصدی ذات	و خطاب بہادر ۹ ذیلچہ الیہ
و خطاب خانی	و خطاب خانی
و خطاب بہادر ۹ ذیلچہ الیہ	و خطاب بہادر ۹ ذیلچہ الیہ
محمد صدیق بیگ خان بہادر کینزری ذات و خطاب بہادر	
اصل چہار صدی ذات	اضافہ سہ صدی ذات و
و خطاب خانی -	خطاب بہادر ۹ ذیلچہ الیہ

محمد محبوب خان وغیرہ اقربا و ہمراہی لودی خان بہادر۔

محمد سبحان خان بهادر ولد هدایت الله خان  
مرحوم برادرزاده پانصدی ذات و خطاب  
خانی ۲۰ ذی الحج ۱۲۴۰

مشاور الیه پسر پانصدی ذات و خطاب خانی  
۲۰ ذی الحج ۱۲۴۰

محمد منصو خان بهرامی پانصدی ذات و خطاب  
خانی - ۲۰ ذی الحج ۱۲۴۰

۶ شعبان ۱۲۴۰  
محمد امین عرف محمد امین لال کیزاری ذات  
و خطاب ۶ شعبان ۱۲۴۰

محمد قطب علی خان اقربا بهرامی محمد سبحان خان بهادر  
مشاور الیه کیزاری ذات و خطاب خانی  
۶ شعبان ۱۲۴۰

فوتی

شهباز الدوله درگاه قلیخان بهادر جلالت جنگ  
سه هزاری ذات و خطاب -  
اعلم و نقاره  
اصل دونهزار ذات اضافه خطاب شهباز الدوله  
و خطاب - ۲۰ ذی الحج ۱۲۴۰  
اعلم و نقاره

رفیع الملک رفیع الدوله میر تاج الدین خان بهادر  
شجاعت جنگ پنج هزاری ذات و خطاب  
اعلم و نقاره  
اصل چهار هزاری ذات اضافه کیزاری منصب  
و خطاب - ۲۰ ذی الحج ۱۲۴۰  
اعلم و نقاره

صهارم الدوله میر محمد علی خان بهادر قهنتن جنگ  
سه هزاری ذات  
سه هزاری ذات و اضافه خطاب صهارم الدوله  
و خطاب خانی - ۲۰ ذی الحج ۱۲۴۰  
اعلم و نقاره

رستم خان بهادر کریم جنگ نیره درگاه قلیخان مرحوم  
دو هزاری ذات - اعلم و نقاره  
اصل پانصدی ذات اضافه کیزاری و پانصدی  
و خطاب خانی - ذات و خطاب کریم جنگ  
اعلم و نقاره

میر نعمت الله خان بهادر خدایا و در جنگ  
دو هزاری ذات  
اعلم و نقاره

سید محی الدین حسین خان بهادر عظمت جنگ  
دو هزاری ذات -  
اعلم و نقاره

اصول کبیری ذات	اصافه کبیری ذات وخطاب	اصول چهارصدی ذات	اصافه کبیری ذات
وخطاب بهادر	عظمت جنگ	وخطاب خانی -	ذات وخطاب
الم - علم و تقاره	الم - علم و تقاره	الم - علم و تقاره	الم - علم و تقاره
میرتلف علیخان بهادر ولد افتخار الملک بهادر	جمال الدین خان برادر اکبر لاکه جنگ کبیری	ذات -	ذات -
دو هزاری ذات -	الم - علم و تقاره	اصول پانصدی ذات	اصافه کبیری ذات
وخطاب خانی	ذات وخطاب بهادر	وخطاب خانی	وخطاب بهادر
۲۰ ذیلچ الم - علم و تقاره	۷ جمادی الثانی سیه	خان زاد خان چهارصدی ذات وخطات	شجاعت بیگ خان ولد حسینی بیگ خانم نوم
۷ جمادی الثانی ۲۶	محمد جمیل خان پانصدی ذات وخطاب ۷ -	سید محمد خان بهادر کبیری ذات وخطات	همراهی میر عالم مغفور ۲۰ ذیلچ ۲۷
جمادی الثانی ۲۶ -	اصول پانصدی ذات	اصافه کبیری ذات	هتینت نواز خان عرف محمد تیم چهارصدی
ذات وخطاب خانی	وخطاب بهادر جمادی الثانی ۲۶	وخطاب خانی	ذات وخطاب ۲۰ ذیلچ سیه

مراتب مقصداران پادشاهی

جی القاسم	لورد اسم	فوتی	دو اسم
افتخار الملک بشیر الدوله سید دلاور خان بهادر	راجہ رام بھوپال متوفی زمیندار گدوال	راجہ رام بھوپال متوفی زمیندار گدوال	راجہ رام بھوپال متوفی زمیندار گدوال
افتخار جنگ نجم الملک کن شش هزاری ذات	سم - علم و تقاره و پانکی جھالردار	سم - علم و تقاره	سم - علم و تقاره
راجہ راوگر بنہا بهادر بلونت ہفت ہزاری	معموم - علم و تقاره و پانکی جھالردار	پیر الملک شہسوار الدولہ راجہ اکلیانا ناگ بلونت	معموم - علم و تقاره و پانکی جھالردار
ذات		سحری بهادر رعب جنگ متوفی زمیندار شوراپور	معموم - علم و تقاره و پانکی جھالردار

بیرالملک شہسوار الدولہ راجہ مدناگ بلونت  
 بحری رعب جنگ زمیندار شراب پور پنجہزاری  
 ذات سمسم علم و نقارہ -  
 راجہ ونگٹ زہواشوارا و سوامی بہادر  
 زمیندار پالونچہ سہ ہزاری ذات  
 اع علم و نقارہ

کیفیت منصبداران ذیل -

محمد لودھی خان بہادر	محمد سبحان خان بہادر	محمد صلابت خان بہادر	محمد علی بیگ خان بہادر
تھمرا مال خان بہادر	چہار ہزاری ذات	ہفت ہزاری ذات	ہفت ہزاری ذات
لوبانی دو ہزاری	اع علم و نقارہ	اع علم و نقارہ	اع علم و نقارہ ماہی
ذات اع علم و نقارہ	نشریت امڈ خان	فوجدار خان بہادر	مراتب پاکی جھالدار
گرار نواز خان	یکہزاری ذات	سہ ہزاری ذات	محمد عدروس خان بہادر
ہفت صدی ذات	ناد علی بیگ خان چہار صدی ذات	اع علم و نقارہ	عزت سہ ہزاری ذات
		اع علم و نقارہ	اع علم و نقارہ
		علی بیگمان پانصدی ذات	ملک بھنڑ علیان پانصدی ذات

فہرست منصبداران ہنود -

راجہ سیام لاج بہادر دیوانت	راجہ گوہن بخش بہادر	راجہ چند وعل بہادر پنجہزاری	راجہ گوہن بخش بہادر
راجہ بابو راؤ	پنجہزاری ذات سمسم	ذات سمسم علم و نقارہ	ذات سمسم علم و نقارہ
نرائن چہار صدی	علم و نقارہ و پاکی جھالدار	اع علم و نقارہ	اع علم و نقارہ
ذات	راجہ پوارام چہار صدی	راجہ بلونت راک	راجہ لچھمن داس چہار صدی
راجہ بابو راؤ	ذات	چہار صدی ذات	ذات
چہار صدی ذات			
راجہ لچھمن کھنڈراؤ چہار صدی ذات	راجہ لچھمن ہری چہار صدی	راجہ لچھمن کاتب	راجہ لچھمن کاتب



رائے دیکھ رائے کینزاری ذات - رائے چاتر لعل چہار صدی - رائے طوطا رام چہار صدی ذات  
 رائے خوب چند چہار صدی - رائے اُجاگر چند چہار صدی - رائے منو لعل چہار صدی  
 رائے ناگ چند چہار صدی - رائے لُحھی نرائن چہار صدی - رائے سہوگ چند چہار صدی  
 رائے اسماعیلی پرشاد - رائے بی بی چند چہار صدی - رائے جھوپال رائے چہار صدی  
 رائے مو چند کینزاد پانصد - رائے بالا پرشاد دیکھ زاری ذات - رائے سیکرن کینزاری ذات  
 رائے اندر لعل چہار صدی ذات - رائے موہن لعل چہار صدی - رائے گوبل چہار صدی سے  
 رائے لعل جی چہار صدی - رائے بش سنگھ چہار صدی - رائے کیمول رام دیا بہادر  
 رائے پورن چند چہار صدی ذات - رائے مراد داس چہار صدی - رائے جوت چہار ہزاری  
 دیا نصدی ذات - رائے تارا چند چہار صدی - رائے نہال چند چہار صدی اے  
 رائے ستیل داس چہار صدی - رائے منو لعل چہار صدی - رائے حکومت رائے چہار  
 رائے اُجاگر لعل چہار صدی - رائے جینی لعل چہار صدی - رائے کال چند چہار صدی  
 رائے منو لعل چہار صدی - رائے جینی لعل چہار صدی - رائے گھٹا کر داس چہار صدی  
 رائے مند لعل چہار صدی - رائے موٹی لعل چہار صدی - رائے لُحھن سنگھ دو ہزاری ذات  
 اے

ہمراہ بیان بخش اللمر بہادر -

راجہ منو لعل دو ہزاری ذات - راجہ زین چند کینزاری ذات - رائے جینی رام کینزاری ذات  
 رائے جیون رام چہار صدی - رائے چندو لعل چہار صدی ذات - رائے گردھاری لعل چہار صدی  
 رائے گوری پرشاد چہار صدی - رائے دیال چند چہار صدی - رائے کیشو راؤ بہادر کینزاری ذات  
 رائے ہر رائے بہادر کینزاری ذات - رائے جیون راؤ چہار صدی - رائے مزار راؤ چہار صدی ذات  
 رائے گلان چند چہار صدی - رائے ناتھو رام چہار صدی - رائے دہیان چند چہار صدی  
 رائے راجا رام چہار صدی - رائے جواہر لعل چہار صدی - رائے درگا پرشاد چہار صدی  
 رائے صاحب رام چہار صدی - رائے لُحھن پرشاد چہار صدی - راجہ نوتھال کینزاری ذات  
 رائے بالا پرشاد پانصدی ذات - رائے منو لعل چہار صدی ذات - رائے روشن چند چہار صدی ذات

راکے اوتھ پرشاد چہار صدی ذات - راکے مراد اس چہار صدی ذات - راکے جادو رام چہار صدی ذات  
 راکے کندن راو چہار صدی ذات - راکے اندراو چہار صدی ذات - راکے مو و نپت چہار صدی ذات  
 راکے نیولاس راکے چہار صدی - راکے لھین ہاکے چہار صدی ذات - راکے گلاب راکے چہار صدی ذات

ہمراہیان غلام سید خان مرقوم -

راکے منوعل مشرف ڈیوڑھی سر فرزا بزرگ چہار صدی ذات - راکے ہزاری صل ولد -  
 منوعل مہنت صدی ذات - راکے امر سنگھ چہار صدی ذات - راکے گردھاری صل  
 چہار صدی ذات - راکے بھوانی داس چہار صدی ذات - راکے راجا رام چہار صدی ذات  
 راکے نامیا پتت چہار صدی - راکے کھمراج چہار صدی ذات - راکے پورن پرشاد  
 چہار صدی ذات - راکے سبکراج چہار صدی ذات - راکے نوند راکے چہار صدی  
 راکے اندرمن چہار صدی ذات - راکے فقیر چند چہار صدی ذات - راکے جیو بی نام  
 چہار صدی ذات - راکے دیارام چہار صدی ذات - راکے گوہند رام چہار صدی ذات  
 راکے دوہارام چہار صدی ذات - راکے دوہارام چہار صدی ذات - راکے  
 رانول چہار صدی ذات - راکے گیان چند چہار صدی ذات - راکے بھمراج چہار صدی  
 راکے بہارامل چہار صدی ذات - راکے کشن صل چہار صدی ذات - راکے بانگشن  
 چہار صدی ذات - راکے راجا رام وغیرہ - راکے پورن چند چہار صدی ذات

سے اسم رام نیلام داس ذات - راکے گن راو ذات  
 مشارا الیہ چہار صدی - راکے تہپت راکے ۴ صدی ۴ صدی  
 راکے رانچند - ۴ صدی

راکے مادہ اوراؤ وغیرہ - دو اسم راکے کشن راو وغیرہ راکے کھنڈے راو ذات  
 راکے ہرنارائن بہادر بنجنت وغیرہ مشارا الیہ ۴ صدی ذات مشارا الیہ پانچ ذات - ۴ صدی  
 سے اسم راجہ گوبند نارائن راکے جوگر راج راو  
 مشارا الیہ سہ ہزاری ذات ۴ صدی ذات ۴ صدی ذات  
 راکے رانا راو ۴ صدی ذات

## دفعہ

راجہ نزل راؤ بہادر - راجہ رام راؤ بہادر - راجے ڈنگاچلم پانصدی ذات  
سہ ہزاری ذات - دو ہزاری ذات

اع - ال -

راجے نزل راؤ چارصدی ذات - راجے سوہارام چارصدی ذات - راجے نرائن راؤ  
چارصدی ذات - راجے پاپیا پنڈت ۴ صدی ذات - راجے شیش راؤ و چارصدی ذات  
راجے دنکٹ راؤ چارصدی ذات - راجے دیو آگر چارصدی ذات - راجے نیگٹ کشا راؤ  
چارصدی - راجے رنگم پنڈت چارصدی ذات - راجے دنکٹ جیت راسہ ہزاری ذات  
راجے کوبی راؤ کینزاری ذات - راجہ گور راؤ کینزاری ذات - راجے گوپال راؤ پانصدی ذات  
راجے طہار راؤ چارصدی ذات - راجے سنگر راؤ چارصدی ذات - راجے  
بہلا در او بدستور - راجے سیلو راؤ بدستور - راجے کاشی راؤ بدستور - راجے شیش راؤ  
بدستور - راجے ہمت رام بدستور - راجے انند رام بدستور - راجے دیوارام بدستور  
راجے حیونت راؤ بدستور - راجے سیوارام بدستور - راجے انبارام بدستور -  
راجے راکھو رام چارصدی ذات - راجے جگدیش رام بدستور - راجہ شیو پرتاد  
یکہزاری ذات - راجہ پیر بھان کینزاری ذات - راجے چھوٹم محل چارصدی ذات  
راجہ بالکنند کینزاری ذات - راجے بالچند چارصدی ذات - راجے انبارام بدستور  
راجے انجیا محل چارصدی ذات - راجے گھنڈے راؤ بدستور - راجے ہونٹ راؤ بدستور  
راجے پاٹو رنگ راؤ بدستور - راجے جاگنی رام چارصدی ذات - راجے سر نیواس راؤ  
بدستور ذات - راجے رگھو ناتھ رام بدستور - راجے جھینکن راؤ بدستور - راجے  
انباداس چارصدی ذات - راجہ میارام کینزاری ذات - راجے جتن محل دو ہزاری ذات  
راجے چین راجے چارصدی ذات - راجہ روپ محل کینزاری ذات - راجے کھنراج  
چارصدی ذات - راجے کیسر چند چارصدی ذات - راجے نونٹ رام بدستور  
راجے بہا راجے چارصدی ذات - راجے راجسرادو بدستور - راجے ستیل محل بدستور

راتے درگاہ داس بدستور - راتے لچھمن پرشاد چارصدی ذات - راتے راجا رام بدستور  
 راتے دولت رام بدستور - راتے جھوگ چند بدستور - راتے دیوارام چارصدی ذات  
 راتے ہومال چند بدستور - راتے بلونت راؤ یکھزاری - راتے زسنک راؤ -

پالضدی ذات

راتے جھوانی داس - راتے ہولام - راتے سدیشورائے - راتے دیانامتھ - راتے درگاہ پرشاد  
 چارصدی ذات بدستور یکھزاری چارصدی ذات یکھزاری ذات  
 راتے موہن لعل - راتے رگھناتھ داس دھری جننی راتے درگاہ پرشاد - راتے بھیرنگہ  
 چارصدی ذات یکھزاری پالضدی ذات چارصدی ذات  
 راتے پورن چند ذات راتے حکم چند راتے شیام راؤ  
 یکھزاری ذات پالضدی بدستور پالضدی ذات  
 راتے جھگونت راؤ - راتے راجا رام - راتے کیشورائے - راتے سیام راؤ  
 چارصدی ذات پالضدی ذات چارصدی ذات  
 راتے گلاب راتے - راتے بالکنڈ - راتے انند راؤ دلہس - راتے جیپی داس

چارصدی

راتے کبیدی راؤ - راتے راہن پنڈت - راتے ماتا پنڈت - راتے سیوک رام  
 بدستور بدستور بدستور چارصدی  
 راتے لعل چند - راتے گلیان راؤ - راتے رتن چند - راتے روشن رام  
 بدستور بدستور چارصدی ذات  
 راتے روشن چند - راتے انند راؤ - راتے زسنک راؤ - راتے مادھو داس  
 بدستور بدستور بدستور چارصدی ذات  
 راتے منکھہ رام - راتے اجی رام - راتے انبارام - راتے جھوانی پرشاد یکھزار  
 بدستور بدستور پالضدی ذات  
 راتے انند پرشاد پالضدی ذات - راتے نول سنگھ چارصدی ذات -

رائے دیال سنگھ - رائے جیون رام - رائے سردار مل کپڑاری - رائے بال چند  
 بدستور ہفتصدی ذات دپانصدی ذات ہفت صدی ذات  
 رائے مل چند - رائے امولک رام کپڑاری - رائے ترک راؤ - رائے زراٹن رام  
 چارصدی ذات دپانصدی ذات پکھڑاری و پانصدی ذات پکھڑار پانصدی  
 انبکا داس - برنس رام - ونکٹ رام - کشن راؤ - راجی بالاجی سہڑاری ذات  
 دوصدی ذات یکصدی ذات یکصدی ذات الہ  
 رائے گوپال داس - رائے ہمال سنگھ - رائے بے نام - رائے من مل  
 شش صدی ذات ہفتصدی ذات چارصدی ذات - چارصدی ذات  
 رائے خوب چند - رائے درگا پرشار - گمانی مل دوصدی - راجہ شید راؤ  
 چارصدی ذات چارصدی ذات ذات دونہڑاری ذات  
 رائے ماجا رام - راجہ رام چند راؤ رائے گوپال راؤ - راجہ رگھوناتھ راؤ دونہڑاری  
 دونہڑاری ذات پکھڑاری ذات چارصدی ذات - ذات الہ  
 رائے شنگر راؤ رائے پتیل راؤ رائے مہنوت راؤ - رائے سیوارام داس  
 چارصدی ذات پکھڑاری ذات پانصدی ذات چارصدی ذات  
 رائے نرمل راؤ رائے سیوارام پنڈت رائے ونکٹ راؤ رائے سوامی شنگر  
 پانصدی ذات پانصدی ذات چارصدی ذات چارصدی ذات  
 رائے ناگواراؤ چارصدی - رائے پرس رام - رائے راجا رام پنڈت چارصدی  
 ذات چارصدی ذات ذات  
 رائے بابو راؤ - رائے بالاجی پنڈت - رائے بنوجنک راؤ - رائے ونکاجی پنڈت  
 بدستور بدستور بدستور بدستور  
 رائے نرمل راؤ - ہوت راؤ دوصدی - سری نواس راؤ - راجہ امتیاز سنگھ  
 بدستور ذات دوصدی ذات پکھڑاری پانصدی  
 رائے فتح سنگھ چارصدی - رائے سنگھ چارصدی - سرفراز سنگھ پانصدی ذات

راجہ پٹھی رام بکھاری راجہ نرائن سنگھ - راجہ روپ نعل بکھاری سدا ابر نعل چہار صدی  
 بدستور بدستور ذات ذات  
 رائے لوک چند - رائے مادھو رائے - رائے موتی نعل - رائے نعل چند  
 چہار صدی چہار صدی ذات - چہار صدی ذات - بدستور  
 رائے بیگمٹ پرشار - راجہ جے کشن داس - رائے بہاول - رائے ذکرت رائے -  
 بدستور بکھاری ذات چہار صدی نچہ صدی ذات  
 رائے برج نعل - رائے سنگو جی - رائے انند رائے - رائے جاگی رام  
 سہ صدی ذات سہ صدی ذات بدستور  
 رائے بیس رام - رائے ہونٹ رائے - رائے نرسنگھ رائے - رائے کاشنچند  
 بدستور بدستور بدستور چہار صدی ذات  
 رائے گول چند - رائے مہار رائے - رائے ٹھا کر داس - روشن چند ساہو  
 بدستور بہتقدی ذات بہتقدی ذات چہار صدی ذات  
 رائے لچرام - رائے نسی رام - رائے اودھی کرن - رائے جمن نعل چہار صدی  
 بہتقدی ذات بہتقدی ذات بہتقدی ذات  
 رائے متو نعل - رائے دو لچند - رائے دینی داس - رائے درگما داس  
 چہار صدی ذات تشددی ذات پانصدی ذات - چہار صدی ذات  
 رائے نند داس - رائے جیل رام - رائے متھل داس - رائے دیارام  
 چہار صدی ذات پانصدی پانصدی بدستور  
 رائے رگھناتھ چہار صدی - رائے دولت رام - رائے ہیر نعل - رائے ستابرام  
 ذات پانصدی ذات چہار صدی ذات پانصدی ذات  
 رائے دیپ چند - رائے نعل چند - رائے بختیار چند - رائے کونل رائے - رائے نر نعل  
 چہار صدی ذات - چہار صدی ذات پانصدی ذات چہار صدی ذات چہار صدی ذات  
 رائے کیشو نعل بدستور - رائے بی نعل بکھاری ذات - رائے روشن چند چہار صدی ذات

راے تلجا پر نشاد - راے موتی لعل - راے نرسنگھہ راے - راے درگاداس

بدستور بدستور پانصدی ذات چہارصدی

راے نبی دمعہ - راے رام داس - راے رکھناہتہ رام - راے رام پر نشاد

بدستور بدستور چہارصدی ذات بدستور

راے مہپت رام - راے رام داس - راے ٹیکارام - راے گیان رام

بدستور بدستور بدستور چہارصدی

راے گوبند رام - راے پلھمن رام - راے پلھمن پر نشاد - راے منو لعل

بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات

راے طوطا رام - راے گھاسی رام - راے دیپ چند - راے رکھناہتہ پنڈت

بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات

رام چندر پنڈت - رام حنیز پنڈت - راے پلھمن پنڈت - راے راماجی پنڈت

چہارصدی ذات - بدستور بدستور بدستور

راے کنیش پنڈت - راے جگناتھ پنڈت - راے زک پنڈت - راے سدراج

چہارصدی ذات بدستور بدستور بدستور

راے براماجی پنڈت - راے جسونت راؤ - راے بچے مل - راے نہن مل

بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات

راے بش چندر - راے بالاہی پنڈت - راے بابوہی پنڈت - راے گلاب راے

بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات

راے دلارام - راے اکٹ راؤ - راے راجارام - راے مادھورا م

بدستور پانصدی ذات چہارصدی ذات چہارصدی ذات

راے ہر پر نشاد - راے بالا پر نشاد - راے سداسیو پنڈت - راے بھیم سین

بدستور پانصدی ذات چہارصدی ذات بدستور

راے تواری لعل بدستور - راے بنت راے بدستور - راے کوماری لعل بدستور

راے لوک ناہتہ - راے سنوائی پرشار - راے سمیت راے - راے گلاب راے

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بلا قید اس - راے جیت راے - راے برامون داس

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے شبنور رام - راے نرائن داس - راے پوتیمبر راے - راے مدن سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے نرائن سنگھ - راے ہر جہ سنگھ - راے دنیایت سنگھ - راے چند سے داس

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے ہیرا لعل - راے پتیمبر داس - راے فتح چند - راے ادم چند - راے بلونت راے

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

راے کنونت راے - راے سمیت راے - راے دیہن باج - راے ونا سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے یکھم کرن - راے سو بہا رام - راے گردباری لعل - راے بالا رام -

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے الیرداس - راے درگاداس - راے چھپو لعل - راے کلکون -

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے سافول داس - راے جہا ل - راے الیرداس - راے راجیسراؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے جھل راؤ - راے سو بہہ رام - راے رگمتا تھ رام - راے تلوک چند

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے حمدانی لعل - راے نونہ راؤ - راے نند لعل - راے انند رام - راے جہلی رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے ترک رام بدستور - راے ناہتہ بدستور - راے اموسی رام - بدستور

راے مکھوعل بدستور - راے اندراؤ - راے رگورام - منوئی صل - راے سوہیلام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے ملت رام - راے منوعل - راے ٹھا کر داس - راے کشن راؤ - راے وکٹ رام

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

راے ہر دی رام - راے بابورائے منشی - راے راماجی نہت - راے رنگ راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے جوڑا سنگھ - راے گوری پرشاد - راے بہ سنگھ - راے گلرؤب راے

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے ہمت سنگھ - راے تمبیر داس - راے ہر جیون داس - راے بو جڑ مل

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے خوشحال چند - راے بینی چند - راے تمبیر داس - راے پرشادی صل

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بلاسی راے - راے ڈا لچند - راے وکٹ راؤ - راے سنسکری راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بہت راؤ - راے کشن راؤ - راے گونبد رام - راے وکٹ رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے سانبا نہت - راے واسد پو راؤ - راے ناگواراؤ - راے امرت رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے کٹ و سنگم - راے بھو جراج - راے اودے چند - راے لچھن پرشاد

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بینی سنگھ - راے اسانند - راے نوبت رام - راے امرت رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

راے بالچند بدستور - راے پرتاب رام بدستور - راے کیوں کشن بدستور راے کپتی نام

راتے گوبند رام - راتے ترمل راؤ - راتے راجا رام - راتے رگھنا ہتھ داس  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے رام چند - راتے بہیکم - راتے حکم چند - راتے راوی - راتے گوبند راؤ  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے ڈوانگرمل بدستور - راتے ناگوارام - راتے ستیا رام - راتے میگا رام  
 بدستور بدستور بدستور

راتے رنجپوٹ رام - راتے بلاتی رام - راتے موج راج - راتے گنیت راؤ - راتے چکر  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے نیام راؤ ساجی - راتے رام کشن - راتے روپ رام - راتے پورن چند  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے مادھو راؤ - راتے ترمل راؤ - راتے کیشو راؤ - راتے کندن راؤ - راتے گودند راؤ  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے راجا رام - راتے منوعل - راتے ڈنگٹ راتے - راتے آپا رام - راتے ناگعل  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے دھرم راؤ - راتے مانا راؤ - راتے رتن مل - راتے انند راؤ - راتے سربا پت  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے نہال چند نپٹ - راتے ہرماجی نپٹ - راتے گوبند رام - راتے میرا مل  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے انوپ راتے - راتے کنڈل راؤ مہر - راتے سوباراؤ - راتے لچھمن چند  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے انکو نپٹ - راتے بالکشن نپٹ - راتے سری نواس راؤ - راتے بلونت راؤ  
 بدستور بدستور بدستور بدستور

راتے ٹھاکر دامن بدستور - راتے گلکاب راتے بدستور - راتے سرب سنگھ رام بدستور

راستے ہمت سنگھ بدستور - راستے سیورام - راستے اندراؤ - راستے اندرام - راؤ گنپت سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور  
 راستے جوڑامن - راستے سری رنگ راؤ - راجہ راؤ زینہا بہادر جیونت ہمت نہاری ذات

بدستور بدستور معمم علم وقارہ دیا کئی جھالدار  
 راجہ ارمن بہادر سد نہاری - راجہ اندراؤ بہادر دو نہاری ذات - راجہ جاوہی جھڑاری ذات

اعلم علم وقارہ اعلم علم وقارہ اعلم علم وقارہ  
 جگیت راؤ پنچہاری ذات - سموت راؤ کیزاری - بھنگوت رام - بھعل راؤ

اعلم علم وقارہ ذات بائصدی ذات ہفتصدی ذات  
 شیو راؤ پانصدی - راستے نھمل راؤ - باجی راؤ پانصدی - سکھارام تشصدی

ذات چہارصدی ذات ذات ذات  
 جھل رام دو صدی - راجہ روپ سنگھ بہادر سد نہاری - سنور چھن سنگھ بہادر دو نہاری ذات

ذات اعلم علم وقارہ اعلم علم وقارہ  
 زنجیت سنگھ دو نہاری ذات - صورت سنگھ - راستے کھر کو پنڈت چہار صدی لائے امرت

ذات اعلم علم وقارہ چہار صدی ذات  
 راجہ جی سنگھ بہادر کیزاری ذات - موٹی سنگھ کیزاری - رام راؤ بھنگ کیزاری ذات

ذات اعلم علم وقارہ ذات  
 راجہ مان سنگھ راؤ ہاکر سد نہاری ذات - راجہ جھل داس - راجہ بلونت راؤ تش صدی

ذات اعلم علم وقارہ  
 زمینہ اران منصبدار -

سری پدم ناتھ داس دینچے پال جکل سنگر -  
 راجہ رام بھوپال زمیندار

راجہ راج ہنر سلطان مہاراج راجہ -  
 رام راج بہادر جنگ زمیندار سیلوار -

پنچہاری ذات - ملہم علم وقارہ -  
 پونٹ شد

راؤ پنچہاری

راجہ کاوہراج بہادر پنجزاری ذات - راجہ کسی پورے ملا - راجہ کلچ ناگ بہادر زمیندار  
 زمیندار سری رنگ پٹن کپھزاری کپھزار و پانصد دیورگ پنجزاری ذات  
 و پانصدی ذات - ذات اع - علم

راجہ جگنی راج بہادر پنجزاری - راجہ کیشور راج بہادر - راجہ آپا راؤ بہادر - راجہ ہر چند سہزاری  
 ذات سم - علم و نقارہ پانکی سہ ہزاری ذات سہ ہزاری ذات ذات

عبدالدار - اع - علم و نقارہ ال - علم و نقارہ  
 راجہ راگھو راج کپھزاری - راجہ ہر چند راج کپھزاری - راجہ دنگی راج کپھزاری - راجہ راج چند راج  
 ذات ذات ذات

راجہ آپا راؤ کپھزاری - راجہ رام سنگھ کپھزاری ذات - اناسواری کپھزاری ذات - بسوایش راؤ کپھزاری  
 ذات ہا ہا ہا

بہر الملک شہسوار الدولہ راجہ بد مانک بونت بھجری ہا - راجہ رام سنگھ کپھزاری گویال راؤ بہادر ساہیون  
 رعب جنگ پنجزاری ذات زمیندار منو ساپور ذات کپھزاری ذات ساہیون  
 ال - علم و نقارہ

راجہ انکیا ننگ بہادر و ہزاری ذات - راستے سو بھاراؤ چہار صدی - راستے سری نواس  
 ال - علم و نقارہ ذات چہار صدی ذات

راستے کیسوراؤ - راستے بھیم راؤ - راستے ڈنگٹ راؤ - راجہ داس مٹی و کھیا و  
 چہار صدی ذات چہار صدی ذات - چہار صدی ذات - سہری ناہ بہادر منہ سلطان  
 مرتقی کردالہ چہار صدی ذات

اع - علم و نقارہ

گویندہ راؤ زمیندار اکلوہ - راجہ ڈنگٹ نرسواراؤ سوامی بہادر - راجہ انکیا ناگ دیگل  
 سہ ہزاری ذات - مانچہ والاسہ ہزاری ذات - چہار صدی ذات

فوت شد

راجہ کھتا تھہ راؤ بہادر سہ ہزاری ذات اع - علم و نقارہ - وکالت رام پانصدی ذات

را سے جلیا پانصدی - راجہ سنگا ریڈی دونهاری ذات - راجہ اونات راوسہ ہزاری ذات  
ذات ال - علم و نقارہ

راجہ آناریڈی دونهاری - راجہ دلکل جریڈی دیسکھہ پرگنہ کلاپور - راجہ کمر راؤ بہاؤ زمیندار  
ال - علم و نقارہ دونهاری ذات ال - علم و نقارہ - یلگندل دونهاری ذات  
نزل زمیندار کلو دونهاری ذات یکھزار علم و نقارہ - ال - علم و نقارہ

راجہ سوامی رام کشن راؤ زمیندار - راجہ من براج بہادر سرسلطان - راجہ جگپت راؤ بہاؤ زمیندار  
و تیری ال - علم و نقارہ - زمیندار سینکا کول دونهاری ذات - الگندل - یکھزاری ذات  
ال - علم و نقارہ

را سے ویرانہ راؤ - راجہ راجیس راؤ بہاؤ سر دیپانڈیہ - گوئید راؤ - ونکٹ راؤ زمیندار  
چار صدی ذات - الگندل یکھزاری ذات - پانصدی یکھزاری ذات

را سے بابو راؤ - راجہ راجیس راؤ بہاؤ - را سے کلاگیر راؤ - راجہ شکر راؤ بہاؤ زمیندار

چار صدی ذات - سر ڈیپانڈیہ - چار صدی منی کو دیگل یکھزاری ذات

را سے بیتا رام دیپانڈیہ پرگنہ اور - را سے گوئدرام دیپانڈیہ پرگنہ ارکنڈہ - را سے رام کشن

پانصدی پانصدی چار صدی

را سے نزل راؤ - را سے ونکٹ رام - را سے نران راؤ - را سے مدہت پنڈت پرگنہ

چار صدی چار صدی چار صدی اور والہ چار صدی ذات

را سے ہنر و پنڈت - را سے بنت را سے دیسکھہ پرگنہ ملکونہ - راؤ پدرا ریڈی زمیندار

چار صدی - چار صدی ذات - چار صدی ذات

را سے پانڈو سترنگ دیپانڈیہ تعلقہ گلگرہ - را سے کشن راؤ

چار صدی ذات چار صدی ذات

دفعہ از منہود - راجہ جگد یو پسر راجہ کلیان راؤ چار صدی ذات - را سے نیگنہ راؤ - را سے سمر راؤ سسر جیو راج

ال - علم و نقارہ پانکی جھالدار - شش صدی ذات چار صدی

کنوز دلیل سنگہ سپر جو دھ سنگہ  
خطاب و منصب سر فزائند

ستعجابی را و سنجیدہ بہ خطاب و منصب نشند سواران را جو مسطور متعینہ کرار نواز خان بہادر لاند  
و مشار الیہ بذات خود در جاگیر زرگان سنجیدہ مذکور راند و قیتلگ مغفرت مآب در دکن تہ  
ہمراہ بودند در جلد و سے نیکو خدمتی جاگیر یافتند -

عبداللہ اللہی نافر سے زرخی قتل  
عبداللہ اللہی سے شتر تھی بان

اللہی سے پاکلی و میانہ - ضرب توپ ہٹو - لہو سے ہمارے شتر تقارہ  
مالہر پٹیارہ نفران شتر سوار

منصبداران و غیرہ -

شمس الامرا بہادر	عبداللہ اللہی نافر
یمن الملک بہادر	عبداللہ اللہی نافر
للعلم سہار لہو	پاکلی
مغز زرخی قتل	زرخی قتل
لہو سے نزل پاکلی	سے شتر تھی بان
نفران شتر تقارہ	لہو سے شتر تقارہ
سے نزل میانہ	نفران شتر سوار

رفعت الملک بہادر	شاہ یار الملک بہادر -
سما لہو	صما لہو
سما لہو	صما لہو
دو زرخی قتل	
سے شتر تھی بان	



سید اعظم خان بہادر - داتم خان و قائم خان - سواران حسین یا در جنگ - حافظ یا جنگ بہادر

لوہ - لوہ - لوہ - لوہ  
لوہ - لوہ - لوہ - لوہ

تبوریجنگ بہادر - محمد شاہ خان لونی - راجہ سیام راج - سہیا رام بہوپال

لوہ - لوہ - لوہ - لوہ  
لوہ - لوہ - لوہ - لوہ

کشاہی راؤ - منصور خان - بیروسی خان - سید منور - سید نذوم

لوہ - لوہ - لوہ - لوہ  
لوہ - لوہ - لوہ - لوہ

ابراہیم خان بہادر - جعفر یا جنگ بہادر - آزاد نواز جنگ - سکندر یا جنگ بہادر

لوہ - لوہ - لوہ - لوہ  
لوہ - لوہ - لوہ - لوہ

محمد الدین خان و جعفر خان - محمد زبردست خان بہادر - نواز خان ناغہ وغیرہ - غلام قادر کبھی

لوہ - لوہ - لوہ - لوہ  
لوہ - لوہ - لوہ - لوہ

محمد نواز خان وغیرہ - علی بیگ خان وغیرہ - شاہ عالم خان وغیرہ - شیخ حمید الدین وغیرہ

لوہ - لوہ - لوہ - لوہ  
لوہ - لوہ - لوہ - لوہ

احمد خان درانی - سر انداز خان - منور خان وغیرہ - موہن شاہ وغیرہ - شیخ محمد وغیرہ

لوہ - لوہ - لوہ - لوہ  
لوہ - لوہ - لوہ - لوہ

راجہ بیہوش - ایگاہ سر رشتہ راجہ بیارلم باسم سید عبداللہ - فقیر ندر خان - احمد خان

لوہ - لوہ - لوہ - لوہ  
لوہ - لوہ - لوہ - لوہ

علی یار جنگ - محمد مستجاب خان و غیره - حسن علیخان بهادر سپهسالار و سید احمد علیخان و غیره  
 ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر  
 علام محمد خان - دایم خان - حسن علیخان - نور خان مداری - میر غوث علی  
 ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر  
 محمد بیگ خان - میر احمد و غیره - فتح خان و غیره سواران از موقوفی بر فندانان - سید علی  
 ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر  
 احمد باخان سپهساز جنگ - بار داد خان و غیره - سید احمد - آغا حسن - قزاق خان  
 ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر  
 آصف خان و غیره - نور خان و غیره - سید بندگی و غیره - سردار خان و غیره  
 ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر  
 صاحب خان - عماد الصمد خان - غلام حسین خان کهور - میر حسن و غیره - ظفر علی و غیره  
 ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر  
 میر فرزند علی و غیره - جهانگیر شریف و غیره - میر سید علی و غیره - محمد خان بهادر و غیره  
 ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر  
 غلام علی الدیخان و غیره - سید منور و غیره - احمد خان گلستانی - متفرقات سر رشته را در این باب  
 ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر - ناصر



راج بیگ خان و سپه برادران علی و آدم خان بزرگ - چو سئله و کتاب سئله یغیطان اولام خان

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

غلام محمد الدین خان و حمید بیگ نیر - منور خان کبوتر - مرزا اقصی بیگ - منور خانان و ظفر علیخان

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

میر غلام علیخان، رعایت خان ناغز و اکبر سئله

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

مرزا سمونی خان - جعفر علیخان - دیوان شاهه و غلام علی و میر رعایت علیخان و نجل اینخان

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

جهان خان ناغز - فیضان علی خان - فتح بارخان و منور خان و صالح بیگ خان - دلدار علی

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

بهاور علیخان و محمد باوی خان و عبدالکریم خان - سواران متصرفات - سواران علاء قوچاق و نونه چشم بیلور

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

ظفر علیخان - خواجه بهادر الدین - تلجا رام هزاره - سواران اسکندر و رفیق

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

محمد فیض الله خان - میر بشیر علی - خوش بدن - میر ابو الحسن خان

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

بهرت خان - راجہ پرچیت سنگھ - اکرام خان - شمس الدین خان - مرزا نیا ز بیگ

میرزا علی محمد خان - سواران بھگوان بگت - کاشن سنگھ وغیرہ - سواران پارکاش - سواران احمد بگت

محمد علیخان - سواران حسین علیخان آوردہ شاہ باقر حسین - محمد عظیم الدینخان - محمد گلن خان -

محمد عبدالقادرخان - تریب سواران - الف خان وغیرہ - مرزا اندامی - سواران محمد خان

سواران شیورام ناتک - سواران آوردہ زبردت خان - آوردہ محمد منو خان درجنان

دلیل سنگھ - سواران آوردہ امین الدینخان - صالح محمد خان - محمد زور اور سواران

شیخ بسالت خان - محمد سواکی خان - شادی خان - محمد عثمان خان

قادر نواز خان وغیرہ - اندہ راؤ وغیرہ - مرزا ابرار خان - جعفر علی خان

میرزا علی محمد خان

محمد علی خان



خان وغیرہ صوبداران کہ بعد موسیٰ رحمون در وقت مہبت رام کرار نوازخان -  
 برلین موسیٰ رحمون سرفرازی یافتہ اند سر یک صوبہ دار علیہ علیہ است مال معسر  
 و جمعیت مذکور بر پیرہ بندی مرشد زاد ہا و قینکہ گوگنڈہ و بعضے یک ضرب رہڑو  
 پیرہ ناو در حضور بعضے بر تعلقات متفرق اند منزل پٹارہ -  
 الاسامیہ

سے ضرب رہڑو سے منزل پٹارہ

جو انان سنگمہ - جو انان بر قندازخان آورده محمد جعفر خان - جعفر یار جناب بہادر

مال مع نضر رہڑو  
 مال مع نضر رہڑو

دو پانچنگ - اسد نواز جنگ - شیخ غلام محمد کمیدان - اچھا رام صوبہ دار - بارگیران صف مند  
 مال نضر رہڑو  
 مال نضر رہڑو  
 مال نضر رہڑو

میر احمد میر امام موہ بر قندازان - دلارام وغیرہ بر قندازان - محمد یعقوب

مال نضر رہڑو  
 مال نضر رہڑو

سید حسن وغیرہ جوشان و بر قندازان - محمد اشرف الدین - قہتاب خان بر قندازان

مال نضر رہڑو  
 مال نضر رہڑو

نور بیگ بر قندازان - آورده رانا ریڈی ماو کوہ بر قندازان - بولاریڈی بر قندازان

مال نضر رہڑو  
 مال نضر رہڑو

مسٹر موکیل - پالمر صاحب - اچھا ناو - جو انان بار آورده سید عبد الرحمن

مال نضر رہڑو  
 مال نضر رہڑو

یک ضرب رہڑو  
 یک ضرب رہڑو

ذکیا ناگ ناگ پیادہا - غلام محمد الدین و عباس وغیرہ بر قندازان - محمود بیگ محمد علی کالاندی

مال نضر رہڑو  
 مال نضر رہڑو

حسین بیگ وغیرہ - بارگراں اقبازبان - جوانان بارآوردہ سید محمد الدین خان سپہ سالار جنگ

تامانفر - تامانفر - مامانفر - مامانفر

میر محمد وغیرہ - جوانان عرب - بھگت دستگیر جیسے دستگیر فرمین و بھگت مرد وغیرہ

تامانفر - مامانفر - مامانفر - مامانفر

یک ضرب رتھو و نیچے سے سر منزل پاکلی سے ضرب توپ کا نرگاد

محمد قطب و مدارخان و احمد بیگ و کشت سنگھ وغیرہ - محمد قطب - مدارخان - احمد بیگ

الکاشی - مامانفر - مامانفر - مامانفر

دو منزل میانہ - مامانفر - مامانفر

کتور سنگھ و ہولاس ڈلواسند و دیبی سنگھ و چنا سنگھ و مردان سنگھ وغیرہ و منجمدین کئی

صد نفر و کسی رانصدت نفر و کسی را پنجاہ نفر متفرقات در تعلقات مامورانہ -

گوندازان

صالی - نفر

کشت سنگھ و پورن سنگھ - محمد صلابت خان وغیرہ - محمد سبحان خان اور دستگیر بخش وغیرہ جوانان

تامانفر - مامانفر - مامانفر - مامانفر

دو ضرب رتھو و نیچے سے

پیادہ ہاتے آوردہ میر حسین - قادر علیخان وغیرہ بخش اللہ وغیرہ ادا علی بیگیاں - بخش اللہ خان

مافنفر - الف نفر دو ضرب توپ و نیچے سے احد نفر مالہ نفر

قادر علیخان - بارگراں آوردہ میر موسی خان - پیادہ ہاتے سینا نام بہوپاں -

مافنفر - مافنفر - مافنفر

محمد شاکر خان بہادر جوانان عرب ہندوستانی و باروہر - رعد جنگ بہادر - جوانان بھنگان

لحمہ نفر - الف نفر - رسالہ پیر سید

مافنفر - مافنفر - مافنفر

منزل بل سبضہ

مان سنگه و غیره جوانان بار - محمد فیض اللہ خان پسران اسمعیل بخشی - ترب سواران اور دینی خدمت

ماصوہ نفر  
السٹاٹس نفر  
علی نفر

زنجیر فیمل دو ضرب ٹیرو  
بھارتی پٹو

مقرنات سررشتہ رای جمیلہ رام - رسالہ رسول نواز خان -

دو نفر  
مانفر

رسالہ سید کمال پسر عمر خان موم حسن علیخان پسر طالب ایلہ و ایلہ جوانان اور غیرہ پیلہ

ما موصوہ نفر  
کو توانی - لمانہ نفر

یک ضرب ٹیرو  
للعہ سر زنجیر فیمل

منزل پاکٹی  
جو انان بار سررشتہ راجہ گویند نارائن پسر راجہ تمبو  
پانڈان علاقہ سمش الامراہ اور فضل علیخان

ما موصوہ نفر  
ما موصوہ نفر

جوشان سالہ سکندر قلیخان - بارگیران ہمای میں ملکپت اور سید حسن بے عمید رتھو اور جوانان

ما موصوہ نفر  
السٹاٹس نفر  
موصوہ نفر

دو منزل پاکٹی  
بھارتی پٹو

جوانان آوردہ ماہن سنگہ - بارگیران وغیرہ تفرقہ سررشتہ راجہ پرجیمان -

ما نفر  
لو نفر

بھارتی پٹو  
بھارتی پٹو

احشام قلو گوکٹھ و دولت آباد دیکر ڈائلنگل نساگر دیشیہ وغیرہ خاص برادران

در اکر و نمکنڈہ و دیور کنڈہ و دہار و در دتکار و رنڈا یک تیلان و سرکارہ

و سبجو نگیر و ورنکل و کتھم و او دیگر ویالبار و ورنکل و  
ما موصوہ نفر

جلتیاں و ظفر گٹھ و کلیر گٹھ و فرخ نگر و امرو کو لاس  
ما موصوہ نفر

ورنکل در پاجور و کویل و کلیانی و نلدرک کوسہ وغیرہ  
ما موصوہ نفر

بھارتی پٹو  
بھارتی پٹو

گوشواره مداخل و مخارج صوبه بیدر و صوبه خرند و بنیاد حیدرآباد و صوبه بکرار و چند رکن  
 صوبه بجاورد و بعد وضع سه بندی و هماد و وارد و انعام داران و غیره من ابتدا سه خانی  
 لغایت ۱۲۲۲ فصلی همه جهت سواست جایگزین داران و غیره و اما در ۲۲۲ فصلی  
 که رقم این ایزاد شده جهتش این است که رقم میراوانقاسم خانم که در سالهاست سابق  
 و سواست آن نذرانه و غیره اخراجات هم زیاد نوشته شد بابت عدم وصول سابق  
 و خرج جمعیت میر صاحب بهادر داخل مخارج است نذر غیرین دستی حضور پور در داخل مخارج

شماره کرده  
 المصنف

در این مخارج از سبب بیاداری  
 نوشته را چند فصلی از  
 و نذرانه داران و غیره

میرزا علی  
 میرزا محمد

میرزا محمد  
 میرزا محمد  
 میرزا محمد

بابه ۱۲۱۴ فصلی یک کروڑ لوک نام مواجاتی لا	بابه ۱۲۱۸ فصلی یک کروڑ اول نسو مواجاتی لا	بابه ۱۲۲۰ فصلی یک کروڑ لوک نام مواجاتی لا	بابه ۱۲۲۲ فصلی یک کروڑ لوک نام مواجاتی لا
---	---	---	---

بابۃ ۱۲۲۱ فصلی لو لو یک کروڑ لو لو امانت ۵۱۲۲۲	بابۃ ۱۲۲۳ فصلی دو کروڑ لو لو ایک ۱۲۲۲۳	بابۃ ۱۲۲۲ فصلی دو کروڑ لو لو ایک ۱۲۲۲۲
---	---	---

خارج  
لو لو ایک  
لو لو ایک

بابۃ ۱۲۱۰ فصلی لو لو ایک کروڑ لو لو ایک ۱۲۱۰	بابۃ ۱۲۱۱ فصلی دو کروڑ لو لو ایک ۱۲۱۱	بابۃ ۱۲۱۲ فصلی دو کروڑ لو لو ایک ۱۲۱۲	بابۃ ۱۲۱۳ فصلی دو کروڑ لو لو ایک ۱۲۱۳
---	--	--	--

داخل خزانہ  
لو لو ایک  
لو لو ایک

کیفیت خواہ نقدی و جائیداران  
لو لو ایک  
لو لو ایک

بابۃ جمعیت سواران جوانان بار و غیرہ نقدی  
لو لو ایک  
لو لو ایک

بابۃ جاگیر داران -  
لو لو ایک  
لو لو ایک

فصل دہم - در کیفیت افغانان مہدوے و سکہ و غوب و مہوہ

کیفیت افغان مہدی ملازم سرکار سوائے محمد صلابت خان بہادر۔ و محمد سبحان خان بہادر  
 دید نصرت دروغہ ہر کارہ در رسالہ جات متفرقہ قریب چار پانصد اسم بودہ باشد  
 نزد شہزاد الملک بہادر و راجہ اور بہنہا بہادر و نیز رنگار پیشہ دستجارت پیشہ قریب  
 وہ ہزار اسم خواہ بود الحال بموجب حکم رئیس و حرکات افغانان بالکل افغانہ اخراج یافتہ  
 انصافاً ہر نفر  
 انصافاً ہر نفر

سواران		متفرقات	
الکامیٹے ہر نفر	مال ہر نفر	الکامیٹے ہر نفر	مال ہر نفر
محمد خان متعینہ کہم	محمد خان	نوجہار فتح یار خان	دجانباز خان و ابو میان قلی خان شیرخان
مارہ	صہار	عمر دراز خان	مارہ ہر نفر
ماہ	صہامہ		ماہ
دفعہ مقرب خان و نوجہار خان وغیرہ	کرار نواز خان معوذات	سر دار خان معوذات	کرار نواز خان معوذات
قریب یکصد سوار نصفت در بلدہ و نصفت	متعینہ دھار و ر	متعینہ امر پور و بہکور	متعینہ امر پور و بہکور
در تعیناتی - مانفر	مانفر	مانفر	مانفر
ماہ	ماہ	ماہ	ماہ
قرار دل خان نشت حضو - شادینجان نزد نواب شیر الملک بہادر - انور خان - صاحب خان			
صہ	صہ	مانفر	مانفر
صہ	صہ	مانفر	مانفر
دیگر سواران و شیر الملک بہادر قریب یکصد سوار کم ذریعہ خواہ بود	ذات در بلدہ - سواران متعینہ ہر نفر	ذات در بلدہ - سواران متعینہ ہر نفر	ذات در بلدہ - سواران متعینہ ہر نفر
سواران متعینہ حویلی میدک - زبردست خان - بہادر خان - متعینہ راجہ گوہر بخش تحصیل پراگانہ	مانفر	مانفر	مانفر
لوہ	مالہ صہ	لوہ	مالہ صہ
لوہ	مالہ صہ	لوہ	مالہ صہ

متعینه ایکندل - مه ذات در رکاب - سواران در شست - همت خان در رکاب

ص                      ص                      ص                      ص

ص                      ص                      ص                      ص

نوازخان اغر متعینه گلبرگه - سردار خان دولت ذمی متعینه گلبرگه - دایم خان

ص                      ص                      ص                      ص

ص                      ص                      ص                      ص

در بلده متعینه سہل رود

دایم خان دیگر - سالم خان - نصیب خان

ص                      ص                      ص                      ص

ص                      ص                      ص                      ص

سید ہاشم متعینه زراپن کیٹھ - در بلده - متعینه کود کبکال - ذات در بلده

ص                      ص                      ص                      ص

متعینه ایکندل - ذات در بلده - متعینه کود کبکال -

ص                      ص                      ص                      ص

جہانخان متعینه تہا پور - شیر انداز خان - حیدر خان - بوڈھن خان در بلده

ص                      ص                      ص                      ص

ص                      ص                      ص                      ص

ذات در بلده - متعینه ایکندل - ذات در بلده - متعینه بہن

ص                      ص                      ص                      ص

ص                      ص                      ص                      ص

تفصیل عرب و سیکہ در وہیل جہا اجداسہ - نفر

عرب المکافه نفیر	روپیلہ صمدی عہد نفیر
در بندہ و قلبجات و تعلقات	در بلدہ و تعلقات
نزد راجہ گونہ بخش	نزد گونہ بخش
الشاہ نفیر	المانفیر
ماصہ	المانفیر
نزد منیر الملک بہادر تھینا	نزد محمد علیخان پوہا
نزد سبحان بہادر	روپیلہ و نندہنی نزد
مانفیر	خود پار جنگ بہاؤ
مانفیر	مانفیر
سکہ اعصاب نفیر	روپیلہ و نندہنی الملک بہاؤ
	روپیلہ و جوانان ہندوستان
	نزد صلابت خان بہاؤ
در بندہ تعلقات - نزد راجہ گونہ بخش	نزد محمد علیخان پوہا
ماصہ نفیر	المانفیر
ماصہ نفیر	المانفیر

**فصل یازدہم - متضمن بعضی مراتب ضروری تسطیر -**  
 خزانہ سرکار دولت ملارد قلمو کو کٹندہ و بلدہ سوائے جوانہ و خزانہ وغیرہ اجناس نقرہ و طلا و تمشہ وغیرہ وقت انتقال غفر اتاب بست و یک ٹک روپیہ بود و از وقت جلوس بندگان غلامی حال زیادہ از یک کروڑ فراہم شدہ جملہ سابق و حال قریب یک کروڑ و پنجاہ لکھ روپیہ در شمار است - فقط -  
 ملازم امتیازی کہ زیادہ از دو ہزار خواہند بود فی نفر ماسوار از ہنقا در روپیہ تا پانصند روپیہ مقرر است و تشریح سواران از چہل روپیہ ماسوار مقرر است و تشریح سواران از چہل روپیہ ماسوار تا پنجاہ روپیہ اکثر ملازم سراسری ہمہ سواران معہ عمدہ داران آنها در حساب ہنقا دو روپیہ فی نفر ماسواری اقتد و جمعیت بار فی نفر ملازم از شش روپیہ متاثرند کہ سراسری انہا معہ عمدہ داران از شانزدہ روپیہ تا نوزدہ روپیہ

فی نفر محسوب است جو امان بازار شش روپیه تا یازده روپیه ملازم اند و جو امان سسکه  
و عوب ازده روپیه بی پانند -

کشتکار و زراعت سالم ارضاع حیدرآباد اکثر شانی زار و زمین پانین تالاب سه فصل میشود  
و الا شانی زار ازده و فصل کم میشود و بی بگیه از بست روپیه تا به شصت روپیه مقرر است

**فصل دوازدهم - در خصائل و رویه اهل بلده فرخنده بنیاد حسیه رآباد**

حضرت بندگانی حال سکندر جاه بهادر دام دولت به خوش نیتی و نیک طینتی و نباتات تول  
و مناط فعل مستثنی اروسا و روزگار و بکلیات فہمی و علی وقت لیکن بجز نباتات ہی ممت بمقط

ازین باعث انتظام شیرازہ شهر و ملک و سپاہ و خزانه منتظر الافدق اما در ترجم و تفقد و دید  
آفاق بجد کیه صبطی بعد وفات امر اور عایا و بے وارث سررشته قدیم این سرکار عالی است

الی الان بعد ظهور این معنی نہ گرفتن مال و متاع احدی زبان نہ جبا بیند بلکه اکثر بزبان سدیہ  
کہ مال و حق کسی اصلا داخل خزانه خود بنجوا ہم کرد کہ خدا تعالی بعد من اسباب خانہ ام محفوظ

خواہد داشت - مگر مختار این سرکار بے اطلاع حضور براس جلب منفعت خود این رسم جاری داشته  
و سابق اکثر گرامی غلکہ درین شهر و وادہ تا دور و ز خاصہ تناول نکرده اند کہ بر مساکین و ملازمین

چہ اذیت و نفاق کتی گزشتہ باشد کہ من نان بخورم و مزاج حکیمانہ دارند کہ مطلقاً تکلیف  
و تصنع را مدخلی نیست خلاف رویہ والد خود کہ غفر نامہ بدون جواہر و لباس نیکین و غیر گلابی

بر آمد نمیشدند از روز جلوس مسند ریاست یکد و مرتبہ در تقاریب بہ تکلیف بخشی بیکم صاحبہ و  
بی بی صاحبہ در سابق اتفاق شدہ بود و تحفیل علم عربی قریب بہ فیصلت است اکثر مطالبہ

کتاب عربی و تواریخ ماسلف و چہ ہمت است کہ سابق یکد و سال بہ سبب قرب و مصاحبت  
کو کہ ہا اتفاق شرب شدہ بود از ان باز کہ توبہ ہمیل آمد باز این فعل بو توع نیامدہ و بر نہیب

اہل تسنن کہ سلوک آباد اجداد حضرت بر این مسفک است خود ہم مسلوک - اکثر جاہ بہادر  
اکبر جاہ بہادر بظاہر زمانہ ساہو و خوش مزاج حقیقتاً سبک سیر کہم جو صلہ غربت طلیت و بیج ہیبت

مشترکہ و امناسک و اختصار در مزاج بیشتر در حس و طبع گرفتار و دائم المرض و مردم آزار اند  
چنانکہ جاہ بہادر رسادہ مزاج و کم جو صلہ عبت مشایخ مشہور و از رقص و سماع روز و شب مذکور

سے

دارند. سلیمان جاه بهادر بنظر اسرار منمن نشنو بیشتر و ذوی اخلاق و با مروت و ساده مزاج و تیر انداز  
 و سوار بے نظیر بلکه در علم سپاه گری ممتاز و علوی بهمت بدرجه و خوش نویس و بعضی وقت  
 مطالعه کتاب و در ریاضت حساب هم می نمایند و گاه گاه سردودانان استماع میگردد و و نشوق از  
 سلاح و اسب نهایت اقبالون مزاج و کسی را که در خانه یعنی محس یا بیرون در مردانه مختار  
 می سازند آن هر چه بخواهد بسازد و عثمان اختیار خود بدست آن میدارند و بسبب صحبت غیر  
 بدند هب گردیده اند و مرثیه خود میسرانید و قدر زردانسته بیجا حرف نمی کشند باصفت حیا  
 کیوان جاه بهادر تا حال مثل اطفال صغیر سن در زمانه دایه و دوا نمحن عقل عامیانه دارند  
 ناصرا له وله بهادر نظار نهینده و سنجیده متواضع و خلیق و کم آزار و سر کتی و تقابن در مزاج  
 ایشان نیست بعضی وقت مطالعه تواریخ و تغزل و زرش و بیتیر نشست در محل دارند -  
 صمصام اله وله بهادر و مبارز الدوله بمصداق بیت: ز درت جو تو یک عالمی بفریاد است  
 نزار و از دست تو این چه بیداد است: حرکات سوی طینت و مجرت طبیعت متناظر الیهما چند  
 اختلاج تشترج ندارد نوعی در همه گرفتار تو ان کرد الا جالاک و بیبیا کی به نسبت صمصام الدوله  
 در مزاج مبارز الدوله تفوق دارد - آتیاز الدوله بهادر و خویش بندگان نامی حال بمقوله الولد ستر الاله  
 در تامل اندیشی و حرکات فتور بیج وجهه یکی ندانسته اند - معسلی جاه بهادر پسر  
 عماد الملک بهادر در مروج محض ساده مزاج به عقل عامیانه از نهینده عمده مطلقاً مناسبت ندارد  
 و از منجز بیجا خالی نیندونی جمله جهارت در نوشت و خواند دارند -  
 قطب الملک بهادر برادر حقیقی معسلی جاه بهادر محض ساده مزاج سبک اوضاع دارند در  
 مزاج بهادر مغرمنو عیاشی بهرتبه که در سماع و سرود از نسبت دیگر برادران خود خیسله  
 تفوق دارند - و از سخوت و غرور بیجا خالی هستند - نواب نیر الملک بهادر بنظر و نیادار  
 و زمانه ساز متواضع و خلیق مگر حقیقته نا توان بین و کم حوصله و از عقل رساکه مهمل کلیات  
 و معیند جزبات باشد و هم از نبات و قیام مزاج عاری بحدیکه در جواب و سوال عمده قول و  
 قرار زبانی بهادر مغربے گزرتن دست آو نیز محل اعتماد و خواهر بود و چین بحدیکه اگر در سوار  
 سوته را در راه ببیند سوار می همان قدم باز گردد و از بیرون غسل و تبسیدل پوشاک

نموده اند و در خانه خود میسازند اگر احدی از عزیزان و طفلان خود بکسب تقدیر وفات یا بابت  
تجدید درو دیوار و دروازه بر آورده باز روئے مواته بنشیند و نزدیک او نروند -  
ایمن الملک بهادر سیر و سفله مزاج به جنت طینت و قبح سیرت و حیدر عمر و در عمل آردی  
افترا و اتهام یگانہ دهر و خمیس البقع و فی المزاج رکیکک مثل پواج در مردم آزادی و خوریزی  
نظیرے ندارد مثل ہاجخان در زراوندی و مال مردم خوری پید طولی دارد -

شمس الامرا بہادر اگر چه در سر کار دولت مرار قدم بود عنایت و احترام و بقوت ظاہری  
و زبرد امرا یان منتخب بوده اند و بظاہر اہلیت و آدمیت دارند الاخص سادہ لوح مزاج قائل  
اندیش نامحش و ناد مندی و تلف حقوق مردم خاصہ مزاج ایشان است - بیشتر  
مزاج مائل نقاشی و قمار و پروکب ہنر است - شاہ بار الملک بظاہر شایستہ مزاج و ذہنی شخص  
مگر در باطن از ہنر نیک و عمدہ بہر او در بینی و قائل اندیشی معراج چونکہ از اہبت  
بسبب قہارت اسطو جاہ بہادر بنوعی توسل خاص بہ جناب صاحب زریڈنس بہادر  
داشتہ اند خود را مستحق اعانت نہ کار عظمت مدعا میدانند - منصورانہ دولہ بہادر برادر  
شہیار الملک بہادر ہر چندہ در علم سپہ گری مستثنی او از نذر ہر مقصد یا نہ مگر در لوازم  
اہلیت چند ان بظاہر از شہیار الملک کمی ندارد - علی ایاد الدولہ بہادر و مادر الدولہ بہادر  
و کامیاب الدولہ - پسران نور الامرا بہادر مردم ہمہ سادہ مزاج بہ عقل عامیانہ از ہنر و علم  
و متانت و استقامت عاری اند مگر علی یادر الدولہ را بہ نسبت دیگران آدم توان نمر در نفس بسیار  
مستوفی اسطو جاہ بہادر اکثر لوازمہ اعداد و اعانت از سر کار صاحب زریڈنس بہادر و امور ات  
متعلقہ مردم نہ کور میں آمدہ بود - پسران اعتمام الملک منشی رشید الدولہ و بنیامین سلطان کہ  
یکی بہر کار منشی و دومی بعلاقہ عرض بیگی با موراست بک مزاج حوصلہ چند ان رشید نہ دارند  
نظر بر قدامت والد خود را مستحق خدمت عمدہ میدانند - ضیاء الدولہ بہادر منع فرزند خود داشتہ  
مزاج و درست کردار و بملقہ وار آن جناب صاحب زریڈنس بہادر پیشتر گو نہ  
را بطہ ہم میداشتند - رفت الملک بہادر راہ در رسم تعلقہ آری برویہ اہل بند و لوازم  
مزاجہ آری کار گزاران نہ کار دکن نیکو دانند بہر حال دویہ بہادر معز سابق نہ قابل تعریف بود

و نه چندان لایق مذمت بود لیکن آخربه خجست نیت خود به نام شده از نظر با افسانند با انفعال  
 خانه نشین اندم زانچه علی پسر مستقیم الدوله مرحوم - مرحوم مذکور در مقدمه سوداگری مشتغلی زمانه  
 و منتخب روزگار مگر از فهم کلیات و فهمیده عمده مقدمات و اوزام دور بینی و مال اندیشی معاصر میرا  
 چنانچه از خجست عقل بانی بنام فساد ما بین میر عالم معفور و جناب زید پدش حیدرآباد در دیدار بالاخر  
 بعلت موثک و دانی از بلده حیدرآباد از خراج گردیده بمقام جاگیر خود بسکونت ساخت و عمده  
 در آن حینکه میر عالم معفور مغزول از کار و سلطنت شده در گوشه انزوا منزوی بود و ندرت چنانچه  
 خجست امیر دربار میر عالم بر زبان آورد و از داد و ستد نقد و جنس میر عالم که در  
 تحویل بهادر مغزول بود استادگی میساخت چنانچه انیعنی ناگوار خاطر میر عالم شده و در وقتیکه  
 مدارالمهام شد و آمدن بهادر در حیدرآباد گردیدند با هم راه در رسم بنویسند انتقال  
 معفور بسبب حرکات ناشایسته باز از خراج گردید چار و ناچار در جاگیر خود گردز او قات  
 میساخت و باقیقتنا ناطقی اکثر در باره آمدن خود به حیدرآباد توسل از سر کار جناب صاحب  
 زید پدش بهادر میجست چنانچه بهمین آرزو و مقصد هم رجب ۱۳۳۰ در جاگیر خود رحلت کرد و در روز  
 فرامحمد علی هر چند بدون نذرانه قایلش بر جاگیر والد خود شد لیکن سفله مزاج شراب خوار خراج  
 از آدمیت است - پسر آن بهرام الملک مرحوم هر چهار پسران مرحوم که با انفعال بقیة حیات  
 بمصدق مصر علی خان تمام آفتاب است - در جنس و جهالت معده والد خود مستغنا از زمانه  
 و یگانه روزگار و از اوزام ابلت و آدمیت مطلقاً دور از کار که محافل و مجالس گفتگو نمودن  
 بلکه بگذشت با هم آوستین از جمله صفات مشاکه ایهم است - حسام الملک نظام یار الدوله نظام  
 یار جنگ هر چند از فهم کلیات و فهمیده عمده مقدمات معرکه مگر بشیرین زبانی و زیم بیانی و  
 خنده جبینی و تشگفته پیشانی منظور خاص و عام و باقیقتنا سلامت روی و فروتنی در وقت  
 غول میر عالم معفور از نظر کار گزاران سرکار بنده گمانی نیفتاده از حالت خود منزل نشدند  
 و بلاقه داران جناب زید پدش بهادر بسبب میر عالم معفور ابط معنوی از قدیم میل دارند  
 کولتال بلده حیدرآباد و حیدرآباد و قیقتنا جنگ مرحوم هر چند بنظر اهل تقاب عاری و بسکی  
 و سبک سری بر وضعیت طاری بود مگر دنیا دار و زمانه ساز و رعنایت محلات پناهی و -

و پیش بر خاص و عام رای داشت و قیام نشان از این محض بساخت و باخت را چه خوشحال چند بحال <sup>خوشحال</sup>  
 پسر گلانش که بر عهدہ کوتوالی صرف با عانت را چه چند وصل بہادر ما مور است محض سادہ لوح نا تجرب کار  
 و از فن و فریب کوتوالی و ہر یابی بر کتار است - قاضی بلکہ شریعت اللہ خان مرحوم در علم و فضل  
 متعجب علما و حیدر آباد مگر سادہ لوحی از علم کلیات و فہمید جزئیات معر بود ند با وجود این ہمہ بطبع  
 اینکه خود را در خیل امور ریاست سازند در وقت گزشتہ با ستظار دوستی مووی مفرمیں آوردند  
 لیکن بمہدق ہر کار سے بہر مرد سے از لوازمہ این کار چنانچہ باید عہدہ بر انشہ و ازین سو  
 رانندہ و از ان سو مانندہ از نظر با افتادند ذوالفقار خان پسر گلان قاضی مرحوم کہ از سہ سال  
 بعد انتقال والد خود ہا مرتضا ما مور است فی الجملہ بہ نسبت دیگر برادران خود علیت ار دیگر شخص  
 سادہ لوح و مثل طلبہ ہوا و جوس امتزاج دارد - سکندر یار جنگ مسک مزاج با لاف حقوق  
 مردم ستنا از زمانہ بعض عالمانہ و در بد باطنی و بد نفسی یگانہ زمانہ - ابر یار جنگ شخصیت دینا  
 ظاہری ممتاز مگر مسک مزاج اندالہ و اجرا کے کلوز باحتی الامکان حاضر در ادای حقوق  
 مردم حاضر نیستند - سید محمد علیخان بنظاہر فہمیدہ و سنجیدہ دنیا دار زمانہ ساز جو فرزندش ختم ناما  
 و در نفسونی و مبالغہ ستنا و دہر و در سلیقہ جو نیات چنانچہ باید و نشاید بطولی دارند مگر در فہم  
 کلیات و رسائی عمدہ مقدمات دخل ندارند در علم و نوشت و خوانند معر محض اند و بگرہ خود ہمہ  
 محبت و اخلاص اپناستہ و از بتجربہ جافانی نیستند و معنی رشوت میگیرند و ز خطر جمع ساخته و  
 خود راستی عمدہ خدمات میداند و از امیران شاہ جهان آباد خود را قرار دادہ تادی فی فرزندان  
 خود بہ قریب و در خانان عماد الملک مرحوم کردہ اند لیکن در نیجاسی از آنها ایشان و آتف نیست  
 ہماقتد کہ صد گزشتہ - نشی باقر الحسینی کہ بہری رسل صاحب بہادر تلمیذ علم فارسی از نشی مذکور  
 بنموند و با داد بہادر موصوف از سر کار را چه چند وصل بہادر جاگیر و غیرہ بقدر اوہ ہزار روپیہ  
 قرار یافتہ بود چنانچہ نا حال بحال است از بکر سفہ مزاج حرص و طمع شدت در مخرج غالباً نہ  
 نشی مذکور در ۱۳۳۰ ہجری در گزشتہ پسر نشی مرحوم کہ حبیبہ شفا فی خان حکم منسوب است ازین  
 باعث جاگیر و غیرہ بحال است باقر علیخان پسر نفع علیخان جیلہ الماس علیخان مرحوم کہ سابق چہ  
 بوکالت نوز الامر مرحوم بود و یہ نشان از ایہ مطون فلاحی و محل اجتناب است یعنی در گزشتہ

قرض بی محایا و صرف همت در اخراجات ارباب نشاط و بمقدور در خمر و شرب و بهر زنگه کرد  
 یگانه دهر - مولوی محمد حسین و مولوی غلام حسین مولوی بهائے مسطورین در ابتدا ملازم میر عالم غفور  
 و بعد آن بوساطت رفاقت میر الملک بهادر در سرکار جناب صاحب زریدنس صاحب آبدوس  
 میباشند مولوی اسود ظاهر از زمانه سازه و ساده مزاج و مولوی ابیض بد و فتوی ممتاز چنانچه  
 در سال گذشته در عشق کدام فاحشه از اقربایان قاضی بلد مناقشه شد مولوی ابیض قابویا فته  
 گوش حریف خود تراشید و مفور شده در موضع جاگیر خود سکونت کرد در حلیف مع دست  
 جوانان در آنجا رسیده بینی مولوی ابیض برید الحال از روی نادیدنی خود در بهان موضع جاگیر  
 سکونت دارند - شرف الدین خان محمل مزاج و مسک دور گرفتار رشوت بد طوطی دارد -  
 دلاور خان عرض بیگی راجه چند وصل بهادر غریب کتخ مردم آزار در تلف حقوق نوکری پیشه علمای  
 خود مستشار و هر و مسک مزاج نور الله خان برادر زاده عرض بیگی مذکور بشیر برزگر داد و با  
 و بد طبیعت مطلق کوه را کاه کاه در کوه نمودن شیوه خان مسطور است و در سلیقه نوشت و خواند  
 چند ان مهارت ندارد مگر خود را مستحق کار عمده میداند - حکیم شفا فی خان اول بنفارشش در  
 صاحب در سرکار راجه چند وصل بهادر ملازم شد الحال بوسل حکمت بقرب مقصبات راجه  
 مغز فایز شد و در معاملات نیز وصل دارد و راجه مغز مستحق حکیم مذکور را محل اعتماد میداند چونکه  
 مرد سخن و جهان دیده است و در معامله نیز مجرب است - باقر علیخان و غیره پسران محسن خان  
 مرحوم خان مسطور فاضل زبردست و در طبابت از ابلبار بلده ممتاز خود را سنجیده و فهمیده  
 گذر اوقات دارد اقربای حکیم ذکار الله خان شاه جهان آبادی است شیخ حسین از عجمه  
 ستر چهار سال بوساطت خوش آمدگویی در مزاج راجه چند وصل بهادر وصل از دو بره کرد  
 شراب خوار و خوش آمدگویی آنها ندارد و دوستک دوانی از امر او شرور قاصان در مولوی  
 پیش هر یک رفتن مرغ و سخن غمازی و ابله فزوی گفتن شیهه شیخ مسطور است سرد جنگ آبدوی  
 قربان جناب مولوی فخر الدین صاحب قدس سره و از قدیمان سرکار آصفیه بخوش طبعی و نیکبختی  
 گذر اوقات میسازند - جعفر لاجر جنگ کوه که بندگانی حال بهر چه گوی منصف اندیشی تراجار  
 مردم آزار بد طبیعت بد مزاج در تلف کردن حق غریب طوطی دارد - حکم جنگ و تهور جنگ پسران

داور الملک مرحوم هر دو سبکسر و سفته فزوح مصرف و عیاش خارج از محبت اند و با قضا  
 سفارت از تیکر بجا خانی نیند منور جنگ خلف نظر اله وله مرحوم مرد ساده لوح و بغض  
 عامیانه نه قابل نیرم نه آدم نرم از نام بزرگان خود نان در سرکار آصفیه می یابند و گذار و  
 دارند قوت جنگ فی لجه راه و رسم در بارواری موافق رویه این سرکار دارند بخندان قابل  
 ترفیع نه نهایت لایق مذمت (راجا چند وصل بهادر در پاس درسی نوازم مودت و اتحاد  
 مقرب دیگانه و بگرم جوشیهای محبت و ارتباط مستینا از زمانه پیوسته مراتب محبت اهدایت  
 متوسلانه از سرکار عظمت مدار مرعی و مسلوک داشته اند و همیشه از سرکار صاحب پذیرش  
 بهادر امداد و اعانت در امور ات راجه صاحب مفر عمل آمده است با چندین سخانت جهانی  
 بخوبی اجرایی امور ات سرکار میسازند در ظاهر داد و بخش و سخاوت بسیار لیکن در حقیقت اغان  
 مردم آنرا که اهدی از متولان فی حمایت را و نگذاشته اند و بر هر یک چشم توقع داشته  
 هر چند هر روز باندر سخاوت گرم میدارند لیکن نشان آن طیب حافظی این مقال که  
 طیبی هر گاه بگورستان رفتی چادر بر روی خود کردی مردمان پرسیدند که سبب این صیفت  
 گفت که از رفردگان این گورستان شرم میکنم زیرا که از دوا می من مرده اند جناب  
 بهاراج اندیشه عاقبت میدارند و از خدام شرم نمانند ظالم محبت - راجه گو بند بخش بهادر  
 بفراخ حوصلگی در سانی مقدمات عمده چند ان از بهاراج راجه چند وصل بهادر کی نمانند الا  
 در داد و بخش کو بموقع خرج دارند و در اخذ و استراغ مال مردم کیتای زمانه که تربیب کور پویه  
 جمع کرده اند - راجه را و رهنها بهادر در سرکار آصفیه از قدیم مورد عنایت و اکرام و حرمت  
 احترام مانده هر چند بظواهر ابلت و آدمیت دارند مگر محض ساده لوح و صرف سیاهی مزاج  
 در عهد میر عالم مغفور بقصونادانی از بلده اخراج گردید بمقام جایگز خود سکونت میداشتند -  
 راجه شیرواج پرست و دنیا دار و زمانه ساز سنجیده و فنییده از قدیم در سرکار جناب صاحب  
 وزیرین بهادر یک گونه راه و رسم متوسلانه داشته است - راجه جنگ جیون داس و نس  
 بقص سلیم هر دو به استیقام واقف آئین و کالت اهل بنید و ما هر طرز مردار اهل دکن و شخصیت  
 و ابلت پیوسته آمد و رفت در سرکار جناب صاحب وزیرین بهادر داشته اند و همیشه از سرکار

ممدوح امداد و اعانت دوشانه در مقدمات و کالت رای مفرجهل آمده است - لگو رام  
 متصدی به خیال گرم باناری خویش در سرکار جناب صاحب نیدن بهادر آمد و رفت دارد  
 مگر شمار الیه شخصی هر چای و از ذوق خوشونی خالی نیست - راجه بالکشن برادر بنی عسم  
 راجه چند و عمل بهادر در امورات عمده رسائی ندارد و مزاج عامل بیماشی و سفله مزاج اند  
 مال عزبا بسیار دارد - راکه سکه عمل حشر پوره راجه گو بند بخش بهادر نهایت مصرف و  
 عیاشی چندان حوصله ندارد - راجه دیب چند خویش بهار راجه چند و عمل بهادر نهایت مصرف  
 و بد معاش و در گرفتار قرض بیلطبی دارد - راجه خوش حال چند متصدی  
 خوب در نیوقت بی نظیر اما در گرفتن رشوت و مساک یکتا و خانه بر انداز راجه خوب چند  
 پسر راجه کیول کتن متونی در علم سیاق و دستگاه مرد ساده از کیفیت دفتر با مطلع هنوز  
 نوا آموز چندان مشوق و استعداد ندارد در راجه دیبک راکه در جزرداری دفتر واقفیت  
 و جواب همیشه زاده خوشحال چند است راجه نیم دنت متصدی جز رس اما جوهر فامانت  
 و دیانت و پاس رفاقت دارد راجه بال کند و راجه بهوانی بر نشا و روز نوشت و خواند فاما  
 سلیقه دارند اما صفاک در انشی راجه و یا بهادر مصرف و مزاج بله و موب بچ رسائی نمیدارد  
 راجه سگپو رودر عامل پیشینه بفتور و دخل بازی و عیاشی و شراب خوار و مصرف هر چه پاس  
 قدامت نان می یا بند رای راجه سیر را و در فن متصدی گری یباقت و ولت دارد و عمل  
 بهالوج راجه چند و عمل بهادر است راکه پال چند برادر راجه چند و عمل بهادر عامل پیشه در  
 سوال و جواب نمیدارد ان در رشوت گرفتن دستگاه و اندک سخت مزاج دارد و راجه  
 رکصا ته داس چو دهری بهل خانه و جنسی سرکار عالی واقف کارخانه جات متغلب و  
 متصرف ماد جو چو دهری پسر نتهو چو دهری کوتوال بیگم بانار در مزاج رشوت و دستخا گیری  
 بسیار دارد راکه کم کرن قبنه راجه سلو لوج و نت متونی در فن سیاق مهارت دارد و  
 واقفیت دفتر راکه است راکه راجه اند را و سیاحتی نوا آموز حوصله اش ظاهر نشده  
 راکه پال چند برادر راجه بالکند سر رشته دارد دفتر اجنبی در سیاق دستگاه دارد  
 راجه گو بند ز این پسر راجه نیمونت نوا آموز چندان حوصله ظاهر ندارد راکه پسر داس

مذکور پسر بهمن راج پنڈت متوفی بعلاقه مقصدی گری در وقت نظامت نجفیه بنیاد و در عظیم الدوله  
 بود آدم خوب و معامله دان رائے نارائن راؤ جاگیر دار بمیل کب پٹھیکا سد یوانی بادشاهی مرد رس  
 و کار دان و بادویانت و محبط و فاطر محمد بی راجه شیشام راج متوفی و تهن اس مینی پسر مناراؤ برادر  
 پرنس اب و دنت مرد و غریب و خانقانی مورا اعتبار بسیار دارد راجه جگد یوسیر راجه کلیسان راؤ خوی  
 انندی بانی همیشه راجه حاجی سینه هیه درینجا حاضر است مرد در زاده است کنور و لعل سنگه  
 پسر راجه جوده سنگه قلعه ارسویمه محراباد بیدر مرد پیاپی قدری معاش دارد آئی جی کنور  
 در رساله غلام سیه خان مرحوم سررشته نویسنده گری و در فن بیاق و سنه گمان دارد -  
 پنڈت راؤ پسر مادهوراؤ به اور راجه کیشور او و کین مرسله مرد سلیم الطبع رائے چله رام مقصد  
 سرکار نواب غیر الملک بهادر امرت راؤ و غیره متصویان و قراستینها مادهور سنگه رام پنڈت  
 در منصبداران در نظام مردان اواراه و رسم درست لیکن بک مزاج - نقطه  
 تا اینوقت هر چه کیفیت موجوده بود حواله مسلم یادگار رقم نمودم که بمطالعش یا رگام  
 باقی باشد و کیفیت طبقات آینده هر که مانند آنها داند -









